

ایران

شهدای قدس - ۲

دی ۱۴۰۲

پرونده‌ای
برای ۱۳ شهید شاخص
جنبش جهاد اسلامی

ابرمرد مقاومت

به همراه یادداشت‌ها
و اشعاری از:

ناصر ابوشریف، مجید صفاتاج
مهدی خالدی، شهید علی فودة
سمیح القاسم و تمیم برغوثی



حشجرة هاد



شعار اصلی:

مقاومت تنها راه آزادی قدس



رهبر فعلی:

زیاد
النخّاله



رهبر دوم:

مرحوم دکتر رمضان
عبدالله شلح



بنیان گذار:

شهید دکتر فتحی
شقاقي



تأسیس: سال ۱۹۸۱ میلادی در غزه



نقاط قوت:

۱. حضور نظامی در کرانه باختری
۲. سازمان رزم منظم و قوی
۳. دستگاه اطلاعاتی قوی و دیپلماسی امنیتی فعال



اصول اعتقادات:

۱. دین رسمی: اسلام
۲. فلسطین، سرزمین ملت اسلام
۳. حرمت به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی
۴. به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی به مثابه خیانت

اهم اقدامات
سیاسی:

۱. مخالفت با پیمان اسلو (۲۰۰۳ م.)
۲. تحریم انتخابات مجلس قانون گذاری (۲۰۰۶ م.)
۳. مخالفت با معاهده صلح مصر با رژیم اشغالگر قدس در سال ۲۰۱۴ م.
۴. اقدام برای رفع تنش بین حماس و دولت مصر (۲۰۱۴ م.)





مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ
مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا
در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه
ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)،
و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییری و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.



ناصر ابوشریف | در امتداد

نهضت عاشورا ۴

مجید صفاتاج | جنبش جهاد اسلامی نماد

پیروزی مقاومت شبکه‌ای ۳۴

مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

• مدیر عامل:

محمد حسن روزی طلب

• سردبیر:

حسام‌الدین برومند

• دبیر ویژه‌نامه:

حامد شیخ‌پور

• دبیر تحریریه:

حسین محمدی اصل

• هیأت تحریریه:

حسین دارابی، حمیده معینی قالیبافان

ابوطالب عرب، فاطمه اسکندری فر

وحید فکری، علی‌ه حاجی ابراهیمی

← شهید «دکتر فتحی ابراهیم الشقاقی»

دکتر فتحی شقاقی، مردی که با اندیشه و قلم به مصاف صهیونیسم رفت | ابرمرد مقاومت ۶
خیزش ملت ایران، الگوی تحول‌آفرین جهان اسلام | انقلاب به روش «روح‌الله» ۷
نگاهی به اندیشه‌ی مردی که به مقاومت هدفمند معتقد بود | فاتح اندیشه‌ها ۸
تلاش برای وحدت شیعه و سنی و مسیحی | افشای غوغای ساختگی ۱۱
روایت مردی که خودش را پیرو خون سالار شهیدان (ع) می‌دانست | شهید جهاد تبیین ۱۲
ترور ابراهیم، نماد شکست صهیونیست‌ها | اسطوره جهاد ۱۴

← «رمضان عبدالله محمد شلح»

زندگی‌نامه‌ی مرحوم دکتر رمضان عبدالله شلح | خط‌شکن ۱۶
اسلام و غرب | جدال تضادها در تاریخ و واقعیت ۱۹
«عبد خدا» از آرمان «قدس» می‌گوید | غزه «مقاومت‌شهر» ماست ۲۰
مردی که میدان جنگ را مثل کف دستش می‌شناخت | استاد آزادی خواه ۲۲
رمز گشایی از اتاق فکر سردار سلیمانی و دکتر رمضان شلح | یار حاج قاسم ۲۴

← شهید «محمود عرفات الخواجه»

زندگی‌نامه محمود الخواجه، بنیان‌گذار نیروهای رزمی جهاد اسلامی | فرمانده مردمی ۲۶
بررسی نقش عوامل مزدور موساد در ترور «ابوعرفات» | نفوذ ۳۰
تجسم زندگی فرمانده شهید محمود الخواجه | سفر زندگی از تولد و شهادت ۳۱
ابرمردی که صهیونیست‌ها را لال کرد | محمود الخواجه؛ ستاره‌اشدود ۳۲
محبتی که عطر شهادت داشت | سردلبران ۳۳

← شهید «ایاد العبد الحسینی»

فرماندهی که شیر بیشه‌ی مقاومت نام گرفت | ابوانس؛ «العبد» ۳۸
برادر، برادر را به روایت می‌نشیند | چریک خوش تیپ غزه ۴۰
دست برتر فرمانده «الحسینی» مقابل جاسوسان کربا | کابوس شین بت ۴۳

← شهید «حسام ابو حربید»

کسی که موشک اول سیف‌القدس را شلیک کرد | دانشمند جوان ۴۴
موشکی که برای ترور شخصیت‌های مهم به کار می‌رود | شهادت به سبک حاج قاسم ۴۶

← شهید «بهاء ابوالعطاء»

زندگی‌نامه‌ی خطرناک‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی | علمدار جهاد اسلامی ۴۸
مردی که کل اسرائیل برای کشتن او به صف شده بود | فریاد طلوع ۵۰



مهدی خالدی | جهاد اسلامی فلسطین و
تغییر معادلات؛ پادشاه لخت است! ۵۴...

→ شهید «تیسیر الجعبری»

تیسیر الجعبری، مردی که زندگی اش بر مبنای جهاد استوار بود | شهید دین و امت ۵۶
فرمانده الجعبری به روایت همسر، خواهر و دخترش | شهادت در سالروز جشن ازدواج ۶۰

→ شهید «علی حسن الغالی»

شهید علی الغالی: فرمانده متعهد در سایه | مرد موشکی فلسطین ۶۲

→ شهید «خالد منصور»

قهرمان ورزش، موشک، پهباد و رسانه | مردی که بر راه های آسمان مسلط بود ۶۴
روایت دختر شهید خالد منصور از پدر مجاهدش | پدر محبوب ۶۷

→ شهید «خضر عدنان محمد موسی»

«خضر عدنان» بنیان گذار اعتراض نودر فلسطین | نانوایی که از شدت گرسنگی شهید شد ۶۸
روایت آخرین لحظات عمر شهید خضر عدنان | هیئات منالذله ۷۰
پس لرزه های شهادت رئیس الاسراء | روزهداری که افطار نکرد ۷۱
شهیدی که زندان ها را به میدان جنگ تبدیل کرد | نهضت شماره ۲۳۷ ۷۱
وصیت نامه ای با عشق به مردم | به خدا اعتماد کنید و ناامید نشوید ۷۲
آخرین سخنان شهید اعتصاب از زبان همسرش | یا آزادی یا شهادت ۷۲

→ شهید «طارق ابراهیم عزالدین»

«طارق عزالدین» مردی که به آسمان ها تبعید شد | پرواز هم آغوش فرزندان ۷۴
من، طارق، یک فلسطینی آزادم | خانه دوست کجاست ۷۶

→ شهید «محمد ابوشحاده»

نگاهی به زندگی و زمانه فرمانده شهید «محمد ابوشحاده» | زمینه ساز ظهور ۷۸
فرماندهی که عاشق مکتب اهل بیت (ع) شد | دور از تعصب ۸۱
فرمانده محمد به روایت خانواده و نزدیکان | مرد غیبت های طولانی ۸۴
داستان نوجوان فلسطینی که با عملیات های مسلحانه صهیونیست ها را همراه کرد | اولین شلیک ۸۵

→ شهید «محمد ابو عبد الله ابومرشد»

زندگینامه محمد ابومرشد؛ فرمانده فنی هسته های جهادی | مهندس گردان های القدس ۸۶
مردی با همت بلند ۸۹
«واژگان آزادی» ۸۹

→ هنر و ادبیات

آن گاه که واژگان به انتفاضه برمی خیزند | طوفان الاسماء ۹۰
نگاه مستند سازان به مجاهدت مردم فلسطین | صدا، دوربین، مقاومت ۹۳
نگاهی به توان هوافضای جهاد اسلامی فلسطین | از راکت «بدر» تا موشک نقطه زن «قاسم» ۹۶

- معاون اجرایی: هاشم سروش پور
- معاون فنی: محمد ملاعلی اکبری
- ویراستار: محسن جانیپور
- صفحه آرایی: محمد عباسپور
- ویرایش تصاویر: شبنم رضوانی

- نشانی:
- تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۳۸
- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ - نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
- لیوگرافی، چاپ و صحافی:
- مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

در امتداد نهضت عاشورا

س
مقاله

گذشته ادامه داشت. همه این موارد دلایلی حقیقی بودند که باعث می‌شدند همه فلسطینیان با اشغالگران مبارزه کنند. تا بتوانند خودشان بر خودشان حکومت کنند و سرنوشت خود را تعیین کنند. لذا همه ملت فلسطین از ابتدای قرن گذشته برای مبارزه با اشغالگران بسیج شدند. در ابتدا مبارزه علیه اشغالگران انگلیسی که پروژه تاسیس رژیم صهیونیستی و دولتی برای قوم یهود را بر خلاف منافع ملت فلسطین در سر داشتند، شروع شد. مسئله فلسطین در مرتبه اول، مسئله جهان اسلام است زیرا فلسطین مانند موزه ای برای ادیان است. مسجد الاقصی که یک نماد اسلامی بزرگ، قبله اول مسلمانان، سومین مسجد مقدس و محل معراج پیامبر است را دربر گرفته است. فلسطین همچنین محل تولد و رشد حضرت مسیح (ع) است. لذا همه این امور فلسطین را به سرزمینی مقدس برای مسلمانان تبدیل کرده است. در نتیجه آزادی آن هدفی ملی، قومی و دینی بزرگی است. در میانه دهه پنجاه و دهه هشتاد میلادی در قرن گذشته بسیاری براساس مبانی مختلفی عمل می‌کردند. در آن دوره تحرکات قومیتی و چپ‌گرا وجود داشتند، لذا مبارزات براین اساس شکل گرفت. مسئله فلسطین همان‌طور که عرض کردم یک جریان اسلامی با هویتی اسلامی است. لذا حرکت و هدف باید بر اساس اسلام باشد، و اندیشه جنبش جهاد اسلامی براین اساس شکل گرفت. این اندیشه بین مردم فلسطین و اسلام وحدت ایجاد می‌کند. این اندیشه بین این مسئله آزادی خواهانه، انسانی و اخلاقی و اسلام به عنوان چارچوبی وسیع‌تر از این عناوین، وحدت ایجاد می‌کند. آن را به عنوان بخشی تمدنی از اسلام مطرح می‌کند که در برابر فرهنگ غرب قرار می‌گیرد. جنبش صهیونیستی و رژیم آن تنها نبوده بلکه، غرب آن را حمایت و پشتیبانی می‌کند و دلایل خاصی برای این کار دارد، دلایلی مانند استعمار، خاتمه دادن به مشکل یهود و همچنین عقیده انگلوساکسون‌ها که به بازگشت مسیح به شرط وجود این دولت یهودی در فلسطین، اشغال قدس و مسجد الاقصی و بنای هیکل سلیمان ایمان دارند بخشی از این دلایل است. همه این موارد چالشی تمدنی بین تمدن اسلام و غرب ایجاد کرد.

جنبش جهاد اسلامی از جنبش‌هایی است که برای خود یک رسالت قرار داده است و آن هدف، همان مبارزه با دشمن و ادامه آن تا آزادی قدس شریف و بیداری این امت در راستای پیروزی بر طرح‌های رژیم اشغالگر و

غربی است. پیروزی در میدان

فلسطین امت اسلام را قوی، یکپارچه و قدرتمند خواهد کرد. ما از ابتدا با دست خالی مبارزه را شروع کردیم و تاکنون هم آن را متوقف نکرده ایم. مبارزه، مقابله و درگیری با دشمن همه این‌ها صرفاً تعدادی کلمه نیستند که به زبان می‌آوریم، بلکه اقداماتی هستند که در میدان جامه عمل پوشیده

اند. لذا شهیدان زیادی تقدیم کرده‌ایم، ترورهای بسیاری علیه ما در فلسطین اشغالی و خارج آن اجرا شده است. شهید پروری و حرکت در راه خدا، از لحظه تاسیس، اصلی ترین انگیزه معنوی جنبش جهاد اسلامی بوده است. این جنبش مردمی، هر روزه چند شهید، مجروح یا اسیر تقدیم جبهه مقاومت می‌کند. تحرک بزرگی که مقاومت در کرانه باختری از خود نشان داده یک جهاد الهی است. گردان‌هایی که آنجا شکل گرفته، مانند گردان جنین، طوباس، طولکرم و نابلس همه زیرمجموعه جهاد اسلامی هستند. این گردان‌ها هر روز چند شهید تقدیم می‌کنند. لذا خط شهادت، خط این جنبش است، شهادت خط شرافت، عزت، کرامت و دستیابی به اهداف حقیقی است. شهادت فعلاً خط صدق در هر مبارزه‌ای است. لذا جهاد اسلامی با شهادت ممتاز شده و نقش مهمی را ایفا می‌کند و به خاطر فعالیت‌هایش جایگاه محترمی بین گروه‌های مقاومت و ملت‌ها پیدا کرده است. جهاد اسلامی هیچگاه ساکت ننشسته و نظاره گر حوادث فلسطین نبوده و علی‌رغم این که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تنها این جنبش را هدف قرار دهد اما این جنبش به طور مستقل عملیات بسیاری اجرا کرده است. این جنبش هیچگاه و در هیچ معرکه‌ای سست و ضعیف نشده است. لذا جنبش جهاد اسلامی ملت فلسطین با شهادت و مقاومت الگویی موفق برای همه جنبش‌های اسلامی و جنبش‌های آزادیبخش در منطقه ارائه کرده است.

آنگاه که خورشید جهاد طلوع کرد

قطعا در تاسیس جنبش جهاد اسلامی عوامل متعددی تاثیر داشته است. مهمترین عامل در این راستا، مسئله ملی فلسطین یعنی اشغال مملکت قدس شریف است که البته اوضاع آن زمان و امروز دولت‌های عرب و جهان اسلام نیز در تاسیس آن تاثیر بسزایی داشت. در آن دوران ما تحت اشغال صهیونیست‌های غرب ساخته بودیم، دشمنی وجود داشت که فلسطین را اشغال کرده بود. مقدسات ما اشغال شده بود، تعدی به مردم فلسطین از ابتدای قرن

ناصر ابوشریف

نماینده جنبش جهاد اسلامی
فلسطین در ایران

شهادت پروری و حرکت در راه خدا، از لحظه تاسیس، اصلی ترین انگیزه معنوی جنبش جهاد اسلامی بوده است. این جنبش مردمی، هر روزه چند شهید، مجروح یا اسیر تقدیم جبهه مقاومت می‌کند. تحرک بزرگی که مقاومت در کرانه باختری از خود نشان داده یک جهاد الهی است. گردان‌هایی که آنجا شکل گرفته، مانند گردان جنین، طوباس، طولکرم و نابلس همه زیرمجموعه جهاد اسلامی هستند

«ابوشریف» را بهتر بشناسید

برای مطالعه زندگینامه و سوابق ناصر ابوشریف فایل کیو آر کد را اسکن کنید.



◀ نهضت امام حسین (ع) را ادامه می‌دهیم

فلسطین بخشی از امت اسلامی است که در معرض تجزیه و عدم تعیین سرنوشت از سوی ملت‌ها قرار دارد. حاکمانی به نیابت از غرب بر این ملت‌ها سلطه می‌کنند و ثروت‌های آنان توسط این حاکمان غرب‌گرا به یغما می‌رود. بهتر است بگوییم که، رژیم صهیونیستی در این منطقه ایجاد شده تا این وضعیت اسفناک ادامه یابد. لذا بیداری اسلامی بخشی از آزادی فلسطین است. شهید فتحی شقاقی این گونه فکر می‌کرد. البته قطعا نمونه‌های بزرگی در ایثار و شهادت وجود دارد. دولت پیامبر (ص) که از یک فرد شروع شد و تا همه جهان در دوره‌ای از تاریخ گسترش یافت، نمونه‌ای از آن است. در این دوره نمونه‌های بسیاری در شهادت وجود دارد، جنگ بدر، احد، خندق، خیبر، تبوک و جنگ‌های دیگر نمونه‌های والا هستند. پس از آن نیز جنگ‌های دیگری بین مسلمانان و کفار و دولت‌های بزرگ آن دوره شکل گرفت که البته مسلمانان پیروز آن نبوده‌اند بودند. قطعا امام حسین (ع) الگوی بارزی در این میان است زیرا امام حسین نماد بزرگی در موضوع مقابله امکانات اندک با امکانات بسیار زیاد است. وی مثال بارز خونی است که در برابر شمشیر قرار گرفت. ملت فلسطین تقریبا هیچ امکاناتی ندارد و در مقابل قدرت‌های بزرگی قرار گرفته است که امکانات مادی گسترده‌ای دارند. لذا بارزترین الگو برای ملت فلسطین نهضت امام حسین (ع) است، الگویی با کمترین امکانات و خونی که در مقابل شمشیر ایستاد. لذا امام حسین با توجه به جایگاه دینی و اعتقادی ایشان، به عنوان الگویی بزرگ برای همه مستضعفان جهان در مبارزه با مستکبران است.

◀ فتحی شقاقی، رهبر همه دوران

شهید فتحی شقاقی با اندیشه، حرکت و سفر به همه نقاط فلسطین و دعوت به این اندیشه مبارزه خود را شروع کرد و به همین دلیل زندانی شد. جرقه انتفاضه به برکت اندیشه‌ای که در بین مردم فلسطین در حال انتشار بود و به آن امید جدیدی می‌بخشید، شعله‌ور شد. پس از تبعید، او جنبش جهاد اسلامی را خارج از فلسطین پایه‌گذاری کرد. پس از آن در امتداد انتفاضه اول مبارزه مردم فلسطین با اجرای عملیات‌های بزرگ به ویژه از سوی جهاد اسلامی به اوج خود رسید. عملیات بیت‌المقدس ثابت کرد که جنبش جهاد اسلامی جنبشی محوری در سطح مبارزه، جهاد، سیاست، جامعه و میهن است. این جنبش در بین مردم فلسطین خود را به اثبات رساند. این امر باعث شد که سران صهیونیسم، جنبش جهاد اسلامی را خطرناک‌ترین جنبش در میدان فلسطین قلمداد کنند. زیرا این جنبش، حرکتی اعتقادی بود که امکان مطیع کردن آن وجود نداشت. لذا تصمیم ترور دبیرکل جنبش جهاد اسلامی یعنی آقای فتحی شقاقی اتخاذ شد. زمانی که آقای فتحی شقاقی شهید شد جنبش جهاد اسلامی یک جنبش مستحکم بود. از سوی مردم مورد حمایت بود و جوانان، فرزندان و رهبرانی برای خود داشت. در نتیجه راه شهید دکتر شقاقی به واسطه آنان ادامه یافت. اعضای این جنبش از شخصیت، اصول، اندیشه و رویکرد او قداست بیشتری دریافت کردند. چرا که اندیشه او پس از شهادت به نوعی ایمان و عقیده تبدیل شد. شهادت دکتر فتحی شقاقی نور، هدایت و نیرویی برای جنبش جهاد اسلامی ایجاد کرد. که پس از آن باعث گسترش این جنبش شد. دبیرکل جدید جهاد اسلامی در آن زمان، یعنی دکتر رمضان عبدالله، جنبش را رهبری کرد و آن را توسعه داد. دکتر رمضان شلح باعث ریشه‌دار شدن جنبش و مبانی آن شد و روابط مستحکمی با گروه‌های مقاومت و کشورهای پیرامون ایجاد کرد. در نتیجه، این جنبش جایگاه مهمی بین ملت فلسطین، سایر گروه‌های مقاومت در منطقه و کشورهای مهمی که در کنار حق ملت فلسطین ایستاده‌اند، پیدا کرد. پس از آن انتفاضه دوم شکل گرفت و باعث شد حرکت این جنبش سرعت بیشتری به خود بگیرد.

رژیم صهیونیستی را از بین خواهیم برد



ابوشریف در گفتگو با جام جم آنلاین: صهیونیست‌ها ۱۰۰ سال است مشغول سرقت از فلسطینی‌ها هستند. هرچقدر هم خرج کنند نمی‌توانند رژیم صهیونیستی را نگهدارند. رژیم صهیونیستی را از بین خواهیم برد.

شهادت دکتر فتحی شقاقی رمزی برای این جنبش شد. اعضای این جنبش به وی به عنوان موسس، فرمانده و معلم خود می‌نگرند و تاکنون وی برترین الگوی جنبش جهاد اسلامی است.

◀ مردی که شجره طیبه مقاومت را گسترش داد

دکتر رمضان عبدالله شلح دبیرکل و رهبر جهاد اسلامی بود که با شهادت دکتر شقاقی به عنوان نفر اول مورد تعقیب آمریکایی‌ها قرار گرفت. خاطر هست که جایزه بزرگی برای کسی که او را تحویل دهد اعلام شد و در پس همه این امور معلوم بود وی هدفی برای موساد و همچنین آمریکایی‌ها شده است. دشمن تلاش متعددی برای ترور وی انجام داد. ایشان چند بار در دمشق مورد هدف قرار گرفت به ویژه پس از حوادث سال ۲۰۱۱. اما الحمدلله ریاست جنبش جهاد اسلامی را ادامه داد و آن را توسعه بخشید. او توانست چارچوب،



رژه اعضای جنبش جهاد اسلامی فلسطین در خیابان‌های غزه، ۵ ژانویه ۲۰۲۲

عکس از AFP

روابط و ریشه‌های این جنبش را تنوع بدهد. در سطح نظامی نیز جنبش را به جایی رساند که بر آن حساب ویژه‌ای باز شد. البته همه این فعالیت‌ها انگیزه‌ای برای غرب و رژیم صهیونیستی ایجاد کرد تا او را هدف قرار دهند و ترور کنند. همان طور که بیان کردم چندین عملیات ترور علیه او شکل گرفت. اما بیماری اخیراً و یک بیماری بیولوژیک یا شیمیایی نبود. بلکه یک بیماری عادی و طبیعی بود و در اثناء معالجه دچار اغما شد و پس از مدتی عروج شهادت گونه ایشان را شاهد بودیم. غرق رحمت و رضوان الهی باشند. از خداوند متعال خواستاریم او را با صدیقین، انبیا، صالحان و شهدا محشور کند.

دشمن را چگونه بشناسیم؟

ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران در جمع دانش پژوهان: حضرت امام (ره) یکی از بزرگترین رهبران در تمام اعصار بودند. امام خمینی (ره) در سخنان‌شان دشمن‌شناسی را در ساده‌ترین مثال‌ها به ما توضیح می‌دادند و آمریکا را شیطان بزرگ و رژیم صهیونیستی را شیطان کوچک قلمداد کردند و با همین کلمات کوچک دشمن‌شناسی را به ما یاد دادند، حضرت امام (ره) بر همین اساس نظام مقدس جمهوری ایران را بنا کردند.





دکتر فتحی شقاقی، مردی که با اندیشه و قلم به مصاف صهیونیسم رفت

ابر مرد مقاومت

❖ وقتی «ابو ابراهیم» وارد میدان شد

ابو ابراهیم در سال ۱۹۶۸ از دبیرستان فارغ التحصیل شد. او علوم و ریاضیات را در دانشگاه بئرزیت خواند و به عنوان معلم در اورشلیم مشغول به کار شد. در سال ۱۹۷۴ در رشته پزشکی دانشگاه زاغزیگ مصر به تحصیل پرداخت. منابع می گویند که در دوران دانشجویی در دانشگاه زاغزیگ شروع به سازمان دهی چیزی کرد که بعدها به «جهاد اسلامی» تبدیل شد. او دو بار در مصر دستگیر شد؛ اولین بار در سال ۱۳۵۸، سالی که کتابی درباره انقلاب اسلامی ایران با عنوان «خمینی: راه حل اسلامی و جایگزین» به اتهام مخالفت با نظام و عضویت در گروه های اسلامی در مجله اسلامی «المختار» با نام عاریه نوشت.

وی در سال ۱۹۸۱ میلادی پس از ترور مرحوم انور سادات به ظن ارتباط با جریانی که این عملیات را انجام داده بود، مجدداً در مصر دستگیر و از مصر تبعید شد و به فلسطین اشغالی بازگشت و ابتدا به عنوان کارمند مشغول به کار شد. دکتر در بیمارستانی در قدس اشغالی کار می کرد، سپس یک درمانگاه خصوصی در غزه افتتاح کرده و جنبش جهاد اسلامی را راه اندازی کرد.

در اوایل مرداد ۱۳۶۷، مقامات اشغالگر، ابو ابراهیم را به لبنان تبعید کردند و سپس برای زندگی به دمشق نقل مکان کرد. شهید دکتر فتحی الشقاقی در مصاحبه ای با (الاحد) که در ۷ فروردین ۱۳۶۸ و اندکی پس از تبعید از فلسطین اشغالی منتشر

شهید دکتر فتحی ابراهیم الشقاقی (ابو ابراهیم)

در سال ۱۹۵۱ در اردوگاه آوارگان رفح در فلسطین اشغالی به دنیا آمد و خانواده وی در سال ۱۹۴۸ از روستای زرنوقا در منطقه رمله به نوار غزه مهاجرت کرده بودند و در آنجا زندگی می کردند. او در اردوگاه رفح از پیشینه اجتماعی ضعیفی برخوردار بود. پدرش تنهاپسر پدر بزرگش بود که امام جماعت مسجد روستای محل تولدش شده بود و به تربیت دینی او اهتمام می ورزید. پدرش اغلب به نماز اصرار می کرد و او هم با اشتیاق قرآن می خواند. در رابطه با شخصیت شهید فتحی شقاقی، برخی چهره های محلی می گویند: فضای حاکم بر جهان عرب در دهه های ۶۰ و ۵۰ همه جوانان را تحت تأثیر فضای ناسیونالیستی و ناصری قرار داد؛ اما پس از شکست ۱۹۶۷ و سقوط تزه های سکولار و نمادهای آن ها، شور و شوق اسلام شروع شد و مسیر جدیدی معرفی شد که مشخصه آن تعهد به اسلام در اندیشه و رفتار در همه سطوح بود. شهید دکتر فتحی شقاقی پیشگام و عنصر اثرگذار انقلابیگری و نواندیشی در فلسطین امروز محسوب می شود.



خیزش ملت ایران، الگوی تحول‌آفرین جهان اسلام

انقلاب به روش «روح‌الله»

کتاب «امام خمینی، تنهاگزین» نوشته شهید «فتحی شقاقی» است که توسط نشر اطلاعات منتشر شده است. در این اثر به اجمال درباره تاریخ معاصر ایران و اندیشه تشیع بحث‌هایی مطرح می‌شود که برای خواننده عرب و به‌ویژه نسل جوان مسلمان آن، آگاهی از آن‌ها، اهمیت خاصی دارد و پس از مقدماتی از تاریخ ایران و چگونگی سلطه و نفوذ استعمار و ایادی آن، سرانجام مؤلف شهید در جمع‌بندی نهایی به این نتیجه رسیده است که راه حل اسلامی و آلترناتیو واقعی در قبال دشمن مشترک مسلمانان، امام خمینی (ره) و روش مردمی ایشان است؛

۲. شیعه و سنی، غوغای ساختگی: در این رساله، شهید شقاقی از توطئه و برنامه دشمنان اسلام و غرب و عده‌ای از جاهلان برای ایجاد تفرقه و فاصله و اختلاف بین شیعه و سنی و فعالیت‌های تبلیغاتی گسترده آنان در این خصوص، سخن می‌گوید؛

۳. مرکزیت مسئله فلسطین: مسئله فلسطین نه تنها یکی از اصلی‌ترین مسائل جهان اسلام، بلکه مهم‌ترین مسئله دنیای اسلام است. شهید شقاقی در رساله سوم به این موضوع و اهمیت آن برای مسلمانان پرداخته است.



دکتر فتحی شقاقی با خانم «فتحیه الخياط» از اهالی منطقه قدس شریف ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک دختر به نام «خوله» و دو پسر به نام‌های «ابراهیم» و «اسامه» است. نام دخترش خوله را به تبرک از نام یکی از دروازه‌های امام حسین علیه‌السلام که مدفن او در لبنان است برگزید.

شد، درباره شرایط تبعید خود از فلسطین اشغالی و نقش جهاد اسلامی صحبت کرد.

رهبری انتفاضه

شهید شقاقی می‌گوید: نقطه عطف دوران تبعید او در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۶ بود که شش نفر از اعضای جهاد اسلامی موفق به فرار از زندان مرکزی غزه شدند و مقامات اشغال‌گراو را در این حادثه دخیل دانستند. بنابراین او را به زندان دیگری منتقل کردند. شهید می‌افزاید: در اثر فرار برادران مجاهد از زندان، عملیات نظامی علیه دشمن شدت گرفت و اوج این عملیات‌ها در ۱۵ مهر ۱۳۶۶ بود که در پی عملیاتی مشخص، چهارتن از مجاهدان جهاد اسلامی به شهادت رسیدند. نیروهای اشغال‌گرس از کشف آثاری از ارتباط من با مجاهدین، مرا در داخل زندان بازجویی کردند؛ اما در خارج از کشور ارتباط من با برادران خارج از کشور به طرق مختلف ادامه یافت تا اینکه در تیرماه ۱۳۶۷ دشمن ماهیت آن تماس‌ها را کشف کرد. حضور من حتی در داخل زندان فلسطین هم معنی و فایده‌ای نداشت و پس از قطعی شدن حکم من در داخل زندان دستور تبعید من را صادر کردند.

نقش جهاد در آغاز نبرد

شهید شقاقی در رابطه با نقش جنبش جهاد اسلامی در آغاز انتفاضه، معتقد است که عامل اصلی آغاز انتفاضه، اسلام است؛ به‌ویژه پس از نزدیک شدن مردم فلسطین به اسلام و پس از آنکه متوجه شدند پیشنهادهای سکولار نتوانسته‌اند به آرزوهایشان برسند. وی با اشاره به اینکه ۱۵ مهر ۱۳۶۶ آغاز جرقه انتفاضه بود، خاطرنشان کرد: در این روز نبرد قهرمانانه توسط چهار تن از دلاوران جهاد اسلامی با اطلاعات و سربازان دشمن در دروازه‌های شهر غزه (الشجاعیه) انجام شد. شهید شقاقی می‌گوید: این نبرد آن قدر نمادها و دلالت‌ها را به همراه داشت که رنگ را از آگاهی و احساسات مردم مسلمان فلسطین زدود؛ بنابراین این آگاهی و این خشم به این خیزش عظیم مردمی منجر شد.

از خانواده تا شهادت

وی با فتحیه‌الخياط که اهل بیت المقدس است، ازدواج کرده و دارای سه فرزند خوله (شش ساله)، ابراهیم (چهارساله) و اسامه (دوونیم ساله) است. او در ۱۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ در مالتا هنگام بازگشت از لیبی که به دنبال یافتن راه‌حلی برای درد و رنج فلسطینیان تبعید شده بود، توسط موساد صهیونیستی به ضرب گلوله به شهادت رسید.



دهم آبان ماه سال ۱۳۷۴، پس از تأیید خبر شهادت دکتر فتحی شقاقی مردم تهران به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در میدان فلسطین تهران گرد هم آمدند تا اعتراض خود را نسبت به ترور این مبارزه فلسطینی ابراز دارند. سخنران این مراسم حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری بود که در آن زمان دادستان ویژه روحانیت را به عهده داشت. دکتر فتحی شقاقی از رهبران جهاد اسلامی بود که با دستور مستقیم اسحاق رابین توسط عوامل موساد در جزیره مالت ترور شد.

نگاهی به اندیشه مردی که به مقاومت هدمند معتقد بود

فاتح اندیشه‌ها

مقتضیات مرتبط به اجرا درمی‌آورد. دکتر شقاقی مطالعات اسلامی بی‌شماری در کارنامه خود داشت و اعتقاد او به جهاد و شهادت در راه دفاع از نوامیس و دین و آگاهی‌اش از ماهیت صهیونیست‌ها باعث می‌شد که دیدگاه‌های خود را به‌صراحت در قبال ساف، روند سازش، عرفات، رژیم صهیونیستی و دیگر مسائل جهان اسلام عنوان کند. همین صراحت لهجه و آگاهی از نیات واقعی رژیم صهیونیستی، او را در نظر رژیم اسرائیل به دشمنی آگاه و خطرناک تبدیل کرد. در زمینه فکری، نوشته‌ها، مقالات و سخنرانی‌های او بهترین دلیل و گواه بر تیزی بینی، دقت نظر و عمق دیدگاهش نسبت به اسلام و آینده مسلمانان است. این ژرف‌اندیشی را در مقالات و سخنرانی‌های پرشور او که در اجلاس‌ها و سمینارهایی که در ایران، لبنان، سوریه و دیگر کشورها ایراد کرده است، می‌توان دید. شهید شقاقی به وحدت مسلمانان با تمام وجود معتقد است و روحیه جهاد و شهادت را راهگشای مشکلات مسلمین می‌داند.

”دکتر «فتحی شقاقی» رهبری «جنبش جهاد اسلامی» را در محورهای فکری و عملیاتی برعهده داشت. عملکرد و کارنامه «جنبش جهاد اسلامی» طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۶ (سال‌های انتفاضة اول-اول-۱۳۶۶-۱۳۷۲) را می‌توان به‌نوعی بازتابی از افکار او دانست. در عرصه ایده‌پردازی، دکتر شقاقی، ایده‌پرداز جنبش نیز به‌شمار می‌رفت. تألیف مقالات و کتب متعدد، از ایشان مبارزی سرشناس و متبحر ساخته بود. پایه‌گذاری و مدیریت جنبش جهاد اسلامی، بزرگ‌ترین میراث این شهید است. دکتر شقاقی با علم به اندیشه‌های صهیونیستی، بر این اعتقاد بود که هر نوع راه‌حل سیاسی و سازش کارانه با رژیم صهیونیستی محکوم به شکست است و تنه‌ارها را مقابل با این رژیم، جهاد مسلحانه است. او می‌گفت شعار «نیل تا فرات» یکی از اصول بنیادین رژیم صهیونیستی است و این رژیم در هر زمان و مکانی، این شعار را با در نظر گرفتن

عملاً برخلاف منشور این سازمان حرکت کرد. دکتر شقاقی در آن سال‌ها، با ملاحظه دیدگاه‌های ساف نسبت به کج‌روی این سازمان هشدار داد و امروز می‌بینیم که میوه‌های سیاست نادرست ساف به ثمر نشسته است. ساف در آن سال‌ها با امضای قرارداد غزه-اریحا در برنامه‌ریزی آینده خود، حکومت فلسطینی را در سال ۱۹۹۹م (۱۳۷۸ش) محقق می‌پنداشت؛ ولی امروزه نه تنها از آن حکومت فلسطینی هیچ اثری نیست، بلکه حتی قرارداد اسلو توسط شارون، مرده قلمداد شده است. دکتر شقاقی با هشدار به ساف درباره متعهدنبودن رژیم صهیونیستی نسبت به مفاد معاهدات سعی کرد تا این سازمان را از مهلکه بازی‌های سیاسی رژیم صهیونیستی نجات دهد و اهداف واقعی را با تکیه بر توان مبارزاتی فلسطینی‌ها، یادآور شود. این شهید ضمن مخالفت با هرگونه صلح و سازش با رژیم صهیونیستی، معتقد است که سازش می‌تواند شرایط مناسبی را برای آسودگی خیال صهیونیست‌ها ایجاد کند تا با توسعه‌طلبی، بهبود اقتصادی و تسلط سیاسی، آن‌ها را از بار سنگین جنگ فرسایشی خسته‌کننده‌ای که نتیجه ادامه مبارزه فلسطینی‌هاست، رها کند. شهید شقاقی در این زمینه معتقد است که مسئله بسیار خطرناک در روند سازش این است که خواسته‌ها و منافع رژیم صهیونیستی، با خواسته‌ها و منافع ملت فلسطین تناقض ریشه‌ای و اصولی دارد. او توافق‌نامه‌های اسلو و دیگر توافق‌نامه‌ها را خطرناک‌ترین تهدیدهایی می‌داند که تاریخ، هویت و ملت فلسطین را نشانه رفته است؛ چراکه در این توافق‌نامه‌ها، مشروعیت رژیم اشغالگر قدس در بخش‌های بزرگی از فلسطین به رسمیت شناخته شده، درحالی‌که به فلسطینیان، فقط اجازه برپایی یک مجمع خودگردانی محدود در مساحتی کوچک (کمتر از ۲درصد از فلسطین) را داده است؛ حتی همین مساحت از فلسطین

فلسطین یکی از مظاهر وحدت مسلمانان

فلسطین از نظر دکتر فتحی شقاقی، اصل و اساس همه مسائل جهان اسلام به‌شمار می‌رود. او همیشه می‌گفت تا وقتی بر سه اصل متکی باشیم، پیروز و موفق خواهیم شد:

۱. فلسطین را بدون اسلام مطرح نکنیم.
 ۲. اسلام را بدون فلسطین نخواهیم.
 ۳. بدانیم که این دو بدون جهاد و شهادت میسر نخواهد شد.
- به نظر او آرمان فلسطین باید در همه مسلمانان و گروه‌های ملی‌گرا و چپ‌گرا در سراسر جهان عرب و اسلام در مرکزیت قرار بگیرد و وجود وضعیت فعلی در فلسطین به‌خاطر نقش رهبران فرصت‌طلب غیراسلامی است که زمام رهبری توده‌ها را به دست گرفته‌اند. از نظر دکتر شقاقی، دلایل شکست و ناتوانی اعراب در جنگ‌های ۱۹۴۸م (۱۳۲۷ش) و ۱۹۶۷م (۱۳۴۶ش)، امروزه در اقدامات مدعیان رهبری فلسطین و از لایه‌لای طرح‌های آن‌ها برای حل مسئله فلسطین نمودار است. دکتر شقاقی، اسلام و جهاد و فلسطین را به‌عنوان سه شاخص مهم در حرکت «جنبش جهاد اسلامی» عنوان می‌کرد. وی ساف را نیز از این شاخص‌ها بی‌بهره نمی‌دانست، اما به نظرش آنچه در چند سال گذشته روی داده و به‌ویژه امتیازدهی‌های مجانی سیاسی ساف، باعث شده شکاف میان آن‌ها روز به روز بیشتر شود؛ به‌نحوی که رسیدن به نقطه‌ای مشترک با ساختار فعلی ساف غیرممکن شده است. ساف با اندیشه حذف و نابودی اسرائیل و برپایی حکومت فلسطینی در سال ۱۹۶۴ متولد شد و طی چهار دهه گذشته، فرازونشیب‌های فراوانی داشته است. به دلایل گوناگون این سازمان رفته‌رفته از مواضع آرمانی جهادی اولیه خود عدول کرد تا اینکه در نهایت در سال ۱۹۹۳ با امضای پیمان غزه-اریحا، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و



راسخس به «مقاومت» به عنوان تنها راه مقابله با رژیم صهیونیستی، او هیچ‌گاه از همکاری غیرمسلمانان (مسیحیان) در انتفاضه فلسطین روی‌گردان نبود. او معتقد بود در جنبش جهاد اسلامی باید دیگرهم‌وطنان فلسطینی نیز علیه رژیم غاصب متحد شوند. انتخاب این هدف و حرکت در این راستا، یکی از دلایل اصلی شهادت وی به نظر می‌رسد. نگاه او به وحدت امت اسلامی، در افقی گسترده‌تر به تأکید بر وحدت و مشارکت مسلمانان و مسیحیان در دفاع از فلسطین و آزادی آن از اشغال رژیم غاصب صهیونیستی انجامید. شقاقی درباره مسیحیان فلسطینی چنین عقیده‌ای داشت: هدف ما، آزادی فلسطین است. در امر آزادی، همه فلسطینیان، چه مسلمان و چه مسیحی، برای دفاع از وطن و مقدسات خویش باید مشارکت داشته باشند. ما در جنبشمان آمادگی آن را داریم تا در صفوف خود مسیحیانی را که قصد جهاد و مبارزه دارند، بگنجانیم. آن‌ها می‌توانند در عقیده خویش آزاد باشند؛ (لا اگره فی الدین). هدف ما آزادی فلسطین است. هدف ما پیروزی

هم کاملاً در اختیار فلسطینیان نیست و شهرک‌های یهودی‌نشین و حریم‌های امنیتی‌اش از آن مستثناست.

دکتر شقاقی با لحنی هشدارگونه، معاهدات و قراردادهای سازش را راهکار رژیم صهیونیستی برای تحصیل فرصت زمانی می‌داند. صهیونیست‌ها با استفاده از فرصت ناشی از پیمان غزه-اریحا، با دولت «اردن» به قرارداد صلح «وادی عربیه» در سال ۱۹۹۴ رسیدند. به نظر او رژیم صهیونیستی در چارچوب سیاست گسترش همکاری‌های اقتصادی و به اصطلاح «خاورمیانه جدید» بعد از قرارداد غزه-اریحا، با دولت‌های قطر، مراکش، تونس و اردن در زمینه روابط اقتصادی به نتایجی قابل قبول رسیده است.

به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی از قراردادهای سازش با عرفات دقیقاً در راستای پیش‌بینی دکتر شقاقی، بهره‌برداری کرده است؛ زیرا اکنون نه از حکومت فلسطینی خبری هست و نه از مذاکرات نهایی نشانه‌ای؛ مذاکراتی که قرار بود در جریان برگزاری آن، وضعیت آوارگان و شهر قدس معین شود.

❖ **تأکید فتحی شقاقی بر وحدت و لزوم مشارکت مسلمانان و مسیحیان فلسطین**
 باوجود تأثیرپذیری شهید شقاقی از امام خمینی (ره) و اعتقاد



مردی که با تلاوت قرآن اشک می‌ریخت

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان ریاست اسبق بنیاد شهید و امور ایثارگران و تولیت کنونی مسجد مقدس جمکران، از دوستان ایرانی شهید دکتر فتحی شقاقی بوده و از سلوک اخلاقی و مبارزاتی آن بزرگ خاطراتی ارجمند می‌گوید.





کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در دیگر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان و رهبران مسلمان را دربارهٔ ضرورت وحدت شیعه و سنی مطرح کند و به برخی شبهات مطرح شده دربارهٔ شیعیان پاسخ دهد.

◀ مدافع صدیق انقلاب اسلامی ایران

دکتر فتحی شقاقی جزء اولین کسانی بود که دروازهٔ ارتباط و علاقهٔ بسیاری از مسلمانان به جمهوری اسلامی را گشود. غیر از مسئلهٔ فلسطین و حرکتی که در فلسطین آغاز کرد و در آنجا به معرفی امام (ره) و به انتقال روحیات انقلابی ملت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت، رسالت مرتبط کردن گروه‌های مسلمان در کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی را هم برعهده گرفت و بسیار تلاش کرد تا گروه‌های مسلمان دیگر را به جمهوری اسلامی نزدیک کند.

رسالت دیگر ایشان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. درحالی‌که بسیاری از بوق‌های تبلیغاتی دشمنان ما (آمریکا، صهیونیسم و کشورهای غربی) به حمایت از صدام برخاسته، تمام امکانات خودشان را به کار گرفته بودند تا کشورها و مردم مسلمان عرب را از جمهوری اسلامی دور نگه‌دارند و چنین قلمداد کنند که جمهوری اسلامی منافع امت عرب را به خطر انداخته است؛ ایشان در زدودن این طرز تفکر از جامعه عرب نسبت به جمهوری اسلامی نقش بسیار اساسی داشت. او با شخصیت‌های مختلف ملاقات می‌کرد و سعی داشت مواضع صحیح جمهوری اسلامی را به آن‌ها منتقل کند.

اسلام در فلسطین و در جای جای گیتی است. ما ایمان قلبی داریم که اسلام، راه صلاح و رستگاری بشریت است؛ با این حال باید اصول و قوانین اسلامی که به کسی ظلم روا نداشته و همه را یکسان می‌داند، مدنظر قرار بگیرد و به اجرا دربیاید. مسیحیان در سایهٔ قوانین و اصول اسلامی، عزت و کرامت خواهند یافت؛ همان‌گونه که در قرن‌های گذشته زیر سایهٔ اسلام زندگی کردند و تنها پس از غروب آفتاب اسلام از آن مناطق بود که آنان ذلت و خواری را به چشم خود دیدند. من تأکید می‌کنم که این مسیحیان [مسیحیان فلسطین] به وطن خویش ایمان دارند و خواهان آزادی آن هستند و در راه انجام وظیفهٔ دفاعی خویش نه خراجی باید بپردازند و نه جزیه‌ای.

◀ دکتر شقاقی؛ مُبَلِّغ علمی و عملی وحدت شیعه و سنی

هنگامی که همهٔ مزدوران استکبار جهانی به ایجاد تفرقه در امت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه‌ای را گسترش می‌دادند، مقاله‌ای ارزشمند از دکتر فتحی شقاقی در مجلهٔ «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بر وحدت و یکپارچگی امت اسلامی تأکید کرده بود. این مقاله بعدها به صورت قطع وزیری در سال ۱۴۰۵ ق. از سوی سازمان تبلیغات اسلامی، بخش روابط بین‌الملل و در قطع جیبی از سوی انتشارات الهدی در سال ۱۴۲۴ ق. با عنوان «السنه و الشیعه ضحّه مفتعله» چاپ شد. شهید شقاقی در این مقاله معتقد است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران،



دکتر فتحی شقاقی جزء اولین کسانی بود که دروازهٔ ارتباط و علاقهٔ بسیاری از مسلمانان به جمهوری اسلامی را گشود. غیر از مسئلهٔ فلسطین و حرکتی که در فلسطین آغاز کرد و در آنجا به معرفی امام (ره) و به انتقال روحیات انقلابی ملت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت، رسالت مرتبط کردن گروه‌های مسلمان در کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی را هم برعهده گرفت و بسیار تلاش کرد تا گروه‌های مسلمان دیگر را به جمهوری اسلامی نزدیک کند

«انور محمد عطیه سکر» و «صلاح عبدالحمید شاکر» دو نیروی شهادت‌طلب فلسطینی بودند با فرماندهی فتحی شقاقی خود را به بزرگ‌ترین مرکز تجمع نظامیان تروریست در بیت‌لید در منطقه «نتانیا» واقع در فلسطین اشغالی رساندند و با دو انفجار استشهادهای بسیاری از آن‌ها را کشته یا زخمی کردند؛ عملیاتی که اسحاق رابین آن را با حملهٔ ده‌ها جنگنده برابر دانست.





تلاش برای وحدت شیعه، سنی و مسیحی

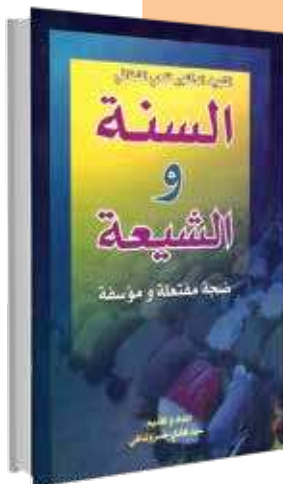
افشای غوغای ساختگی

شهید فتحی شقاقی به پیروی از امام خمینی (ره) که پایه‌گذار وحدت در بین شیعیان و اهل تسنن بودند، تلاش زیادی در بین فلسطینیان برای وحدت مسلمین انجام داد. هنگامی که همهٔ مزدوران استعمار و استکبار جهانی به ایجاد تفرقه و تشتت امت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه‌ای را گسترش می‌دادند، مقاله‌ای ارزشمند از دکتر شقاقی در مجلهٔ «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بروح و یکپارچگی امت اسلامی تأکید کرده بود. نویسندهٔ این مقاله که دکتر فتحی شقاقی بود، معتقد است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده است دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان و رهبران مسلمان را دربارهٔ ضرورت وحدت شیعه و سنی مطرح کند و به برخی شبهات مطرح‌شده دربارهٔ شیعیان پاسخ دهد.

• فتحی شقاقی و افشای یک غوغای ساختگی

محسن فاطمی‌نژاد در حاشیه‌نگاری کتاب معروف دکتر فتحی شقاقی که «شیعه و سنی غوغای ساختگی» نام دارد، با اشاره به دست‌های خارجی در بحران‌سازی بین مذاهب اسلامی می‌نویسد: شهید فتحی شقاقی پس از اینکه در مقدمهٔ کتابش، این بحث را غوغای ساختگی استعمارگران می‌نامد، تلاش می‌کند مواضع و نظریات حرکت‌های اسلامی و اندیشمندان مسلمان شیعه و اهل سنت را نسبت به این «فتنهٔ حرام و جنجال ساختگی و تأسف بار» تبیین کند. برای نمونه، او به ماجرای ملاقات‌های نواب صفوی با اعضای ارشد «اخوان المسلمین» در مصر اشاره می‌کند که در آن نواب صفوی مشخصاً به ضرورت اتحاد برای اسلام اشاره می‌کند و از ضرورت فراموش کردن هر چیزی به جز جهاد در راه عزت اسلام سخن می‌گوید. تعبیری که شقاقی از نواب صفوی نقل می‌کند، این است که «آیا زمان آن فرا نرسیده است که مسلمانان حقایق را درک و شکاف میان شیعه و سنی را رها کنند؟» نقل استقبال شورانگیز و پرشوق و ذوق اخوان المسلمین از نواب صفوی در قاهره و سپس معرفی او به عنوان عضوی از شهدای اخوان، همه شواهدی است که شهید فتحی شقاقی آن را نشانه‌هایی

برای ضرورت هم‌گرایی میان شیعه و سنی در راه برپایی نظامات اجتماعی و سیاسی اسلام ذکر می‌کند. مؤسس حرکت جهاد اسلامی فلسطین با استناد به مواضع قسمتی از حرکت‌ها و رهبری‌های اسلامی سنی در ضرورت پرهیز از فرقه‌گرایی، بارها به سخنان امام خمینی (ره) نیز ارجاع می‌دهد و به فتوای ایشان اشاره می‌کند که «ایجاد اختلاف میان مسلمانان با عنوان شیعه و سنی، به معنی همکاری با کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان است و روی همین اصل، این اختلافات حرام است و باید با آن مبارزه کرد.»



دکتر شقاقی و نقش عالمان و روشنفکران در ایجاد تحول در جامعه

شهید فتحی شقاقی در سخنانی از سردرد، به تبیین نقش مهمی که افراد تحصیل‌کرده می‌توانند در جامعه ایفا کنند، می‌پردازد و می‌گوید: فرض بر این است که اندیشمندان و روشنفکران، معلمان، به‌مثابه ضمیر و نفس لوامه مردم و جامعه هستند. آن‌ها باید اولین مقاومت‌کنندگان بوده و از آخرین کسانی باشند که بشکنند؛ البته آن‌ها نباید هرگز بشکنند، چون آن‌ها نشانه‌های هویت‌اند و فرهنگ حتی باوجود شکست‌های متوالی باید مقاومت کند. چون ویرانی دیوار هویت و فرهنگ به آن معناست که وطن به‌طور کلی در معرض تاخت‌وتاز قرار گرفته است و این امت دیگر آن امت پیشین نخواهد شد.

تبعاتی که سیاستمداران و رژیم‌های‌شان دچار آن می‌شوند، باعث می‌شود تا آن‌ها اقدام به مانور نموده یا حتی سقوط کنند. آن‌ها برای یافتن مخرجی برای حفظ وجود و حیات خویش مانور می‌دهند. به همین خاطر است که سیاستمدار به امپراتوری که بر قلعهٔ آن ایستاده است، پشت کرده و از اصول اساسی عدول می‌کند و بدون در نظر گرفتن منافع امت با همگان به سازش می‌پردازد. اگر این‌ها را تبعات کار سیاستمداری و رژیم‌ها بدانیم، چه تبعاتی می‌تواند روشن‌فکران را هم به این وادی بکشاند؟ روشن‌فکر اگر به چنین تبعاتی توجه داشته باشد و چنین‌راهی را اتخاذ کند، به‌طور حتم به دل‌کشی بی‌نقش مبدل خواهد شد.

روشن‌فکر باید حاضر به کرنش در مقابل سلطان باشد، نه آنکه مانند ده‌ها سال گذشته روشن‌فکر ملازم رکاب سیاستمدار و سیاستمدار ملازم رکاب نظامی باشد. امروزه باید این مسیر تصحیح شود. متأسفانه بعضی از روشنفکران به راه‌نمایی برای ورود چپاولگران مبدل شده‌اند، بعضی دیگر هم به سرعت در مقابل عمل‌های انجام‌شده تسلیم می‌شوند. اینان همگی نقش معلمی و آموزگاری خویش را از دست می‌دهند و دیگر نمی‌توان آن‌ها را وجدان و نفس لوامه مردم دانست.

صهیونیست‌ها بیشتر بر عادی‌سازی اصرار می‌ورزند تا صلح سیاسی؛ یعنی به روابط دیپلماتیک و امضای اسناد با رژیم‌های مختلف علاقه دارند، زیرا وسیلهٔ سازش، روشن‌فکر و هنرمند است و او تنها کسی است که می‌تواند این صلح ادعایی را وارد صحنه کند. او تنها کسی است که توانایی محو یا تضعیف مفاهیمی را دارد که مردم با آن بزرگ شده، آن را به ارث برده، غنی‌تر ساخته، ترسیم کرده، تمامی ذهن‌ها را با آن چنان پر کرده که به جزئی از شخصیت مبدل شده است.

صهیونیست‌ها تاکنون توانسته‌اند به شکل دلخواه، صلح خود را با مصر گسترده کنند؛ علت هم مقاومت مردم مصر در مقابل سازش و عادی‌سازی است. از یک سو عملیات‌های جهادی که دلاوران مصری انجام دادند، امنیت دشمن را به خطر انداخت و از سوی دیگر مردم، صهیونیست‌ها را بایکوت اقتصادی کردند، به همین دلیل صلح از نظر امنیتی و اقتصادی شکست خورد. اما هم‌اکنون دشمن توانسته است این مسافت‌ها را بسیار کوتاه کند؛ علت هم ضعف مقاومت در برابر سازش است. امضای توافق‌نامهٔ سازش توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین و رهبری روند سازش به وسیلهٔ چند چهرهٔ معروف فلسطینی، دست به دست هم دادند تا مسئلهٔ مقابله با سازش پیچیده‌تر و سخت‌تر شود. اما به هر صورت روشن‌فکر از نظر اخلاقی و فکری موظف است تا این آخرین دیوار سنگر را حفظ کند؛ زیرا گرچه سیاستمدار و نظامی شکست خوردند، اما او باقی مانده و بروز نموده تا این تکه‌ها را جمع کند و روحیه‌های شکست‌خورده را التیام بخشد.



روایت مردی که خودش را پیرو خون سالار شهیدان (ع) می دانست

شهید جهاد تبیین

◀ زمزمه حرکت و هدف گذاری

سفر او به مصر آغاز مرحله مبارزه او بود. فتحی پس از اطلاع از جنبش اخوان المسلمین در مصر به این نتیجه رسید که این جنبش اسلامی آن چیزی نیست که او به دنبال آن بود. از این رو، در سال اول دانشگاه، با چند تن از دوستانش مانند عبدالعزیز عوده و رمضان عبدالله شله، گروهی به نام «جهاد اسلامی در فلسطین» تشکیل داد که یک هدف را دنبال می کرد: «آزادسازی فلسطین»؛ «این میهن کوچک، عزیز و مقدس فلسطین، تحت هیچ شرایطی نمی تواند بیش از یک ملت، یعنی مردم فلسطین، را در خود جای دهد.»

◀ امام خمینی؛ راه حل مقاومت اسلامی

چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، فتحی شقاقی مقاله ای در مصر با عنوان «خمینی: راه حل مقاومت اسلامی» نوشت و نشان داد که آنچه به دنبال آن بوده، یافته است. وحدت و اعتقاد به هم بستگی اسلامی برای رهایی از سلطه صهیونیستی را می توان در سطر نوشته های او یافت. وی با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن همان سال، مقالاتی را تبدیل به کتاب کرده و با جلدی با تصویر امام خمینی (ره) در زیر درخت سیب در نوفل نوشتات منتشر کرد. در همان روزهای اولیه، ۱۰ هزار نسخه فروخت و شورویجانی را برانگیخت.

۱۵ ساله بود که مادرش را از دست داد و پیکر عزیزش را در اردوگاه به خاک سپردند. فتحی درحالی که فقط شانزده سال سن داشت، طعم شکست دیگری را چشید؛ شکستی که باورش نمی شد: «این شکست مسیر حرکت جوانی را که خواهان آزادی و بازگشت به میهن اشغالی اش بود، تغییر داد. نمی توانست مانند جمال عبدالناصر شکست شخصی را تحمل کند.» او درحالی که تحت تأثیر عبدالناصر در اوج اشتیاق به صدور فتوا بود، به افکار ملی گرایانه، چپ و ناصری علاقه زیادی داشت؛ اما شکست جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ او را از این فکر دور کرد. دوستی داشت که کتاب «نقاط عطف راه» از شهید سید قطب را به او داد. او با خواندن این کتاب به جنبش های اسلامی و اخوان گرایش پیدا کرد. در ۱۸ سالگی خانواده و بیچ کمپ را ترک کرد و در دانشگاه معروف بئرزیت در کرانه باختری به تحصیل در رشته ریاضیات پرداخت و هم زمان به عنوان معلم ریاضی در مدرسه دولتی اورشلیم مشغول به کار بود. او از زمانی که پسر جوانی بود، درباره خواسته هایش بسیار مصمم و محکم بود. فتحی شقاقی یکی از بهترین دانشگاه های فلسطین را ترک کرد و در بیست و سه سالگی به دانشگاه زفریق مصر رفت تا در رشته اطفال، تخصصی که به آن علاقه داشت، تحصیل کند.



مردم ایران در واکنش به ترور فتحی شقاقی به خیابان‌ها آمدند. مردم تهران و جمعیت انقلابی برای اولین بار این شخصیت مخلص را در یکی از مراسمات بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره) دیده بودند. همچنین شاعران و نویسندگان ایران، محتوای فراوانی را در رثای این شهید تولید کردند.

◀ محبوب قلوب مؤمنان

نصر هویدی، از هم‌زمان شهید فتحی شقاقی، در این باره گفت: هیچ فردی نبود که با دکتر فتحی (ره) ملاقات کرده باشد، اما تحت تأثیر او قرار نگرفته باشد؛ حتی کسانی که با آن‌ها اختلاف نظر داشت، به توانایی او در تأثیرگذاری و ایجاد خلایق در تفکر و تحلیل دیگران گواهی می‌دادند و به دلیل فرهنگ عالی و سبک شگفت‌انگیز مناظره، ذهن و قلب شنوندگان را تسخیر می‌کرد. هویدی توضیح داد که یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که دکتر ابوالبراهیم به‌ویژه در دوران اقامتش در مصر در اواخر دهه ۷۰، زمانی که در دانشگاه زاغزیج دانشجوی بود، به آن علاقه‌مند بود، علاقه او به ساختن انسان و چگونگی تشکیل محافل فرهنگی، مذهبی و آموزشی کند.

◀ پیرو راه امام حسین (ع) هستیم

دکتر فتحی شقاقی در پاسخ به قطعیت پیروزی راه مقاومت می‌گوید: «ما اصولاً به این موضوع فکر نمی‌کنیم. ما پیروزی خود را انتخاب راه حسین بن علی (ع) می‌دانیم و هدفمان ادای فریضه الهی است. همان‌طور که در جمع‌بندی اندیشه اصلی خود می‌گوید: «این خون شهادت که مبارزان بیشتری تولید و تقابل با اشغال را تشدید می‌کند». حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان، ریاست اسبق بنیاد شهید و امور ایثارگران و تولیت کنونی مسجد مقدس جمکران، از دوستان ایرانی شهید دکتر فتحی شقاقی بوده و در روایتی از سیره و سلوک آن شهید می‌گوید: «شهید دکتر فتحی شقاقی، نماد برجسته اخلاص و جهاد فی سبیل الله، شاگرد مکتب عاشورا و پیرو امام حسین (ع) بود. او همواره از امام حسین (ع) می‌گفت و می‌نوشت و الهام می‌گرفت و یقین داشت که تنه‌اره نجات فلسطین، پیروی از مکتب امام حسین (ع) و نهضت عاشورا، شهادت‌طلبی، جهاد و ایثار است و انصافاً خود او در این عرصه هیچ کم نگذاشت و با شهادتش، ایمان به اعتقادش را اثبات کرد. او نیز همچون شهدای تاریخ، تازه پس از شهادت نورافشانی بیشتری خواهد کرد و چراغ راه مظلومان تحت ستم خواهد بود.»

از این رو نیروهای امنیتی مصر او را دستگیر و ماه‌ها در زندان ارگ زندانی کردند.

◀ گام بلند برای جهاد تبیین

سپس در سال ۱۹۸۱ این کشور را ترک کرد و پس از چندین بار دستگیری به دلیل فعالیت‌های سیاسی برای فرار از دست سرویس‌های امنیتی مصر به نوار غزه بازگشت. بازگشت او به همراه همراهانش به فلسطین با اعلام رسمی جنبش «جهاد اسلامی در فلسطین» همراه بود. رهبران این جنبش پس از خروج از مصر و ورود به فلسطین، در مدارس و دانشگاه‌ها با اقامه نماز جماعت و موارد دیگر، عقاید خود را برای مردم فلسطین بیان کردند. فتحی در مجله «المختار الاسلامی و المسلمین معاصر» که بین مردم فلسطین پخش می‌شد، ایده «جهاد اسلامی» را توضیح می‌داد. زمانی که فتحی شقاقی به فلسطین بازگشت، پزشکی اطفال در غزه و بیت المقدس را به عنوان اولین شغل خود انتخاب کرد. شغل او نوعی پوشش امنیتی برای گنج کردن صهیونیست‌ها بود تا به فعالیت‌های او حساس نشوند؛ البته که خدمت به بیماران و اطفال را هم دوست داشت.

◀ رهبری انتفاضه از درون زندان

در سال ۱۹۸۳ زمانی که در بیمارستان ویکتوریا در اورشلیم مشغول به کار بود، به اتهام تشکیل «جهاد اسلامی» به مدت ۱۱ ماه و بار دیگر در سال ۱۹۸۶ به اتهام تحریک مردم علیه اسرائیل و حمل سلاح به غزه دستگیر و به چهار سال زندان و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد. هنگامی که رژیم صهیونیستی متوجه شد شقاقی رهبری فلسطینی‌ها و اولین انتفاضه فلسطین را از زندان برعهده دارد، او و برخی از دوستانش را قبل از پایان دوره محکومیتشان در سال ۱۹۸۸ به جنوب لبنان تبعید کردند.

◀ جهاد متوقف نخواهد شد

او در اوایل دهه ۱۹۹۰ ده‌ها عملیات مسلحانه را رهبری و در مقابل صهیونیست‌ها برای تقویت و تثبیت پایه‌های «جهاد اسلامی» ایستادگی کرد. شقاقی همیشه معتقد بود: «تازمانی که فلسطین در اشغال است، جهاد متوقف نخواهد شد». شهید شقاقی در رابطه با تلاش خود در جهاد اسلامی می‌گوید: ما اساساً یک حرکت اسلامی مبتنی بر شریعت و مبانی برگرفته از قرآن کریم و سنت پیامبرمان حضرت محمد (ص) هستیم. ما همه این‌ها را مبنایی قرار می‌دهیم که حرکت خود را در این مرحله یا در این مرحله براساس آن بنا کنیم. زمان در تاریخ و نهضت جهاد اسلامی به عنوان جنبشی نوساز در درون این اندیشه اسلامی شروع به پرسش و پاسخ کرده است که چگونه می‌توان اسلام را با علوم و فقه خود با دیدی نظام‌مند که از ابزارهای شناختی و تاریخ بهره می‌برد، درک کرد.

مستند مسیح مقاومت

شهید فتحی شقاقی از آن جهت که موسس اولین گروه مبارز اسلام‌گرای فلسطینی است حائز اهمیت بسیاری است. او متأثر از انقلاب ایران و برخلاف سنت مرسوم چپ و قومی‌عربی گروه‌های فلسطینی اسلام‌گرایی را برای مبارزه انتخاب کرده و «جهاد اسلامی» را پایه‌گذاری کرد. نهالی که او کاشت بعدها با تاسیس حماس قوی‌تر شد و امروز اسلام‌گرایی به گفتمان هژمون مقاومت فلسطین تبدیل شده است. در این مستند به زندگی، افکار، فعالیت سیاسی و در نهایت نحوه شهادت فتحی شقاقی پرداخته شده است. این مستند توسط شبکه الجزیره تولید شده و پایگاه اینترنتی شعبوآ آن را ترجمه و زیرنویس کرده است.



ترور ابراهیم، نماد شکست صهیونیست‌ها

اسطوره جهاد

سازمان‌های هدایت‌کننده جنگ‌های خیابانی» در لیبی دریافت می‌کند. در همین موقع موساد متوجه می‌شود که موسی مراغه معروف به ابوموسی از جنبش فتح نیز قرار است در این کنفرانس شرکت کند و تصمیم می‌گیرد بدین وسیله از چگونگی سفر دکتر فتحی شقاقی باخبر شود.

عوامل موساد دو شیوه را برای ترور شهید شقاقی طراحی می‌کنند. در شیوه نخست پیشنهاد می‌شود که او را در جریان سفرش که از طریق «مالت» است، بربایند؛ اما به دلیل احتمال جنجال‌های بین‌المللی، رابین با آن مخالفت می‌کند. راه دوم، ترور مستقیم فتحی شقاقی در مالت است که اسحاق رابین بی‌درنگ با آن موافقت می‌کند.

بدین ترتیب عوامل موساد به مالت می‌روند و در فرودگاه این شهر، منتظر آمدنش می‌شوند؛ اما در هیچ کدام از سه پرواز مورد انتظار، دکتر شقاقی وارد فرودگاه مالت نمی‌شود و این امر موجب ناامیدی عوامل موساد برای ترور او می‌شود تا اینکه در لحظات آخر یکی از مأموران از طریق بی‌سیم به همکارانش اطلاع می‌دهد که آنجا یک نفر تنها روی صندلی نشسته است. سپس به فرد مدنظر نزدیک می‌شود و این بار اطلاع می‌دهد که این فرد بسیار شبیه فتحی شقاقی است؛ اما جرئت نمی‌کنند دست به کاری بزنند.

دکتر فتحی شقاقی یک ساعت در فرودگاه مالت منتظر می‌ماند و سپس عازم لیبی می‌شود؛ بدون اینکه بداند تحت نظر عوامل موساد است. در ۲۶ اکتبر، برابر با ۴ آبان، شهید شقاقی به مالت بازمی‌گردد. در ساعت ۱۱:۳۰ با هدف رفتن برای خرید

اسحاق رابین، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی، پس از عملیات جهاد اسلامی در «بیت‌لید» که در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵م (۶/۱۲/۱۳۷۳ ش) انجام شد و منجر به کشته شدن ۲۲ اسرائیلی و زخمی شدن ۱۰۸ نفر دیگر شد، شخصاً دستور ترور دکتر فتحی شقاقی را صادر کرد. شهید فتحی شقاقی از سال‌ها پیش از انجام این عملیات، زیر نظر عوامل موساد بوده است. اوری ساگی، رئیس اطلاعات نظامی وقت اسرائیل، نسبت به انجام عملیات ترور دکتر فتحی شقاقی در دمشق به دلیل برانگیخته شدن خشم مردم سوریه هشدار می‌دهد و بر همین اساس عملیات ترور وی به خارج از سوریه منتقل می‌شود. دکتر فتحی شقاقی که به‌ندرت از دمشق خارج می‌شود، در روزهای ابتدایی ماه اکتبر دعوت‌نامه‌ای برای شرکت در کنفرانس «رهبران





پیکر فتحی شقاقی در «روضه الشهداء» اردوگاه فلسطینی «یرموک» در سوریه دفن شد. صهیونیست‌ها از بازگشت پیکر او به اراضی قدس شریف ممانعت به عمل آوردند.

برخی منابع:

- زینب امینی، فتحی برای شقاق در حکومت صهیونیسم، آبان‌ماه ۱۴۰۰
- ایرنا، شهید فتحی شقاقی؛ جان عزیزی که بر سر جهاد گذاشته شد، ۲۳ آبان ۱۳۹۹
- وحدت‌الاسلامیه، چگونه و چرا موساد شهید دکتر شقاقی را ترور کرد؟ شماره ۴۱۴، دسامبر ۲۰۱۳ م.

از مجموعه تجاری «مارک اند اسپنسر» از هتل محل اقامتش خارج می‌شود. پس از آن دکتر فتحی شقاقی که سه مرتبه به فروشگاه‌های مدنظرش می‌رود و عوامل موساد پس از حصول اطمینان از هویتش، او را تعقیب می‌کنند و در نهایت مقابل هتل محل اقامتش در این جزیره، دو مأمور موتورسوار با شلیک پیاپی سه تیر به مغزش، دکتر فتحی شقاقی، دبیرکل جهاد اسلامی، را به شهادت می‌رسانند.

◀ تاوان سریع

باید یادآور شد که «اسحاق رابین» چند روز پس از شهادت دکتر فتحی شقاقی به وسیله «ایگال عمیر» که یک صهیونیست تندرو بود، به سزای اعمال ننگینش می‌رسد و به درک واصل می‌شود.

◀ عزاداری سه‌میلیونی

اسحاق رابین جنایتکار با اعلام خوشحالی از ترور شهید دکتر فتحی شقاقی در لیبی، گفت: قاتلان برای یک نفر دلتنگ شده‌اند و عدالت بهشتی او را خوشحال نکرده است. در سحرگاه ۱۹۹۵/۱۰/۳۱، سوری‌ها به همراه جمعیت زیادی از مردم فلسطین و جنبش‌های اسلامی از همه جناح‌ها و گرایش‌ها در کل جهان عرب، پیکر شهید را تحویل گرفتند. پیکر شهید روز بعد پس از تبدیل شدن مراسم تشییع جنازه به جشن مقاومت، در مزار شهدای اردوگاه یرموک به خاک سپرده شد؛ درحالی‌که بیش از ۳ میلیون عزادار در میان شعارهای تهدید به انتقام و تسلیت شهادت، از وی استقبال کردند.



کتاب جهاد اسلامی





زندگی نامه مرحوم دکتر رمضان عبدالله شلح

خط شکن

برنتابید و در سال ۱۹۸۳ میلادی، او را تبعید و فعالیت‌های او را نیز محدود کرد. رمضان عبدالله در سال ۱۹۸۶ میلادی، کرانه باختری را برای اتمام تحصیلات تکمیلی ترک کرد و عازم شهر لندن شد و در سال ۱۹۹۰ میلادی، از دانشگاه «دورهام»، مدرک عالی دکترای اقتصاد را دریافت کرد. او به آمریکا رفت و در آنجا ضمن تأسیس مدیریت مرکز تحقیقات اسلامی و جهانی فلوریدا، ریاست هیأت تحریریه فصلنامه «قراءات سیاسیه» را برعهده گرفت. تابستان سال ۱۹۹۵ میلادی، دکتر رمضان عبدالله به دمشق آمد و در راه بازگشتش به فلسطین اشغالی با شهید دکتر فتحی شقاقی، مؤسس و بنیان‌گذار جهاد اسلامی فلسطین آشنا شد. پس از شهادت فتحی شقاقی در جزیره مالت به دست عوامل موساد، رهبری جهاد اسلامی به‌اجماع، از جانب شورای جهاد اسلامی بر عهده رمضان عبدالله نهاده شد.

«رمضان عبدالله محمد شلح» در سال ۱۹۵۸ میلادی؛ در منطقه «الشجاعیه» نوار غزه چشم به جهان گشود. وی دوران تحصیلاتش را در دانشگاه «زقازیق» مصر به تحصیل رشته اقتصاد پرداخت و در همان زمان انجمنی ایجاد کرد که حدود ۹۰ دانشجوی فلسطینی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های مصری، در آن عضو بودند. وی با هدف ایجاد جهاد دانشگاهی به نوار غزه بازگشت و در اوایل دهه ۸۰ میلادی در دانشکده اقتصاد دانشگاه اسلامی مشغول به تدریس شد. در این مدت رمضان عبدالله به علت داشتن نقش فعال در دعوت به بیداری اسلامی و به عنوان یکی از زبان‌های گویای جهاد اسلامی در مساجد نوار غزه مشهور شد. به خاطر حجم گسترده فعالیت و نقش تأثیرگذار او علیه رژیم اشغالگر قدس و رهبری فعالیت‌های جهادی مختلف، رژیم اشغالگر قدس وجود او را



بدرقه رهبر جهاد

مرحوم دکتر «رمضان عبدالله شلح» در مراسم تشییع شهید فتحی شقاقی. رمضان عبدالله، پس از باختر شدن از به شهادت رسیدن دوست و هم‌زم دیرینه‌اش، به رسانه‌ها گفت که صهیونیست‌ها بهای این جنایت را خواهند پرداخت؛ با حذف «اسحاق رابین» توسط یهودی‌های تندرو، بخشی از آن محقق شد.

بازگشت به میدان

پس از شهادت دکتر فتحی شقاقی، جانشین او یعنی رمضان عبدالله شلح، وارد میدان شد. صهیونیست‌ها با وجود توان امنیتی که ادعا می‌کردند، هیچ‌گونه درک عمیقی از شخصیت رمضان عبدالله نداشتند. از همین رو اعضای جنبش جهاد اسلامی، با طرح‌ریزی یک حرکت اطلاعاتی و اشراف میدانی، ترتیب سفروی به سوریه را دادند و پس از اطمینان از سلامت‌ش، او را به‌عنوان دبیرکل جدید جنبش جهاد اسلامی فلسطین معرفی کردند. تعداد کسانی که می‌دانستند رمضان عبدالله دوران دانشجویی خود را در مصر (اواخر دهه ۱۹۷۰) و همراه با فتحی شقاقی سپری کرده است، زیاد نبود؛ اما درباره اینکه او سال‌ها از فلسطین دور بوده و در غرب زندگی کرده است، زمزمه‌ها بسیار بود و برخی فکر می‌کردند که این مسئله موجب افول سازمان جهاد اسلامی شود. همین مسئله باعث شد اسحاق رابین با این پس‌زمینه ذهنی که رمضان عبدالله، جوانی از فرنگ برگشته است، از او غافل بماند؛ البته که عمر این خون‌خوار صهیونیست بیشتر از ۱۰ روز کفاف نداد تا دوران رهبری شلح را ببیند و بعد بمیرد زیرا خودش به دست «ایکال عمیر»، از جوانان اشغالگر به هلاکت رسید.

چالش‌هایی که حل شدند

دکتر رمضان با تصدی رهبری نهضت با چالش‌های بزرگی مواجه شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از نظم‌بخشیدن به خانه داخلی، حفظ وحدت ملی و پرکردن خلأ بزرگی که با شهادت شقاقی رخ داد؛ اما چالش اصلی سیاسی بود، اینکه او رهبری را در مرحله خطرناکی در وضعیت فلسطین به عهده گرفت. زیرا توافق اسلو در حال گسترش و ریشه‌یابی بود و حل‌وفصل مسائل حکومت خودگردان فلسطین در مقابله با پروژه مقاومت سخت‌تر می‌شد و صحنه دشوارتر و پیچیده‌تر شده بود. دکتر رمضان توانست امتحان خود را پس دهد و روابط داخلی فلسطین و روابط حسنه را با همه نیروها حفظ کند و باوجود همه فشارها، وارد درگیری با مرجعیت نشود. سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ میلادی، سال‌های نسبتاً آرامی بودند؛ بنابراین او بر ساخت و توسعه داخلی تمرکز کرد؛ روی تجدید ساختار سازمانی و نهادی جنبش و افزایش

فعالیت‌های فرهنگی و خیریه تا بتواند نسل جدیدی تربیت کند که بتواند مقاومت را مطابق با چشم‌انداز جنبش و پروژه جهادی آن که بسیج ملت بر اساس محوریت مسئله فلسطین است، از سر بگیرد؛ چراکه جنبش بر این باور است که فلسطین به‌عنوان هدف، مهم‌ترین نقطه اتکا در مقابل پروژه صهیونیستی است که سرنیزه پروژه غرب برای کنترل جهان اسلام و توانمندی‌های آن است. وی در این مدت به تقویت ساختار درونی نهضت بر اساس توانایی‌های شخصی‌اش و برخورداری از احترام و قدردانی در بین هم‌زمانش کوشید و با نظارت وی، جهاد در کرانه باختری و ائتلاف‌ها به‌ویژه با حزب الله لبنان و دبیرکل آن حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله، گسترش یافت.

قیام دلیرمردان گردان‌های القدس

قیامی که در پایان سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی کلید خورد، میدان آزمایشی برای گسترش، انسجام و آمادگی نظامی جهاد اسلامی بود. با وقوع انتفاضه «الاقصی»، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی با نام جدید «سرایا القدس» که نام آن را رمضان عبدالله، شخصاً به دلیل محوریت قدس در درگیری انتخاب کرد، دوباره فعال شد. این گردان‌ها عملیات‌های کماندویی بزرگی را انجام دادند که از جمله آن می‌توان به عملیات «مجدو» اشاره کرد که در ژوئن ۲۰۰۲ که در آن ۱۷ نظامی اشغالگر کشته شدند و عملیات «کرکور» در اکتبر ۲۰۰۲ که در آن ۱۴ سرباز ارتش رژیم اشغالگر کشته شدند و یا عملیات «هبرون» در اواسط نوامبر سال ۲۰۰۲ که منجر به کشته شدن ۱۲ نظامی از جمله «درور وادنبرگ» فرمانده اشغالگر الخلیل و نیز عملیات دریای غزه که طی آن یک قایق نیروی دریایی ارتش اشغالگر در بیست و دوم همان ماه هدف قرار گرفت.

یارانش می‌گویند رمضان عبدالله شلح، هنگام شنیدن خبر پیروزی در عملیات‌ها «خدا را آن‌گونه سجده می‌کرد که پیامبران وقتی به نبوت می‌رسیدند او را سجده می‌کردند». عطش دکتر شلح برای انتقام‌کشی از اشغالگران،



دکتر رمضان با

تصدی رهبری

نهضت با

چالش‌های بزرگی

مواجه شد که

مهم‌ترین آن‌ها

عبارت بودند از

نظم‌بخشیدن به

خانه داخلی، حفظ

وحدت ملی و

پرکردن خلأ بزرگی

که با شهادت شقاقی

رخ داد؛ اما چالش

اصلی سیاسی بود،

اینکه او رهبری را در

مرحله خطرناکی در

وضعیت فلسطین به

عهده گرفت



یکی از اعضای جنبش جهاد

اسلامی



عکس از شبکه‌های اجتماعی



اطلاعاتی و قدرت رزم فوق العاده‌ای دست یافته است؛ چیزی که در جریان دستگیری چریک مجاهد «محمود طوالبه» برایشان روشن شده بود. صهیونیست‌ها در جست‌وجوی محمود طوالبه، از فرماندهان نظامی گردان‌های قدس، وارد اردوگاه جنین شدند اما توانمندی امنیتی نیروهای جهاد، جنگ را آن‌چنان فرسایشی کرد که با وجود بمباران‌ها و کشته شدن ۲۵ انسان مظلوم پس از دو هفته عملیات، دست آنان به جنازه شهید محمود طوالبه نرسید و این مقدمه‌ای شد تا تروریست‌ها از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. سه سال بعد از شهادت «طوالبه»، صهیونیست‌ها نوار غزه را تخلیه کرده و از آنجا عقب‌نشینی کردند.

◀ تمرکز بر توان موشکی با الگوبرداری از حزب الله

رزمندگان جهاد اسلامی در میدان‌های مختلف، دوشادوش مجاهدان حماس، نبرد زمینی سختی را با صهیونیست‌ها تجربه کردند؛ اما مهم‌تر از همه این موارد، جنگ موشکی بود. با پیگیری‌های رمضان عبدالله، سازمان جهاد اسلامی فلسطین، «موشک» را به عنوان سلاحی راهبردی وارد جنگ‌هایش علیه صهیونیست‌ها کرد و یگان‌های موشکی قدرتمندی در غزه تشکیل داد. حالا دیگر جهاد اسلامی، سازمانی کوچک نبود که کارنامه عملیات سالانه‌اش به چند عملیات استشهادی محدود شود. حالا جهاد اسلامی فلسطین، در وزن‌کشی‌های سیاسی و نظامی رژیم اسرائیل، جایگاهی منحصر به فرد داشت و همه این‌ها مرهون رهبری پخته، مؤمنانه و مدبرانه دکتر رمضان عبدالله بود؛ مردی که با الگوبرداری صحیح از نبردهای حزب الله لبنان با صهیونیست‌ها

دلیل دیگری برای «آریل شارون» نخست‌وزیر وقت رژیم موقت بود تا به جوخه‌های ترور این رژیم دستور دهد تا دبیرکل «جهاد» را در رأس لیست اهداف قرار دهد زیرا عملیات‌های موفق جهاد اسلامی در الخلیل، نشان‌دهنده دست‌پیش‌نیروهای جهاد در میدان عمل بود و رسوایی نظامی و تغییر کیفی در کار جهادی را به رخ می‌کشید. در پایان سال ۲۰۱۷ میلادی، اداره تحقیقات فدرال آمریکا (FBI)، دکتر رمضان عبدالله شلح را به همراه ۲۶ نفر در سراسر جهان، در لیست افراد تحت تعقیب قرار داد. البته مقامات آمریکایی پیش از این نیز دکتر رمضان شلح را در فهرست «شخصیت‌های تروریستی» قرار داده بودند. طبق قوانین آمریکا، لیستی از ۵۳ اتهام از سوی دادگاه فدرال در ناحیه مرکزی فلوریدا در سال ۲۰۰۳ میلادی علیه او صادر شد. در سال ۲۰۰۷ میلادی، دولت آمریکا او را در برنامه «پاداش برای عدالت» گنجانده و در ازای مشارکت در دستگیری وی، ۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرد.

◀ مردی که نوار غزه را خالی کرد

چند سال بعد و در جریان انتفاضه دوم، صهیونیست‌ها شلح را به عنوان یکی از عاملان عملیات‌های جهادی و یکی از خطرناک‌ترین دشمنان خود معرفی کردند و در سال ۲۰۰۳ میلادی نیز دولت آمریکا، رمضان شلح را به اتهام دروغین اقدامات تروریستی تحریم کرد و برای ترور یا دستگیری او، جایزه پنج میلیون دلاری تعیین کرد؛ اما این پایان ماجرا نبود. رمضان شلح هزینه جنگ را برای صهیونیست‌ها بالاتر برد. سازمان‌های امنیتی صهیونیستی متوجه شده بودند که جهاد اسلامی به توان



**رزمندگان
جهاد اسلامی
در میدان‌های
مختلف، دوشادوش
مجاهدان حماس،
نبرد زمینی سختی
را با صهیونیست‌ها
تجربه کردند؛ اما
مهم‌تر از همه این
موارد، جنگ موشکی
بود. با پیگیری‌های
رمضان عبدالله،
سازمان جهاد
اسلامی فلسطین،
«موشک» را به عنوان
سلاحی راهبردی وارد
جنگ‌هایش علیه
صهیونیست‌ها کرد
و یگان‌های موشکی
قدرتمندی در غزه
تشکیل داد**



اسلام و غرب

جدال تضادها در تاریخ و واقعیت

مؤسسه فرهنگی الاقصی در سال ۲۰۱۸ میلادی، با انتشار کتابی برخاسته از بیانات دکتر رمضان عبدالله شلح، رهبر فقید جنبش جهاد اسلامی فلسطین، به بررسی ابعاد جدال هویتی اسلام و غرب از منظر فکری این شخصیت برجسته پرداخت. در مقدمه این اثر به این مسئله اشاره شده که دکتر رمضان عبدالله با توجه به زاویه دید ژرفی که نسبت به دایره نسبت‌ها بین جهان اسلام و غرب براساس نیاز روز، تحلیلی جامع از مسائل هویتی فی‌مابین ارائه می‌دهد که علاوه بر اینکه ماهیت فرهنگ مقابل را برای مخاطب شفاف می‌کند، ماهیت قوی و انگیزه‌های سازنده ملت‌های مسلمان برای بشر امروزی را تبیین می‌کند. او با تمرکز بر آنچه در غرب می‌گذرد، به قرآن مراجعه کرده و بر همین اساس، زاویه دید او به دایره مسائل فی‌مابین، زاویه دید راهکارمحور برای ارتقای کیفیت مواجهه ملت‌های مسلمان با تفکرات غیراسلامی است. دکتر شلح در این کتاب، ضرورت تقویت ایمان در مواجهه با تحولات جهانی را یادآور می‌شود و تأکید می‌کند که باید ماهیت و هویت ملت‌های مسلمان از نمادها و تأثیرات خارجی زدوده شود تا اینکه شاهد کارآمدی هرچه‌بیشتر در همه عرصه‌ها باشیم. جدال حق و باطل، اصلی‌ترین محور این کتاب است.



جهت مطالعه آنلاین



منابع:

- صمدی، تسنیم، دکتری که ۵ میلیون دلار جایزه ترورش بود، ۱۸ خرداد ۱۳۹۹
- المدلل، شبکه فلسطین آنلاین، د. رمضان: الداعية والمفكر والسياسي، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰ م.
- محمد شلح، شبکه العالم، نقش رمضان شلح در نزدیک کردن جهاد اسلامی و حماس، چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ - ۲۲:۴۵
- عمر حواش، الجبهة الفلسطينية و حزب الله يتحدان لمواجهة إسرائيل، رأي اليوم (انگلستان)، ۲۱ فوریه ۲۰۱۷ م.

در دهه ۹۰ میلادی، موفق به تکرار آن الگو در سرزمین‌های اشغالی شد و نتایج درخشانی برای مردم و سرزمینش به دست آورد.

تغییر و توسعه، منشور جهاد اسلامی

«محمد عبدالله شلح» برادر مرحوم دکتر رمضان عبدالله، دبیرکل سابق جنبش جهاد اسلامی فلسطین بعدها در گفت‌وگویی با اشاره به نقش سازنده دکتر در فرایند تقویت و نزدیک کردن روابط حماس و گروه جهاد اسلامی در سال ۲۰۱۵ میلادی می‌گوید: «گروه‌های فلسطینی را در چندین نشست، زیر نظر داشتم. همان‌طور که همه رهبران گروه‌ها می‌گویند، دکتر شلح حرف آخر را می‌زد و هر وقت گروه‌ها درباره امضای توافقی به مشکل می‌خوردند، حرف ایشان، حرف آخر بود. دغدغه مندی برای حقوق ملت فلسطین و تلاش برای رفع نیازهای مردم از ویژگی‌های شاخص آن شهید بود». محمد شلح در ادامه می‌افزاید: «رمضان حدود ۲۳ سال، پرچم‌دار بود و در این مدت توانست راهبرد سیاسی و نظامی را تدوین و گردان‌های القدس را تأسیس کند و در دوره وی، چند عملیات قهرمانانه اجرا شد که وی طی ۲۳ سال بر آن‌ها شخصاً نظارت می‌کرد؛ تا جایی که ملت فلسطین و هم‌پیمانانش، به اقتدار جهاد اسلامی اطمینان بسیاری پیدا کردند. وی در دوران بیماری، خواهان برگزاری انتخابات شد و منشوری جدید را برای جنبش جهاد اسلامی نوشت و برخی اصلاحات را در منشور این جنبش و اصول و مفاهیم آن ایجاد کرد که با جان و دل آن را حفظ خواهیم کرد.»

روابط مستحکم با ایران و حزب الله

دکتر رمضان شلح تا آخرین لحظه، خواهان وحدت گروه‌های مقاومت و ارتباط مستحکم آن‌ها با حزب الله لبنان بود. به عنوان مثال، او سه سال قبل از وفاتش در روز سوم اسفندماه سال ۱۳۹۵ در سخنرانی‌اش در کنفرانس حمایت از فلسطین تهران به صراحت از ضرورت وحدت محور مقاومت برای مبارزه با رژیم صهیونیستی سخن گفت و تصریح کرد: «با وحدت موافق هستیم و این تنها راه حرکت به سمت آزادسازی و بازپس‌گیری حقوق مان است، اما این امر بدون ره‌اشدن از تبعات توافق نامه اسلو امکان‌پذیر نیست و همه ما می‌دانیم چه کسی اسرائیل را به وجود آورد و ما روی قدرت و نیروی درونی خود و حمایت امت خود حساب می‌کنیم»؛ همان‌طور که برادرش محمد عبدالله نیز این مسئله را تأیید می‌کند و می‌گوید: «بیانیه حزب الله و سید حسن نصرالله، دبیرکل این حزب، را به مناسبت وفات رمضان شنیدیم. وی درباره شخصیت رمضان شلح صحبت کرد. روابطی مستحکم میان دو طرف حتی در زمان جنگ علیه لبنان وجود داشت. سید حسن گفت که رمضان شلح، نام این جنگ را «وعدۀ محقق» انتخاب کرد. دکتر رمضان با عماد مغنیه و حاج قاسم و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتباط میدانی داشت و با لباس نظامی در دیدارها حضور می‌یافت.



فرمانده شلح در کنار مادرش «ام عبدالله»



دکتر شلح به دلیل وجود احتمال ترور و حمله نیروهای صهیونیست، بیشتر اوقات در طبقه دوم محل سکونتش مشغول به کار بود. در زمان‌هایی که استراحت می‌کرد، اعتقاد قلبی‌اش به هنر را در قالب نقاشی روی کاغذ به تصویر می‌کشید. این تابلو اثر به جای مانده از دکتر رمضان شلح است.



◀ بیت المقدس، یعنی همه چیز

«به خدا سوگند اگر تمام قمرها را در دست راست ما قرار دهند و تمام خورشیدهای آن را در دست چپ ما قرار دهند، به شرطی که یک وجب از سرزمین فلسطین یا ذره‌ای از بیت المقدس را واگذار کنیم، نمی‌پذیریم»؛ این بخشی از اظهارات شاخص دکتر رمضان شلح در ترسیم آرمان بلند جنبش جهاد اسلامی و ملت فلسطین در دفاع از قدس است.

در ادامه بخشی از سخنان ماندگار او را می‌خوانیم:

● عزیزترین مسئله امت

عزیزترین مسئله برای این ملت در اعماق وجود، فلسطین است. به فلسطین روی بیاورید؛ فلسطین آن چه را که انتظارش را نداشتید، به شما خواهد داد. ما معتقدیم که خداوند متعال، بیت المقدس را به بیت الحرام در مکه پیوند زده است؛ منزله است آن کس که بنده خود را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که اطراف آن را برکت داده‌ایم، بُرد. این یک پیوند الهی است. چه کسی در این امت، جرأت دارد این طناب را که بیت المقدس و بیت الحرام را به هم وصل می‌کند، قطع کند؟ رهاکردن مسجد الاقصی، ترک بیت الحرام است. ترک بیت المقدس، ترک مکه است، هیچ کس از وظیفه خود شانه خالی نمی‌کند، هیچ کس مسئولیت را رها نمی‌کند. هیچ کس فکر نمی‌کند که اگر قدس از دست برود، خودش نجات پیدا می‌کند و دفاع از قدس، جزء ایمان ماست. مسجد الاقصی جزئی از دین من است و ایمان من، فقط یک مسئله ملی نیست. اگر کسی می‌خواهد به من بگوید که بیت المقدس را رها کن، انگار به من می‌گوید سوره اسراء را از قرآن حذف کن. من نمی‌توانم این کار را انجام دهم.

● چاره‌ای جز پیروزی نداریم

باید بدانید که در هر نبردی که پیش‌رو دارید، چاره‌ای جز پیروزی نداریم. پیروزی یک گزینه نیست، بلکه تعهد و وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. مراقب باشید که یک‌سانتری متر از آن چه مقاومت انجام داده است، عقب‌نشینی نکنید. در غزه، پروژه

«عبد خدا» از آرمان «قدس» می‌گوید

غزه «مقاومت شهر» ماست

وقتی به بیانات مرد جاودانه جهاد اسلامی، دکتر رمضان عبدالله می‌نگری، این توحید است که موج می‌زند. مردی که همه چیز را با فرمان الهی می‌سنجد و دل به دریای توحید بسته است. توحیدی منبعث از انگیزه‌های قوی و تصمیم به شهادت مخلصانه.



یکی از اعضای جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تونلی در نوار غزه قدم می‌زند.
عکس از annahar.com



• وحدت برای فلسطین متحد

رمضان عبدالله شلح در دیدار با پاتریک پاپ شنوده سوم، دبیرکل جهاد اسلامی مانند دکتر شفاقی، اعتقاد ویژه‌ای به اتحاد مذاهب برای آزادسازی فلسطین و مبارزه متحد با صهیونیسم داشت.



• باران جدا نشدنی

دکتر «رمضان عبدالله شلح» در کنار مرحوم دکتر «حسین شیخ الاسلام» که در طول سال‌های پربرکت عمر خود، همه زندگی‌اش را وقف نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های جهادی فلسطینی کرد.

مقاومت وجود دارد، نه پروژه تسلیم. به سران دشمن می‌گویم اگر غزه و ملت فلسطین، از خروش دریا می‌تسیدند، هرگز در ساحل آن، مقاومت‌شهر (غزه) را بنا نمی‌کردند.

• عملیات استشهادی، گزینه راهبردی ماست

عملیات استشهادی به عنوان یک گزینه راهبردی یا به عنوان گزینه‌ای که مردم فلسطین برای تنظیم موازنه قوا و بازدارندگی در نبرد با دشمن در این نبرد نابرابر ایجاد کرده‌اند، اصلی است که وجود دارد و ما آن را رها نمی‌کنیم. ما می‌دانیم که باب جهاد در ایمان ما دریچه‌ای به سوی آینده مردم و ملت ماست، هیچ مانعی ما را از مبارزه بازمی‌دارد؛ هیچ نیرویی ما را از آن نمی‌ترساند و هیچ دشمنی ما را در عرصه خود شکست نخواهد داد. زمانی که رژیم صهیونیستی، زمان و شکل تهاجم را انتخاب کرد، مقاومت نباید دست روی دست بگذارد؛ وگرنه از معادله خارج خواهیم شد. آن چه از ملت ما به زور گرفته شده است، فقط با زور قابل بازیابی است. سازمان‌های مقاومت، این رژیم غاصب را تا قلب تل‌آویو نابود خواهند کرد.

• تفنگ ما اجاره‌ای نیست

تفنگ ما اجاره‌ای نیست. ما یک تفنگ اسلامی فلسطینی هستیم که از مگسک آن، فقط مناره‌های بیت‌المقدس را می‌بینیم. ما همه جناح‌ها را در قلب، در ذهن و در روح خود حمل کردیم. هر کاری که امروز انجام داده‌ایم، تأییدکننده یک قانون است که با خون نوشتیم، با قاطعیت نوشتیم، با آتش و نور نوشتیم. شما به همه دنیا گفتید که فلسطین را نمی‌توان فراموش کرد و جنایتی که علیه آن انجام شد، نابخشودنی است و آنچه در دهه‌ها پیش برای فلسطین رخ داد، امروز نیز فراموش نشدنی است. سلاح ما در واقع ایمان ماست و این سلاح را معاوضه نمی‌کنیم.

• منبع:

سرایا القدس؛ اقوال یخلدها التاريخ للقائد الوطني الشهيد الدكتور رمضان شلح، الأحد ۰۶ یونیو ۲۰۲۱

مردی که میدان جنگ را مثل کف دستش می شناخت

استاد آزادی خواه

مرحوم دکتر «رمضان عبدالله شلح» در دوران تحصیلش در مصر با شهید «فتحی الشقافی» که بعدها نهضت جهاد اسلامی را پایه گذاری کرد، دیدار کرد؛ دکتر شقافی هم در آن زمان، در سال دوم تحصیل پزشکی در همان دانشگاه تحصیل می کرد. این ملاقات به دوستی شلح و شقافی که در آن زمان به اخوان المسلمین تعلق داشت، منجر شد. در سال ۱۹۷۸ میلادی، شلح به الشقافی پیشنهاد تشکیل یک سازمان را داد اما شقافی در پاسخ به او گفت که رهبری گروه کوچکی به نام «پیشتازان اسلامی» را برعهده دارد؛ زیرا او به اخوان المسلمین تعلق دارد، بنابراین شلح به او پیوست. پس از مدتی و در سایه فعالیت های مشترک شلح و شقافی، ده ها دانشجوی فلسطینی دیگر که در دانشگاه های مصر مشغول به تحصیل بودند، به حرکت آن ها پیوستند و بعدها جنبش جهاد اسلامی را تشکیل دادند. در سال ۱۹۸۱، رمضان عبدالله شلح، مدرک لیسانس اقتصاد را از دانشگاه «قازیق» مصر دریافت کرد. رمضان پس از دانش آموختگی به نوار غزه بازگشت و به عنوان استاد در گروه اقتصاد دانشگاه اسلامی مشغول به کار شد.



استاد دانشگاهی که رهبری می کرد

رمضان عبدالله در آن مرحله از زندگی خود، به موعظه ها و ایده پردازی هایش برای مقاومت در برابر اشغالگری معروف بود که خشم اسرائیل را برانگیخت و همین موضوع باعث شد تا او را حبس خانگی کرده و از کارش در دانشگاه جلوگیری کنند. درحقیقت، او استادی بود که پیشاهنگ رهبری و هدایت مظلومان به حساب می آمد.

روزهای تدریس در دانشگاه فلوریدا

در سال ۱۹۸۶ میلادی، شلح برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی اش، نوار غزه را به مقصد لندن ترک کرد و در سال ۱۹۹۰ میلادی، دکترای اقتصاد را از دانشگاه دورهام گرفت. مدتی در لندن ماند و فعالیت مذهبی خود را در آنجا ادامه داد و سپس به کویت رفت و در آنجا ازدواج کرد. رمضان عبدالله، از کویت عازم انگلیس شد و سپس دوباره به آمریکا رفت و در آنجا به مدت دو سال (۱۹۹۳-۱۹۹۵ میلادی) به عنوان استاد مطالعات غرب آسیا در دانشگاه فلوریدای جنوبی مشغول به کار شد و در سال ۱۹۹۵ میلادی هم آمریکا را به مقصد سوریه ترک کرد و می خواست به سرزمین های فلسطینی بازگردد.

وی پس از رفتن به سوریه، به دیدار یار قدیمی اش رفت. این رویداد، وی را دوباره با دکتر فتحی شقافی همراه کرد؛ تا جایی که آن ها به مدت شش ماه با هم به طرح ریزی نشستند و برنامه هایی را برای توسعه کار جنبش، تنظیم کردند. در همان سال، موساد، «فتحی شقافی» بنیان گذار جنبش جهاد اسلامی را ترور کرد و اعضای جنبش، گرد هم آمدند و رمضان عبدالله شلح را به عنوان دبیرکل جنبش انتخاب کردند.

قرارگرفتن در لیست سیاه

در جریان انتفاضه دوم فلسطین، رژیم موقت صهیونیستی، رمضان عبدالله را مسئول مستقیم تعداد زیادی از عملیات های «جهادی» علیه اهداف صهیونیستی اعلام و او را متهم کرد. مشخص بود که این مسأله، جان او را تهدید می کند. او تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی، به وظایف خود به عنوان دبیرکل جنبش ادامه داد و آن گاه، «زیاد النخاله» برای تصدی دبیرخانه جهاد اسلامی انتخاب شد. دلیل کناره گیری دکتر رمضان عبدالله از این مسئولیت مهم، بیماری سختی بود که او را رنج می داد؛ بیماری ای که برخی معتقد بودند ناشی از نوعی ترور بیولوژیک او توسط موساد



پدید آمده است.

با اینکه دکتر به دلیل ابتلا به بیماری، وضعیت جسمانی خوبی نداشت، واشنگتن در سال ۲۰۰۳ میلادی، او را در لیست تروریسم قرار داد و در سال ۲۰۰۷ میلادی، دولت آمریکا او را در برنامه موسوم به «پاداش برای عدالت» گنجانید و در ازای مشارکت در دستگیری او ۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرد. در پایان سال ۲۰۱۷ میلادی، اداره تحقیقات فدرال آمریکا، او را به همراه ۲۶ نفر در سراسر جهان، در لیست افراد تحت پیگرد قرار داد.

◀ مردی که در پی آزادی بود

شلح ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به شکاف فلسطینی بین حماس و فتح که از سال ۲۰۰۷ میلادی ادامه داشت، آغاز کرده بود؛ ابتکاراتی که حتی چند بار میانجی‌گری عرب‌ها در پایان دادن به آن موفق نبود. دبیرکل فقید جهاد اسلامی فلسطین، به خاطر دفاع مداوم از موضوع قدس شهرت داشت. او در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خود گفت: «بیت المقدس بخشی از دین و اعتقاد من است و هرکس به من بگوید از آن دست بردار، انگار به من می‌گوید که سورة اسراء را از قرآن کریم حذف کن.»



سردار سلیمانی عاشق جهاد و مقاومت

نافذ عزام، عضو دفتر سیاسی حماس، با اشاره به نقش مؤثر شهید حاج قاسم سلیمانی در حمایت از آرمان فلسطین می‌گوید: شهید سلیمانی به پیروزی مقاومت و زوال رژیم صهیونیستی ایمان داشت. عضو برجسته جنبش جهاد اسلامی فلسطین درباره تأثیر اقدامات حاج قاسم در به هم ریختن معادلات رژیم صهیونیستی گفت: شهید سلیمانی در چارچوب کلی سیاست جمهوری اسلامی ایران در حمایت همه‌جانبه از مردم فلسطین به تقویت مقاومت با تمام توان اقدام کرد و از هیچ کمک و حمایتی در این زمینه دریغ نکرد.

▼
شلح ابتکارات
متعددی را برای
پایان دادن به شکاف
فلسطینی بین
حماس و فتح که از
سال ۲۰۰۷ میلادی
ادامه داشت، آغاز
کرده بود؛ ابتکاراتی
که حتی چند بار
میانجی‌گری عرب‌ها
در پایان دادن به آن
موفق نبود



رمز گشایی از اتاق فکر سردار سلیمانی و دکتر رمضان شلح

یار حاج قاسم



بزم محبت

آخرین دیدار دکتر رمضان عبدالله شلح، دبیرکل سابق جهاد اسلامی فلسطین با رهبر معظم انقلاب اسلامی. در این دیدار، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای خطاب به دکتر شلح فرمودند: «تنه‌اره نجات قدس شریف، مبارزه و مقاومت است.» نفر سوم این تصویر، آقای «زیاد النخاله» دبیرکل فعلی جهاد اسلامی فلسطین است.



درباره منطقه مورد توجه حاج قاسم و سایر رهبران ایران قرار می‌گرفت مورد احترام فراوان ایشان قرار داشت به همین جهت، رابطه‌شان تا زمان شروع بیماری دکتر رمضان و به اغما رفتن ایشان ادامه یافت. دکتر رمضان عبدالله گاهی در مورد موضوع محور مقاومت تأملاتی داشت. چون فلسطین محور نیست و ما هم فقط محور نیستیم بلکه ما نماینده امت هستیم و هدف‌مان توجه به کل فلسطین است که مسئله نخست امت اسلامی به شمار می‌رود لذا یکی از ویژگی‌های مهم این مرحله، وجود رابطه ممتاز میان جنبش‌های مقاومت خصوصاً جنبش جهاد اسلامی با سایر جنبش‌های مقاومت در لبنان و عراق و یمن و تحت رهبری جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی بود.»

رابطه دکتر رمضان شلح با شهید سپهبد سردار حاج قاسم سلیمانی، فرمانده فقید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از یک سو دارای بُعد انقلابی و مقاومتی و از سوی دیگر بُعد انسانی و اجتماعی بود. ابومجاهد اسماعیل السنداوی، نماینده جنبش جهاد اسلامی در سوریه در گفت‌وگویی، از وجود اتاق عملیات نظامی مشترک بین فرمانده سپاه قدس، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و مرحوم دکتر خبر داده است. وی می‌گوید: زمانی که موشک‌های فجر ۵ گردان‌های زمین به هوا در مجموعه سرایا القدس برای اولین بار تل‌آویو را بمباران کرد، دکتر شلح با مشورت حاج قاسم که هر روز در این اتاق وقایع تجاوز به نوار غزه را دنبال می‌کرد، تصمیم به پرتاب آن‌ها گرفت. حاج قاسم با هماهنگی دکتر شلح از جزئی‌ترین جزئیات وضعیت مقاومت غزه و مجاهدانی که نام‌شان را حفظ کرده بود، می‌پرسید و برای طرح‌ریزی بهتر، تلفات و مجروحان را پیگیری می‌کرد. با کمک‌ها و عنایت حاج قاسم، شاخه نظامی نهضت جهاد اسلامی متحول شد. تعداد ده‌ها گروهان القدس قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی، به هزاران گردان پس از سال ۲۰۰۰ افزایش و توانایی‌های زیرمجموعه‌های نظامی آن توسعه یافت. در دیدار حاج قاسم و دکتر شلح گفت‌وگوهای فکری و راه‌هایی برای توسعه مقاومت وجود داشت. در سطح دوم، دیدارهای دائمی خانواده شهید سلیمانی و خانواده مرحوم دکتر شلح، حرکتی اساسی در توسعه تعاملات بود. «ناصر ابوشریف» نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران نیز در گفت‌وگویی با روزنامه کیهان به این مسئله اشاره کرد. وی در پاسخ به خبرنگار این روزنامه با اشاره به روابط بین فرمانده وقت نیروی قدس و شهید رمضان عبدالله می‌گوید: «رابطه با حاج قاسم سلیمانی رابطه‌ای قدیمی بود اما پس از سال ۲۰۰۶ میلادی و سپس بعد از سال ۲۰۰۸ میلادی عمیق‌تر و بیشتر شد و به یک رابطه دوستانه و برادرانه صمیمی تبدیل شد. دکتر رمضان عبدالله به لحاظ اینکه از اوضاع منطقه و راهبردها و جزئیات آن اطلاع دقیقی داشت و تحلیل‌ها و دیدگاه‌های وی



از رفاقت تا شهادت

جانشین فتحی شقاقی، یک استاد دانشگاه رشته اقتصاد بود که آن‌روزها در اروپا به سر می‌برد. اعضای سازمان، با پنهان‌کاری کامل، ابتدا ترتیب سفر وی به سوریه را دادند و پس از اطمینان از سلامت‌ش، او را به عنوان دبیرکل جدید جنبش جهاد اسلامی فلسطین معرفی کردند: دکتر رمضان عبدالله شلح.

رهبر معظم انقلاب، در پیام تسلیت وفات دکتر رمضان عبدالله شلح فرمودند: درگذشت برادر مجاهد و مقاوم، آقای دکتر رمضان عبدالله را به ملت عزیز فلسطین و به همه مجاهدانی که دل در گرو مسئله فلسطین دارند و به‌ویژه به سازمان فداکار «جنبش جهاد اسلامی فلسطین» و نیز به خانواده آن فقید سعید تسلیت عرض می‌کنم. جریان مقاومت فلسطین عنصر بسیار صادق و ارزشمندی را از دست داد.



فرمانده مردمی

«محمود عرفات الخواجه» در سال ۱۹۶۰ میلادی در اردوگاه الشاطی در خانواده‌ای مجاهد متولد شد. ریشه خانوادگی او به روستای «حمامه» در منطقه غزه بازمی‌گردد. خانواده او در سال ۱۹۴۸ میلادی از روستای حمامه مهاجرت کردند و در اردوگاه ساحلی ساکن شدند و مانند همه خانواده‌های مهاجری که سرزمین‌های‌شان توسط صهیونیست‌ها غارت شد، زندگی پر از درد و رنجی داشتند. وی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در مدارس آنروا و تحصیلات متوسطه را در مدرسه متوسطه فلسطین به پایان رساند. سپس تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه اسلامی غزه گذراند و مدرک کارشناسی گرفت. بعد از آن تحصیلات تکمیلی‌اش را در همان دانشگاه ادامه داد و موفق به دریافت «دیپلم آموزش عمومی» شد.

عملیات‌های شهادت‌طلبانه مجاهدین مسلمان در صحنه فلسطین بود که در آن زمان هرازچندگاهی شدت می‌گرفت و دولت خودگردان، به جای حمایت از مردم فلسطین، آن‌ها را بازداشت می‌کرد.

قلبی که برای مردم می‌تپید

شهید محمود به اردوگاه محل زندگی‌اش عشق می‌ورزید. همواره به فکر اردوگاه و مردمش بود و کمتر کسی است که او را در زمان حیاتش نشناخته باشد. طلبه‌های مساجد آن مناطق نیز او را می‌شناختند. شهید بدون توجه به گرایش‌های سیاسی با بسیاری از مردم خود ارتباط گسترده‌ای داشت. وی همیشه مشتاق این بود که در اردوگاهش نوعی هماهنگی و اتحاد بین گروه‌های فعال در صحنه حاکم باشد؛ ازاین‌رو در جریان قیام چندین بار در کمیته‌های اصلاحات و حل‌وفصل اختلافات بین جناح‌ها شرکت کرد. خیزش علیه بی‌عدالتی زمانی بود که یک شرکت اقتصادی، ۲۵ نفر از کارگران خود را اخراج کرد. او در دفاع از حق آن‌ها پیش‌قدم شد و به تلاش ادامه داد تا به لطف خدا همه آن‌ها به سر کار بازگشتند.

ورزش، انگیزه‌ساز موفقیت

محمود علاوه بر آمادگی نظامی، به عشق به ورزش بدن‌سازی و وزن‌برداری شهرت داشت و به دلیل وابستگی شدیدی که به این ورزش داشت، مشتاق به‌دست‌آوردن لوازم آن بود. او خود، برای تربیت جوانان در میان مردم فلسطین سالن ورزشی افتتاح کرد. خودش هم همواره تمرین می‌کرد و به‌صورت منظم کارش را ادامه می‌داد و بسیاری از جوانان اردوگاه‌نشین را هم به این ورزش‌ها جذب کرد تا بتوانند زندگی سالم‌تری داشته باشند.

محمود الخواجه، معمار یگان‌های

نظامی

در بین گروه‌های جهادی فلسطین از محمود الخواجه به‌عنوان معمار فعالیت‌های نظامی

انگیزه جابه‌جا کردن کوه

مبارزه با یهودیان متجاوز، به هر جوان فلسطینی انگیزه جابه‌جا کردن کوه را می‌داد. محمود هم این انگیزه را داشت. شهید محمود پس از شهادت عموی خود به دست صهیونیست‌های قاتل، همواره خود را بر قله‌های سرافرازی می‌دید و سعی می‌کرد با شجاعت و سرکش در جامعه ظاهر شود؛ بنابراین این حادثه یکی از اولین انگیزه‌های روحی وی برای نبرد با صهیونیست‌ها و اشغالگران بود.

جهادی به وسعت ایمان الهی

با ظهور اندیشه‌های جهادی و انقلابی در نوار غزه به رهبری متفکر اسلامی شهید دکتر فتحی‌الشقاقی، شهید محمود از اولین کسانی بود که به آن اندیشه‌ها ایمان آورد و با آن رویکردهای جهادی آمیخته و عجین شد. محمود یکی از اعضای برجسته جنبش جهاد اسلامی و گروه اسلامی دانشگاه شد و به ریاست تشکل مستقل دانشجویی در دانشگاه اسلامی غزه و همچنین مسئولیت جهاد اسلامی در اردوگاه ساحلی منصوب شد. او یکی از فعالان برجسته در مساجد اردوگاه به‌ویژه مسجد سفید بود.

نبرد، میدان و زندان نمی‌شناسد

برای محمود، میدان یا زندان فرق نمی‌کرد و همیشه در حال نبرد بود. شهید الخواجه یکی از اولین بازداشت‌شدگان سال ۱۹۸۳ میلادی بود که به پنج ماه حبس محکوم شد و پیش از آن نیز به اتهام آتش‌زدن پرچم رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار، در دانشگاه اسلامی غزه به مدت یک‌ماه به‌همراه دیگر دوستانش بازداشت شده بود.

بازداشت‌هایی که تمامی ندارد

شهید محمود الخواجه در سال ۱۹۸۵ میلادی برای سومین بار توسط رژیم صهیونیستی دستگیر شد. او که حالا برای خودش اسم و رسمی در بین جوانان مقاومت داشت، به‌اتهام نگهداری اسلحه به چهار سال زندان محکوم شد و پدرش نیز در همین پرونده به مدت شش ماه بازداشت شد. بعد از این بود که شهید محمود برای چهارمین بار، چند روز دستگیر شد و پس از آن هم در سال ۱۹۹۳ میلادی دو بار توسط مقامات اداری دولت خودگردان بازداشت شد! این دستگیری‌ها از جمله تبعات

محمود یکی از اعضای
برجسته جنبش
جهاد اسلامی و گروه
اسلامی دانشگاه شد
و به ریاست تشکل
مستقل دانشجویی
در دانشگاه اسلامی
غزه و همچنین
مسئولیت جهاد
اسلامی در اردوگاه
ساحلی منصوب
شد. او یکی از فعالان
برجسته در مساجد
اردوگاه به‌ویژه مسجد
سفید بود



◀ رد پای نفوذی

اطلاعات رژیم صهیونیستی به دلیل پیشگامی محمود در جنبش جهاد اسلامی و همچنین روابط وی با بسیاری از افراد شاخص که وی با آن‌ها حشر و نشر داشت، وی را به صورت مستمر زیر نظر داشت. این همان چیزی بود که سرویس‌های اطلاعاتی را بر آن داشت تا با تشدید نظارت بر او به نقش واقعی‌اش پی ببرند؛ بنابراین یکی از افسران آن‌ها مأمور شد تا حرکت‌های او را تعقیب و بر آن‌ها نظارت کند.

سرویس‌های امنیتی فلسطین در غزه، بعدها با رصد، جمع‌آوری اطلاعات و پیگیری موضوعات پرونده ترور شهید الخواجه، توانستند عامل خطرناکی را که نقش اصلی در ترور رهبر شهید را برعهده داشت، دستگیر کنند. دستگیری این مأمور برای ساکنان اردوگاه ساحلی و همه کسانی که او را می‌شناختند، غافل‌گیرکننده بود.

این مأمور از همسایگان و بستگان شهید بود که در سال ۱۹۸۲ میلادی به دست افسر موساد در آن منطقه با نام «ابو تومر» به منجلا ب افتاد و نقش خائنانه خود را ایفا کرد تا اینکه دستگیر شد.

در ابتدا سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی به وی دستور داد تا تحرکات رزمندگان را در منطقه‌ای در اردوگاه الشاطی زیر نظر داشته باشد. او هم بدون استثناء درباره همه، اطلاعات جمع‌آوری کرد.

و چیریک‌ی نیز یاد می‌شود. فرمانده شهید محمود الخواجه، ریاست تشکل‌های مستقل دانشجویی دانشگاه اسلامی غزه را نیز برعهده داشت و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارش تأسیس و راهبری دستگاه نظامی و رزمی نهضت جهاد اسلامی در فلسطین تحت عنوان «نیروهای جهاد اسلامی» بود. در دوران رهبری او و با مشارکت و برنامه‌ریزی او، بزرگ‌ترین عملیات نظامی در فلسطین انجام شد و در مدت نسبتاً کوتاهی، نیروهای جهاد اسلامی به رهبری سردار شهید محمود الخواجه با عملیات‌های نظامی خود دستاوردهای مهمی را به ثبت رساندند.

سرویس‌های امنیتی فلسطین در غزه، بعدها با رصد، جمع‌آوری اطلاعات و پیگیری موضوعات پرونده ترور شهید الخواجه، توانستند عامل خطرناکی را که نقش اصلی در ترور رهبر شهید را برعهده داشت، دستگیر کنند. دستگیری این مأمور برای ساکنان اردوگاه ساحلی و همه کسانی که او را می‌شناختند، غافل‌گیرکننده بود





فرد نفوذی به واسطه خویشاوندی ای که با شهید داشت، علاوه بر محله، مکرر به منزل شهید رفت و آمد می کرد و یک بار بدون اجازه وارد منزل شده و قصد داشت وارد اتاقی شود که تعدادی از مجاهدان در آن با اسلحه های شان نشسته بودند، محمود چاره ای نداشت جز اینکه او را با خشونت به بیرون هل دهد و در را به رویش ببندد

مدرکی برای چیزی بود. آن فرد خیانت کار، شهید محمود و کسانی را که به او مراجعه می کردند، زیر نظر داشت و توضیحات آن ها را به جاسوس های رژیم صهیونیستی می رساند. افسر صهیونیست پس از مدتی از او خواست که خود را به طور کامل، وقف تعقیب محمود کند و به دقت روی تحرکات وی و ساعات دقیق تردد وی نظارت کند. ۱۰ روز قبل از ترور، مأمور یک دوره فشرده طراحی مهندسی گذراند و افسر اطلاعات از او خواست تا خیابان های اطراف محمود و محل کارش را با جزئیات ترسیم کند و همچنین از او خواست تا محمود را از نزدیک زیر نظر داشته باشد.

❖ وقتی که ماه گرفت

آن شب، طبق معمول همیشه، محمود پس از تهجد و اقامه نماز شب، عازم محل کار شد. او با خوشحالی از خواب بیدار شده بود و از خوابی که دیده بود، به همسرش گفت و تعریف کرد که در خواب، سه نفر به او شلیک کرده اند و او شهید شده است. برنامه سفر شهید، مشخص و ساعت و برنامه غیر قابل تغییر

پس از ظهور نیروهای مجاهد اسلامی، بازوی نظامی جنبش جهاد اسلامی در فلسطین، اطلاعات رژیم صهیونیستی از آن عامل جاسوسی خواست تا شهید محمود را زیر نظر بگیرد، تحرکات وی را دنبال کند و ملاقات کنندگان او را زیر نظر داشته باشد.

همچنین یک دستگاه در اختیار وی قرار دادند که از طریق آن اطلاعات امنیتی را بلافاصله به افسر مسئول خود منتقل می کرد.

فرد نفوذی به واسطه خویشاوندی ای که با شهید داشت، علاوه بر محله، مکرر به منزل شهید رفت و آمد می کرد و یک بار بدون اجازه وارد منزل شده و قصد داشت وارد اتاقی شود که تعدادی از مجاهدان در آن با اسلحه های شان نشسته بودند، محمود چاره ای نداشت جز اینکه او را با خشونت به بیرون هل دهد و در را به رویش ببندد. نزدیکی بیش از حد فرد نفوذی به او باعث شد محمود از او بترسد و محتاط شود و مطمئن شد که این فرد یک عامل نفوذی سازمان موساد است؛ به ویژه پس از اینکه او ماشین هایی را که برادر محمود با آن ها معامله می کرد، بازرسی و آن ها را به طور دقیق بررسی می کرد که گویی به دنبال

ابو عرفات: نقل زبان ها

عرفات فرزند شهید محمود الخواجه است. بیشتر بچه های مقاومت، پدرش را با نام او می شناختند. ابو عرفات نقل زبان ها بود. عرفات می گوید: ما بعد از غیبت پدرمان احساس خلا می کنیم، اما خداوند با دادن خانواده ای سخاوتمند برای ما جبران کرده است که بتوانیم در آن با عشق خدا و دین و عشق به جهاد و مقاومت و شهادت در راه خدا بزرگ شویم.»





از مکتب شهید
محمود الخواجه،
«ابومحمود» بیرون
آمد. او تحت اندیشه
روشنگرانه شهید
رشد کرد و مدتی به
فرماندهی نظامی و
گردان‌های قدس و
یکی از برجسته‌ترین
اعضای ستاد آن در
نوار غزه تبدیل شد



سلاح فرزندم زمین نمی‌ماند

مادر شهید محمود الخواجه سلاح فرزندش را در دست گرفت و در عزای فرزندش به میدان آمد. او می‌گفت: ابوعرفات شجاع بود و از مرگ و زندان نمی‌ترسید، او با پدرمادش مهربان بود و ما در همه مناسبت‌ها از او یاد می‌کنیم. سلاح فرزندم زمین نمی‌ماند.



بود. او با همسرش خداحافظی کرد و منزل را به مقصد محل کارش ترک کرد. فرد نفوذی، مواظب او بود و از بالکن یکی از منازل، تردد شهید را رصد و تعقیب می‌کرد و از طریق دستگاهی که توسط افسر اطلاعات در اختیار وی قرار گرفته بود، اطلاعات را به‌صورت لحظه‌ای مخابره می‌کرد.

جشن وصال

به گفته شاهدان عینی، ترور بین ساعت ۶:۳۰ تا ۷ بامداد رخ داده است. خیابان‌ها خالی بوده و فقط تعداد بسیار کمی از رهگذران که پیشتر آن‌ها دانش‌آموز بودند و برای امتحان به مدرسه‌ای در آن نزدیک می‌رفتند، شاهد صحنه بودند. در میان شاهدان عینی، زنی حضور داشت که گفت: «سال ۱۹۹۵ بود. من در لحظه ترور ابوعرفات، روی پشت‌بام خانه بودم و یک دستگاه پژو ۴۰۴ را دیدم که رنگ آن بین آبی روشن و قهوه‌ای بود. آن‌ها خیلی سریع از شیب خیابان به سمت محمود پایین آمدند و نقاب نداشتند، یکی از آن‌ها از پشت سر محمود گلوله‌ای شلیک کرد و سپس از ماشین پیاده شدند. فرمانده محمود سعی کرد با خودرویی که در حال رانندگی‌اش بود، به آن‌ها ضربه بزند؛ اما آن‌ها به سرعت با گلوله‌های بیشتری از تیپانچه مجهز به صداخفه‌کن به او شلیک کردند. او غرق در خون افتاد و ماشین با سرعت تمام حرکت کرد.» زن دیگری که محمود را پس از شلیک گلوله دید، گفت: «پسرم بیرون از خانه بود که صدای تیراندازی را شنیدم. فرزندم وحشت‌زده و دوان‌دوان آمد و فریاد زد: «محمود را کشتند! محمود را کشتند! بیرون رفتم و محمود را دیدم که در پیاده‌رو افتاده و در خون خودش غرق شده است. شوهرم بیرون رفت تا محمود را با کمک دیگران به بیمارستان ببرد. شاهی که محمود را حمل می‌کرد، ادامه می‌دهد: «برای حمل محمود، دست‌هایم را زیر سر محمود گذاشتم و به خاطر اصابت گلوله‌ها از پشت سرش، انگشت‌هایم وارد جمجمه‌اش شد. داشت نفس‌های آخرش را می‌کشید که او را به سمت خودرو بردیم. قبل از رسیدن ما به بیمارستان، محمود نفس عمیقی کشید و دنیا را به مقصد آخرت و زمین را به مقصد بهشت ترک کرد درحالی‌که تکه‌هایی از سرش روی صندلی خودرو ریخته بود. خدا او را رحمت کند. ۹ گلوله به او اصابت کرده بود که یکی از آن‌ها به سرش بین ابروها نفوذ کرده، گلوله دوم زیر چشمش بود و گلوله سوم به گردنش اصابت کرده و بقیه گلوله‌ها به ناحیه سینه‌اش خورده بود.»

در مکتب فرمانده

از مکتب شهید محمود الخواجه، «ابومحمود» بیرون آمد. او تحت اندیشه روشنگرانه شهید رشد کرد و مدتی به فرماندهی نظامی در گردان‌های قدس و یکی از برجسته‌ترین اعضای ستاد آن در نوار غزه تبدیل شد. او در گفت‌وگویی درباره فرمانده‌اش می‌گوید: «محمود الخواجه دارای شخصیت نظامی سرسخت و قوی با اراده‌ای تسلیم‌ناپذیر و بدون تزلزل بود. او همچنین شجاع بود و با سادگی، فروتنی و لبخندی زیبا با مردم برخورد می‌کرد. شهید محمود الخواجه مدرسه‌ای جامع بود که علاوه بر آموزش شجاعت، هنرهای رزمی و صبر را هم به ما می‌آموخت.»

منابع:

- سراپاالقدس، القائد «محمود الخواجه»: مؤسس الجناح العسكري و مخزج الاستشهادیین، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹
- سراپاالقدس، قیادی بالسراپا: الشهيد القائد الخواجه؛ رجل عسكري وأمني فريد، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵



◀ جزئیات ترور

به گفته شاهدان عینی، این ترور بین ساعت شش و نیم تا ۷ بامداد سال ۱۹۹۵ رخ داده است. خیابان‌ها خالی بود و فقط تعداد بسیار کمی از رهگذران که بیشتر آنها دانش آموزان بودند و برای امتحان به مدرسه ای در آن نزدیک می‌رفتند شاهد صحنه بودند.

در میان شاهدان عینی، زنی حضور داشت که گفت: «در لحظه ترور ابوعرفات روی پشت بام خانه بودم و یک دستگاه پژو ۴۰۴ را دیدم که رنگ آن بین آبی روشن و قهوه ای بود. آنها خیلی سریع از شیب خیابان به سمت محمود پایین آمدند و نقاب نداشتند، یکی از آنها از پشت سر محمود گلوله‌ای شلیک کرد و سپس از ماشین پیاده شدند. فرمانده محمود سعی کرد با وسیله نقلیه‌ای که در حال رانندگی‌اش بود به آنها ضربه بزند اما آنها به سرعت با گلوله‌های بیشتری از تپانچه با خفه کن به او شلیک کردند. او غرق در خون افتاد و ماشین با سرعت تمام حرکت کرد.» زن دیگری که محمود را پس از شلیک گلوله دید، گفت: «

بررسی نقش عوامل مزدور موساد
در ترور «ابوعرفات»

نفوذ



تجسم زندگی فرمانده شهید محمود الخواجه

سفر زندگی از تولد و شهادت

جنبش جهاد اسلامی فلسطین و شاخه نظامی آن «سرایا القدس» کتابی را در بررسی زندگی شهید سردار محمود الخواجه با عنوان «سفر زندگی بین تولد و شهادت» منتشر کرده است. این کتاب که در مراسم رسمی سازماندهی شده توسط جنبش جهاد اسلامی و شاخه نظامی آن سرایا القدس در شهر غزه رونمایی شده است، حاوی مصاحبه‌ها، شهادت‌ها و اسناد رسمی است که زندگی شهید الخواجه را روایت می‌کند. کتاب فضای گسترده‌ای را به صحبت درباره نقش الخواجه در تأسیس شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی، «بخش» نیروهای اسلامی و توسعه آن از نظر تجهیزات، تأثیر و نقش بزرگ او در آن، الهام بخش او اختصاص داده است؛ شخصیت مجاهدان و مبارزان مقاومت و نظارت مستقیم وی بر اجرای بسیاری از عملیات‌های جهادی.

• جزئیاتی درباره کتاب

این کتاب مستند، به قلم دکتر «ریاض ابو حشیش» و با استفاده از بیانات رهبران جنبش «جهاد» گردان‌های بیت المقدس و یاران و نزدیکان شهید خواجه به رشته تحریر درآمده است. این کتاب شامل پنج فصل است و هر فصل شامل داستان و حکایتی است. این کتاب شامل گفت‌وگوها و مصاحبه با راپیان شامل ۳۰۰ شخصیت از شمال و جنوب تا شرق و غرب دور و همچنین شامل گفت‌وگو با رهبران همه گروه‌های فلسطینی است که رابطه‌ای قوی با شهید الخواجه داشتند.



پسرم بیرون از خانه بود که صدای تیراندازی را شنیدم. فرزندم وحشت زده دوان دوان آمد و فریاد زد: «محمود را کشتند محمود را کشتند» بیرون رفتم تا محمود را دیدم که در پیاده رو دراز کشیده و در خون خودش غرق شده بود. شوهرم بیرون رفت تا محمود را حمل کند و او را با دیگران به بیمارستان ببرد. شهادی که محمود را حمل می‌کرد ادامه می‌دهد: «برای حمل محمود دست‌هایم را زیر سر محمود گذاشتم و به خاطر اصابت گلوله‌ها از پشت سرش، انگشت‌هایم وارد جمجمه‌اش شد. داشت نفس‌های آخرش را می‌کشید که او را به سمت ماشین بردیم. قبل از رسیدن ما به بیمارستان، محمود نفس عمیقی کشید، سپس دنیا را به مقصد آخرت ترک کرد و زمین را به مقصد بهشت... در حالی که تکه‌هایی از سرش روی فرش ماشین پخش شده بود. خدا بعد از شهادتش او را رحمت کند. ۹ گلوله به او اصابت کرد که یکی از آنها به سرش بین ابروها نفوذ کرد، گلوله دوم زیر چشمش بود و گلوله سوم به گردنش اصابت کرد و بقیه گلوله‌ها در سینه اش پخش شد».

شلیک موشک بدر ۳ به سمت سرزمین‌های اشغالی توسط سرایا القدس

شاخه نظامی جهاد اسلامی، موشک جدیدی را رونمایی کرده است که قادر به حمل ۲۵۰ کیلوگرم مواد منفجره است. برای اولین بار «عسقلان» در فلسطین اشغالی با این موشک هدف قرار گرفت. موشک بدر ۳ یکی از دستاوردهایی است که موازنه میدان را به نفع مقاومت تغییر داده است.



جهت مطالعه آنلاین



ابرمردی که صهیونیست‌ها را لال کرد

محمود الخواجه؛ ستاره اشدود

پلیس نظامی در مرکز نوار غزه در نزدیکی شهرک «نتزاریم» با استفاده از دوچرخه‌ای پر از مواد منفجره انجام شد. این عملیات استشهادی منجر به مرگ سه نظامی صهیونیست و مجروح شدن شش تن دیگر از شهرک‌نشینان غاصب شد. این عملیات استشهادی که در تاریخ ۱۹۹۴ میلادی رخ داد، در پاسخ به ترور شهید مجاهد «هانی عابد» انجام شد که در روزهای اولیه همان ماه به دست تروریست‌های موساد ترور شد و به شهادت رسید.

◀ حماسه «بیت‌لید»

عملیات بیت‌لید کابوسی بود که سران رژیم صهیونیستی و سربازان اشغالگر را گرفتار کرد. درواقع بیت‌لید به کابوس همیشگی سربازان ارتش موسوم به شکست‌ناپذیر تبدیل شده است. شهید «انور سکار» به همراه هم‌زمش شهید «صلاح شاکر» در تاریخ ۱۹۹۵ میلادی عازم عملیات شدند تا بمب همراه‌شان را در میان بزرگ‌ترین تجمع نظامیان صهیونیست منفجر کنند.

آن‌ها به میدان رفتند و کاری کردند که صهیونیست‌ها از اعلام آمار کشته‌شدگان خود بهراسند. صهیونیست‌ها نگران این بودند که مهاجران غیرقانونی به سرزمین‌های اشغالی، از هول از دست دادن جان‌شان به خارج از اراضی اشغالی کوچ کنند. نهایتاً دشمن از کشته‌شدن بیش از ۲۲ نظامی صهیونیست و مجروحیت شدید بیش از ۶۰ نفر در این عملیات خبر داد. این آمارها البته غیررسمی بود و برخی معتقد بودند که تعداد کشته‌شدگان فراتر از این اعداد بوده است.

◀ عملیات جهادی «کفرداروم»

این عملیات توسط شهید «خالد الخطیب» در تاریخ ۱۹۹۵ انجام شد که خودروی، اتوبوس حامل نظامیان صهیونیست را منهدم کرد و منجر به کشته‌شدن هشت سرباز و مجروح شدن ۴۰ نظامی اشغالگر شد.

عملیات‌های نظامی و جهادی که ژنرال شهید محمود الخواجه طراحی و در آن شرکت داشت، بسیار شاخص هستند؛ تا آنجا که در مواردی فرماندهان ارتش و دستگاه اطلاعاتی رژیم، زبان در کام می‌گرفتند و از شدت درد، لال می‌شدند. فرمانده محمود توانست برای مدت‌های مدیدی، موساد را دچار سرگیجه کند. او در این زمینه، شبیه یحیی عیاش بود. زیرکی و سرعت وی در سازماندهی عملیات‌ها شخصیت وی را مثال‌زدنی کرده است.

◀ عملیات قهرمانانه اشدود

عملیات تاریخی «اشدود» در تاریخ ۱۹۹۴ توسط شهید «علی العماوی» از اردوگاه الشاطی در ایستگاه و حین تجمع سربازان صهیونیست در منطقه اشدود در فلسطین اشغالی و با مسلسل انجام شد. محمود در این رویداد دو افسر تروریست اسرائیلی، از جمله یک مقام امنیتی شهرسازی در نوار غزه را به هلاکت رساند و دست‌کم ۱۰ صهیونیست دیگر را زخمی کرد. فرمانده شهید محمود الخواجه مستقیماً برآموزش شهید علی العماوی در تمرینات تیراندازی و هنر رویارویی نظارت می‌کرد. شهید محمود به دلیل علاقه شدید به شهید علی، فرزند شیرخوار خود را به نام شهید مجاهد، علی نام‌گذاری کرد. بعدها نیروهای جهادی از فرمانده محمود با نام «ستاره اشدود»

یاد کردند چون بهترین نیروهایش را به مصاف سیاه‌دل‌ترین انسان‌های روی زمین فرستاد و در آسمان مقاومت درخشید.

◀ دوچرخه‌ای که بلای جان اشغالگران شد

این عملیات توسط شهید مجاهد «هشام حمد» از محله «شیخ رضوان» در تجمع نظامی اشغالگران در نزدیکی تقاطع



او هرگز فراموش نخواهد شد

این تصویر همیشه برای صهیونیست‌ها رعب‌انگیز بود. آن‌ها از محمود الخواجه به عنوان مؤسس دستگاه نظامی جهاد اسلامی و صاحب قدرتمندترین عملیات استشهادی یاد می‌کردند که منجر به کشته‌شدن بیش از دویست صهیونیست شد.



عملیات بیت‌لید کابوسی بود که سران رژیم صهیونیستی و سربازان اشغالگر را گرفتار کرد. درواقع بیت‌لید به کابوس همیشگی سربازان ارتش موسوم به شکست‌ناپذیر تبدیل شده است. شهید «انور سکار» به همراه هم‌زمش شهید «صلاح شاکر» در تاریخ ۱۹۹۵ میلادی عازم عملیات شدند تا بمب همراه‌شان را در میان بزرگ‌ترین تجمع نظامیان صهیونیست منفجر کنند



سرّ دلبران



«بهاء ابوالعطاء» معروف به «ابو سلیم»، از فرماندهان تأثیرگذار گردان‌های قدس که به «بمب ساعتی» هم مشهور بود به شهید الخواجه ارادت بسیار داشت. او در سالگرد شهادت الخواجه متنی بدین مضمون نوشت: «ابو عرفات محمود الخواجه، از بنیانگذاران دستگاه نظامی جهاد اسلامی است که در پی چند عملیات نظامی قهرمانانه علیه اشغالگران، چهار بار از سوی رژیم اشغالگر اسرائیل و دو بار توسط تشکیلات خودگردان فلسطین دستگیر شد. شهید ابوعرفات دارای شخصیتی سرسخت، صلابت و اراده‌ای تزلزل‌ناپذیر و شجاع بود. در سادگی و فروتنی و عشق شدید به مردم متمایز بود و همیشه لبخندی زیبا بر لب داشت. او یک مرد نظامی بلندپایه بود و خطرناک‌ترین عملیات نظامی را برای مقاومت فلسطین طراحی کرد. وی بر رازداری در عمل و تعهد به اجرای آنچه از مجاهدین خواسته شده بود، تمرکز داشت و سعی داشت اقدام نظامی، بیشتر علیه سربازان اشغالگر باشد تا شهرک‌نشینان. تأثیری که شهید محمود بر مقاومت فلسطین گذاشت، نیروی بیشتری برای ادامه راه و عشق بیشتر به شهدا و درس گرفتن از جانفشانی‌های آنان است و این که ما همیشه از شمشیر جلاّد قوی‌تر هستیم و باید به جهاد و مقاومت ادامه دهیم تا تمام سرزمین فلسطین آزاد شود. پیامی که من به مقاومت در سالگرد شهادت ابوعرفات می‌فرستم این است که از رویکرد او نسبت به اقدام نظامی و اخلاق و رفتار او با مردم پیروی کنند.»

از زبان برادر

«ابو ابراهیم الخواجه» برادر شهید «محمود الخواجه» می‌گوید: «شهید بهاء ابوالعطاء آن قدر به ابوعرفات عشق می‌ورزید که عکس‌هایش از حضور در مراسم عروسی او را نگه داشته بود و عکس‌های ابوعرفات هم تا زمان شهادتش نزد او بود. ابوسلیم با وجود مشغله و وظایف بزرگی که بر عهده داشت، مشتاق حضور در مراسم سالگرد شهادت سردار محمود الخواجه بود و در تمامی فعالیت‌های بزرگداشت این سالگرد شرکت کرد. اگر به خاطر تواضع و محبت ابوعرفات به مردم نبود، او چنین مقام و منزلتی را به دست نمی‌آورد؛ او در میان مردم ناشناس بود و وقتی به شهادت رسید حتی بسیاری از فرزندان جهاد اسلامی و نزدیکانش هم از فعالیت‌های امنیتی و کار جهادی او چیزی نمی‌دانستند تا اینکه اعلام شد ابوعرفات، فرمانده نظامی گردان‌های القدس بوده است.»

روایت مادر

«ام یوسف» مادر سردار شهید محمود الخواجه در سالگرد شهادت فرزندش در گفت‌وگویی تأکید کرد که همچنان و در هر لحظه و در هر موقعیتی، به یاد فرزندش است و هر اتفاقی هم که بیفتد هرگز از ذهن او خارج نمی‌شود.»

مادر در حالی که از فراق فرزندش اشک می‌ریخت گفت: «محمود، جوانمرد بود و نیکی را دوست داشت و به همه از کوچک و بزرگ احترام می‌گذاشت. او شجاع بود و از مرگ و زندان نمی‌ترسید و با پدر و مادرش مهربان بود. ما در همه مناسبت‌ها و موقعیت‌ها از او یاد می‌کنیم. ابوعرفات نقش مهمی در گسترش آگاهی‌های دینی داشت، زیرا پسران را به مساجد می‌برد و به آنها

قرآن و احکام نماز و چیزهای دیگر آموزش می‌داد.»
ام یوسف در مورد اینکه چه چیزی بیش از همه باعث افتخار او شده است، گفت: «زمانی که برای دیدار فرزندانم به زندان‌های اشغالی می‌رفتم، سربازان صهیونیست به من «ام محمود الخواجه» می‌گفتند و با عصبانیت از رفتار محمود، به من نگاه می‌کردند.» او گفت: «شهید محمود با رهبران مقاومت و دیگر جناح‌های فلسطینی رابطه‌ای عالی داشت، همان‌طور که با شیخ احمد یاسین و دیگر رهبران مقاومت ارتباط نزدیک داشت.»



پدر از زبان پسر

عرفات فرزند ارشد شهید محمود الخواجه نیز به نوبه خود تأیید کرد که از دست‌دادن پدرش تأثیر زیادی بر زندگی او داشته است، اگرچه او به پدرش بسیار افتخار می‌کند زیرا او رهبر و بنیانگذار ارتش جهاد اسلامی است. وی در ادامه سخنان خود گفت: «پدر در سه‌سالگی من ترور شد و از آن زمان به بعد احساس غرور و افتخار کردم زیرا فرزند مردی هستم که با عملیات جهادی خود اشغالگران را آزار داد و طعم بلاها را به آنها چشاند.»

وی ادامه داد: «همه بر این امر گواهی می‌دهند که پدرم اثری بارز و حُسن شهرت از خود برجای گذاشت. او فردی جوانمرد، شجاع و به حقیقت متعصب بود و در برابر بی‌عدالتی سکوت نمی‌کرد.»

منابع:

- سرایا القدس، صور.. الشهيد القائد "محمود الخواجه": حقاً إنه رجل لا يتكرر، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹
- وكالة شمس نیوز الاخبارية، وثيقة بخط يد الشهيد القائد بهاء أبو العطاء تروى نواذر جهادية عن الشهيد القائد محمود الخواجه، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲



مادر در حالی که از فراق فرزندش اشک می‌ریخت گفت: «محمود، جوانمرد بود و نیکی را دوست داشت و به همه از کوچک و بزرگ احترام می‌گذاشت. او شجاع بود و از مرگ و زندان نمی‌ترسید و با پدر و مادرش مهربان بود...»

جنبش جهاد اسلامی نماد پیروزی مقاومت شبکه‌ای

درباره نقش عنصر مردم در جنبش جهاد اسلامی فلسطین

این تفکر در بین مردم بسیار مورد استقبال قرار گرفت؛ مردمی که فطرتی الهی و اسلامی داشتند و حدود چهار دهه نیز با وعده‌های دروغین رژیم‌های عربی مواجه بودند و از عملکرد گروه‌های مقاومت فلسطین ناامید شده بودند؛ بنابراین با شروع دعوت جنبش جهاد فلسطین در سال ۱۹۸۰ به‌طور رسمی در سرزمین‌های اشغالی سیمای جدیدی از اسلام سیاسی و رهبران دینی سیاسی به ظهور رسید که مردم دسته‌دسته به این جنبش گرایش پیدا می‌کردند. این جنبش اهداف و برنامه‌ها را نیز اعلام کرده بود که یکی

از آن‌ها، آزادی کامل فلسطین و حذف رژیم صهیونیستی و برپایی حکومت اسلامی در فلسطین بود که ضامن تحقق عدالت، آزادی و برابری و نظام شورایی بود. هدف بعدی، بسیج مردم فلسطین و سازمان‌دهی جهادی، نظامی و سیاسی آنان به استفاده از وسایل تربیتی و فرهنگی و سازمانی دردسترس برای انجام وظایف جهانی بود تا در برابر رژیم صهیونیستی آمادگی داشته باشند. سوم، تشویق توده‌های مردمی برای ایفای نقش تاریخی در نبرد سرنوشت‌ساز با رژیم صهیونیستی بود. چهارم تلاش برای وحدت‌بخشیدن به فعالیت‌های اسلامی فعال در مسئله فلسطین و گسترش روابط با جنبش‌های اسلامی و آزادی‌خواه همسو در جهان بود. هدف پنجم، دعوت و تبلیغ برای اسلام و عقاید و شریعت اسلامی و رسانیدن عقاید ناب به فلسطینیان و زنده‌نگه داشتن پیام این تمدن برای بشریت بود. البته جنبش جهاد اسلامی فلسطین برای تحقق این اهداف،

این جنبش، جنبشی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اثرگذاری انقلاب اسلامی و مواضع امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب، در

قضیه فلسطین به مرحله ظهور رسید؛ البته باید اشاره کرد که از اواسط دهه ۷۰ میلادی در صحنه فلسطین نقش اسلام‌گرایان در قبال مسئله فلسطین به‌تدریج نمایان شد، به‌ویژه با سرخوردگی از اقدامات رژیم‌های عربی و مقاومت فلسطین که متنوع شده بودند و هر کدام وابسته به کشوری بودند.

از درون این مباحث، موضوع اسلام‌گرایی مطرح شد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران پس از اینکه احساس کردند انقلاب اسلامی کاملاً از قضیه فلسطین حمایت می‌کند، در سال ۱۹۸۰ میلادی جنبش جهاد اسلامی به‌وسیله برخی از اسلام‌گرایان از جمله شهید فتحی شقاقی و عبدالعزیز، به ظهور و بروز رسید و عملاً اولین جریان اسلام‌گرایی مقاومت علیه اشغالگری صهیونیست‌ها بعد از تشکیلات اخوان المسلمین ایجاد شد که کاملاً رویکرد مبارزه مسلحانه با رژیم صهیونیستی داشت.

این جنبش در آغاز متشکل از جوانان فلسطینی تحصیل کرده در دانشگاه‌های مصر بود و شهید شقاقی نیز که یکی از اعضای جنبش اخوان المسلمین و برخی گروه‌های مقاومت فلسطینی بود، این جنبش را پایه‌گذاری کرد. شقاقی معتقد بود اسلام واقعیت جهان امروز است که جنبش اسلامی از تقدم آن بر ناسیونالیسم عربی و عربیسم غافل بوده و پاسخی برای خواست ملی فلسطینی‌ها نداشته است.

او معتقد بود بیشتر نیروهای فلسطینی و نیروهای ملی فلسطین از نظر شناخت و فرهنگ و ایدئولوژی به اسلام اعتقاد دارند؛ ولی در برنامه‌ریزی مبارزاتی و زندگی روزمره به آن جایگاه خاصی ندادند و اینجا بود که جنبش جهاد فلسطین به‌عنوان طرح و ایده در ذهن بنیان‌گذاران پدیدار شد که اولین ایده را راهی برای انتخاب مذهب یا میهن که میان ناسیونالیسم‌های لائیک و ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان وجود داشت، می‌دانست. جنبش جهاد اسلامی فلسطین به‌عنوان پاسخ انقلابی به خواست فلسطینیان با شعار اسلام، جهاد و فلسطین مطرح شد که در آن اسلام به‌عنوان نقطه آغاز، جهاد به‌عنوان وسیله و آزادی فلسطین نیز به‌عنوان هدف شناخته شده بود. تکیه بر اصول دینی و شریعت اسلام و قرآن و سنت، نقطه آغاز حرکتی بود که مردم مسلمان فلسطین سرخورده از گروه‌های مقاومت فلسطین و رژیم‌های عربی را به خودش جلب کرد.

به‌تدریج و با سرعت مناسبی نه تنها برخی جوانان به روش جدید مبارزه که بر اساس اسلام‌گرایی پایه‌ریزی شده بود، گرایش پیدا کردند، بلکه برخی اعضای دیگر جنبش‌های مقاومت نیز به این جنبش پیوستند و این جنبش پس از مدتی توانست جایگاه خوبی را در صحنه مبارزاتی فلسطین به دست بیاورد؛ البته هدف این جنبش، رقابت و کنارزدن دیگر گروه‌ها نبود، بلکه معتقد بود در کنار دیگر گروه‌های فلسطین می‌تواند علیه رژیم صهیونیستی دست به طراحی، سازمان‌دهی و اجرای عملیات‌های نظامی بزند.

مجید صفا تاج

دکترای علوم سیاسی و کارشناس
ارشد مسائل فلسطین

جنبش در
آغاز متشکل از
جوانان فلسطینی
تحصیل کرده در
دانشگاه‌های مصر بود
و شهید شقاقی نیز که
یکی از اعضای جنبش
اخوان المسلمین
و برخی گروه‌های
مقاومت فلسطینی
بود، این جنبش
را پایه‌گذاری کرد.
شقایی معتقد بود
اسلام واقعیت جهان
امروز است که جنبش
اسلامی از تقدم آن بر
ناسیونالیسم عربی و
عربیسم غافل بوده و
پاسخی برای خواست
ملی فلسطینی‌ها
نداشته است

زندگینامه دکتر
مجید صفا تاج





برنامه‌هایی را ارائه کرده بود و همین بیان اهداف و برنامه‌های جنبش جهاد، باعث شد مردم به این جنبش بپیوندند و در اردوگاه‌های لبنان و دیگر نقاط آموزش ببینند و جنبش جهاد اسلامی فلسطین بعد از اخوان المسلمین به عنوان جنبش جهادی مبارزاتی معتقد به خط مشی مبارزه مسلحانه از درون مردم جوشید و برای مردم فعالیت کرد و مردم نیز از آن حمایت کردند و نقش بسزایی داشتند و می‌توان گفت بعد از انقلاب اسلامی اولین جنبش مردمی اثرگذار در حوزه فلسطین بود که توسط مردم حمایت شد و امروز وضعیتی دارد که کاملاً در میان ملت مسلمان ریشه دارد. با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران و جهاد سازندگی شروع به تأسیس مراکز بهداشتی و درمان و حتی باشگاه‌های ورزشی در مساجد و سایر نقاط کرد که این مراکز در قوام و شکل‌گیری، استحکام و گسترش نفوذ جهاد اسلامی در میان مردم فلسطین نقش بسزایی داشت. اگر مراحل انقلاب اسلامی را بررسی کنیم، جنبش جهاد اسلامی نیز همان الگوهای موفق انقلاب اسلامی ایران را در فلسطین و غزه به کار گرفته و مراکز مختلف را دایر کرده است. این الگوها الهام‌گرفته از انقلاب اسلامی و الگوهای رفتاری این انقلاب و استفاده از علما و روحانیان و دانشجویان و بسیج آن‌ها و الگوبرداری از جهاد سازندگی و امثال این‌ها، در موفقیت جنبش جهاد اسلامی فلسطین کاملاً مؤثر بوده است. بهترین گواه درباره ادعای تأثیرپذیری جنبش جهاد اسلامی فلسطین از اندیشه امام و رهبری و همچنین تعامل با سید حسن نصرالله، اظهارات صهیونیست‌ها هنگام دستگیری دکتر شقایق است. دکتر شقایق می‌گوید هنگامی که برای اولین بار در برابر قاضی صهیونیست قرار گرفتم، فهرستی از اتهامات مرا پیش‌رویم گذاشتند و اولین اتهام این بود که اقدام به تأسیس سازمان دینی کرده و دعوت خمینی را برای نابودی رژیم اشغال‌گرو سیطره اسلام بر جهان تأیید می‌کند و این بهترین دلیل برای این است که جنبش جهاد اسلامی فلسطین از اندیشه امام و رهبری تأثیر پذیرفت. دکتر شقایق در کتاب خودش به عنوان «اسلام، راه‌حل انحطاط عصر معاصر»، صریحاً به این نکته اشاره دارد که اسلام تنها راه منجی انحطاط کنونی جهان اسلام است و این در نقاط مختلف بردیدگاه‌های امام خمینی (ره) اشاره دارد و در کنار ایشان نیز معین شفیق، نتورسین جنبش فتح، بود که در ابتدا مسیح و کمونیست بود و به تدریج گرایش‌ات انقلابی در او شکل گرفت و از افکار امام خمینی (ره) الهام گرفت و در مقام یکی از نظریه‌پردازان جنبش جهاد اسلامی فلسطین قرار گرفت و در پیدایش این تفکر در همراهی با شهید شقایق نقش قابل‌ملاحظه‌ای داشت. این جنبش قبل از رحلت امام و پس از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان که بعدها حزب الله در



**جهاد اسلامی ابتدا
در غزه شکل گرفت
و راهبرد اولیه آن
آماده سازی و بسیج
جوانان از طریق کار
سیاسی و مردمی و
تبلیغ در مساجد و
دانشگاه ها و انتشار
نشریه های مخفی
بود و در مرحله
دوم، آغاز مبارزات
مسلحانه بود که
در این دوره جهاد
اسلامی فلسطین
راهبرد نظامی را در
پیش گرفت و در واقع
راهبرد کار سیاسی
خود را به ظهور رساند**

اهداف و آرمان ها شکل می گیرد و در مقاطع مختلف نیاز است در آن بازنگری شود.

جهاد اسلامی ابتدا در غزه شکل گرفت و راهبرد اولیه آن آماده سازی و بسیج جوانان از طریق کار سیاسی و مردمی و تبلیغ در مساجد و دانشگاه ها و انتشار نشریه های مخفی بود و در مرحله دوم، آغاز مبارزات مسلحانه بود که در این دوره جهاد اسلامی فلسطین راهبرد نظامی را در پیش گرفت و در واقع راهبرد کار سیاسی خود را به ظهور رساند و در زمانی که نیروهای غیردینی عربی از مبارزه مسلحانه دست برداشته بود، جهاد اسلامی راه مبارزه را گشود و در ایجاد اعتماد به نفس مردم فلسطین اثرگذار بود.

به تدریج پس از غزه به دلیل اتخاذ راهبردهایی که گفته شد، جهاد اسلامی در کرانه باختری نفوذ پیدا کرد و به لحاظ تشکیلاتی گسترش یافت، نیروهای زیادی را جذب کرد و در کنار حماس بود؛ ولی اوضاع در سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ چون به گونه دیگری بود، طبیعتاً باید راهبرد جهاد اسلامی فلسطین نیز متناسب با شرایط حاکم بر این سرزمین ها باشد تا بتواند مردم را به مبارزه مسلحانه علیه رژیم اسرائیل ترغیب کند. بهره برداری درست و صحیح از نتایج و پیامدها و دستاوردهای عملیات طوفان الاقصی و جنگ رژیم صهیونیستی و کرانه باختری و عملاً

۱۹۸۴ اعلام موجودیت کرد، از حزب الله لبنان نیز الگو گرفت و اندیشه و تفکر جهانی انقلاب اسلامی ایران یک آرمان و به عنوان شیوه رفتاری و هدف مشخص، مورد توجه قرار گرفت و جنبش جهاد اسلامی از روش و شیوه مقاومت اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی الگوبرداری کرد و در مجموع روابط خوبی را با حزب الله لبنان داشت و وقتی دکتر شقایی از طرف رژیم صهیونیستی به لبنان تبعید شد، روابط دوستانه خوبی با سیدعباس موسوی، دبیرکل حزب الله لبنان، شکل گرفت. بعد از رحلت امام خمینی (ره) نیز با رهبر معظم انقلاب که توجه ویژه ای به فلسطین داشتند، جنبش جهاد اسلامی همواره نگاهش به رهبر انقلاب اسلامی به عنوان رهبری تأثیرگذار و کاریزماتیک بود و همواره تلاش داشت که این رابطه خودش با رهبر انقلاب را بیشتر و فاصله ها را کمتر کند و این تعامل با حزب الله و انقلاب اسلامی نیز یکی از دلایل موفقیت این جنبش در صحنه فلسطین بوده است و در این فرایند شکل گیری و تأثیرگذاری جنبش جهاد اسلامی فلسطین مؤثر بوده است. برای اینکه در آینده شاهد موفقیت هرچه بیشتر جهاد اسلامی در کرانه باختری و سرزمین های ۱۹۴۸ باشیم، نیاز است راهبردهایی جدید اتخاذ شود و این به آن معنا نیست که راهبردهای گذشته جهاد اسلامی اشتباه بوده، بلکه راهبرد بر اساس سیاست ها و

پروژه اسرائیل برای ایجاد منطقه حائل در غزه عملیاتی نخواهد شد

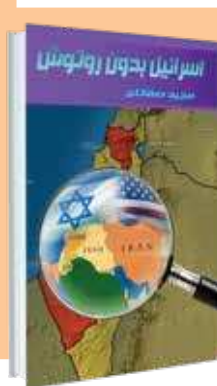
دکتر محمد صفاتاج معتقد است: رژیم صهیونیستی طی یورش به غزه، فقط توانست غزه را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کند که این موضوع با میزان هزینه های تل آویو برابری نمی کند. وی با بیان اینکه پروژه اسرائیل برای ایجاد منطقه حائل در غزه عملیاتی نخواهد شد، می افزاید: شروع حملات جدید، به معنای جنگ برای بقای تل آویو است. برای مطالعه نسخه کامل این تحلیل، نمایه کیوارکد را اسکن کنید.



اسرائیل با چالش نظامی مطالعاتی روبه‌رو شده است و جنبش جهاد اسلامی باید در راهبرد جدیدش، به سرزمین‌های اشغالی توجه ویژه‌ای داشته باشد و باید روی شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی به‌عنوان افسانه قدیمی تمرکز کند. این جنبش با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای می‌تواند شروع به روشنگری در سرزمین‌های اشغالی کند و البته راهبرد اصلی مبارزه مسلحانه با صهیونیسم تا نابودی کامل این‌ها و آزادسازی از بحر تا نهر را ادامه دهد. طبیعی است که این راهبرد، توانی مضاعف می‌خواهد و از یک سو با توجه به صدمات در نبرد اخیر، احیای توان نظامی زمان‌بر است، اما باید در حوزه تبلیغاتی و فرهنگی در جامعه سرزمین‌های اشغالی و کرانه باختری فعالیت کند تا شاهد تحولات چشمگیری در سرزمین‌های اشغالی و تغییر موازنه قدرت به نفع جبهه مقاومت باشیم. برای اینکه تأثیر فرایند دفاع از حرم و جنگ ملت‌های مسلمان با تروریسم در سوریه و عراق بر انگیزه‌های ملت فلسطین را برآورد کنیم، باید اشاره شود که پدیده شکل‌گیری تروریسم تکفیری بخشی از راهبرد نظام سلطه جهانی و صهیونیسم بین‌الملل برای مقابله با انقلاب اسلامی بود که تلاش کردند از ضعیف‌ترین اضلاع محور مقاومت شروع کنند. در همین راستا، ابتدا به بهانه عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کردند و طالبان توسط آمریکا سرنگون شد و به بهانه سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کردند و از محور شرق و جنوب و غرب، آمریکایی‌ها مستقر شدند؛ ولی پس از شکل‌گیری مقاومت علیه اشغالگران از سال ۲۰۰۳ به بعد، آمریکا به این فکر افتاد که باوجود هزینه‌های بالا در عراق، میوه اشغال عراق را ایران برداشت کند، بنابراین تلاش کردند ضلع اساسی محور مقاومت یعنی سوریه را که نقشی اساسی در تجهیز و پشتیبانی از حزب الله و سازمان‌دهی گروه‌های مقاومت فلسطین و حماس داشت، تضعیف کنند. لذا سال ۲۰۰۵ بشار اسد را مجبور کردند که نیروهای نظامی خودش را از لبنان فرا بخواند. صهیونیست‌ها سال ۲۰۰۶ به لبنان حمله کردند و اواخر ۲۰۰۸ جنگ بیست و دو روزه را علیه غزه تحمیل کردند و در سال ۲۰۱۰ جنگ یازده روزه و هشت روزه ایجاد کردند و با شکل‌گیری قیام‌های مردمی در کشورهای عربی، نظام سلطه در پی صهیونیسم‌سازی جدید و پیاده‌سازی همان قیام‌های تونس و مصر و یمن را در سوریه دنبال کرد.

در سوریه نقش صهیونیست‌ها آشکار بود؛ بنابراین دفاعی که مردم سوریه و دیگر ملل مسلمان مانند ایران و پاکستان و عراق در سوریه و در برابر تکفیری‌ها کردند، شکست دیگری برای نظام سلطه جهانی بود و از سویی تجربه خوبی برای جهاد اسلامی بود و حماس در بخشی از بدنه خود با جریان معارض در سوریه همراه بود؛ ولی جهاد اسلامی از همان ابتدا این را برنامه‌ریزی آمریکایی می‌دانست و در کنار نظام سیاسی سوریه ایستاد و عملاً ثابت شد جهاد اسلامی مانند حزب الله لبنان مسیر درستی را انتخاب کرده است. سرانجام گروه‌های تکفیری متوجه شدند سوریه هم سنگری در برابر سیاست‌های توسعه طلبانه اسرائیل غاصب است و با توجه به این ایده، عملاً جهاد اسلامی فلسطین پس از بحران سوریه با هر فتنه‌ای که منجر به تجزیه جهان اسلام و تعمیق اختلاف منطقه شود، به همین صورت برخورد داشت و تجربه تروریسم تکفیری در سوریه درس خوبی بود که خط مشی خودشان را با انقلاب اسلامی و دیگر اضلاع مقاومت هماهنگ کنند. مهم‌ترین دلیل استمرار موفقیت جهاد، همراهی و همسویی و پیروی از فرامین و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب بوده و هست. جهاد اسلامی به خوبی تجربه جنگ سی و سه روزه علیه حزب الله را دارد و کاملاً به رهنمودهای رهبری آگاهی دارد که پیروزی

متعلق به حزب الله است و جنبش جهاد اسلامی به این فرامین رهبری اعتقاد کامل و اعتماد دارد و معتقد است هر جایی که رهبر انقلاب ورود و اظهار نظر و پیش‌بینی داشتند، درست بوده است؛ بنابراین این جنبش تلاش کرده خودش را ذیل رهبر معظم انقلاب معرفی کند و این موفقیت در داخل و خارج از فلسطین است. این جنبش همچنین با بهره‌گیری از آموزش و سازمان‌دهی‌های متنوع در حوزه‌های رزمی و زمینی و دریایی در قبال صهیونیست‌ها و استمرار بخشیدن به این عملیات‌ها و آماده‌بودن برای هرگونه مبارزه با رژیم صهیونیستی و مجهز ساختن خودش و نیروهایش به بالاترین سطح ممکن از فناوری‌های نظامی مانند موشک و پهپاد که در جنگ‌های بیست و دو روزه و یازده روزه و پنجاه و یک روزه ۲۰۱۴ و همچنین در نبرد اخیر این جنبش استفاده شد، توانست به خوبی خودش را آماده نگه دارد و خوب سازمان‌دهی کند و برای هر عملیاتی آماده باشد. در مجموع این‌ها مهم‌ترین دلایلی است که جنبش جهاد اسلامی توانسته است با استمرار، موفقیت‌هایی را داشته باشد.



برای آشنایی هرچه بیشتر با کتاب «اسرائیل بدون روتوش» به قلم دکتر مجید صفاتاج، نمایه کیو آرکد مقابل را که به تبیین ابعاد این اثر پرداخته است اسکن کنید.

جهت مطالعه آنلاین

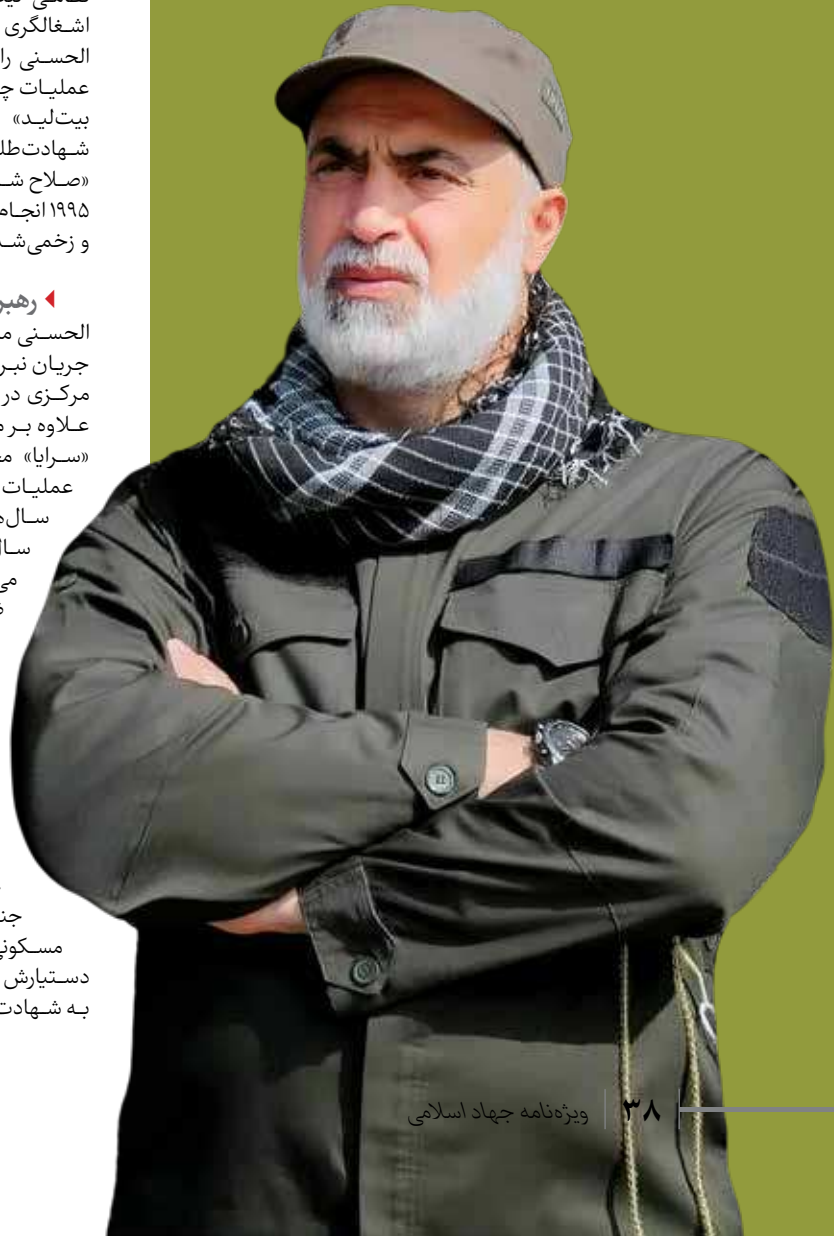


در سوریه نقش صهیونیست‌ها آشکار بود؛ بنابراین دفاعی که مردم سوریه و دیگر ملل مسلمان مانند ایران و پاکستان و عراق در سوریه و در برابر تکفیری‌ها کردند، شکست دیگری برای نظام سلطه جهانی بود و از سویی تجربه خوبی برای جهاد اسلامی بود و حماس در بخشی از بدنه خود با جریان معارض در سوریه همراه بود

فرماندهی که شیر بیشه مقاومت
نام گرفت

ابوانس؛ «العبد»

فرمانده شهید «حاج ایاد» با نام کامل
ایاد العبد الحسني، معروف به «ابوانس»،
در سال ۱۹۶۰ میلادی در خانواده‌ای اهل
روستای «حمامه عسقلون» و پناهنده در کمپ ساحلی
در شهر غزه متولد شد. تحصیلات خود را قبل از پیوستن
به جنبش جهاد اسلامی و مقاومت، در ستین پایین به
پایان رساند و همین باعث ترک تحصیل او شد.



خانواده مجاهد

ایاد در خانواده‌ای درگیر در مقاومت زندگی می‌کرد؛ زیرا برادر
بزرگترش زکی در سال ۱۹۷۶ در لبنان ترور شد و برادرش محمد
هم به مدت ۲۶ سال در زندان‌های اسرائیل زندانی بود. از ایاد
دو فرزند پسر و چهار دختر بر جا مانده است.

اولین فرزند جهاد

ابوانس در جوانی، پیش از آنکه به جنبش جهاد اسلامی
بپیوندد و در تعدادی از مواضع نهضتی و میدانی حرکت کند،
مدافع فعالیت مقاومت شد.

الحسني را از اولین نسلي می‌دانند که به جنبش «جهاد
اسلامی» در نوار غزه پیوست و یکی از بنیان‌گذاران «القدس»
بازوی نظامی این جنبش در سال ۱۹۸۸ شد که در آن زمان به
«نیروهای جهاد اسلامی» معروف بود.

مرد جنگ

نقش ابوانس در جریان شاخه نظامی جهاد اسلامی برجسته
بود. به گفته برادرش در جریان انتفاضة سنگ که در دسامبر
۱۹۸۷ آغاز شد، در فعالیت‌های مقاومت شرکت کرد. او
به مقام‌های رهبری برجسته در تیپ‌ها رسید و طی آن در
آماده‌سازی سربازان، نظارت بر عملیات کماندویی که به
شهرک‌نشینان اشغالگر آسیب می‌رساند، توسعه قابلیت‌های
نظامی تیپ‌ها و مدیریت نبردهای مقاومت در پاسخ به
اشغالگری شرکت کرد. سایت‌های نزدیک به مقاومت، نقش
الحسني را در برنامه‌ریزی و نظارت بر یکی از برجسته‌ترین
عملیات چریکی جهاد موسوم به «عملیات شهادت مضاعف
بیت‌لید» نسبت می‌دهند. او یکی از مسئولان عملیات
شهادت‌طلبانه‌ای است که توسط شهیدان «انور سکر» و
«صلاح شاکر» در بیت‌لید در شرق شهر طولکرم در ۲۲ ژانویه
۱۹۹۵ انجام شد و منجر به هلاکت ۲۲ سرباز در ارتش اشغالگر
و زخمی شدن بیش از ۶۰ نفر آن‌ها شد.

رهبر عملیاتی

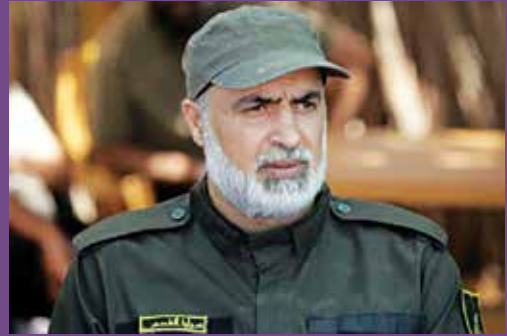
الحسني مسئول هماهنگی بین رهبری القسام و تیپ‌ها در
جریان نبرد انتقام مردم آزاد بود و سال‌ها مسئولیت عملیات
مرکزی در شاخه نظامی جنبش جهاد را برعهده داشت و
علاوه بر معاونت، یکی از چهره‌های قدیمی شورای نظامی
«سرایا» محسوب می‌شد. الحسني علاوه بر مسئولیت
عملیات مرکزی، چند پرونده و وظایف مختلف را در طول
سال‌های گذشته، به‌ویژه پس از انتفاضة الاقصى که در
سال ۲۰۰۰ آغاز شد، برعهده داشت که از جمله آن‌ها
می‌توان به طراحی و نظارت بر برخی عملیات‌های
ضد صهیونیستی تا قبل از عقب‌نشینی ارتش رژیم
اسرائیل از غزه اشاره کرد.

ترور ناجوانمردانه

طی سال‌ها، الحسني مورد آزار و اذیت قرار گرفت
و از چند سوءقصد قبلی اسرائیل جان سالم به در
برد؛ بدون اینکه عزم او برای ادامه مسیر مقاومت
متزلزل شود. رژیم اشغالگر اسرائیل عصر جمعه
۱۲ می ۲۰۲۳ برای ششمین بار ایادالحسني، مسئول
عملیات مرکزی گردان‌های «القدس» شاخه نظامی
جنبش «جهاد اسلامی» را در یکی از آپارتمان‌های
مسکونی در محله النصر در غرب شهر غزه همراه با
دستیارش هدف قرار داد. وی در حین انتقال به بیمارستان
به شهادت رسید. ترور الحسني ششمین شخصیت برجسته



شهید ایاد الحسینی بر مزار شهید محمود الخواجه (ابو عرفات)



ایاد الحسینی در پاسخ به یکی از همراهانش رو به افق ایستاد و گفت: فلسطین به دست مجاهدین و قدرتمندترین ها آزاد خواهد شد.

نقش ابو انس در جریان
شاخه نظامی جهاد
اسلامی برجسته بود.
به گفته برادرش در
جریان انتفاضه سنگ
که در دسامبر ۱۹۸۷ آغاز
شد، در فعالیت های
مقاومت شرکت کرد.
او به مقام های رهبری
برجسته در تیپ ها رسید
و طی آن در آماده سازی
سربازان، نظارت بر
عملیات کماندویی
که به شهرک نشینان
اشغالگر آسیب می رساند،
توسعه قابلیت های
نظامی تیپ ها و مدیریت
نبردهای مقاومت در
پاسخ به اشغالگری
شرکت کرد

اشغال مقاومت کرد، اشغالگر او را تعقیب نکرد، بلکه او بود که
اشغالگر را تعقیب کرد.»
ابوالعبید ادامه داد: «او هم رزمندگان را به میدان شهادت
می فرستاد و هم همزمان در حال جنگیدن و جذب نیرو بود؛
مدرسه ای تشکیل داد که بذر آن در گردان های القدس و اتاق
عملیات مشترک گروه های مقاومت جوانه زد.»
ایاد الحسینی همچنین به گفته برادرش «شخصیت بسیار
محبوبی در بین اقوام و همسایگان بود و هیچ روزی از کسی
غفلت نمی کرد؛ به همه جناح ها نزدیک بود، رویکرد ملی
بالایی داشت و تنها قاطب نمایش فلسطین بود. او جان خود را
در راه خدا و برای آزادی فلسطین داد.» وی با غم فراوان و لحنی
کوبنده ادامه داد: «هر چقدر رهبر و سرباز شهید شوند، پرچم
به زمین نمی افتد؛ خون آن ها هیزم آزادی فلسطین است.»
بغض «رغد» از دختران شهید الحسینی، هنگام وداع با پدرش
از شدت ناراحتی و عصبانیت منفجر شد و خطاب به او گفت:
«ای محبوبم! بابا! تو جان منی! ۳۰ سال است که نتوانسته اند
تو را ترور کنند، ما پیام و راه تو را حفظ خواهیم کرد.»

منابع:

- رائد موسی، آخرهم ایاد الحسینی مسئول وحدة العمليات
المركزية. من قادة سرايا القدس الذين اغتالهم الاحتلال
الإسرائيلي في غزة ۱۳ مای ۲۰۲۳
- يوسف ابو وطفة، من هو إیاد الحسینی مسؤول العمليات في
«سرايا القدس» الذي اغتاله الاحتلال؟، ۱۲ می ۲۰۲۳
- اسأل أكثر، سرايا القدس تؤكد مقتل مسؤول وحدة العمليات
"إیاد الحسینی" في عملية اغتيال إسرائيلية وسط غزة ۱۳ می ۲۰۲۳
- فلسطين أونلاين، إیاد الحسینی ۳۰ عامًا من المطاردة توجت
بالشهادة، ۱۴ می ۲۰۲۳

در بازوی نظامی جنبش «جهاد اسلامی» پس از ترور «جهاد
الغنام»، «خلیل البهتینی»، «طارق عزالدین»، «علی غالی» و
«احمد ابو دقة» به شمار می رود.

ابو انس، محبوب یاران

هزاران فلسطینی روز شنبه بعد از ترور، در شهر غزه در سوگ
ابو انس عزاداری کردند. صدها نفر از شرکت کنندگان در مراسم
تشییع او با برافراشتن پرچم فلسطین و پلاکاردهایی در حمایت
از جنبش جهاد اسلامی و بقیه گروه های فلسطینی، شعارهای
خشم آلودی مبنی بر لزوم تداوم پاسخ مقاومت فلسطین به
حملات اسرائیل سر دادند.

مراسم تشییع شهدا شامل اجرای نوحه ها و سخنرانی اعضای
جنبش جهاد اسلامی بود که توسط زندانی آزاده رامز الحلبی
آغاز شد که الحسینی را «شیر محور مقاومت و یکتا» خواند.
احمد ابوشنب، همسایه و دوست شهید الحسینی، می گوید:
«او فردی با اخلاق بود که همه دوستش داشتند. الحسینی عمر
خود را با مبارزه با اشغالگری گذراند و از خانواده ای مبارز بود.»
الجهاد هم در توصیف فرمانده خود گفت: «فرمانده ابو انس
زندگی خود را به عنوان یک مجاهد، یک معلم و دعوت کننده
به مقاومت سپری کرد. او وقت خود را وقف مقاومت و نهضت و
کار اسلامی کرد و در بسیاری از مناصب رهبری و نهضت فعالیت
کرد.»

«ایاد» از نگاه خانواده

ابوالعبید برادر شهید در سخنانی گفت: «الحسینی متفکر و معلم و
حتی در جای خود معلم بود و آرزوی شهادت و قطعه قطعه شدن
داشت.»

وی در ادامه سخنانش در مراسم تشییع جنازه برادرش
به همراه هم رزمش عبدالعال گفت: «الحسینی ۳۰ سال در مقابل

فیلیم/ترور بعد از ۲۶ سال

شهید الحسینی در منزلی در منطقه «حی النصر» غزه هدف حمله پهپاد انتحاری اسرائیل قرار گرفت. صهیونیست ها بیش از
۲۶ سال در تلاش برای ترور شهید ایاد الحسینی بودند.





برادر، برادر را به روایت می‌نشیند

چریک خوش تیپ غزه

برادر شهید الحسنی، ابوالعبید می‌گوید: «ایاد در ادب، اخلاق، آرامش کامل و حسن برخورد با مردم فوق‌العاده بود و هرگز رفتار تند یا خشن با کسی نداشت. فکر می‌کردم برای پدر و مادرم یک بچه لوس است به‌ویژه که او آخرین فرزند از بین ۱۰ فرزند خانواده بود اما این طور نبود. ایاد تا قبل از انتفاضه اول، به سمت سربازان اشغالگر سنگ پرتاب نمی‌کرد. دغدغه او این بود که در بهترین تصویر و با زیباترین لبخند ظاهر شود. دوست داشت موهایش را با دقت حالت دهد، لباس‌های زیبا بپوشد و عطرهاى خوش بو به خود بزند اما ۱۶ سال پس از تولدش، زندگی اش زیر و رو شد.»



◀ نقطه عطف زندگی او

ابوالعبید لحظاتی از بیان جزئیات زندگی برادرش دست می‌کشد تا از حافظه‌اش واقعه مهمی را پیدا کند. واقعه‌ای که برادرش ایاد را از پسری آرام و دل‌نازک به شیرینی درنده با قلبی که از مرگ نمی‌ترسید تبدیل کرد. ایاد جلوی آینه ایستاد و موهایش را شانه زد. لباس زیبایش را پوشید و با دست راستش عطرا روی بدنش اسپری کرد. در آن زمان او در حال آماده‌شدن برای بیرون‌رفتن با دوستانش قبل از غافلگیری بود که بدون اخطار، در خانه شکسته شد، سروصدا شدت گرفت و صدای جیغ بلند شد. صدای شکسته‌شدن شیشه و عکس‌های آویزان روی دیوارها مانند زلزله‌ای ویرانگر به گوش رسید اما آنچه در حال وقوع بود بخش کوچکی از یورش مکرر سربازان اشغالگر اسرائیلی به خانه‌های اردوگاه ساحلی در غرب شهر غزه است.

ایاد در اتاقش نشسته بود و منتظر بود طوفانی که در سالن خانه رخ می‌دهد آرام شود اما یکی از سربازان در اتاق ایاد را باز کرد و پس از او بقیه سربازان مسلح جمع شدند و او را به زمین انداختند. دنده‌هایش شکست، سرش شکافت و خونش جاری شد. به گفته برادر بزرگترش «ابو العبد» که با درد فراوان می‌گریست: «خون پاکی که از سراسر بدنش جاری شد، نقطه عطفی در زندگی و حرفه او بود.» ایاد از این حمله وحشیانه بسیار متأثر شد، ابروهایش را در هم کشید و چهره‌اش تغییر کرد. سپس با خشم شدید به آسمان نگاه کرد و گفت: «خدایا کمک کن. در برابر حق خود به هر قیمتی که باشد سکوت نمی‌کنم.» این لحظات دردناک، انگیزه‌ای برای تبدیل شدن او به یکی از برجسته‌ترین انقلابیون انتفاضه سنگ یا حتی به قول برادرش، قدرتمندترین انقلاب شد.



شهادت از هم جدایشان نکرد و در کمتر از یک سال آنان را گرد هم آورد.
شهید تیسیر الجعیری «ابو محمود»، شهید خالد منصور ابوالراغب، شهید خلیل البهتینی ابوهادی، شهید ایاد الحسنی «ابوانس»

◀ قهرمان انتفاضه سنگ

سربازان اشغالگر اسرائیل یک ایست و بازرسی در ورودی اردوگاه الشاطیء از سمت جنوب شرقی ایجاد کردند. این باعث شد که بچه‌های اردوگاه به دیوار سنگ پرتاب کنند و در این لحظات خشم در دل ایاد شعله‌ور شد و فرصت انتقام او را فراهم کرد. ایاد در حالی که سنگ و تیروکمان برداشته بود به سرعت از خانه خارج شد و با چشمان تیزبین خود کوچه‌های اردوگاه را زیر و رو کرد.

هشدار از سوی یکی از جوانان به گوش او رسید: «مراقب باشید قهرمانان انتفاضه سنگ! سربازان در ورودی‌های اردوگاه هستند.» او توجه زیادی به آنچه گفته می‌شد نداشت و آرام آرام به پاسگاه نزدیک شد، وقتی به سربازان رسید، شروع به پرتاب سنگ کرد.

این جزئیات دقیق از اولین انتقام شهید، توسط برادرش «ابو العبد» نقل شده است که تأیید می‌کند برادرش نه از سربازان اشغالگر و نه از مرگ نمی‌ترسید. پس از چند روز درگیری، جوانان اردوگاه با یکدیگر ملاقات کردند یکی از آنها با یادآوری صحنه پرتاب سنگ به سوی سربازان از «ابو العبد» خواست که برادرش ایاد را از ترس جانش پنهان کند.

درگیری‌ها در اردوگاه ساحلی در جریان انتفاضه سنگ (۱۹۸۷) فروکش نکرد و هر لحظه سربازان اشغالگر به خانه‌های امن نفوذ می‌کردند، ویرانی به بار می‌آوردند و می‌گفتند: «قبل از اینکه تمام خانه‌های اردوگاه را بر سرتان خراب کنیم، زنده یا مرده، آن پسر قد بلند و خوش تیپ را می‌خواهیم.»

صحنه پرتاب سنگ ایاد الحسنی به سمت سربازان اشغالگر، تقریباً هر روز تکرار می‌شد، لاستیک‌های خودرو بدون توقف آتش می‌گرفت و بوی دود در تمام کوچه‌های اردوگاه می‌پیچید. در آن لحظات، سربازان اشغالگر توانستند تعدادی از جوانان از جمله ایاد را دستگیر کنند.

◀ ادامه راه جهاد

ایاد چند ماه بعد، مانند دیگر جوانان دستگیر شد اما از زندان مصمم‌تر و قوی‌تر برای مقابله با اشغالگران بیرون آمد. «ابوالعبد» می‌گوید: «وقتی از ایاد خواستم آرام شود، از برخورد

مستقیم دوری کند و از فواصل نزدیک برای حفظ جان‌ش سنگ پرتاب نکنند پاسخ مرا زمین گیر کرد.»
ابوالعبد در مصاحبه، این جمله برادرش ایاد را تکرار کرد: «این رژیم باید نابود شود؛ اگر من بخواهم استراحت کنم و برادرم بخواهد استراحت کند، همسایه‌ام استراحت کند و دوستم استراحت کند، چه کسی راه جهاد و مقاومت را ادامه می‌دهد؟!»

انتفاضه سنگ در حال شعله‌ور شدن بود و تعداد جوانان مجاهد دو برابر می‌شد. عملیات‌های رویارویی وارد مرحله جدیدی شده بودند، گروه‌های مقاومت شروع به حضور قاطع و تهاجمی کردند که جنبش جهاد اسلامی یکی از برجسته‌ترین این جناح‌ها به شمار می‌رفت.

ایاد الحسنی در سال ۱۹۸۸ میلادی به جنبش جهاد اسلامی پیوست و به گفته برادرش «ابو العبد» یکی از برجسته‌ترین جوانانی بود که به نام جنبش جهاد در قیام‌ها شرکت کرد و پس از آن، چند سال مأموریت نظامی مهمی به او محول شد.

◀ مدال افتخار

ابوالعبد دستش را روی پیشانی‌اش می‌گذارد. انگشتانش زیر عینک می‌خزد تا اشک‌های داغش از فراق برادر را پاک کند. او به یاد خاطره مجروحیت ایاد پس از انجام عملیات نظامی میراژ که به کشته و زخمی شدن تعدادی از سربازان اسرائیلی انجامید، می‌افتد و می‌گوید: «لباس‌هایش خاکی بود؛ بوی باروت از بدنش می‌آمد؛ چشمانش متورم بود و پایش پراز خون بود.»
ابوالعبد گفت که پس از مداوای برادرش، از او درخواست کرد در درگیری‌ها و عملیات‌ها کمی آرام شود اما پاسخ او افسانه‌ای بود: «آسیب و سوختگی من مشعل و مدال افتخار در پیشگاه پروردگار منزه من است.»

◀ رهبران خطرناک

مجروحیت ایاد باعث نشد که به جهاد خود علیه اشغالگری ادامه ندهد، بلکه از سال ۱۹۹۱ به حضور در عملیات تیراندازی ادامه داد و به همراه شهید مهندس محمود الخواجه در تأسیس بازوی نظامی جنبش جهاد اسلامی، برنامه‌ریزی عملیات بیت‌لید،



ابوالعبد در مصاحبه، این جمله برادرش ایاد را تکرار کرد: «این رژیم باید نابود شود؛ اگر من بخواهم استراحت کنم و برادرم بخواهد استراحت کند، همسایه‌ام استراحت کند و دوستم استراحت کند، چه کسی راه جهاد و مقاومت را ادامه می‌دهد؟!»



**انس و علی دو
فرزند شهید ایاد
می گویند که
خیلی ها پدرشان را
«غیث فلسطین»
می نامیدند. علی
می گوید: «پدرم
به معنای واقعی،
یک انسان بود و
به هر کسی که در
می زد اعم یتیمان،
خانواده شهدا،
مستمندان و
نیازمندان کمک
می کرد.»**

عملیات دیزنگوف و عملیات بیت حانون شرکت داشت.

ایاد پس از مشارکت و برنامه ریزی برای انجام عملیات علیه سربازان اشغالگر وارد مرحله جدیدی از زندگی خود شد و به یکی از تحت تعقیب ترین رزمندگان تبدیل شد.

برادرش می گوید: «در سال ۱۹۹۶ دوستانم که در نوار غزه در داخل شهر اشغالی کار می کردند به من اطلاع دادند که عکس برادرت ایاد در پاسگاه بیت حانون آویزان است، مراقب اشغالگران باش.»

آفتاب، داغ بود و عرق از پیشانی کارگران نوار غزه می ریخت که ساعت ها در پاسگاه بیت حانون ایستاده بودند. در آن لحظه قابی در ورودی پاسگاه شامل چهار عکس از رهبران خطرناک آویزان بود: محمد الضیف، ایاد الحسني، یحیی عیاش و عدنان الغول.

ایاد در سال ۱۹۹۸ وارد مرحله جدیدی از زندگی خود شد و از درگیری مستقیم، به تشکیل هسته های جهادی و انقلابی کردن مردم رفت تا با مشارکت در تأسیس «تیپ های بیت المقدس» همه بتوانند از ایدئولوژی و پروژه جهاد و شهادت پاسداری کنند.

به گفته برادرش «ابوالعبید» ایاد از سال ۲۰۰۰ تا زمان ترورش توسط ارتش اشغالگر اسرائیل توانست رهبری «سرایا القدس» را بر عهده بگیرد. کارنامه جهادی او در طول ۲۳ سال رهبری گردان های القدس، سرشار از عملیات مستقیم، برنامه ریزی، توسعه سلاح و موشک و توسعه پاسخ مقاومت به عملیات ترور بود.

انسان به معنای واقعی

انس و علی دو فرزند شهید ایاد می گویند که خیلی ها پدرشان را «غیث فلسطین» می نامیدند. علی می گوید: «پدرم به معنای واقعی، یک انسان بود و به هر کسی که در می زد اعم یتیمان، خانواده شهدا، مستمندان و نیازمندان کمک می کرد.»

ابوالعبید درباره رابطه برادرش ایاد و مادرش می گوید: «ملاقات آنها پر از شادی، نشاط و گاهی حسرت آمیز بود. روزی ابو انس به دیدار مادرشان برای عرض سلام و ادب نرفت. آتش دل تنگی در دل مادر شعله ور بود و از ندیدن نور دلش ابراز ناراحتی می کرد و چون شب شد ابوالعبید از غم مادرشان به او خبر داد. ابو انس به طرف اتاق مادرش دوید و وقتی در اتاق را باز کرد، او را با روی گرفته دید. ابو انس به نشانه عذرخواهی در آن لحظه زانو زد و پاها و دست ها و سر مادر را بوسید در حالی که تکرار می کرد: «عزیزم از من ناراحت است» تا این که اشک در چشمان مادر حلقه زد و گفت: «خدا از تو راضی باشد.»

دیدار با فرزند

یک ماه و نیم قبل از شهادت ابو انس الحسني، دلش در آرزوی در آغوش گرفتن فرزندش دکتر انس که دانش آموخته دندانپزشکی شده بود می سوخت. این حسرت بسیار دردناک بود، زیرا ابو انس اصرار داشت پسرش را در گذرگاه رفح ملاقات کند.

پدر دلسوز ایاد، از دور به سمت پسرش دکتر انس دوید. هر دو در آغوش هم رسیدند و تمام کسانی که شاهد آن صحنه بودند گریه کردند، زیرا سکوت قوی ترین گفت و گوی بین آنها بود. انس درباره این دیدار می گوید: «در آغوش پدرم احساس امنیت و آرامش و اطمینان می کردم و بسیار مشتاق این آغوش زیبا بودم، اما حمد و سپاس، خداوندی را که شهادت را به ما ارزانی داشت. پدرم چند بار به من گفت که می خواهد مرا داماد ببیند، بعد از اتمام تحصیل در رشته دندانپزشکی، یک ماه و نیم قبل از شهادتش آمدم تا او را به آرزویش برسانم اما پدرم شهادت را طلبید و برای آن تلاش کرد تا به آن رسید.»

شهادت

خانواده الحسني از نزدیک، وقایع نبرد «انتقام آزاده» را دنبال می کنند و غم و اندوه از شهادت سران گردان های القدس و مردم و کودکان و زنان ما در دل های شان نفوذ کرده بود. نوار قرمز زیرنویس شبکه های تلویزیونی، خبر هدف قرار دادن یک آپارتمان مسکونی در خیابان النصر داد. قلب ابو العبید منقبض شده و ضربان قلبش به طرز دیوانه کننده ای بالا رفته بود. با تعجب از خود می پرسید: «یعنی ممکن است ابو انس باشد؟» او شروع به قدم زدن در خانه کرد و چند تماس برای تأیید این خبر زد اما پاسخ دقیقی وجود نداشت.

علائم اضطراب در چهره ابوالعبید ظاهر شد و هنگامی که روی زمین نشست، پيامی از تلفن همراهش دریافت کرد. قبل از اینکه پیام را تمام کند، اشک از چشمانش سرازیر شده بود. ابوالعبید فرزندان برادرش را جمع کرد و به بیمارستان الشفاء در غزه برد.

او از داغ شهادت برادرش به شدت و با اندوه گریه می کند. این وضعیت به مصاحبه خدشه وارد می کرد، زیرا اشک های ابوالعبید بر زمین می ریخت و در حالی که سعی می کرد غم و اندوه صدایش را پنهان کند، تکرار می کرد: «زندگی من بعد از شهادت همدم روحی ام چگونه خواهد بود؟»

منبع:

شمس نیوز، بالصور القائد إیاد الحسني...
طفل المخيم الهادي الذي فجّر ثورة
وصنّع عصراً جديداً، ۲۰۲۳ می



ماریا دختر شهید ایاد
الحسني گفت: پدرم
شهادت را طلبید
و به آن رسید... و
این نشان داد که
من از همه یهودیان
قوی ترم.



وداع ماریا با
پدرش، فرمانده
ایاد الحسني در
غزه



دست برتر فرمانده «الحسنی» مقابل جاسوسان کریا

کابوس شین بت

برخی رسانه‌های صهیونیست پس از ترور ایاد الحسنی، فرمانده شناخته‌شده حرکت جهاداسلامی، وی را یکی از چهره‌های مهم این جنبش از زمان تأسیس تا امروز معرفی کردند. برخی از آن‌ها در تشریح توانمندی‌های وی، از او با عنوان چریک حرفه‌ای یاد کردند. صهیونیست‌ها در رسانه‌های‌شان این مسئله را به‌درستی عنوان کردند که «ابو انس» از بنیان‌گذاران جهاداسلامی مدرن به حساب می‌آید که توانسته راهبرد «موشک جواب موشک» را به‌درستی و در تقابل با سیاست توسعه‌طلبانه رژیم غاصب صهیونیستی به مرحله اجرا برساند؛ اما کارنامه عملیاتی این شهید بزرگوار را نباید فراموش کرد که بسیار مهم است. اغلب به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که یک نخبة نظامی مانند فرمانده «ایاد» چگونه و از کجا شروع کرده که توانسته است در ۵۴ سالگی به کابوسی تلخ برای سازمان ترور رژیم صهیونیستی یعنی «شین بت» تبدیل شود.

همیشه در میدان

ایاد الحسنی در جوانی و در جریان انتفاضه اول، تحت آزار و اذیت اشغالگران قرار گرفت و در جریان این رخدادها، مجروح و برای مدت کوتاهی نیز دستگیر شد. «ابو انس» به همراه هم‌رزمش، مؤسس این نیروها، شهید محمود الخواجه، در تشکیل برخی گروه‌های نظامی در جهاد اسلامی نقش بسزایی داشت. او معروف بود که همیشه پای کار است و میدان را رها نمی‌کند.

کارنامه عملیاتی

اگر بخواهیم بخشی از کارنامه عملیاتی وی در سال‌های آغازین فعالیتش را بررسی کنیم، موارد زیر بسیار برجسته می‌نماید:

۱. تجهیز و آماده‌سازی شهید (العمادی) ۱۹۹۴ برای اجرای عملیات ویژه در اشدود و حذف دو عنصر صهیونیست.
۲. نقش آفرینی برجسته در عملیات بزرگ بیت‌لید در سال ۱۹۹۵ میلادی که در آن دست‌کم ۲۵ صهیونیست کشته شدند.
۳. وی در سال ۱۹۹۶ میلادی مستقیماً در آماده‌سازی شهید «رامز عبید» عامل حمله دیزنگوف که در آن زمان منجر به کشته‌شدن ۱۳ اسرائیلی شد، شرکت کرد.
۴. نقش آفرینی فعال برای شکل‌دهی به گردان‌های مسلح قدس در سال ۲۰۰۰ و انتفاضه فلسطین.

با این اوصاف صهیونیست‌ها همواره از «ابو انس» به عنوان مرد روزهای سخت یاد می‌کردند و از این که نمی‌توانستند او را شکار کنند، به شدت ابراز ناراحتی می‌کردند. او یکی از افرادی بود که همواره سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی به دنبال حذف و ترورش بود؛ اما رژیم صهیونیستی نمی‌توانست این امر را محقق کند و چندمرتبه شکست خورد.

ترورهای ناکام

شهید «الحسنی» در طول دوران مبارزاتی‌اش دو بار توسط رژیم اشغالگر اسرائیل هدف سوءقصد قرار گرفت و جان سالم به‌در برد. این مسئله پس از شهادت برادرزاده و دستیار وی در سال ۲۰۱۱ میلادی برای اولین بار افشا شد که فرمانده ایاد، دو مرتبه از گزند صهیونیست‌ها گریخته و مأموران موساد را شکست داده است. در جریان ترور ناکام ابو انس، یک انفجار مرموز در ماشینی که برادرزاده و دستیار شهید در وسط نوار غزه در اختیار داشتند، به وقوع پیوست که البته فرمانده ایاد در آن نبود. محمد الحسنی، برادر فرمانده ایاد، نیز ۲۴ سال در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس زندانی بود که در جریان مبادله سرباز «گیلعاد شالیط» و با ابتکار عمل شهید «احمد الجعبری» آزاد شد و در سال ۲۰۱۱ میلادی به خانه برگشت.



شهادت «الحسنی» در طول دوران مبارزاتی‌اش دو بار توسط رژیم اشغالگر اسرائیل هدف سوءقصد قرار گرفت و جان سالم به‌در برد. این مسئله پس از شهادت برادرزاده و دستیار وی در سال ۲۰۱۱ میلادی برای اولین بار افشا شد که فرمانده ایاد، دو مرتبه از گزند صهیونیست‌ها گریخته و مأموران موساد را شکست داده است



ازدحام جمعیت برای تشییع پیکر رهبر گردان‌های قدس، ایاد الحسنی





کسی که موشک اول سیف‌القدس را شلیک کرد

دانشمند جوان

◀ جهاد سبک زندگی‌اش بود

دکتر محمد، برادرزاده شهید حسام ابو حریید، عمویش را به یاد می‌آورد و از زندگی مشقت بار و سختی که از کودکی در کلاس چهارم دبستان گذرانده صحبت می‌کند اما از این مسئله که جهاد، سبک زندگی حسام معروف به ابو عبیده بود به سادگی رد نمی‌شود. نیروهای اشغالگر اسرائیل برادر بزرگترش شهید نصرالدین را دستگیر کردند. پس از نصرالدین، حسام مسئولیت خانواده‌اش را بر عهده گرفت. محمد نقل می‌کند: «حسام ساعت ۱۲ شب برای کار بیرون می‌رفت و روی پاهای خود در جاده‌های تاریک و پردرخت راه می‌رفت تا نوشیدنی‌های گرم به کارگرانی که نوار غزه را برای کار به خارج غزه ترک کرده و به مناطق اشغالی رفته بودند بفروشد. ساعت پنج صبح به خانه برمی‌گشت و بعد به مدرسه می‌رفت و همین‌طور تا کلاس دهم ادامه داد.»

وی ادامه می‌دهد: «عمو حسام در سال ۱۳۸۱ که به گردان‌های القدس جهاد اسلامی پیوست، جوان‌ترین رزمنده مقاومت بود و تنها ۱۸ سال داشت اما خصلت‌های فرماندهی، زود هنگام در او پدیدار شد زیرا در عرصه‌های مقاومت بسیار فعال بود. او و رفقاییش اولین درگیری مسلحانه خود را در سال ۲۰۰۳ و برای دستگیری یکی از افسران ویژه رژیم صهیونیستی انجام دادند که البته درگیری سختی هم داشتند. در آن روز اگرچه خیلی هم خسته شده بود اما به خانه برگشت و زود هم عازم دانشگاه شد! انگار نه‌انگار که کاری کرده است!

” برای نیروهای مقاومت در غزه، تعجب‌آور بود که در روز شهادت «حسام ابو حریید» تازه متوجه شوند که فرمانده معروف تیپ شمال جهاد اسلامی که نامش با دستاوردهای بزرگ همراه بود، تنها ۳۶ سال سن داشته است. صدها هزار نفر بدون اینکه او را از نزدیک بشناسند به تشییع پیکرش رفتند. آنها به واسطه کارنامه قوی فرمانده حسام، تصویر پیرمردی عاقل و مصمم با ریش سفید را در ذهن خود ترسیم کرده بودند. یکی از یارانش در وصف او می‌گوید: «فرمانده حسام، رهبری بود که بهشت را به ما عطا کرد.» و اشاره می‌کند که تصور نمی‌کردند کسی بتواند خلأ ناشی از ترور شهید بهاء ابوالعطاء در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ میلادی را پر کند. «یک فرمانده مقتدر، یک پدر و همسر آرام، دلسوز و متعادل.» ام عبیده با این کلمات از شوهرش می‌گوید که در شهر بیت‌حانون در شمال غزه در سال ۱۹۷۹ میلادی به دنیا آمد. او می‌گوید: «ابو عبیده سخاوتمند بود. به‌رغم ساده‌بودن وضع مالی، در خانه‌اش و نسبت به آشنایان و همسایگانش، سخاوتمند بود و مایحتاج‌شان را ردیف می‌کرد.» در طول زندگی هم آرمان فلسطین و تلاش برای آزادسازی آن، همیشه در ذهنش بود.

◀ پیروزی، نبرد مستمر می‌خواهد

ابو حریبید، علاقه فراوانی به آموختن داشت. همسرش به یاد دارد که او را برای ادامه تحصیلات تکمیلی خود در حوزه تخصصی فناوری اطلاعات بسیار تلاش می‌کرد و در مورد بسیاری از جزئیات فنی مرتبط با حوزه ارتباطات و ردیابی، با او به‌طور مفصل صحبت می‌کرد. ام‌عبیده می‌گوید: «او همیشه اهل علم و متعهد به فرهنگ بود. او دانش‌آموخته دانشکده «الشریعه» بود. اگرچه کار مقاومت، همه وقت او را به خود اختصاص می‌داد اما در طول روز، همیشه برای خواندن کتاب یا جست‌وجوی اطلاعات وقت می‌گذاشت.»

ام‌عبیده می‌گوید: «یک روز به او پیشنهاد دادم که از وقتم استفاده کنم تا بچه‌های محله و دانش‌آموزان مدرسه را برای ارائه یک دوره رایگان زبان انگلیسی جمع کنم. آن روز چشمانش از خوشحالی برق زد و به من گفت: «من خودم شاگرد اول تو خواهم شد.» وقتی برای او آزمون تعیین سطح گذاشتم، متوجه شدم که در زبان انگلیسی کاملاً مهارت دارد بنابراین به او گفتم که آنچه آموخته‌ای برای تو کافی است اما خودش اصرار کرد که برای ارتقای سطحش وقت بگذارم.

◀ ماشین ظلم اسرائیل را به سخره گرفت

دوستش ابوالعبید الحلبی می‌گوید: «ابوعبیده، ماشین ظلم اسرائیل را به سخره می‌گرفت و فرهنگ اعتقاد مطلق به توانایی عمل مقاومت را در بین برادرانش رواج می‌داد و هیچ جلسه‌ای را بدون تکرار سخن خود که اسرائیل نابود خواهد شد ترک نمی‌کرد.»

او می‌گفت: «امنیت، دروغ و توهمات است که از صهیونیست‌ها محافظت می‌کند؛ بگذار دروغ‌هایشان از آنها در برابر موشک محافظت کند. قطعاً خدا مکرشان را شکست خواهد داد.»

◀ مقاومت مستمر به جای کار فصلی

از نظر ابوعبیده، اندیشه مقاومت، در گرو کار مستمر بود نه کار فصلی. او این عقاید خود را که در تمام عمرش حفظ کرد، اجرا می‌کرد و در مسیر جهادی که شهید ابوالعطاء آغاز کرد، اثرگذار بود و راه آن شهید را ادامه داد.

الحلبی می‌افزاید: «حسام معتقد بود که شکل مقاومت را باید از «معادله جنگ» به «درگیری‌های مستمر» ارتقاء داد.»

◀ یک موشک کافی است

ابو مجاهد از هم‌زمان شهید در مقاومت، می‌گوید که ابوعبیده معتقد بود پرتاب یک موشک در هفته، وضعیت بیگانگی را حفظ می‌کند و دائماً به ساکنان اسرائیلی مناطق اشغالی یادآوری می‌کند که زندگی راحت در زمین‌های دزدیده شده غیرممکن است. او کسی بود که نخستین شلیک را در نبرد سیف القدس انجام داد و با موشک کورنت، یک جیب نظامی متعلق به بخش اطلاعات ارتش رژیم اشغالگر را هدف قرار داد.

حسام ابو حریبید، در پایان زندگی جهادی‌اش در ۱۸ مه در عملیات تروریستی حمله به خانه‌اش در محله تل‌الزعر در شمال نوار غزه، به شهادت رسید.

منبع:

الاخبار، یوسف فارس، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۱
الخنادق، الشهيد حسام أبو حریبید: من أعلن انطلاق "سيف القدس"، ۱۹ آوریل، ۲۰۲۲ م.

ام‌عبیده می‌گوید:
«او همیشه اهل علم
و متعهد به فرهنگ
بود. او دانش‌آموخته
دانشکده «الشریعه»
بود. اگرچه کار
مقاومت، همه
وقت او را به خود
اختصاص می‌داد اما
در طول روز، همیشه
برای خواندن کتاب
یا جست‌وجوی
اطلاعات وقت
می‌گذاشت.»





استفاده از تسلیحات مرموز و خاص برای ترور فرماندهان مقاومت همواره مورد بحث کارشناسان بوده است و از آن به عنوان روش حذف کم‌آسیبی یاد کرده‌اند که در طول یک دهه گذشته، مورد استفاده رژیم غاصب صهیونیستی و تروریست‌های آمریکایی بوده است. در فیلم منتشرشده از خودرو شهید «حسام ابو حریید» دیده می‌شود که انفجار و یا تخریب کامل خودرو رخ نداده و موشک دشمن از شیشه جلو خودرو وارد شده و بدون تخریب سایر نقاط، به هدف اصابت کرده است.

این عملیات، یادآور بخشی از جنایت دولت آمریکا در عملیات بامداد خونین بغداد است که نیروهای آمریکایی در ترور شهید سپهبد «قاسم سلیمانی» و شهید «ابومهدی المهندس»، موشک‌هایی به سمت خودرو شهدا شلیک کردند که وارد خودروشان شد و علاوه بر انفجار محدود، پیکرهای آنان را نیز تکه تکه کرد. پس از این اقدام بود که با سلاح‌های آتش زا خودرو حامل شهدا را به آتش کشیده و منهدم کردند. این روش مشترکا توسط جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی و ارتش تروریست آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

◀ عملیات‌های مشابه

مشابه چنین سلاخی در عملیات‌های نیروی هوایی آمریکا در استان ادلب سوریه در سال‌های اخیر مشاهده شده بود؛ جایی که پهپادهای رزمی ایم، کیو۹ آمریکایی اقدام به شکار برخی سرکردگان القاعده در استان ادلب سوریه به وسیله شلیک موشک موسوم به «نینجا» با کد «آر. ایکس ۹۰» می‌کردند. موشک آر. ایکس ۹۰، بر اساس الگوی موشک هوا به زمین هلفایر توسعه یافته و به جای سر جنگی انفجاری، با استفاده از تیغه‌های فولادی تعبیه‌شده در میانه بدنه اقدام به نابودی اهداف خود می‌کند و به نظر می‌رسد ارتش رژیم موقت اسرائیل هم با کمک آمریکا به سلاح مشابهی برای انجام عملیات‌های ترور علیه فرماندهان فلسطینی دست پیدا کرده است.

◀ موشک هلفایر چیست؟

هلفایر که ابتدا در سال ۱۹۸۰ به عنوان موشک ضدتانک طراحی شده بود، طی دو دهه گذشته توسط سرویس‌های نظامی و اطلاعاتی برای حمله به اهدافی در عراق، افغانستان، یمن و دیگر مناطق استفاده شده است. این



موشکی که برای ترور شخصیت‌های مهم به کار می‌رود

شهادت به سبک حاج قاسم

برایست می گوید:
 «این موشک
 می تواند برای
 نابودی اهداف
 مشخصی چون
 خودروها و
 ساختمان ها آسیب
 کافی را به وجود آورد
 اما قدرت تخریب
 ساختمان های بزرگ
 و بلوک های شهری
 را ندارد و به همین
 خاطر، استفاده از
 آن از تلفات قابل
 توجه غیرنظامیان
 جلوگیری می کند.»

‘Flying ginsu’ missile

Warhead-less weapon allegedly targeted Al-Qaeda head Ayman al-Zawahiri

Hellfire R9X

(AGM-114R9X Hellfire missile)



- Fired by drones or helicopters in targeted attacks
- US munition of choice to target extremist leaders and avoid civilian casualties
- Nicknamed after Japanese 'Ginsu' kitchen knives

First used: 2017

Weight: 45 kg

Length: 1.6 m

deploy before impact and slice through target without explosion

قدرت تخریب ساختمان های بزرگ و بلوک های شهری را ندارد و به همین خاطر، استفاده از آن از تلفات قابل توجه غیرنظامیان جلوگیری می کند.»
 ارتش تروریست آمریکا هم معمولاً از این موشک، برای حمله به اهداف باارزش استفاده می کند و استفاده از این موشک خاص برای ترور شهید حسام ابو حربید، نشان دهنده جایگاه مهم او در ضربه زدن به دشمن بوده است.

موشک های هدایت شونده که می توانند توسط بالگردها یا پهپادها حمل شوند، به صورت گسترده در نبردهای مختلف سراسر جهان استفاده می شوند. به گفته «رایان برایست»، تحلیلگر بنیاد موسوم به «دفاع از دموکراسی» در واشنگتن، تا کنون بیش از ۱۰۰ هزار موشک هلفایر به دولت آمریکا و دیگر کشورها فروخته شده است. برایست می گوید: «این موشک می تواند برای نابودی اهداف مشخصی چون خودروها و ساختمان ها آسیب کافی را به وجود آورد اما



فیلم / عملیات ترور در پخش مستقیم المیادین

وقتی که خبرنگار المیادین مشغول ارسال گزارش از غزه بود صهیونیست های اشغال گریک ماشین فرمانده فلسطینی رو هدف قرار داد.





زندگینامه خطرناک‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی

علمدار جهاد اسلامی

◀ شخصیتی خطرناک برای صهیونیست‌ها

اطلاعات زیادی درباره بهاء ابوالعطا در دست نیست؛ زیرا او یکی از اعضای جنبش مقاومت مسلحانه است که تقریباً در همه عملیات‌های خود به رازداری تکیه کرده و همچنین سعی می‌کرد اعضا و رهبران خود را از چشم اطلاعات اسرائیل دور نگه دارد. ابوالعطا اما شخصیت معروفی در منابع صهیونیستی است. روزنامه جروزالم‌پست چند سال قبل، گزارش مفصلی تحت عنوان «خطرناک‌ترین چهره‌ها برای اسرائیل» نوشت و بهاء ابوالعطا را در کنار سیدحسن نصرالله و شهید قاسم سلیمانی، فرمانده سپاس قدس ایران، «سه شخصیت خطرناک برای اسرائیل» خواند. اسرائیل ابوالعطا را عنصری «مشکل‌ساز» توصیف کرد که تسلیم کسی نمی‌شود و «بسیار فعال است». همچنین او مستقیماً با دبیرکل جنبش جهاد اسلامی در تماس است. شهید ابوالعطا توسط رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از افراد تحت تعقیب اخیر در سطح کل منطقه و نه در سطح نوار غزه طبقه‌بندی شده بود.

◀ رهبری ابوالعطا

ابوالعطا یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در گردان‌های القدس، بازوی نظامی جنبش جهاد اسلامی، به‌شمار می‌رفت

بهاء ابوالعطا در ۲۵ نوامبر ۱۹۷۷ میلادی، در محله الشجاعیه در شهر غزه به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد. او در همان‌جا تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدارس و مؤسسات محلی در این شهر تمام کرد و پس از دانش‌آموختگی در رشته جامعه‌شناسی، تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رساند. شهید بهاء، بعدها ازدواج کرد و صاحب پنج فرزند شد؛ سپس از ابتدای سال ۱۹۹۰ میلادی به صفوف جنبش جهاد اسلامی پیوست و در آنجا با کارهای تشکیلاتی ترقی کرد تا اینکه به فرماندهی منطقه شمال گردان‌های القدس رسید.



✓
**شهادت فرمانده
 بهاء، اولین ترور
 مستقیمی بود که
 توسط نیروهای
 اشغالگر از زمان
 جنگ ۲۰۱۴ انجام
 شد؛ زیرا اشغالگران،
 ابوالعطاء را مسئول
 حملات موشکی به
 اسرائیل در ماه‌های
 اخیر می‌دانستند**



ساعت ۹ به وقت «ابوالعطاء»

فرمانده بهاء معادله پاسخ بمباران با بمباران و حمله با پاسخ مستقیم و خون به خون را برقرار کرد. شب‌های فلسطین، بوی ابوالعطاء و حملات شجاعانه او به رژیم اشغالگر قدس را می‌دهد؛ او در یکی از حملات خود آن چنان آسمان را با نور موشک‌ها روشن کرد که دشمن مجبور شد برای فرار، تعداد آذیرهای قرمز را دوچندان کند.



خنده شوق

شهید ابوالعطاء و هم‌رزمش فرمانده تیسیر- شهید الجعبری فرمانده و مسئول ارشد یگان موشکی سرایا القدس بود و ابوالعطاء به‌عنوان جانشین وی انتخاب شده بود. معروف بود که برای شهادت از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

بزدلانه» خواند و اشغالگری را مسئول آنچه اتفاق خواهد افتاد، دانست. همچنین چند مسجد غزه با اعلام خبر شهادت فرمانده در بلندگوهای‌شان به عزاداری برای «فرمانده بزرگ، بهاء ابوالعطاء» پرداختند.

منابع:

- سما الاخباریه، إغتيال القیادی فی سرایا القدس «بهاء ابوالعطاء» وزوجته فی غزه والاحتلال یعترف، سه‌شنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- المنار، إغتيال قائد سرایا القدس بهاء ابوالعطاء وزوجته فی قصف اسرائیلی واصابة طفلیه بجراح خطيرة، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- اسأل اکثر، من هو ابوالعطاء الذی اغتالته اسرائیل فجر الیوم، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- مصرای، اغتيال قائد الجناح العسکری فی حركة الجهاد الإسلامی «بهاء ابوالعطاء»، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- رائد موسی، الجزیره، من هو الشهید بهاء ابوالعطاء الذی اغتالته اسرائیل، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- مهدی نوری، بصیرت، راز ترور ابوالعطاء، ۲۵ آبان ۱۳۹۸
- ضیاء خلیل، العربی‌الجدید، سنوات علی اغتيال الاحتلال الإسرائیلی بهاء ابوالعطاء .. «الجهاد» تتعهد باستمرار المقاومة، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۲ م.

و مسئولیت بسیاری از عملیات‌های تهاجمی علیه رژیم اشغالگر اسرائیل به‌ویژه پرتاب راکت را برعهده داشت. او رهبری دوران تشدید تنش‌ها و جنگ‌های مختلف در نوار غزه را برعهده داشت و بهترین رهبر میدانی و بهترین راهنمای سربازان بود که سه بار هدف سوء قصد قرار گرفت که آخرین آن در سال ۲۰۱۴ در جریان تجاوز صهیونیست‌ها به غزه بود.

ترور و شهادت

فرمانده گردان‌های القدس و همسرش، سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ بر اثر بمباران رژیم صهیونیستی که خانه آن‌ها را در محله شجاعیه در شرق شهر غزه هدف قرار داد، به شهادت رسیدند. این حمله موجب مجروحیت شدید دو فرزندش شد که به مجتمع پزشکی الشفاء منتقل شدند. به گفته وزارت بهداشت نوار غزه، در اثر این بمباران جنگنده‌های رژیم صهیونیستی، دست‌کم سه شهروند فلسطینی دیگر هم مجروح شدند. رژیم صهیونیستی اعلام کرد ترور ابوالعطاء پس از موافقت کابینه و شخص «بنیامین نتانیاها» انجام شد. این رژیم در توجیه این حمله تروریستی گفت: «این فرمانده فلسطینی، شبیه یک بمب ساعتی بود.»

بازتاب‌های ترور

شهادت فرمانده بهاء، اولین ترور مستقیمی بود که توسط نیروهای اشغالگر از زمان جنگ ۲۰۱۴ انجام شد؛ زیرا اشغالگران، ابوالعطاء را مسئول حملات موشکی به اسرائیل در ماه‌های اخیر می‌دانستند. گردان‌های القدس در بیانیه‌ای به شخصیت ابوالعطاء پرداختند: «در ادامه مسیر پرپرکت جهاد و مقاومت، گردان‌های القدس، مجموعه‌ای از فرزندان خود را به‌عنوان شهدا به مردم و ملت ما تقدیم می‌کنند. در همین مسیر با سربلندی و عزت بیشتر به سوی قله‌ها خون می‌دهیم، قیام شهید مقاومت در برابر استکبار، رهبر مجاهد ما بهاء ابوالعطاء، فرمانده منطقه شمال. بهاء ابوالعطاء در حین انجام کار جهادی، قهرمانانه برای شکست توطئه‌ها و دفاع از خاک و ناموس به دست خیانت، پیروزمندانه به شهادت رسید تا خون شریف و پاکش خاک وطن را سیراب کند.»

تهدیدهای گردان القدس و مقاومت

گردان‌های القدس در مراسم ترحیم ابوالعطاء ۴۲ ساله و همسرش، قول مقابله با این جنایت را داده و از آمادگی و بسیج عمومی در صفوف رزمندگان و یگان‌های خود خبر دادند. در بیانیه گردان‌های القدس آمده بود: «پاسخ به این جنایت حد و مرزی نخواهد داشت و اشغالگران، عواقب این تجاوز را خواهند چشید.»

مسئول دفتر رسانه‌ای جنبش جهاد اسلامی هم گفت: «آنچه امروز رخ داد، به‌منزله اعلان جنگ از سوی اشغالگران علیه فلسطینی‌هاست و تصمیم مقاومت فلسطین، تشدید پاسخ به تجاوزات اسرائیل است.»

پس از ترور ناجوانمردانه ابوالعطاء، یگان‌های مقاومت فلسطین به‌سمت شهرک‌های اسرائیلی در مجاورت نوار غزه موشک شلیک کردند. صدها فلسطینی هم بعد از ظهر سه‌شنبه همان هفته، پس از اقامه نماز بر پیکر شهید در مسجد العمری در مرکز شهر غزه، در تشییع جنازه شهید بهاء ابوالعطاء شرکت کردند. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» هم در سوگ فرمانده ابوالعطاء (ابو سلیم) تأکید کرد که این جنایت بدون مجازات نخواهد ماند. حماس از طریق «فوزی برهوم» سخنگوی خود، ترور ابوالعطاء را «عملی

مردی که کل اسرائیل برای کشتن او به صف شده بود

فریاد طلوع

نام «بهاء ابوالعطاء» با شلیک هر موشک و با هر عملیات جهادی، در رسانه‌های صهیونیستی تکرار می‌شد. تا اینکه همه متوجه شدند که اشغالگران در حال تدارک عملیات خیانت و ترور فرمانده ابوسلیم است. وقتی این موضوع را برای شهید ابوسلیم مطرح کردند، خندید و ساکت شد. او چندان به این تهدیدها اهمیت نمی‌داد، هرچند آنها را جدی می‌گرفت و به تحقیر اشغالگران و رهبران آن ادامه می‌داد. ابوسلیم، «بنیامین نتانیاهو» را مجبور به فرار از ترس موشک‌ها کرد. همزمان با فرار و مخفی شدن نتانیاهو، توده‌های مردم فلسطین، شهید ابوالعطاء را به نشانه تجلیل از او و قدردانی از حرفه جهادی‌اش بر دوش خود بلند کردند. دشمن تمرکز زیادی بر فرمانده ابوسلیم داشت و او را در زمره «بمب‌های ساعتی» طبقه‌بندی می‌کرد و او را یک رهبر غیرعادی غیر قابل مهار می‌دانست و خطرناک‌ترین مرد فلسطینی توصیف می‌کرد. رسانه‌های اشغالگر گزارش‌های بیشتری را به شهید ابوالعطاء، وضعیت نظامی و خطر او اختصاص دادند و هواداران خود را آماده کردند که ترور ابوالعطاء آسان نخواهد بود تا اینکه کار به جایی رسید که برخی گزارش‌ها می‌گفتند: «ترور ابوالعطاء یک عملیات انتقامجویانه شخصی بین او و نتانیاهو خواهد بود زیرا ابوالعطاء او را بسیار تحقیر کرد زیرا این فرمانده مقاومت، ترس را کشته بود و آن را به سخره می‌گرفت.»

نظامی و توانمندی موشکی و افزایش دقت آن‌ها سرعت بالایی داشت و بزرگترین دغدغه او این بود که در محاصره نوار غزه، همه ابزارهای نیرو را فراهم کند و به تولید و ابداع اشکال فنی و نظامی نبرد، به‌ویژه در زمینه توسعه موشکی، زیر نظر واحد تولیدی در گردان‌های قدس بپردازد، بر این باور بود که همه توانمندی‌های مردم فلسطین، باید در راستای مقابله با اشغالگران به‌خط شود و معتقد بود هر گلوله‌ای که شلیک می‌شود باید سر اشغالگران را هدف بگیرد.

فرمانده ابوالعطاء که به‌شدت مشتاق توانمندسازی مقاومت بود توانست سازوکار نظامی را در گردان‌های القدس ایجاد کند. او در توسعه سرمایه‌های انسانی نیز تلاش کرد و نخبگانی را پرورش داد که عملیات ویژه انجام می‌دادند. شاید بسیاری از دستاوردهای او بعدها از سوی گردان‌های القدس آشکار شود.

مکتب بهاء ابوالعطاء

دکتر «جمیل علیان» از فرماندهان جنبش جهاد اسلامی با توجه به سابقه طولانی مبارزاتی و سرشار از دستاوردهای راهبردی خود به مناسبت دومین سالگرد شهادت سردار ابوالعطاء در مصاحبه‌ای گفت: «در مکتب بهاء ابوالعطاء، امکان وجود «فلسطینی» و «اسرائیلی» در یک میدان یا یک مکان جز در رابطه جنگ وجود نداشت و این همان چیزی است که ابوالعطاء روی آن تمرکز کرد و باعث شد در سراسر فلسطین و حتی خارج از آن گسترش یابد. این الگو و این مکتب که امروزه در نوار غزه بسیار رواج یافته است، حتی اگر فرمانده‌اش شهید شده باشد، صدها و حتی هزاران نفر از جهاد اسلامی هستند که از مکتب این رهبر فارغ‌التحصیل شده‌اند که این، خود به معنای آگاهی و شناخت «دشمن» است.»

دکتر علیان ادامه داد: «شبانه‌روز به‌رغم خستگی، سراز پا نمی‌شناخت و گاهی دو سه روز نمی‌خوابید. او در تولیدات



تشییع جنازه
باشکوه شهید
ابوالعطاء و
همسرش...





◀ ساعت نهم

شهید ابوالعطاء در طول دوران جهادی‌اش، توانست نتایج واقعی را در تیپ‌ها و جنبش‌هایی که اشغالگران را ترسانده بود، به دست آورد که او آن را به عنوان «نهم» یاد می‌کنند. اشغالگران عادت کرده بودند که هر شب ساعت ۹ در واکنش به تجاوزات و حملات اشغالگران به فلسطینیان در جریان فعالیت‌های «راهپیمایی بازگشت و شکست محاصره» هدف موشک‌های ابوالعطاء قرار گیرند.

اشغالگران، پس از مدتی به بزرگی فرمانده ابوالعطاء و خطر شدید او پی بردند، به‌طوری که نام او را «ترور» گذاشتند. او به‌ویژه برای شهرک‌های اطراف نوار غزه به «بمب ساعتی» معروف بود و نام او از سوی رژیم صهیونیستی، در میان سه شخصیت خطرناکی که باید از بین بروند قرار گرفت: «بهاء ابوالعطاء، قاسم سلیمانی و سید حسن نصرالله».

◀ دستاورد بزرگ فرمانده

زمانی که گردان‌های القدس در نبرد «بنیان المرسوس» برای مقابله با تجاوزات اشغالگران به غزه در سال ۲۰۱۴ در حال جنگ بودند، ابوالعطاء، «اقدامی خلاقانه» به خرج داد. این در حالی است که مقاومت تحت نظارت فرماندهی‌اش، تمام اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین را تحت تأثیر قرار داد و این نتیجه اقدام نظامی کیفی بهاء ابوالعطاء و برادرانش در گردان القدس بود.

در آن زمان ابوالعطاء مسوولیت منطقه شمالی نوار غزه را بر عهده داشت که بیشترین مسوولیت را در رویارویی‌ها بر عهده داشت؛ زیرا با مناطق «عسقلان» و «سدیروت» آشنا بود و برای آن‌ها راهبرد ویژه داشت. او بسیاری از عملیات‌ها را مدیریت و موشک‌ها را هدایت می‌کرد. با برنامه‌ریزی دقیق و نظارت میدانی ابوالعطاء در نبرد، اشغالگران مجبور به عقب‌نشینی تا فاصله بیش از ۷ تا ۱۰



منزل شهید
ابوالعطاء در شرق
شهر غزه که توسط
صهیونیست‌ها
هدف قرار گرفت.



کیلومتری از مرزهای نوار غزه شدند که مهم‌ترین دستاورد بزرگ ابوالعطاء و نیروهایش بود. این در حالی بود که اشغالگران به دنبال این بودند که جنگ زمینی در نوار غزه را کلید بزنند.

◀ نقش مؤثر منطقه‌ای

سردار بهاء ابوالعطاء نامی بود که از آسمان فلسطین هم فراتر رفت. نام او حتی پس از شهادتش در سفرهای فلسطینیان به لبنان و جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار شد و نیز در اعتراضات اشغالگران که گفته بودند: «اگر بخوایم محور مقاومت را در سه نفر تعریف کنیم باید از این سه تن نام ببریم: قاسم سلیمانی در ایران، عماد مغنیه در لبنان، بهاء ابوالعطاء در فلسطین.»

هنگامی که هیأت مذاکره‌کننده مصری به نوار غزه وارد شدند، مقامات سازمان اطلاعات مصر برای مذاکره از طریق میانجی‌گری بین جنبش جهاد اسلامی و اشغالگران، اصرار داشتند که با فرمانده ابوالعطاء دیدار کنند.

شاید در میان مصری‌ها این احساس وجود داشت که این فرمانده، «فردی سرسخت» است و هیچ‌کس نمی‌تواند او را دور بزند یا توانایی‌های او را محاصره کند. رسانه‌های عبری همچنین اذعان می‌کردند که اگر مذاکره‌کننده مصری می‌خواهد به یک «توافق» در مورد «نوعی آتش‌بس» بین جنبش و طرف مقابل برسد، باید با ابوالعطاء مذاکره می‌کرد.

◀ فریاد طلوع: پاسخ به ترور رهبر

پس از اینکه یگان‌های ارتش اشغالگر صهیونیستی، ابوالعطاء را با موشک‌های هوا به زمین که منزلش را در محله الشجاعیه غزه هدف قرار داد، ترور کردند، گردان‌های القدس یک رزمایش پلکانی را آغاز کرد که آن را «فریاد طلوع» نامید. پاسخ به این ترور، رگبارهای موشکی «براق ۱۲۰» بود که شهرک‌ها و مناطق اشغالی را مورد اصابت قرار داد. این حملات، پیام‌های نظامی و راهبردی متعددی را از جمله به قدس اشغالی، حضره، تل‌آویو، عسقلان و نتیفوت ارسال کرد که نشان می‌دهد ترور فرمانده، عزم گردان‌های القدس و جنبش جهاد اسلامی را خدشه‌دار نمی‌کند و آن‌ها قادر به شروع حمله و مدیریت نبرد هستند.

◀ پیام به خانواده شهید سلیمانی

دختر شهید بهاء ابوالعطاء، پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی برای «زینب» دختر او، پیامی ویدیویی فرستاد و گفت: «من دختر فرمانده شهید، بهاء ابوالعطاء هستم. به خانواده سیهید قاسم سلیمانی تسلیت گفته و همچنین شهادت او را به آن‌ها تبریک می‌گویم. به دخترش زینب تسلیت عرض می‌کنم و می‌گویم که خون پدرم و پدرت امانتی در دست رهبران فلسطینی و ایرانی است. زیرا قاسم سلیمانی از ملت فلسطین، پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌کرد.»

◀ از جان ما چه می‌خواهند؟

لیان دختر ۱۰ ساله شهید ابوالعطاء می‌گوید که پدرش را زیاد ندیده بوده و مادرش از او خواسته که خوب درس بخواند تا روز بعد پدرش را ببیند و با او جشن تولد بگیرد اما او با گریه می‌گوید: «صدای انفجار را شنیدم و بدون اینکه کسی صدایم را بشنود شروع به صدا زدن مادر، پدر و برادرانم کردم تا اینکه برادرم اسماعیل آمد و مرا از خانه به بیمارستان برد. من مدام سراغ پدرم را می‌گرفتم ولی کسی جوابم را نمی‌داد.



پدرم آمده بود تا مادرم را با خود ببرد، او همیشه می‌گفت: «من برای پدرت غصه نمی‌خورم چون با او شهید می‌شوم.» لیان با پدر شهیدش خداحافظی کرد و فریاد زد: «از ما چه می‌خواهند؟ از ما چه می‌خواهند؟ پدرم برای تولد من آمده بود.»



گردان‌های قدس، شاخه نظامی
جهاد اسلامی که سال ۱۹۸۱
توسط فتحی شقاقی و عبد
العزيز عوده در غزه بنیاد نهاده
شد، مسوولیت اغلب عملیات
نظامی این جنبش علیه اسرائیل
را برعهده گرفته است.

عکس از persi.euronews.com



طایفه داران مقاومت

فرزندان شهید بهاء ابوالعطاء در نشست خبری روز
جهانی کودک. لیان، دختر شهید بهاء ابوالعطاء می‌گوید:
دلم آتش گرفته، حتی مادرم رفته است. باید درس
می‌خواندم، ساعت ۴ به من گفت بیدار شو و برای
امتحان درس بخوان، می‌خواست برایم جشن تولد بگیرد
و همهٔ دوستانم را دعوت کرده بود؛ اما همه رفتند...

مادر شهید ابوالعطاء می‌گوید که پسرش با اینکه بیش
از یک بار از ترور جان سالم به در برده بود، از اسرائیل
نمی‌ترسید. او تأکید می‌کند که پسرش در دل‌ها زنده است
و خواهرش هم در روز شهادت او فرزندی به دنیا آورد که نام
او را «بهاء» گذاشت. او گفت: «بهاء، قلب و روح و ذهن من
است و همه او را دوست دارند.»

منابع:

- آخرین خبر، پیام دختر فرمانده شهید فلسطینی برای «زینب
سلیمانی»، ۲۰ دی ۱۳۹۸
- وكالة معا الاخبارية، لماذا توجه أبو العطا لمنزله ليلة
الاحتفال؟، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹ م.
- الخدانق، الشهيد بهاء أبو العطاء: قائد بهذا المستوى!، ۱۲
دسامبر ۲۰۲۱ م.
- المجموعة اللبنانية للإعلام، قناة المنار، الذكرى الثالثة
لاستشهاد قائد أركان المقاومة بهاء أبو العطا "رجل التاسعة"
الذي زلزل الاحتلال، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ م.

جهاد اسلامی فلسطین و تغییر معادلات؛ پادشاه لخت است!



داستان «پادشاه لخت» را احتمالاً شنیده‌اند. ماجرای خیاطی که زندانه وعده لباس ویژه را به شاه می‌دهد و ادعا می‌کند فقط حلال زاده‌ها

قادر به دیدن آن هستند؛ حال آنکه اصلاً لباسی در کار نیست و از وزیر گرفته تا تک‌تک مردم، جرأت بیان حقیقت را نداشتند. پایان قصه ولی با افشاکاری کودکی همراه است که صادقانه فریاد می‌زند: «پادشاه لخت است»، فریادی که همه ذهن‌ها را بیدار و دروغ‌گو را رسوا می‌کند! ماجرا شرح حالی بر این روزهای رژیم

صهیونیستی است. قدرت نظامی نخست خاورمیانه، جایگاه چهارم نیروی هوایی دنیا، تنهاده‌مورکراسی خاورمیانه و همه این واژه‌های دروغین و پرطمطراق، تلاشی ازسوی غرب در راستای مشروعیت‌سازی برای رژیم است که در منطقه هیچ مشروعیتی نداشت. خانه عنکبوت اما برای فروپاشی به نسیمی بند بود؛ بادی که با «طوفان الاقصی» برپا شد و تزلزل اسرائیل را بر همگان اثبات کرد.

جنگ ترکیبی علیه رژیم اسرائیل از هفتم اکتبر (۱۵ مهرماه) کلید خورد؛ نبردی کم‌نظیر با مشارکت همه اضلاع درونی و بیرونی مقاومت. حضور دوشادوش رزمندگان جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و جهاد اسلامی در تقابل با صهیونیست‌ها تعبیر عینی وحدت میدان‌هاست. امروز در کنار گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس که می‌توان آن را قوی‌ترین و تأثیرگذارترین جریان نظامی مقاومت فلسطینی علیه رژیم صهیونیستی در بیست سال گذشته دانست، سراپا القدس (گردان‌های قدس) شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی نیز یکی دیگر از گروه‌های تأثیرگذار در عملیات اخیر بود.

جهاد اسلامی را می‌توان از قدیمی‌ترین جنبش‌های مقاومتی فلسطین دانست. این جنبش در سال ۱۹۷۹ ازسوی شهید فتحی شقاقی متشکل از جوانان فلسطینی محصل در دانشگاه‌های مصر و با الگوبرداری از انقلاب اسلامی و مشی امام خمینی (ره) پایه‌گذاری شد. جهاد در دهه ۸۰ میلادی به‌مرور به یک گروه مبارز مسلحانه تبدیل شد. پس از ترور شقاقی در مالت ازسوی موساد در سال ۱۹۹۵، رمضان عبدالله شلح، رهبری جنبش را در اختیار گرفت و در پی بیماری و درگذشت وی، زیاد نخاله در سال ۲۰۱۸ م به دبیرکلی جنبش منصوب شد. جهاد اسلامی بر اصولی مانند به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی، مخالفت با راه‌حل دو دولت و ورود نکردن به سیاست تأکید دارد. این گروه کاملاً یک جنبش مقاومتی و متکی بر قدرت نظامی است. از جنگ بیست و دو روزه ۲۰۰۹ تا هشت روزه ۲۰۱۲ و سپس نبرد پنجاه و یک روزه سال ۲۰۱۴، جنبش با انجام عملیات‌های مختلف، وزن و جایگاه بسیار بیشتری پیدا کرد. جهاد اسلامی در عملیات طوفان الاقصی که به هلاکت ۱۴۰۰ اسرائیلی و به اسارت درآمدن چندصد صهیونیست منجر شد نیز مشارکت فعالی داشت. جنبش اعلام کرده است بیش از سی اسیر اسرائیلی در اختیار دارد.

افزایش بازیگری جهاد اسلامی به عنوان نیرویی مُصر بر راه مقاومت در مقابله با اشغالگری باعث شد تا صهیونیست‌ها

مهدی خالدي
کارشناس
مسائل غرب آسیا

طی چند سال اخیر برای حذف این گروه دست‌به‌کار شوند. در این مسیر روزنامه وال استریت ژورنال چندی پیش مدعی شد اسرائیل در حال تلاش برای اجرای یک «عملیات چندساله

ترور» برای حذف فیزیکی سران مقاومت بعد از اتمام جنگ غزه است. تل‌آویو در گذشته در ترور برخی فرماندهان جهاد اسلامی ازجمله فتحی شقاقی، عصام بُراهمه، هانی عابد و... موفقیت‌هایی به دست آورده، اما در سال‌های اخیر باوجود روی کار آمدن رهبرانی از دل تشکیلات نظامی، در این امر ناکام مانده

است؛ حتی حملات هوایی گسترده به غزه در طول بیش از هفتاد روز جنگ بی‌امان، ضعف بانک اطلاعاتی اسرائیل را در شناسایی موقعیت فرماندهان مقاومت اثبات کرد. برای جبران و سرپوش گذاشتن بر این شکست، اشغالگران در چندین نوبت به جنگ روانی روی آوردند و مدعی فرار فرماندهان مقاومت از غزه شدند؛ دسیسه‌ای که با بیرون آمدن تصاویر فرماندهان مقاومت در جبهه نبرد و همچنین اعتراف اسرای صهیونیستی مبنی بر ملاقات مستقیم با یجیی سنوار در درون تونل‌های حماس کاملاً شکست خورد.

حال قافیه تا جایی بر صهیونیست‌ها تنگ شده که طبق گزارش مجله ۹۷۲+ که از سال ۲۰۱۰ به تهیه گزارش‌های تحقیقی درباره فلسطین مشغول است، رژیم در تلاش برای بهره‌برداری از سیستمی به نام «هابسورا» یا «گاسپل» در هدف قراردادن رهبران مقاومت فلسطین است. این سیستم تا اندازه زیادی بر مبنای هوش مصنوعی طراحی شده است و می‌تواند بانک اهداف را به صورت اتوماتیک و با سرعتی که قبلاً امکان‌پذیر



طوفان الاقصی با
غافل گیری کامل
شد و ارتش اسرائیل
نتوانست آن را کشف
و خنثی کند. این
امر بیانگر موفقیت
جهاد اسلامی و
دیگر گروه های
مقاومت در
خنثی کردن
ساختارهای
پرمدهای اطلاعاتی
و حفاظتی و
فائق آمدن بر
دیوارهای بزرگ بتنی
چندلایه محصور با
موانع الکترونیکی
و نیز دوربین های
مدرن کنترلی ارتش
اسرائیل در مرز نوار
غزه است

کشته شده و بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از آن ها نیز زخمی شده اند. این تلفات بالاترین تلفات اسرائیل طی همه جنگ های گذشته ظرف یک روز است. فلسطینی ها همچنین توانستند در جریان حمله مقداری از اسناد و مدارک اسرائیلی ها را با خود به نوار غزه منتقل کنند که این اقدام می تواند کیفیت و کمیت اطلاعات فلسطینی ها را از دستگاه های جاسوسی و نیز ارتش اسرائیل بهبود بخشد.

در نهایت اینکه با بالارفتن آمار شهدا و گستره ویرانی ها در باریکه غزه زیر تهاجم افسارگسیخته اشغالگران، در مقاطعی، برخی با طرح این پرسش شبهه برانگیز که مگر مقاومت اسلامی به عواقب کار خود در حمله به رژیم اشغالگر فکر نکرده بود، سعی کردند دستاوردهای بزرگ حماس و جهاد اسلامی در طوفان الاقصی را زیر سؤال ببرند. باوجوداین حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۸ مهرماه در دانشگاه افسری امام علی (ع) به کلیدواژه مهمی اشاره کرده و فرمودند: زلزله ویرانگر ۱۵ مهر، یک شکست اطلاعاتی و نظامی ترمیم ناپذیر برای رژیم صهیونیستی است. بله، این اصل ماجراست. طوفان الاقصی برکات بسیاری داشت؛ از تعبیرشدن واقعیت وحدت میدان ها میان اضلاع مقاومت در غزه و سرتاسر منطقه گرفته تا تغییر دکترین رژیم صهیونیستی از آقندی به پدافندی و بسیاری ثمرات دیگر که کم کم نمایان شده و نابودی نهایی رژیم اشغالگر را رقم خواهد زد؛ ان شاء الله.

نبود، تولید کند؛ مسیری که برخی از آن به «یک کارخانه ترور جمعی» تعبیر کرده اند.

اما باوجود این تلاش ها، واقعیات میدانی از بربادرفتن حیثیت سیستم اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی در نبرد اخیر حکایت دارد. طوفان الاقصی با غافل گیری کامل شد و ارتش اسرائیل نتوانست آن را کشف و خنثی کند. این امر بیانگر موفقیت جهاد اسلامی و دیگر گروه های مقاومت در خنثی کردن ساختارهای پرمدهای اطلاعاتی و حفاظتی و فائق آمدن بر دیوارهای بزرگ بتنی چندلایه محصور با موانع الکترونیکی و نیز دوربین های مدرن کنترلی ارتش اسرائیل در مرز نوار غزه است. در عملیات مذکور مشخص شد که ساختار جاسوسی و شیوه کسب اطلاعات ارتش اسرائیل و سازمان شاپاک علیه فلسطینی ها ناکارآمد بوده و گروه های مقاومت، حفاظت اطلاعات را به خوبی رعایت کرده اند. فلسطینی ها توانستند نفوذی ها را از تشکیلات و سازمان های مقاومت پاک سازی و جاسوسان اسرائیلی را با دقت شناسایی کنند. ازسویی مبارزان جهاد در جریان عملیات طوفان الاقصی توانستند همه اهداف طرح ریزی شده خود را محقق سازند. آن ها به پایگاه های نظامی اسرائیل در هفت شهرک صهیونیست نشین دسترسی پیدا کردند و توانستند بیش از دویست صهیونیست ازجمله بیش از صد نفر از نظامیان اسرائیلی را اسیر کرده و به سلامت، آن ها را به مقرهای خود در نوار غزه منتقل کنند؛ به طوری که اسرائیل تاکنون نفهمیده است که آن ها در کجا و در چه مکان هایی نگهداری می شوند! طبق گزارش منابع صهیونیست، در عملیات طوفان الاقصی حدود ۱۲۰۰ اسرائیلی ازجمله بیش از ۳۰۰ نظامی



چرا توقف جنگ به معنی فروپاشی رژیم صهیونیستی است؟

مهدی خالیدی در یکی از سرمقاله های خود درباره آخرین وضعیت تحولات جبهه مقاومت در فلسطین می گوید: تن دادن اشغالگران به آتش بس دائمی اگر اتفاق بیفتد، رخداد بسیار عجیبی با کوتاه آمدن صهیونیست ها از همه اهداف ترسیمی گذشته شان خواهد بود. این رخداد کاملاً به نفع مقاومت تمام خواهد شد و قطعاً در بلندمدت فروپاشی اسرائیل را رقم خواهد زد. برای مطالعه نسخه کامل این متن، نمایه کیوآر کد را اسکن کنید.





تیسیر الجعبری، مردی که زندگی‌اش بر مبنای جهاد استوار بود

شهید دین و امت

◀ پیوستن به جنبش مقاومت

خانواده ابومحمود، به حضور در صفوف گردان‌های مقاومت فلسطین به‌ویژه جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و جهاد اسلامی شهرت داشتند و به‌همین‌علت او از سنین کودکی و نوجوانی به نهضت جهاد اسلامی پیوست و مسوولیت اتحادیه اسلامی (تشکل دانشجویی جنبش جهاد اسلامی) را برعهده گرفت. او چندین سال در زندان‌های رژیم صهیونیستی زندانی بود و در پی توافق اسلو که در سال ۱۹۹۳ میلادی بین جریان سیاسی فتح به رهبری «یاسر عرفات» و رژیم اشغالگر صهیونیستی امضا شد، چند بار توسط سرویس‌های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین دستگیر، بازداشت، تهدید و شکنجه شد.

◀ مطالعه و آموزش علمی

او تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته حقوق اسلامی در دانشگاه اسلامی غزه به پایان رسانده بود و به مطالعه و آموزش علاقه زیادی داشت.

◀ مرد روزهای سخت

شهید الجعبری، عضو شورای نظامی گردان‌های القدس و فرمانده منطقه شمال جهاد اسلامی در نوار غزه بود. پس از شهادت بهاء ابوالعطاء در سال ۲۰۱۹ میلادی و پس از حمله صهیونیست‌های غاصب به خانه وی در «محل الشجاعیه» در شرق نوار غزه، الجعبری مسئولیت منطقه شمالی را برعهده گرفت و روی پروژه توسعه قابلیت‌های نظامی گردان‌های القدس در آنجا متمرکز شد.

فرمانده شهید «تیسیر الجعبری»، در ۱۸ ژانویه ۱۹۷۲ متولد شد. نام کامل او «تیسیر محمود محمد الجعبری» و ملقب به ابومحمود بود. او ساکن محله الشجاعیه بندر غزه و از طایفه معروف «الجعبری» هاست. خانواده‌ای که شهید نامدار، «احمد الجعبری» هم به آن تعلق داشت. این خاندان، سلحشورپرور بود تا اینکه روزی نفر دوم گردان‌های القسام را تربیت کرد و تحویل میدان جهاد داد. به‌سبب همین سلحشوری است که خانواده تیسیر در محله الشجاعیه در شرق نوار غزه و در مجاورت حصار امنیتی رژیم اسرائیل زندگی می‌کنند و در همه جنگ‌ها، با وجود همه تهدیدها و تخریب‌ها ایستاده‌اند و عقب‌نشینی در خون آن‌ها نیست. دشمن صهیونیست هر شب در کابوس خود می‌بیند که ابومحمود زنده است؛ اما این خون ابومحمود است که در رگ و پی طایفه الجعبری برای شکست محاصره لحظه‌شماری می‌کند.



حضور فرمانده ارشد
گردان های القدس،
شهید تیسیر الجعبری،
در مراسم یادبود
فرمانده شهید «جمال»
ابوسمهدانه که به
مهندس مقاومت
فلسطین مشهور بود.



تیسیر الجعبری در کنار فرمانده عبدالله قدوم



تیسیر الجعبری در کنار فرمانده خلیل البهتینی.
او پس از شهادت تیسیر الجعبری جانشین او شد
و فرماندهی بخش شمال غزه را بر عهده گرفت. او
همچنین عضو شورای نظامی در کرانه باختری است.

که با آن گردان های قدس نبرد «سیف القدس» را در اردیبهشت
۱۳۹۰ افتتاح کردند، نظارت می کرد. فرمانده تیسیر، تجربه
جنگ نامنظم را داشت و به خوبی می دانست کی و کجا باید به
صهیونیست ها ضربه زد. شاید درک عمیق عملیاتی او به تعامل
او با نیروهای حزب، تجربه نبردهای متعدد گردان های القسام و
عملیات های موفق استشهادی گروه های مقاومت برمی گشت.

◀ سوءقصد های ناکام

الجعبری نیز مانند دیگر فرماندهان مقاومت فلسطین در
سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ میلادی، هدف سوءقصد قرار گرفت و از
اولین سوءقصد به همراه فرمانده شهید بهاء ابوالعطاء در سال
۲۰۱۲ میلادی جان سالم به در برد.
او دستیار بهاء ابوالعطاء بود که در اوایل نوامبر ۲۰۱۹ میلادی
توسط رژیم اسرائیل ترور شد. او در طول دوران تعلق خود به
جنبش، رهبری چند پرونده را در چارچوب نهضت ها در اختیار
داشت و عملیات های متعددی را فرماندهی کرد. فرمانده تیسیر
علاوه بر اینکه مسؤول اتحادیه اسلامی (تشکل دانشجویی
جنبش جهاد اسلامی) بود، از رهبران گردان های القدس در
جریان انتفاضه الاقصی هم به شمار می رفت که تأثیر بسزایی
در رویکرد حرکت میدانی نیروها داشت.

◀ نگاهی به سابقه عملیاتی فرمانده «تیسیر»

الجعبری پرونده عملیات مرکزی گردان های قدس در نوار غزه
را رهبری کرد و تأثیر آشکاری در توسعه آن داشت. وی در جریان
نبرد سیف القدس، فرماندهی منطقه شمالی گردان های قدس
را بر عهده گرفت و نقش برجسته و مهمی در آن داشت. فرمانده
تیسیر یکی از ناظران ساخت موشک های مقاومت بود و بر جریان
عملیات های گردان های مقاومت در استفاده از سلاح «کورنت»



امنیت خانواده، خط قرمز فرمانده

«ام محمود»، همسر شهید تیسیر الجعبری،
با تشریح محتوای گفت و گوی تلفنی خود با
تیسیر الجعبری در شب پیش از ترور وی می گوید:
تیسیر از برنامه جوخه های ترور رژیم صهیونیستی
علیه خود و هم زرمش «خالد منصور» اطلاع داشت
و به همین منظور از آمدن به خانه خودداری کرد
تا خانواده اش در معرض خطر قرار نگیرند. برای
مشاهده این مستند نمایه کیو آر کد را اسکن کنید.



❖ خانه‌ای که سکوی پرواز شد

ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی، عملیات نظامی خود را در ۵ اوت ۲۰۲۲ میلادی در نوار غزه و با حمله به یک آپارتمان مسکونی که فرمانده در آن حضور داشت، آغاز کرد که منجر به شهادت وی شد. در پی این ترور، «زیاد النخاله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی، گفت: «ما می‌خواهیم بجنگیم.» دقیقاً در ساعت ۹ همان شب، گردان‌های القدس صد فروند موشک ساخت صنایع دفاع جهاد اسلامی را به سمت اراضی اشغالی پرتاب کردند که تمامی سرزمین‌های فلسطینی اشغالی به‌ویژه شهرک‌های اطراف نوار غزه را هدف قرار داد و تأکید کردند که این پاسخ اولیه بود. سایر گروه‌های فلسطینی نیز در محکومیت جنایت اشغالگران صهیونیست از این اقدام پیروی کردند و آن را تجاوزی دانستند که همه مردم فلسطین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

❖ دوستی دو فرمانده

دو فرمانده، شهید حاج‌خالد منصور و شهید حاج تیسیر الجعبری به‌عنوان فرماندهان منطقه جنوب و منطقه شمال ارتباط قوی و عمیقی با هم داشتند. برخی ناظران میدانی می‌گویند آن‌ها برادرانی بودند که دور از هم اما هماهنگ و صحیح جنگ را اداره می‌کردند. این دو فرمانده با تجربه با ایده موفق «وحدت میدان‌ها» از بدو تأسیس گردان‌های جدید سرایا القدس در همه رویدادهای جهادی نقش مهمی داشتند؛ همچنین در ایده‌پردازی برای توسعه ساختار گردان‌های القدس نقش بسزایی ایفا کردند. مناطق جنوب و شمال با فرماندهی آن‌ها شاهد دوزدن و درگیری با دشمن صهیونیستی بود که مهم‌ترین آن‌ها نبرد سیف‌القدس و بسیاری از عملیات‌های جهادی بود.

❖ ارزش بهشت، خیلی بالاتر از این هاست

تیسیر الجعبری ضمن یک سخنرانی وداع‌گونه در جمع یاران خود گفته است: «در دنیا هیچ چیزی مهم‌تر از دین و امت نیست. امروزه بخش مهمی از بار دین و رسالت بر دوش ماست. دوستان! امروز این را بدانید، اگر مقاومت در غزه شکست بخورد، مقاومت در جهان اسلام تمام می‌شود. این محاصره و این سرزمین را هیچ‌کس به‌جز جوان‌های مبارز فلسطینی با نیت‌های خالص آزاد نمی‌کند؛ جوانی که همه این سختی‌ها و بحران‌هایی را که با آن مواجه هستیم، تحمل کرده است. زندگی سختی را می‌گذرانیم، بعضی وقت‌ها جوان‌ها از سختی‌های زندگی که همه با آن درگیر هستیم، به ستوه می‌آیند؛ اما ارزش بهشت، خیلی بالاتر از این هاست.»

منابع:

الجزیره، تیسیر الجعبری. قائد شمال غزة بسرايا القدس الذی اغتالته إسرائيل، ۵ اوت ۲۰۲۲ م.
المیادین، من هو الشهيد تیسیر الجعبری الذی اغتاله الاحتلال فی غزة، ۶ اوت ۲۰۲۲ م.
الخنادق، الشهيد تیسیر الجعبری: قائد المنطقة الشمالية فی سرايا القدس، ۶ اوت ۲۰۲۲ م.
شهادت در سالروز ازدواج / گفت‌وگوی تسنیم با همسر شهید «تیسیر الجعبری»، ۲۶ مرداد ۱۴۰۱



شهید الجعبری در کنار هم‌رزمش «خالد منصور» در
رزمایش گردان‌های القدس دیده می‌شود. خالد
منصور از فرماندهان ویژه القدس در زمینه ساخت
موشک‌های بومی است که عملیات‌های موشکی
فراوانی را مدیریت کرده است.



شهید الجعبری یکی از ناظران ساخت موشک‌های
مقاومت بود و بر حمله «کورت» که با آن گردان‌های
القدس نبرد «سیف القدس» را در اردیبهشت ۱۳۹۰
کلید زدند، نظارت داشت. این تصویر را گردان‌های
القدس منتشر کرده است.



سمت راست: فرمانده منطقه شمالی گردان‌های
القدس، شهید بهاء ابوالعطاء و سمت چپ: فرمانده
شهید تیسیر الجعبری. شهید ابوالعطاء، برترین
فرمانده میدانی و از مهم‌ترین شخصیت‌های نظامی
جنبش جهاد اسلامی به‌شمار می‌رود.





ساعاتی پس از انفجار آپارتمان مسکونی در ۵ اوت ۲۰۲۲ که شهادت فرمانده الجعبری و دیگر مردمان، همه را شوکه کرد.

پسر شهید الجعبری برای تحصیل پزشکی به مصر رفت و سه سال از خانه دور بود، سپس به غزه بازگشت و خواست پدرش را ببیند؛ اما به دلیل شرایط امنیتی نتوانست و سه روز بدون ملاقات ماند تا اینکه بزرگ‌ترین جدایی و غیبت ابدی، او را غافل‌گیر کرد و در سردخانه‌ها با پدرش وداع کرد.



فرمانده الجعبری به روایت همسر، خواهر و دخترش

شهادت در سالروز جشن ازدواج

◀ همسر از زبان همسر

ام محمود می‌گفت: «از آن‌جا که شوهرم یقین داشت هر لحظه به شهادت نزدیک‌تر می‌شود مرا برای چنین روزی آماده می‌کرد تا بتواند مسئولیت را تا حد امکان به دوش بکشد. تیسیر سال‌ها پیش از من خواست که برای چنین روزی آماده شوم، بنابراین تمام امور خانه و کارهای مربوط به آینده فرزندان را به من واگذار کرد.»

او به علاقه این شهید به خانواده‌اش اشاره کرد و گفت: «ایشان در خانه بسیار فروتن، خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد بود و در کارهای منزل به من کمک می‌کرد. او از نقشه صهیونیست‌ها علیه خود و یار وفادارش خالد منصور آگاهی داشت؛ به همین علت به خانه بزرگشت تا مبادا ما در معرض خطر قرار بگیریم. او همیشه لبخند می‌زد و این لبخندها بوی شهادت می‌داد.»

وی با بیان اینکه «تیسیر، فرمانده دلسوزی بود و به شهادتی که می‌خواست رسید»، افزود: «امید داشتم در کنار او باشم تا با او در همان زمان و مکان به شهادت برسیم. تیسیر در سالگرد ازدواج‌مان که مصادف با ۵ اوت بود، به شهادت رسید.»

ام محمود ادامه داد: «شهید تیسیر الجعبری، مورد سه سوء قصد نافرجام قرار گرفت که در یکی از آنها به شدت مجروح شد.» او گفت: «تیسیر پس از چهار

همسر، خواهر و دختر شهید «تیسیر الجعبری» فرمانده تیپ شمالی گردان‌های القدس، بازوی نظامی جنبش جهاد اسلامی که در جریان تجاوزات به نوار غزه، به دست نیروهای اشغالگر رژیم اسرائیل ترور شد، فضائل آن شهید و پایبندی او به گزینه مقاومت نظامی برای احیای حقوق فلسطینیان را در گفت‌وگوهایی تشریح کرده‌اند. این سه زن متفق‌القول هستند که تیسیر، نمونه‌ای از فرماندهانی است که از جنگ نمی‌ترسند اما در خانه خود با فرزندان و نوه‌های‌شان به پدری دلسوز و عاطفی تبدیل می‌شوند.





مراسم وداع باشکوه مردم و مجاهدین فلسطینی با پیکر شهید الجعبری و ۵۵ شهید فلسطینی



تصاویری از محل ترور در نوار غزه که رژیم صهیونیستی، فرمانده تیسیر الجعبری و دیگر مظلومان غزه را هدف قرار داده است.

«شادا» دختر شهید
«تیسیر الجعبری»
هم گفت که پدرش
تمام عمرش را
تحت تعقیب رژیم
اشغالگر اسرائیل
گذراند و همان طور
که می خواست و
برای هدفی که به آن
اعتقاد داشت و به
آن وفادار بود، شهید
شد. ما همگی منتظر
شهادتش بودیم
زیرا تمام حرکات او
توسط ارتش اشغالگر
تحت نظر بود اما او
با صفای باطن به
میدان رفت..»

◀ پدر از زبان پسران

محمد و محمود، دو فرزند شهید تیسیر الجعبری، خاطراتی از پدرشان در ذهن دارند. محمود، پسر بزرگ شهید تیسیر الجعبری، گفت که زمان زیادی از آخرین ملاقات وی با پدرش گذشته بود، در نهایت بعد از گذشت دو سال، نزد پدر شهیدش در بیمارستان حاضر شد تا با او خداحافظی کند. محمود ادامه داد: «رابطه من و پدرم بسیار صمیمانه بود و من نه تنها پدر، بلکه دوست و برادر مهربانم را از دست داده ام.»

فرزند بزرگ شهید الجعبری تأکید کرد که تا زمان محقق شدن هدف پدرش یعنی آزادی قدس و سرزمین فلسطین، به مبارزه با اشغالگران ادامه خواهد داد زیرا این سیره شهید بوده است.

◀ برادر از زبان خواهر

خواهر شهید «تیسیر الجعبری» هم گفت: «او از دوران کودکی در بین خواهران و برادرانش دارای ویژگی رهبری بود.»
وی افزود که از همان کودکی، مسؤولیت بزرگ کردن تیسیر را بر عهده گرفته بوده و همیشه برای او، انتظار آینده ای متفاوت از پنج برادرش را داشته است.
خواهر شهید افزود: «تیسیر به محض رسیدن به سن ۱۵ سالگی، به مقاومت فلسطین پیوست. او در مقایسه با همسالان خود، توانایی ذهنی و سازمانی پیشرفته ای را از خود نشان داد که او را واجد شرایط مسؤولیت های اصلی در گردان های القدس کرد.»

منبع:

● مباشر الجزیره، أسرة تیسیر الجعبری فی لقاء خاص مع الجزیره مباشر: کان قائدًا حازمًا وأبًا حنونًا ونال الشهادة التي کان یريدها، ۲۲ اوت ۲۰۲۳ م.

روز دوری کامل از خانه، تلفنی با من تماس گرفت و گفت که برای ملاقات کوتاهی می آید تا در کنار همه اعضای خانواده، سالگرد ازدواج مان را جشن بگیرد اما مأموران رژیم اشغالگر، این مکالمه را ردیابی کردند و او را در یکی از برج های شهر غزه، هدف قرار دادند..»

ام محمود در نامه ای خطاب به جنبش جهاد اسلامی و شاخه نظامی آن «گردان های القدس»، نوشت که تیسیر الجعبری، با موشک اسرائیل اما با کمک عوامل جاسوس در داخل سرزمین های فلسطینی کشته شد.

او افزود: «من از همه جناح های مقاومت می خواهم غزه را از وجود این عوامل، پاک سازی کنند.»

همسر شهید الجعبری همچنین گفت: «کشورهای عرب باید دست از عادی سازی و سازش روابط خود با رژیم صهیونیستی بردارند و به راه مبارزه و مقاومت علیه متجاوز و اشغالگری پایبند باشند.»

◀ پدر از زبان دختر

«شادا» دختر شهید «تیسیر الجعبری» هم گفت که پدرش تمام عمرش را تحت تعقیب رژیم اشغالگر اسرائیل گذراند و همان طور که می خواست و برای هدفی که به آن اعتقاد داشت و به آن وفادار بود، شهید شد.»

وی افزود: «ما همگی منتظر شهادتش بودیم زیرا تمام حرکات او توسط ارتش اشغالگر تحت نظر بود اما او با صفای باطن به میدان رفت.»

شادا ادامه داد: «آن چه رابطه من و پدرم را قوی تر می کرد این بود که به رغم سنگینی مأموریت های نظامی، آن ها را مدیریت می کرد ولی به محض ورود به خانه، تبدیل به پدری دلسوز می شد که از کمک به ما در امور خانه و آشپزخانه ابایی نداشت. بچه هایم به جای پدر بزرگم او را بابا صدا می کردند چون با همه صمیمی بود.»

لحظة عروج...

خبر ناگهانی بود. منابع محلی از شهادت تیسیر الجعبری، یکی از فرماندهان برجسته و دو فرد دیگر به نام های محمد البیوک و سلامه عابد از نیروهای سربا القدس، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین به همراه یک کودک پنج ساله در نتیجه حمله هوایی ارتش رژیم صهیونیستی به برج فلسطین واقع در شهر غزه خبر دادند. برای تماشای لحظه عروج شهید تیسیر الجعبری قابل نمایه را اسکن کنید.





نظامی گردان‌های القدس درآمد و چند بار از سوء قصد جوخه‌های ترور صهیونیست‌ها به‌ویژه در نبرد سیف‌القدس در ماه مه سال ۲۰۲۱ میلادی جان سالم به در برد اما به‌شدت مجروح شد. ۷- شهید الغالی فرمانده فجر و مسئول شلیک راکت‌ها، از جمله موشک‌های سنگین و دوربرد، به‌عنوان بخشی از نبرد «انتقام آزاد» توسط مقاومت فلسطین در پاسخ به تجاوزات اشغالگران علیه فلسطین بود.

❖ ذهن درخشان و خلاق

فرمانده علی الغالی به‌عنوان یکی از ذهن‌های درخشان و خلاق در عرصه فنی شناخته می‌شد که در ساخت موشک‌اندازهای زمینی و قابل حمل سرآمد بود. وجه دیگری که این فرمانده را متمایز می‌کرد، تعهد وی به کار در سایه، کاملاً مخفیانه و با حضور محدود در محافل مردمی و رسانه‌ای بود. این در حالی است که شهید الغالی به دلیل نقش پررنگش در مقاومت در برابر اشغال، همواره در زمره «تحت تعقیب‌ها» بود لذا اشغالگران در اردیبهشت ۲۰۲۱ میلادی در نبرد «سیف‌القدس» تلاش کردند او را هدف قرار دهند. این عملیات جراحات شدیدی بر پیکر او برجا گذاشت اما مانع از آن نشد که وی همچنان در رأس کار جهادی خود باقی بماند.

❖ خانواده فداکار سردار

سردار علی الغالی، از خانواده‌ای بود که از فداکاری در راه مقاومت دریغ نکردند. او یک برادر به نام محمد هم دارد که از سال ۲۰۰۲ میلادی در زندان‌های فلسطین اشغالی در بازداشت به سر می‌برد و به اتهام شرکت در عملیات کماندویی در حال گذراندن حکم ۲۵ سال زندان است. در دوره اول که عملیات نظامی در نوار غزه آغاز شد با توجه به کمبود امکانات فنی و مالی، سردار طلاهای همسرش را فروخت و پول آن را برای خرید سلاح در روزهای انتفاضه دوم اهدا کرد. یک منبع در رسانه‌های جنگی به

شهید «علی حسن الغالی» ملقب به ابومحمد در سال ۱۹۷۵ میلادی در شهر خان یونس در جنوب نوار غزه دیده به جهان گشود. او از اوایل دهه ۱۹۹۰، به جنبش جهاد اسلامی فلسطین پیوست و سپس به عضویت صفوف نظامی گردان‌های القدس درآمد و از اولین کسانی بود که عضو یگان‌های شهادت طلب شد.

❖ عملیات‌های نظامی و مسوولیت‌ها

سردار الغالی قبل از برعهده‌گرفتن مسوولیت فرماندهی نیروی موشکی و جانشینی سردار شهید «خالد منصور» از سال ۲۰۱۹ (که منصور به سمت فرماندهی منطقه جنوب تعیین شد)، در گردان‌های القدس، وظایف متعددی برعهده داشت، به عنوان مثال:

۱- او در ایجاد یگان موشکی در گردان‌های القدس مشارکت داشت و از سال ۲۰۱۰ میلادی، به عنوان معاون این یگان فعالیت می‌کرد.

۲- وی بر آموزش مجاهدین یگان‌های موشکی و تمرینات شلیک نظارت داشت.

۳- فرمانده از سال ۲۰۰۲ میلادی، شخصاً در عملیات پرتاب راکت از غزه به سمت شهرک‌ها و اعماق سرزمین اشغالی شرکت داشت و بر استقرار و پرتاب موشک‌های فجر ۵ در سال ۲۰۱۲ میلادی، مستقیماً نظارت کرد.

۴- علی الغالی از همراهان محبوب شهید «خالد منصور» و نزدیک‌ترین فرد به وی در مدیریت یگان موشکی و سال‌ها معاون او بود.

۵- شهید الغالی، مسوولیت نیروی موشکی جنبش جهاد اسلامی را برعهده گرفت و به‌عنوان جانشین شهید «خالد منصور» که پیش از او طی بمباران هوایی منزلی در شهر رفح در جنوب نوار غزه توسط نیروهای اشغالگر ترور شد، منصوب شد.

۶- شهید علی الغالی در سال ۲۰۱۹ میلادی، به عضویت شورای

✓
فرمانده علی الغالی
به‌عنوان یکی از
ذهن‌های درخشان
و خلاق در عرصه
فنی شناخته می‌شد
که در ساخت
موشک‌اندازهای
زمینی و قابل حمل
سرآمد بود. وجه
دیگری که این
فرمانده را متمایز
می‌کرد، تعهد وی به
کار در سایه، کاملاً
مخفیانه و با حضور
محدود در محافل
مردمی و رسانه‌ای بود



شهادت، فرماندهان
مقاومت به رهبری
جنبش جهاد
اسلامی فلسطین را
از ادامه راهشان باز
نمی‌دارد. رسانه‌های
جنگی گردان‌های
القدس، ویدئویی
از این یگان
موشکی منتشر شد
که نشان می‌داد
موشک‌ها در میان
پرتابگرها به‌ویژه
از نوع «بُراق ۸۵»
آماده حمله به
عمق جبهه داخلی
سرزمین‌های
اشغالی بودند



تصویری از آپارتمانی که هواپیماهای رژیم صهیونیستی، سحرگاه ۱۱ مه ۲۰۲۳ میلادی آن را هدف اصابت موشک قرار دادند و طی آن، «علی الغالی» فرمانده یگان موشکی گردان‌های القدس، و یکی از اعضای شورای نظامی آن در خان یونس در جنوب غزه را به شهادت رساندند.



دختر شهید علی الغالی در سوگ پدر بی‌تابی می‌کند، فریاد می‌زند و می‌گوید: «خدا برای من کافی است در قیاس با هر بی‌ارزشی که کشورش را به پول فروخته است.»



تشییع پیکر مطهر شهیدان «علی الغالی» فرمانده یگان موشکی گردان‌های القدس، بازوی نظامی جهاد اسلامی و برادرش محمود که سحرگاه ۱۱ می ۲۰۲۳ میلادی، آسمانی شدند. جنبش جهاد اسلامی، «علی حسن الغالی» را «مغز متفکر» در عرصه فنی نظامی توصیف کرد. با اینکه کار او در سایه و کاملاً مخفیانه و همراه با حضور بسیار محدود در رسانه‌ها بود اما به دلیل نقش مهمش در مقاومت، همواره در زمره افراد تحت تعقیب رژیم صهیونیستی قرار داشت.

گردان‌های القدس گفت: «دو نفر از آنها که همراه شهید الغالی بودند نیز در عملیات ترور به شهادت رسیدند: برادرش «محمود حسن الغالی» و خواهرزاده‌اش «محمود عبدالجواد منصور».

روایت شهادت

با ادامه درگیری‌ها بین گروه‌های مقاومت و رژیم غاصب اسرائیل در روز پنجشنبه ۱۱ می ۲۰۲۳ میلادی، آژیرهای هشدار در شهرک‌های صهیونیست‌نشین فعال شد و صهیونیست‌ها چهارمین فرمانده جهاد اسلامی را طی ۳ روز به شهادت رساندند. جنبش جهاد اسلامی فلسطین، بامداد پنجشنبه در بیانیه‌ای از شهادت «علی حسن الغالی» عضو شورای نظامی این جنبش و مسئول یگان موشکی خبر داد.

براساس این بیانیه، این فرمانده در حمله بامدادی امروز به شهر «حمه» واقع در غرب «خان یونس» در نوار غزه به شهادت رسیده است. با شهادت این فرمانده، شمار شهدای میدانی جهاد اسلامی طی سه روز، به چهار تن افزایش یافت و «علی الغالی» به یاران شهیدش «جهاد الغنّام»، «خلیل البهتیمی» و «طارق عزالدین» پیوست.

مردم فلسطین، پیکر شهید «علی الغالی» فرمانده یگان موشکی فجر در «گردان‌های القدس» را به همراه پیکر برادر و خواهرزاده شهیدش در خان یونس واقع در جنوب نوار غزه تشییع کردند.

در مسیر شهدا

مسلم است شهادت، فرماندهان مقاومت به رهبری جنبش جهاد اسلامی فلسطین را از ادامه راهشان باز نمی‌دارد. رسانه‌های جنگی گردان‌های القدس، ویدئویی از این یگان موشکی منتشر شد که نشان می‌داد موشک‌ها در میان پرتابگرها به‌ویژه از نوع «بُراق ۸۵» آماده حمله به عمق جبهه داخلی سرزمین‌های اشغالی بودند. «ابوحمزه» سخنگوی این یگان نیز گفت: «هزار فرمانده، جانشین این فرمانده می‌شوند و این یگان، شوالیه‌های جدیدی را به همراه خواهد داشت که راه آن‌ها را ادامه می‌دهند.»

مقاومت فلسطین بلافاصله به این ترور بزدلانه جواب داد و شهرک‌های صهیونیست‌نشین را موشک‌باران و شمار زیادی از صهیونیست‌ها را روانه پناهگاه‌ها کرد. «یاسمین الغالی» دختر شهید، در گفت‌وگویی یادآور شد: «در تمام جنگ‌هایی که علیه غزه انجام می‌شود جهان در سکوت، نظاره‌گر این جنایت و تجاوز است. در جنگ اوکراین، همه در دنیا اعم از عرب‌ها و خارجی‌ها از اوکراین دفاع می‌کنند اما در برابر غزه ساکتند و حتی عرب‌ها از ما طرفداری نمی‌کنند! کسی از شما توقع مبارزه و جنگیدن ندارد، به ما فقط سلاح بدهید ما خودمان از مقدسات و کشورمان دفاع کنیم.»

ابوعلی الغالی پدر شهید علی الغالی هم در گفت‌وگویی تأکید کرد: «رژیم صهیونیستی فقط زبان زور و قدرت را می‌فهمد. صهیونیست‌ها آگاه باشند هر گاه کسی شهید می‌شود، هزاران فلسطینی دیگر به جای او آماده شهادت می‌شوند.»

منابع:

- المیادین، من هو الشهيد القائد علی حسن الغالی الذی اغتالته "إسرائيل" فی غزه؟، ۱۱ می ۲۰۲۳ م.
- سما الاخباریه، من هو الشهيد علی الغالی الذی اغتالته إسرائيل فجراً؟، ۱۱ می ۲۰۲۳ م.
- ۸۳۷۱۱۹، جهان نیوز، شهادت علی حسن الغالی، فرمانده واحد موشکی جهاد اسلامی،
- شبکه العالم، دختر فرمانده شهید فلسطینی: به ما سلاح دهید تا خودمان از مقدساتمان دفاع کنیم، پنج‌شنبه، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲



قهرمان ورزش، موشک، پهباد و رسانه

مردی که بر راه‌های آسمان مسلط بود

◀ آغاز راه: «هل من مبارز»

خالد منصور از ابتدای ورود به فعالیت‌های جهادی، خوش درخشید؛ تا آنجا که نگارنده این متن بر این باور است که او لحظه به لحظه حیات خود، آن وقت که در مسیر جهاد قدم برمی داشت، فریاد «هل من مبارز» سر می داد؛ به همین دلیل صهیونیست‌ها از سایه او هراس داشتند. خالد منصور با آن روحیه قوی جهادی، فعالیت جهادی‌اش را در نوار غزه و در سال ۱۹۸۷ از طریق جنبش و چهارچوب‌های دانشجویی جنبش جهاد اسلامی و با فعالیت گرم و مستمر در راهپیمایی‌ها، پرتاب سنگ و برگزاری عملیات‌های پرتاب کوکتل مولوتف به سمت خودروهای اشغالگر، دیوارنویسی‌های وسیع، نصب پوستر و دعوت به مبارزه در برابر اشغالگران و قیام در همه راه‌ها و میدان‌ها آغاز کرد.

◀ پلکانی که به آسمان می‌رسید

او با این انگیزه که تشکیلات جهاد اسلامی او را به خواسته ابدی‌اش یعنی شهادت در راه خدا می‌رساند، مراتب مختلف نهضت مبارزه را به سرعت و با انرژی طی کرد تا اینکه به اولین دستگاه نظامی نهضت جهاد اسلامی که در آن زمان

فرمانده شهید «خالد منصور» با نام کامل «خالد سعید شحاده منصور» در ۱۴ اوت ۱۹۷۵ میلادی در شهر رفح در خانواده‌ای از پناهندگان فلسطینی متولد شد. منصور هم‌زمان با وقوع اولین انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷ میلادی به جنبش جهاد اسلامی پیوست و سال‌ها در مواضع نظامی آن ارتقا یافت. خالد منصور را می‌توان برنامه‌ریز اصلی عملیات‌های استشهادی در انتفاضه الاقصی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ میلادی دانست.



شهید خالد منصور در کنار برادر معنوی اش شهید تیسیر الجعبری - در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ و ۵ ژانویه ۲۰۲۲ میلادی

خالد منصور، عضو برجسته شورای نظامی گردان های القدس، در رسانه های فلسطینی و عربی ظاهر شد و هویت خود را با نام و چهره فاش و اعلام کرد که «مقاومت در اولین فرصت با دشمن مقابله خواهد کرد و او چهره ما را از نزدیک خواهد دید.»



در خیابان عمرالمختار در مرکز شهر غزه، این عکس در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۳ میلادی در جریان راهپیمایی نظامی توسط «گردان های القدس» شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی در فلسطین گرفته شده است. به ترتیب از سمت راست تصویر، فرماندهان خالد منصور، ابوعبدالله مرشد عرفات، بهاء ابوالعطاء و تیسیر الجعبری دیده می شوند که همگی شهید شده اند.



شهید علی غالی (راست) به همراه فرماندهی یگان موشکی شهید خالد منصور، سردار غالی مسئولیت فرماندهی نیروی موشکی را پس از خالد منصور به عهده گرفت.

«سيف الاسلام» نامیده می شد، پیوست. همچنین او با تشکیل دومین دستگاه نظامی «مجاهدان مسلمان»، فوری به عضویت آن درآمد و مأموریت فرماندهی این بخش را به عهده گرفت که این آغاز فرماندهی خالد منصور بود.

◀ اسطوره ورزش و تلاش

منصور فقط یک فرمانده و فعال جنبش نبود؛ بلکه به ورزش به ویژه به بدن سازی علاقه بسیاری داشت و در آن درخشیده بود و در بین جوان ها و هم دوره ای هایش هم در این زمینه شهرت داشت. خالد منصور در رشته ورزشی بدن سازی دو بار در سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۷ میلادی، موفق به کسب مدال های طلا و قهرمانی فلسطین شد.

◀ ایده پرداز تشکیل «گردان های القدس»

خالد منصور در حین کار خود به عنوان مجاهد در قسمت «نیروهای مجاهد اسلامی» پس از انجام یک عملیات جهادی که منجر به کشته شدن سه نظامی صهیونیست شد، در سال ۱۹۹۷ میلادی توسط تشکیلات خودگردان فلسطین دستگیر و زندانی شد. وی برای بیرون آمدن هرچه قوی تر، سربلندتر و مصمم تر از زندان، با در نظر گرفتن هدایت خشم و ظلم خود علیه صهیونیست ها، شروع به توسعه فعالیت خود کرد. خالد منصور، با همراهی هم زمانش، اولین تأثیر را در تأسیس «گردان های القدس»، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی در نوار غزه را داشت و در آنجا در تشکیل هسته های نظامی فعالیت می کرد.

◀ مغز متفکر نظامی

ابومنصور مغز متفکر بسیاری از عملیات های شهادت طلبانه و تک تیراندازی بود که شهرک های صهیونیستی مستقر در اطراف رفح را هدف قرار داد که بسیاری از این عملیات ها با تک تیراندازی شهید «رامی سلامه» انجام شد. در این عملیات ها تعدادی از مجاهدان علاوه بر بمباران خودروها و جیب های رژیم صهیونیستی، باعث کشته شدن تعداد زیادی از افسران و سربازان اشغالگر و شلیک راکت و خمپاره به سمت مناطق اشغالی در جریان انتفاضه الاقصی شدند.

◀ نخبه موشکی مقاومت

همان طور که شهید «حسن تهرانی مقدم» برای ایرانیان اسطوره موشک سازی و توسعه صنایع موشکی ایران است و همان گونه که شهید «یحیی عیاش» و شهید «عدنان الغول» در نیروی موشکی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، حماسه آفرین شدند «خالد منصور» هم پرچم دار نیروهای موشکی و توسعه زیرساخت این واحد در گردان های القدس بود.

سردار خالد منصور به همراه هم زمان و فرماندهان خود، جهش بزرگی در توسعه زیرساخت های گردان های القدس به ویژه در زمینه ساخت موشک های بومی انجام داد و دامنه موشک سازی از طریق او و هم زمانش گسترش یافت. این موشک ها پیشرفت چشمگیری داشته و توانسته اند به عمق سرزمین های اشغالی فلسطین برسند. فرمانده ابومنصور، موشک های زیادی را وارد رسته های نظامی جهاد اسلامی کرد که مهم ترین آن ها موشک های میان برد القدس بود که باعث هلاکت ده ها و همچنین گرفتن صدها زخمی از میان سربازان دشمن و شهرک نشینان صهیونیست شد.

▼
ابومنصور مغز
متفکر بسیاری
از عملیات های
شهادت طلبانه و
تک تیراندازی بود
که شهرک های
صهیونیستی
مستقر در اطراف
رفح را هدف قرار
داد که بسیاری از
این عملیات ها با
تک تیراندازی شهید
«رامی سلامه» انجام
شد

✓
خالد منصور به یکی از رفقای خود در تشکیلات، بسیار ارادت داشت که در مسئله شهادت با هم رقابت داشتند. المنصور با همراهی مهندس و فرمانده شهید «عوض القیق» اولین سنگ بنای ساخت «اسلحه های بی سرنشین» را در گردان های القدس گذاشت

◀ مردی که آسمان را بیش از زمین می شناخت

بخشی از عملیات هایی که شهید منصور به همراهی هم رزمانش فرماندهی کردند از این قرار است:

۱. عملیات موشکی زلزله در فوریه ۲۰۰۶ میلادی
۲. عملیات موشکی المرصاد در آوریل ۲۰۰۶ میلادی
۳. عملیات موشکی الوفا در نوامبر ۲۰۰۶ میلادی
۴. عملیات موشکی رز سرخ در ژانویه ۲۰۰۷ میلادی

فرمانده ابومنصور به همراه هم رزمانش بر نبردهایی که گردان های القدس انجام دادند، از جمله نبرد «مژده هی پیروزی» و نبرد «آسمان آبی» نظارت می کردند. همچنین وی در نبرد «شکست سکوت»، نبرد «بنیان مرصوص» و نبردهای دیگر، فرماندهی یگان موشکی گردان های القدس در نوار غزه را برعهده داشت. خالد منصور یکی از رهبرانی بود که دائم در آرزوی توسعه کار نظامی و صنایع دفاعی کیفی بود و نقشی قوی داشت.

◀ بنیان گذار جنگ افزارهای بی سرنشین

خالد منصور به یکی از رفقای خود در تشکیلات، بسیار ارادت داشت که در مسئله شهادت با هم رقابت داشتند. المنصور با همراهی مهندس و فرمانده شهید «عوض القیق» اولین سنگ بنای ساخت «اسلحه های بی سرنشین» را در گردان های القدس گذاشت. این دو فرمانده پروژه تولید اولین پهپاد را در ژانویه ۲۰۰۸ آغاز کردند. فرمانده خالد منصور برای به دست آوردن افتخار پیشگام بودن، آفرینش و نوآوری جاه طلب بود و همیشه با ذهنی باز برنامه ریزی می کرد. مهندسین این پروژه، هواپیماهای بدون سرنشین را طی سالیان متمادی توسعه دادند تا زمانی که پس از استفاده از آن ها، ارزش نظامی خود را از طریق تجربه عملیاتی ثابت کردند و برای اولین بار دو خودرو نظامی صهیونیستی را با هواپیما در نبرد «حمم البدر» در سال ۲۰۱۹ میلادی هدف قرار دادند.

◀ ابتکار راه اندازی «یگان ویژه»

شهید خالد منصور به نقش اصلی یگان های ویژه زبده و نخبه در نبرد با دشمن صهیونیستی اعتقاد داشت.

وی به دلیل نفوذ و وارد کردن خسارات به نیروهای دشمن، یکی از اصلی ترین پیشنهاد دهندگان ایده تأسیس یگان ویژه گردان های القدس از سال ۲۰۰۳ میلادی بود که منجر به تأسیس «یگان ویژه نخبان» شد. او در سال های آخر حیاتش شخصاً بر گزینش و آموزش این نیروهای زبده به ویژه پس از انتصاب به رهبری منطقه جنوب نظارت می کرد. همچنین او

بیشتر وقت خود را صرف آموزش آن ها به انجام عملیات فرود در پشت خطوط دشمن و مقابله با صهیونیست ها کرد.

◀ ایجاد رسانه های جنگی

فرمانده خالد منصور، یکی از بنیان گذاران یگان رسانه های نظامی در گردان های القدس به شمار می رود. این یگان به عنوان شبکه اطلاع رسانی مقاومت راه اندازی شد که هدف اصلی آن برجسته سازی چهره گردان های القدس بود. محتوای رسانه های تولید شده توسط این یگان، شامل بیانیه های نظامی، ارائه های تصویری، نماهنگ ها و گزارش های ویژه از طریق شبکه های ماهواره ای، رسانه ها و اماکن عمومی بود.

◀ فرماندهی که انسانیت را ترویج می کرد

خالد منصور با افراد ساده و نیازمند و فقیر نزدیک بود و دغدغه ها و آرزوهای آنان را احساس می کرد و در جبهه های مختلف به همراه قهرمانان رزمنده در میدان حضور داشت و وضعیت آنان را بررسی می کرد و برآماده سازی و بازپروری آنان نظارت می کرد. محبت و دیدار او با همه در مناسبت های خاص با وجود مشغله کاری قطع نمی شد و اگر یک روز غیبت می کرد، فردی را به نمایندگی می فرستاد و در حمایت از جوانی که در شرف ازدواج بود، کوتاهی نکرد و در کنارش ایستاد و در عملیات ها هم به مجروحین آرامش می داد.

◀ مردی که شهادتش کام همه را تلخ کرد

سرانجام مردی که بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی شخصاً او را تهدید به مرگ کرده بود، شامگاه ۶ اوت ۲۰۲۲ میلادی در شهر رفح در جریان حمله رژیم موقت اسرائیل به نوار غزه در جریان حمله به یک محله مسکونی که در آن هفت نفر شهید و ده ها نفر مجروح شدند، ترور شد. تیم های نجات پس از ساعت ها عملیات جست و جو، به پیکر مطهر او در زیر آوار رسیدند. خالد منصور همیشه می گفت: «مرگ یا شهادت فی سبیل الله در دفاع از وطن، مرگ شکست انگیز و جاودانگی شکست انگیزتر است و جان دادن انسان در این راه، پیروزی بزرگی است.» پس از آن نبرد، بحث «وحدت میدان ها» آغاز شد که در آن گردان های القدس طعم قدرت خود را به دشمن چشاندند و شهرهای صهیونیستی را با تولیدات و اختراعات شهید خالد منصور ویران کردند.

منابع:

- المیادین، من هو الشهید القائد خالد منصور الذی اغتالته «اسرائیل» فی رفح، ۷ آگوست ۲۰۲۲ م.
- سرايا القدس، خالد منصور، قائد عسکری فذ أذاق العدو بأس جهاده ولهیپ نیرانه، شنبه ۲۰ آگوست ۲۰۲۲ م.
- ۱۴۰۵۹۶۱، خبرگزاری مهر، شهید «خالد منصور» که بود؟، ۱۶ مرداد ۱۴۰۵



پدر محبوب

پدرم در خانه ما کتابخانه بزرگی داشت که صدها کتاب را در خود جای داده است. برخی از آن‌ها را پس از بررسی و مطالعه به دیگران اهداء کرده اما به دلیل مشغله‌های، فکری قادر به مطالعه کتب دیگران نبود.

دختر شهید منصور در خصوص روزهای پایانی و شهادت پدرش گفت: «توصیف آن لحظه، دردناک و سخت است چون انتظار داشتیم در عملیات دیگری، خبر عروج او را دریافت کنیم.»

به دلیل شرایط آن زمان، اجازه ملاقات ما وجود نداشت و تنها سه برادرم که در جای دیگری زندگی می‌کردند با پدرم خداحافظی کردند؛ وقتی سحر می‌خواستیم بخوابیم به‌طور اتفاقی خبر شهادتش را از اخبار فوری رادیو شنیدیم. منتظر تکذیب این خبر بودیم اما پدرم با شهادتش این اخبار را تأیید کرد. او پیش از این، در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی و ۵ ژانویه ۲۰۲۲ میلادی، در رسانه‌های فلسطینی و عربی ظاهر شد و هویت خود را با نام و چهره فاش کرد و اعلام کرد که «مقاومت در اولین فرصت با دشمن مقابله خواهد کرد و او چهره ما را از نزدیک خواهد دید.»

منابع:

• الوفاق، ابنة القائد خالد منصور تتحدث عن الأب، المثقف في ذكره الأولى، ۱۲ اوت ۲۰۲۳ م.

«براء منصور» دختر شهید خالد منصور، در اولین سالگرد شهادتش گفت‌وگویی داشت که در آن با توصیف پدر شهیدش گفت: «ملاقات‌های خانوادگی ما به دلیل تدابیر امنیتی شهید و شرایط نظامی ناشی از اشغال، ناگهانی و نامنظم بود. او در مدت کوتاهی که به منزل می‌آمد به امور ۸ فرزندش رسیدگی می‌کرد و مادرم با تماس‌های تلفنی و بر عهده‌گرفتن مسؤولیت‌ها سعی کرد به نوبه خود، فرزندان را آن‌طور که شهید می‌خواهد تربیت کند. او اضافه کرد: «شش سال اول کودکی من به دلیل کار جهادی و وضعیت امنیتی، در نبود پدرم گذشت، اما او برای جبران آن غیبت، در بزرگسالی من تلاش کرد. او همراهی‌های زیادی با من داشت که باعث شد خاطرات زیادی از او و حتی یاران شهیدش در ذهن من نقش ببندد. پدرم غریب بود اما مثل کوه استوار بود.»

«براء» درباره بارزترین خصوصیات شهید منصور گفت: «پدرم، مهمان خجالتی من بود و وقتی وارد خانه می‌شد نه از ترس تعقیب دشمن صهیونیستی، بلکه به خاطر آداب مهمان‌نوازی و زحمت‌پذیری، مدت زیادی پیش ما نمی‌ماند مبادا که باعث مزاحمت ما شود. علاوه بر این، او اصرار داشت که نوه‌ها شب را در خانه‌اش بگذرانند و همیشه در تماس‌های تلفنی روزانه یا حتی اواخر شب، به دنبال گفت‌وگو با آن‌ها بود.»

وی افزود: «پدرم اگرچه تحصیلات خود را به پایان نرسانده بود، اما مشتاق بود که از طریق مطالعه و به اشتراک گذاشتن آن با ما آموزش را کسب کند. تصمیم گرفت زبان عبری را بیاموزد، بنابراین ما را موظف کرد که به مطالعه او توجه کنیم. او یک بار نام من و هفت برادرم را به زبان دشمن نوشت تا با زبان جدید هرچقدر اندک، آشنا شود.»



هزاران نفر در مراسم تشییع پیکر رهبر «گردان‌های القدس»، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی خالد منصور و تعدادی از شهدای قتل عام نیروهای اشغالگر در شهر رفح در جنوب شرکت کردند.



تصویری از سه پسر نوجوان سردار خالد منصور که برای آخرین بار در بیمارستان از پدر شهیدشان خداحافظی می‌کنند.





«خضر عدنان» بنیان‌گذار اعتراض نو در فلسطین

نانوایی که از شدت گرسنگی شهید شد

◀ مرا از بازداشت نترسانید

عدنان، فعالیت سیاسی‌اش را در اوایل تحصیلات دانشگاهی و وابسته به جنبش جهاد اسلامی آغاز کرد. نخستین دستگیری او توسط تشکیلات خودگردان به اتهام تحریک مردم به پرتاب سنگ به سمت «لیونل ژوسپن» نخست‌وزیر وقت فرانسه، هنگام بازدید از دانشگاه بترزیت در سال ۱۹۹۸ میلادی بود. او هنگام بازداشت فریاد می‌زد: «مرا از بازداشت نترسانید!»

خضر عدنان ۱۰ روز از این دوره بازداشت را در اعتصاب غذا گذراند. پس از آن، یک‌مرتبه دیگر مقامات رژیم اشغالگر اسرائیل او را در حین تحصیل در دانشگاه دستگیر کردند و چهار ماه را در بازداشت موسوم به اداری (بدون کیفرخواست و تفهیم اتهام) سپری کرد و سپس دوباره به مدت یک‌سال بازداشت شد.

◀ رکوردشکن بازداشت در دوران دانشجویی

او بیش از ۱۰ بار پس از دوران تحصیل بازداشت شد که نخستین دستگیری او از سوم می ۲۰۰۴ تا ۱۱ آوریل ۲۰۰۵ میلادی بود که در پی اعتراض به قرارگرفتن در سلول انفرادی به مدت ۲۸ روز دست به اعتصاب غذا زد و تازمانی که درخواست او برای انتقال به ادارات عادی زندان با بقیه زندانیان برآورده نشد، دست از اعتصاب نکشید.

◀ اعتصاب ۶۵ روزه

معروف‌ترین دستگیری خضر عدنان در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱ میلادی بود که طی آن، وی در اعتراض به بازداشت اداری بدون اتهام خود، معروف‌ترین و طولانی‌ترین اعتصاب غذای انفرادی را در زندان‌های اسرائیل انجام داد. این اعتصاب ۶۵ روز طول کشید که به آزادی او در ۱۷ آوریل ۲۰۱۲ میلادی منجر شد. خضر عدنان، باب اعتصابات انفرادی را باز کرد و بسیاری از زندانیان اداری از جمله زندانی «حناء

«خضر عدنان محمد موسی» در ۲۴ مارس ۱۹۷۸

میلادی، در شهر «عربه» در نزدیکی شهر «جنین» در کرانه باختری اشغالی به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۹۹۶ میلادی، دبیرستان را با رتبه بالا به اتمام رساند و شروع به تحصیل در دانشگاه (بترزیت) در رام‌الله کرد. خضر در سال ۲۰۰۱ میلادی، مدرک کارشناسی خود را در رشته ریاضیات دریافت کرد و کارشناسی ارشد را در گرایش اقتصاد گذراند و با موفقیت دانش‌آموخته شد. خضر عدنان، نانوا بود و یک نانوایی و انباری برای محصولات مختلف در شهر قباطیه در جنوب جنین داشت.



✓
 خضر عدنان
 پس از آزادی
 در فعالیت‌های
 هم‌بستگی
 با زندانیان و
 اسیران اعتصابی
 و فعالیت‌های
 مسالمت‌آمیز فعال
 بود تا اینکه یک
 نیروی ارتش رژیم
 اشغالگر اسرائیل در
 اوایل ژوئیه ۲۰۱۴ او
 را در یک کمین در
 یک ایست‌بازرسی در
 جنوب شهر جنین
 دستگیر کرد



شهید خضر عدنان به مرد بمب‌افکن با شکم خالی معروف بود. شیخ خضر عدنان در حال گفت‌وگو با خبرنگاران



خضر عدنان پس از آزادی در کرانه باختری در تابستان ۲۰۱۵ در کنار اعضای خانواده خود در گردهمایی که به افتخار او برگزار شده بود، ایستاده است.

کردند. در سحرگاه روز سه‌شنبه ۲ می ۲۰۲۳ میلادی، مقامات اشغالگر رژیم صهیونیستی شهادت «خضر عدنان» اسیر را پس از اعتصاب غذا که ۸۷ روز طول کشید، اعلام کردند. مسئول زندان با بیان اینکه او بیهوش در داخل سلول خود در زندان پیدا شد، ادعا کرد که او به بیمارستان منتقل شده و بعداً درگذشته است.

منابع:

- ۱۴۸۵۶۹۴، خبرگزاری مهر، شهید «خضر عدنان» که بود؟، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲
- ۱۴۰۲۰۶۸۷۲، خبرگزاری ایسنا، خضر عدنان: مردی که تسلیم نشد، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲
- الجزيرة، خضر عدنان الأسیر الفلسطيني شهيد معركة الأمعاء الخاوية، ۲ مه ۲۰۲۳ م
- فلسطين آنلاين، من هو الشهيد خضر عدنان؟، ۲ مه ۲۰۲۳ م
- الجزيرة، Who was Khader Adnan, the Palestinian who died on hunger strike، ۲ مه ۲۰۲۳ م
- عاطف دغلس، الجزيرة، شاهد. هكذا ردت زوجة الشيخ خضر عدنان علي خبر استشهاده، ۲ مه ۲۰۲۳ م

الشلبي» که ۴۴ روز اعتصاب کرد، «بلال ضیاب» و «نائر حلله» به مدت ۷۸ روز، «حسن الصفدی» و دیگران، از او پیروی کردند.

بازداشت به خاطر حمایت از زندانیان

خضر عدنان پس از آزادی در فعالیت‌های هم‌بستگی با زندانیان و اسیران اعتصابی و فعالیت‌های مسالمت‌آمیز فعال بود تا اینکه یک نیروی ارتش رژیم اشغالگر اسرائیل در اوایل ژوئیه ۲۰۱۴ او را در یک کمین در یک ایست‌بازرسی در جنوب شهر جنین دستگیر کرد. علت دستگیری او را می‌توان پیشینه تمجید او در اظهارات مختلف برای رسانه‌ها از مقاومت فلسطینی که با تجاوزات اسرائیل به نوار غزه مقابله می‌کند، دانست.

معروف‌ترین اعتصاب

خضر عدنان دست به اعتصاب غذا زد و به «بمب‌افکن نبرد شکم خالی» علیه اشغالگری معروف شد. معروف‌ترین اعتصاب‌هایی که او در آن‌ها شرکت کرده، از این قرار است:

۱. در سال ۱۹۹۸ برای اولین بار دستگیر شد و ۱۰ روز را در اعتصاب غذا در زندان گذراند.
۲. او با گروهی از زندانیان نوار غزه در سال ۲۰۰۵ میلادی دست به اعتصاب زد که ۲۵ روز آن در سلول انفرادی او ادامه داشت.
۳. او در اکتبر ۲۰۱۰ میلادی توسط تشکیلات خودگردان فلسطین دستگیر شد و ۱۲ روز را در زندان گذراند و طی آن دست به اعتصاب غذا زد.
۴. وی در پایان سال ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲ میلادی علیه بازداشت اداری خود دست به اعتصاب زد که ۶۵ روز طول کشید و توانست با مقاومت، حکم آزادی‌اش را بگیرد.
۵. وی در سال ۲۰۱۵ میلادی، علیه بازداشت اداری خود دست به اعتصاب غذا زد که ۵۸ روز طول کشید.
۶. او در سال ۲۰۱۸ میلادی دست به اعتصاب جدیدی زد که ۵۴ روز به طول انجامید.
۷. او در سال ۲۰۲۱ میلادی دست به اعتصاب غذایی زد که ۲۵ روز طول کشید.
۸. او در سال ۲۰۲۱ میلادی از زمان دستگیری در ۵ فوریه دست به اعتصاب زد و تا زمان شهادتش در ۲ مه در زندان‌های اشغالی ادامه داشت.

آخرین اعتصاب برای دیدار معبود

مقامات صهیونیست، مجدداً در ۵ فوریه ۲۰۲۳ میلادی با یورش به منزلش در اردوگاه جنین، او را دستگیر کردند و رفتار اهانت‌آمیزی نسبت به او در برابر فرزندانش داشتند و به قول همسرش، شهید عدنان لحظه دستگیری آغاز اعتصاب غذا و آب و همچنین روزه سکوت خود را اعلام کرد تا اینکه پس از ۸۶ روز اعتصاب غذا به شهادت رسید. از زمان آخرین اعتصاب خود، همسرش در حال گفت‌وگو با شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و فعالیت‌های مختلف بود و حامیان خود را از خانه خود در شهر عرابه با عبور از مسجدالاقصی در بیت‌المقدس و حرکت به سمت زندان رمله در داخل خط سبز، بسیج کرد. مردم در حمایت از او تحصن کردند و فرزندان او در خیابان‌ها، شهرها و روستاهای کرانه باختری رفت‌وآمد کردند که بارزترین آن، شب عید فطر بود که در مرکز رام‌الله تظاهرات

اگر حسینی نیستید، زینبی باشید

شهید خضر عدنان، از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین، اعتقاد ویژه‌ای به امام حسین (ع) و مبارزه بر اساس نهضت عاشورا داشت؛ تا آنجا که در سخنانی در گفت‌وگو با شبکه المیادین تأکید کرده بود: اگر در راه شهادت حسینی نیستید، پس در مسیر تبلیغ، زینبی باشید! این حداقل کاری است که در این مسیر می‌توانیم در دفاع از سرزمین و مقدساتمان، انجام دهیم.





روایت آخرین لحظات عمر شهید خضر عدنان

هیئات منالذله

غذا واضح بود: ما آزادیم و ما جز آزاده آفریده نشده‌ایم. آزادی حق ماست و زندان برای ما ساخته نشده است و اگر سطح زمین جای ما را ندارد درون زمین برای ما سزاوارتر است. این آخرین پیام‌های شیخ به ما بود و این همان چیزی بود که بر آن صبر کرد و الحمدلله که شهادت روزی‌اش شد. او با تأسف افزود: «همه کسانی که نتوانستند از عدنان حمایت کنند، شیخ را ناامید کردند. هرکس در جایگاه قدرت بود و می‌توانست گامی بردارد و این کار را نکرد، شیخ را ناامید کرد.»

منابع:

- مباشر الجزیره، زوجة الشهيد خضر عدنان تكشف وصيته الأخيرة، ۲ می ۲۰۲۳ م.

«راندا موسی» همسر شیخ «خضر عدنان» درباره آخرین باری که شیخ را ملاقات کرد، گفت: «روز یکشنبه در دادگاه از طریق ویدئو کنفرانس او را دیدم، سخنانش بسیار کم بود، او اصلاً نمی‌توانست صحبت کند، زبانش سنگین بود، اما پیامش واضح بود.» وی ادامه داد: «وقتی برادرش با او صحبت کرد و از او خواست برای حفظ جان‌ش، مقداری مکمل مصرف کند، سرش را به نشانه امتناع و مخالفت تکان داد و وقتی وکیل او گفت که جلسه به روز دهم ماه مه موکول شده است، او گفت: من شهید می‌شوم.» وی ادامه داد: پیام ما، به همه آزادگان جهان است، به همه کسانی که او را دوست داشتند، به همه کسانی که به حق ما در این سرزمین اعتقاد دارند، پیام شیخ از این اعتصاب



تصویر شیخ شهید در دست فرزند



عدنان پس از آزادی از زندان رژیم اشغالگر در روستای عرابه در کرانه باختری، نزدیک جنین، در سال ۲۰۱۵ دست پدرش را می‌بوسد.



روزه‌داری که افطار نکرد

نهیضت شماره ۲۳۷

شهادت مظلومانه این مبارز فلسطینی پس از اعتصاب غذای طولانی در زندان رژیم صهیونیستی واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشت. در پی آن، گروه‌های مقاومت، سرزمین‌های اشغالی را هدف حملات موشکی گسترده قرار دادند. هم‌زمان یک عملیات ضدصهیونیستی در کرانه باختری صورت گرفت که در آن به سوی دو خودرو در نزدیکی شهرک صهیونیست‌نشین «افنی حیفتس» واقع در نزدیکی شهر «طولکرم»، تیراندازی شد. در این اقدام سه شهرک‌نشین زخمی شدند.



از سوی دیگر، گروه‌های فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری ضمن اعلام عزای عمومی، اعتصاب کردند. در حوزه سیاسی نیز رهبران جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأکید کرده‌اند خون شهید، آتش مقاومت فلسطین را شعله‌ورتر می‌کند. حزب الله لبنان هم با انتشار بیانیه‌ای ضمن تأکید بر اینکه جنایت اخیر شدیدترین اشکال سوءاستفاده و تروریسم صهیونیستی را نشان می‌دهد، از تصمیمات مقاومت فلسطین برای هرگونه پاسخ‌دادن به این جنایت رژیم صهیونیستی حمایت کرد. اما «راندا موسی» همسر شیخ عدنان، در واکنش به خبر شهادت او گفت: همان‌طور که عدنان به من، عشق به جهاد را آموخت رژیم اشغالگر باید چهره فرزندانم را خوب به خاطر بسپارد؛ زیرا آن‌ها هستند که انتقام خون پدرشان را خواهند گرفت. این اتفاق، در فضای مجازی هم بازتاب بسیاری داشت. کاربران عرب با جملاتی مانند الصائم الذی لم یفطر (روزه‌داری که افطار نکرد...) و حتی الرمیق الأخير (تا آخرین نفس...) به استقبال شهادت خضر عدنان رفتند.

با شهادت «خضر عدنان» به دست صهیونیست‌ها، تعداد شهیدان نهضت اسرا از سال ۱۹۶۷ به ۲۳۷ شهید رسید. انجمن «الأسیر»، رژیم اشغالگر را متهم به ترور عمدی «خضر عدنان» ۴۴ ساله کرد و جنبش اسرا در زندان نظامی عوفر رژیم اسرائیل هم اعلام کرد که همه بخش‌های زندان را تعطیل کرده، از دریافت غذا خودداری کرده و در میان صفوف زندانیان بسیج عمومی اعلام کرده است.

قدوره فارس، رئیس باشگاه اسرای فلسطینی، گفت: «آنچه برای شیخ عدنان رخ داد، یک ترور و اعدام از پیش طراحی شده بود.»

وی افزود که شواهد زیادی برای این امر وجود دارد و آن‌ها شروع به دستگیری او و تشویق او به اعتصاب کردند تا او را بکشند و ترور کنند.

همچنین صبح روز سه‌شنبه با اعلام در بلندگوها در مساجد شهر عرابه و تمام مناطق فلسطین، مردم به عزاداری گسترده در بیشتر مناطق کرانه باختری برای شیخ خضر عدنان پرداختند. همچنین به خانه شیخ خضر هجوم آوردند و حمایت خود را از خانواده وی که غرق اندوه بودند، اعلام کردند.

جمیل الخطیب، وکیل این شهید زندانی، نیز به نوبه خود گفت که موکلش بر ادامه اعتصاب غذا تا رسیدن به آزادی یا شهادت اصرار داشت و با بیان اینکه عدنان بر اثر بی‌توجهی زندان‌بانان نسبت به وضعیت سلامتی‌اش به شهادت رسید، خاطرنشان کرد: دادگاه اشغالگر درخواست وی مبنی بر آزادی با وثیقه را رد کرد.

✓
قدوره فارس، رئیس باشگاه اسرای فلسطینی، گفت: «آنچه برای شیخ عدنان رخ داد، یک ترور و اعدام از پیش طراحی شده بود. شواهد زیادی برای این امر وجود دارد و آن‌ها شروع به دستگیری او و تشویق او به اعتصاب کردند تا او را بکشند و ترور کنند.»



شهید خضر عدنان برای هفتاد و نهمین روز به نبرد اعتصابی ادامه می‌دهد



وضعیت نامناسب سلامتی که عدنان در معرض آن بود، نتیجه عملی است که رژیم صهیونیستی در اولین اعتصاب غذای خود در سال ۲۰۱۲ میلادی روی او انجام داده است.



وصیت‌نامه‌ای با عشق به مردم

به خدا اعتماد کنید و ناامید نشوید

یکی از مسئولان جنبش جهاد اسلامی می‌گوید: خضر عدنان پس از آنکه بر اثر اعتصاب، نزدیک شدن به شهادت را احساس کرده، وصیت‌نامه خود را این‌طور نوشته است: «ای مردم سرافراز! من این وصیت‌نامه را با سلام و محبت برای شما می‌فرستم. به رحمت و پیروزی و قدرت او اعتماد کنید؛ این سرزمین خداست و ما در آن وعده‌ای از او داریم، این یک وعده است.» خضر عدنان افزود: «ناامید نشوید؛ اشغالگران هر چه بکنند و در اشغال و بی‌عدالتی هر اندازه پیش بروند، نصرت خداوند نزدیک است و وعده پیروزی و توانمندی او به بندگان نزدیک‌تر است.» وی در وصیت‌نامه‌اش نوشته است: «این سخنانم را برای شما می‌فرستم، درحالی‌که چربی و گوشتم آب شده، استخوان‌هایم در حال از بین رفتن است و قوای من از زندانی شدن در زندان رمله ضعیف شده است. این وصیت من برای خانواده‌ام، فرزندانم، همسر و مردم است.» خضر عدنان وصیتش را با این جمله به اتمام رساند: «همسر، فرزندانم، برادرانم و مردم ما، دعا کنید خداوند من را به عنوان یک شهید باخلاص در راه خودش بپذیرد.» این زندانی شهید از خانواده‌اش خواست که جنازه‌اش را در کنار پدرش به خاک بسپارند.

آخرین سخنان شهید اعتصاب از زبان همسرش

یا آزادی یا شهادت

راندا موسی، همسر شهید خضر عدنان، می‌گفت: «اولین جمله‌ای که او لحظه دستگیری و اعتصاب غذا بیان کرد، «یا آزادی یا شهادت» بود. شهادت نهایت آرزوی شیخ خضر بود و پیگیری آن از ابتدا، تصمیم او بود.» وی افزود: «ما و فرزندان او را از دست داده‌ایم و کسانی هستند که با او بزدلانه رفتار کردند و هیچ کاری برای حمایت از او در اعتصابش که برای آزادی مبارزه کرد، انجام ندادند.» او ادامه داد: «من ۹ فرزند دارم و از کوچک تا بزرگ کسی را که می‌توانست ظلم را از شیخ خضر بردارد و برنداشت، نمی‌بخشیم.» همسر عدنان آنچه پیش‌ازاین در تحصن‌ها در حمایت از او و در هم‌بستگی با او اعلام کرده بودند، تأیید کرد که برای پذیرایی از عزاداران همسرش در مجلس عزرا را باز نخواهد کرد و گفت: «تا بچه‌هایم بزرگ نشوند و انتقام نگیرند، تسلیت نمی‌پذیریم.» او مستقیماً به اشغالگران پیام داد و گفت: «باید رژیم اشغالگر، چهره و نام فرزندانم را به خاطر بسپارد؛ زیرا ما از پای نخواهیم نشست.»

پسر شهید عدنان در جایگاه
رهبری تظاهرات ضد صهیونیستی

منابع فلسطینی در کرانه باختری تصاویری را منتشر کرده‌اند که پسر شهید خضر عدنان را در حال رهبری اعتراض‌ها علیه رژیم صهیونیستی در واکنش به شهادت پدرش نشان می‌دهد.



شیخ خضر عدنان در میان فرزندان و مادرش پس از آزادی در پی اعتصاب غذا در سال ۲۰۱۵ م.



همسر شیخ عدنان، راندا موسی، در گفت‌وگویی از وضعیت وی در زندان‌های اشغالی اسرائیل خبر می‌دهد و ادامه اعتصاب غذای او را تأیید می‌کند.



همسر شهید خضر در زمان اعتصاب او مردم را در حمایت از او بسیج کرد.



همسر شهید گفت: من ۹ فرزند دارم و کسانی را که می‌توانستند ظلم بر شیخ عدنان را بردارند و سکوت کردند، نمی‌بخشیم.

شهید شیخ خضر عدنان که بود؟



متولد شهر قهرمانان جنین
در سال ۱۹۷۸



اولین بازداشت:
۲۰ سالگی



اتهام: سنگ پراکنی به سمت
رئیس جمهور وقت فرانسه



سال ۲۰۰۱ میلادی: کسب
مدرک اقتصاد از بئروت،
برترین دانشگاه فلسطین



دو بار بازداشت
در دوران دانشجویی



رهبری جنبش جهاد اسلامی
در کرانه باختری در ۲ دهه



فعالیت اصلی: حمایت از
اسرا و جوانان مقاومت در
کرانه باختری



شغل: نانوايي در جنين با
۹ فرزند از یک ساله تا ۱۴ ساله



سابقه ۸ سال زندان، ۱۴ مرتبه
بازداشت، در ۱۱ سال (سال‌های
۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳ میلادی)



شش بار اعتصاب غذا
در اعتراض به بازداشت‌های موسوم
به اداری (بدون اتهام و دادگاه)



کوتاه‌ترین اعتصاب غذا:
سال ۲۰۰۴، ۲۵ روز تا آزادی



طولانی‌ترین اعتصاب غذا:
سال ۲۰۲۳ یا ۸۶ روز که به آزادی
همیشگی‌اش ختم شد.



۲۳۷ امین
اسیر فلسطینی شهید
در زندان‌های رژیم صهیونیستی



۶ اعتصاب غذا که آخرین آن به شهادت ختم شد.

۲۵ روز

۲۰۲۱

۵۶ روز

۲۰۱۵

۲۵ روز

۲۰۰۴

۸۶ روز

۲۰۲۳

۵۸ روز

۲۰۱۸

۶۶ روز

۲۰۱۲

همسر شهید خضر عدنان: فرزندانم انتقام پدرشان را خواهند گرفت

همسر شهید عدنان: به اذن خدا اشغالگران از فرزندانم چیزهایی خواهند دید که از خضر ندیدند. من به شهادت شیخ افتخار می‌کنم. همسر شهید
شیخ خضر عدنان: به تمام دنیا می‌گویم ما از احدى انتظاری برای پاسخ به شهادت شیخ نداریم، شیخ به اذن خدا ۹ فرزند دارد. به اشغالگران می‌گویم
چهره فرزندانم را به وضوح ببینید....





«طارق عزالدین» مردی که به آسمان‌ها تبعید شد

پرواز هم‌آغوش فرزندان

از نخستین مجاهدانی بود که در انتفاضه الاقصی شرکت کرد و در درگیری با نیروهای اشغالگر و ایجاد هسته‌های نظامی نقش برجسته‌ای داشت. در سال ۲۰۰۲ میلادی به دلیل نقش‌آفرینی در هدایت عملیات شهادت‌طلبانه حضره در سال ۲۰۰۱ به حبس ابد محکوم شد و ۱۳ سال آن را سپری کرد. پدرش در سال ۱۹۹۸ و مادرش در سال ۲۰۲۱ میلادی در سن ۸۰ سالگی درگذشت. اشغالگران مجازات دسته جمعی را برای خانواده او اعمال کردند، آنها را از سفر محروم کردند و علاوه بر هجوم‌ها و یورش‌های بی پایان به آن‌ها، همه خواهر و برادران او را طی دوره‌های مختلف دستگیر کردند.

◀ بازگشت به عملیات

شهید طارق، یکی از اسرای آزادشده‌ای بود که در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی توسط رژیم اسرائیل در معامله وفاء الاحرار به نوار غزه تبعید شد. سال‌های حبس و آنچه در زندان‌های اشغالی تحمل کرده بود، باعث شد در سال ۲۰۱۸ میلادی به سرطان خون مبتلا شود و این دولت مصر بود که پس از مدت‌ها تعلل و رایزنی به او اجازه درمان داد. او این بیماری را شکست داده و به عنوان سخنگوی جنبش جهاد اسلامی به میدان بازگشت. طارق نقشی بی‌بدیل در مدیریت پرونده مقاومت در کرانه باختری داشت و نقش او با هر دور مقاومتی که غزه در حمایت از مقاومت در کرانه باختری انجام می‌داد، روشن‌تر می‌شد.

◀ فعالیت‌ها و کار رسانه‌ای

پس از آزادی، او به کار خود برای خدمت به زندانیان و دفاع از

«طارق ابراهیم عزالدین» در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ در شهر عرابه در استان جنین، در خانواده‌ای مبارز متشکل از هفت برادر و پنج خواهر به دنیا آمد.



◀ دانشجوی ممتاز

او تحصیلات دانشگاهی خود را به‌رغم موفقیت در دبیرستان به پایان نرساند زیرا در سال ۲۰۰۲ میلادی، درگیر مقاومت و دستگیر شد. در زندان زبان عبری را آموخت و در دانشگاه عبری، علوم سیاسی خواند و سپس دانشگاه خود را به پایان رساند و پس از انتقال به غزه، مدرک کارشناسی رسانه را گرفت. وی پیش از دستگیری، ازدواج کرد و دو فرزندش محمد و جمیله به دنیا آمدند و سپس همسرش همراه او به غزه رفت و در آنجا سه فرزند دیگر به دنیا آورد که دو فرزندشان در لحظه ترور، همراه پدر و در آغوش او به شهادت رسیدند.

◀ اولین مجاهدت

او از سنین پایین به جنبش جهاد اسلامی پیوست و در سال ۱۹۸۷ میلادی در انتفاضه سنگ شرکت کرد و چند بار دستگیر شد. او



در پاسخ به ترور طارق و دو کودکش به دست صهیونیست‌ها، برادرش «جعفر عزالدین» در رثای او گفت: «اگر دشمن گمان کند که با ترور برادرم و هدف قرار دادن کودکان و افراد، راه جهاد را متوقف می‌کند، جنبش جهاد اسلامی باقی خواهد ماند. مقاومت باقی خواهد ماند و گردان‌های القدس به کار خود ادامه خواهند داد و پس از ترور کودکان، زنان و رهبران توسط اشغالگر، پاسخ، بر اساس میزان جنایت خواهد بود.»



شهید عزالدین در کنار فرزندانش میار و پسرش علی که با یکدیگر به شهادت رسیدند. شهید عزالدین روحیات ملایم و لبخندی زیبا داشت که آن را در کنار روحیه جدی نظامی و قوی‌اش حفظ کرده بود و کمتر کسی متوجه آن می‌شد.

فعالیت جهادی‌اش بودم اما ۲۱ سال است که او را ندیده‌ام و به عنوان اسیر، تبعیدی یا شهید در آغوشش نگرفته‌ام..»

◀ وداع بدون خدا حافظی

آخرین وداع جعفر با برادر، از طریق صفحه تلفن یکی از صهیونیست‌ها بود که از سال ۲۰۱۱ میلادی و پس از آزادی از زندان‌های رژیم اشغالگر به نوار غزه تبعید شده بود. شهید طارق عزالدین در طول مدت حبس، از ملاقات با خانواده محروم بود؛ او سپس به غزه تبعید شد و در آنجا به شهادت رسید و خانواده‌اش هم نتوانستند با پیکر پاک او خدا حافظی کنند.

◀ اخلاق شهید عزالدین

شهید «طارق عزالدین»، انسانی آرام، ساده، خندان، با پرستیژی زیبا و روحیه‌ای مقاوم بود و وسواس زیادی در کار نظامی داشت. در ظاهر، کسی متوجه ملایمت او در شخصیت استوارش نمی‌شد اما او بالاترین درجات ملایمت، آرامش و تجربه را به همراه داشت.

منابع:

- یوسف فارس، الاخبار، طارق عزالدین المبعّد إلى السماء، ۱۰ می ۲۰۲۳ م.
- الهيئة القيادية العليا لأسرى حركة الجهاد الإسلامي، الشهيد القائد طارق إبراهيم عزالدین، ۲۴ اوت ۲۰۲۳ م.
- فلسطین آنلاین، من هو الشهيد طارق عزالدین؟، ۹ می ۲۰۲۳ م.

آنها از طریق تربیون‌های رسانه‌ای ادامه داد، بنابراین مدیریت رادیو صدای زندانیان را که از غزه پخش می‌شد، برعهده گرفت. او همچنین مسؤول دفتر رسانه‌ای کرانه باختری در جنبش جهاد اسلامی و سخنگوی آن در کرانه باختری و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های رسانه‌ای مقاومت فلسطین شد. وی بر بسیاری از عملیات‌های نظامی علیه اشغالگران نظارت داشت و نقش برجسته‌ای در عرصه مقاومت در کرانه باختری اشغالی داشت. او یاران خود را در مقاومت و اسارت فراموش نکرد، به‌ویژه زمانی که شیخ خضر عدنان پس از ۸۶ روز اعتصاب غذا در زندان‌های اشغالی به شهادت رسید. او در این باره گفت: «ما در نهضت جهاد اسلامی با کمال افتخار برای مقام شامخ ملی شهید، رهبر مجاهد «خضر عدنان» عزاداری می‌کنیم. هر گاه شهیدی قیام کند، ۱۰۰ شهید به جای او ظهور می‌کند و مبارزه ادامه دارد و متوقف نخواهد شد.»

◀ شهادت پدر، فرزندی

در ساعات اولیه ۹ مه ۲۰۲۱ میلادی، نیروی هوایی رژیم اشغالگر قدس، حمله غافلگیرانه‌ای را به خانه شهید طارق عزالدین انجام داد و او را به همراه پسرش علی و دخترش میار به شهادت رساند.

طارق به امام حسین علیه‌السلام اقتدا کرده بود و مانند مولای عزیزش جانانه به میدان آمد و مردانه به دیدار معبود شتافت.

◀ روزهای سیاه صهیونیست‌ها در پیش است

در پاسخ به ترور طارق و دو کودکش به دست صهیونیست‌ها، برادرش «جعفر عزالدین» در رثای او گفت: «اگر دشمن گمان کند که با ترور برادرم و هدف قرار دادن کودکان و افراد، راه جهاد را متوقف می‌کند، جنبش جهاد اسلامی باقی خواهد ماند. مقاومت باقی خواهد ماند و گردان‌های القدس به کار خود ادامه خواهند داد و پس از ترور کودکان، زنان و رهبران توسط اشغالگر، پاسخ، بر اساس میزان جنایت خواهد بود.» همچنین اتاق مشترک جناح‌های مقاومت فلسطین، از شلیک یک گروه راکت که منجر به مجروحیت دست‌کم پنج صهیونیست در عملیات انتقام مردم در پاسخ به ترور فرماندهان جهاد اسلامی شد، خبر داد. جنبش جهاد اسلامی اعلام کرد: «اگر اشغالگران به تجاوزات خود ادامه بدهند، روزهای سیاه در انتظار آنان خواهد بود.»

◀ رؤیای آخرین بازگشت

شهید طارق عزالدین از اولین لحظه‌ای که زندان‌های اشغالی اسرائیل را ترک کرد و به اجبار به نوار غزه تبعید شد، بازگشت به شهر عرابه در شمال کرانه باختری را از دستور کار خود کنار گذاشت اما سرنوشت، مجال بازگشت را به عزالدین نداد که و او همراه دو فرزندش به شهادت رسیدند.

رؤیای طارق برای بازگشت به عرابه همیشه باقی خواهد بود، زیرا او مسئول ارتباط با کرانه باختری و انتقال وجوه برای حمایت از مقاومت بود اما با ترور او، همان‌طور که برادرش جعفر عزالدین گفت: «بازگشت غیرممکن شد» جعفر می‌گوید: «برادرم با رؤیای آزادی و پایان حضورش در دستان مقاومت، بازگشت خود را به‌زودی دید و با بوسه‌ای پرپیشانی مادرمان خدا حافظی کرد. مادری که دو سال پیش درگذشت و برادرانش که ۲۱ سال بود او را ندیده بودند.»

جعفر که تا کنون، خود ۹ بار توسط اشغالگران دستگیر شده، می‌افزاید: «من نزدیک‌ترین فرد به طارق در زندگی و



طارق عزالدین پس از تحمل سال‌ها حبس، در سال ۲۰۱۸ میلادی مبتلا به سرطان خون شد. او پس از درخواست و التماس‌های فراوان برای معالجه سرطان خون به مصر رفت و بعد از به‌دست آوردن سلامتی‌اش به عنوان سخنگوی جنبش جهاد اسلامی بازگشت.

تصویری از خانه شهید عزالدین طارق پس از مورد اصابت قرارگرفتن موشک- در ساعات اولیه ۹ مه ۲۰۲۱ میلادی، نیروی هوایی رژیم اسرائیل، در حمله‌ای تروریستی، خانه شهید عزالدین را هدف اصابت موشک قرار داد.

من، طارق، یک فلسطینی آزادم

خانه دوست کجاست

خواندن «جملات اسرائیلی‌ها علیه خودت» لبخند می‌زنی؟ او پاسخ داد: «چون من به عنوان یک فلسطینی، آزادم و در حصار دیوارها محدود نخواهم شد.» او بر امید خود به مقاومت تأکید می‌کرد و روزی امیدش به واقعیت تبدیل شد و مقاومت توانست با اسیر کردن «گلعد شالیط» سرباز صهیونیست و معاوضه او با تعدادی اسیر فلسطینی، فرمانده طارق را آزاد کند.

آخرین دیدار

دکتر «رأفت حمدونه» از نزدیکان شهید طارق عزالدین و مدیرکل دفتر امور زندانیان و آزادگان و روزنامه‌نگار می‌گوید: «یک هفته یا کمی بیشتر قبل از شهادت طارق، آخرین روز و آخرین لحظه از گفت‌وگوی من با آن مرد خستگی‌ناپذیر بود، در آن هنگام، طارق به همراه همسر و فرزندان میار و علی به دیدار ما آمدند. مادرم که او را خیلی دوست داشت، فرقی بین او و فرزندانش قائل نبود و با وجود بیماری هر از چند گاهی به خانه‌اش می‌رفت. در آن شب زیبا، کلی خندیدیم و حرف زدیم و خاطرات را زنده کردیم، میار و علی هر از چندگاهی پیش ما می‌آمدند، من هرگز آن لبخند معصومانه میار و علی را فراموش نکرده‌ام و نخواهم کرد. یاد روزی افتادیم که او به سرطان مبتلا بود. عزم راسخ و اعتماد به نفس زیادش در بهبودی را به یاد آوردیم. زمانی که او و دوستانش را نزد مادرم که زیر درخت زیتون نشسته بود، بردم و او به مادرم گفت: «یادت باشد حاج خانم که بارها و بارها نزد تو آمده‌ام و ان شاءالله بهبودی خواهم یافت و باز یکدیگر را خواهیم دید. او با تمام صبر و اراده و توکل به خدا با مرگ مبارزه می‌کرد. کنفرانسی را در بیمارستان الرنتیسی در محله النصر را به یاد آوردم که در آن، پزشک معالج وی اعلام کرد جان‌ش در خطر جدی است و با توجه به وضعیت سلامتی‌اش بیشتر از دو ماه زنده نخواهد ماند. خود شهید در آن زمان، نشست خبری «رادیو صدای زندانیان» را گوش می‌داد که

شهید «طارق عزالدین» چند روز قبل از شهادتش در گفت‌وگویی با یکی از خبرگزاری‌های ایرانی، از آرزوهای خود برای امت اسلامی گفته بود.



دیدار در قدس و تهران بدون محدودیت

او جمله‌ی خود را این‌گونه آغاز کرد: «به یاری خدا ما در قدس و تهران بدون محدودیت با هم ملاقات خواهیم کرد. مردم فلسطین، دوستان و دشمنان‌شان را فراموش نمی‌کنند و تفاهمات بین مسلمانان بیشتر از اختلافات آنان است.» شهید عزالدین در پاسخ به پرسشی درباره زادگاهش، گفت: «من از اهالی جنین هستم و به غزه تبعید شدم و گاهی به شوخی می‌گویم من آمده‌ام تا برای خدا و غزه شهید شوم. مردم غزه، جوانمرد و بزرگوار هستند اما با این‌که آرزویم شهادت است، دوست دارم اول، آزادی فلسطین را ببینم و بعد شهید شوم.»

فلسطینی آزاد

رژیم صهیونیستی، شهید عزالدین را به دلیل نقش آفرینی در هدایت عملیات شهادت طلبانه «حضره» به حبس ابد محکوم کرد. در آن هنگام که اسرائیل برضد او مطالبی را منتشر کرده بود، مصاحبه‌ای انجام داد که از او پرسیده شد: «چرا بعد از



طارق عزالدین که دلتنگ زادگاهش عرابه بود، به آن بازگشت و به همراه خانواده‌اش به غزه تبعید شد. گویی غزه راهی به سوی بهشت باشد تا آنان را به مقام شامخ شهدا برساند.



وداع دردناک مادر فلسطینی با همسرش «طارق عزالدین» و فرزندان «مبار عزالدین» و «علی عزالدین» که در بمباران رژیم صهیونیستی در غزه به شهادت رسیدند.

شهادت طارق از شدت کار حتی همکارانش را خسته می‌کرد اما آنها خوشحال بودند، زیرا او را دوست داشتند و می‌خواستند به این امر انسانی، اخلاقی و ملی تعلق داشته باشند و با وجود خستگی با او صادقانه کار کردند. او رادیو صدای زندانیان را به یک ایستگاه رادیویی رقابتی تبدیل کرد. صدای او توانست به جنین و شمال دور برسد و طرفدارانش در جنوب نوار غزه تا العریش به او گوش می‌دادند

رسانه‌ای داشت. فرمانده طارق بنا به شهادت همکارانش، اولین کسی بود که در محل کار حاضر می‌شد و آخرین نفری بود که از آنجا به خانه برمی‌گشت. شهید طارق از شدت کار حتی همکارانش را خسته می‌کرد اما آنها خوشحال بودند، زیرا او را دوست داشتند و می‌خواستند به این امر انسانی، اخلاقی و ملی تعلق داشته باشند و با وجود خستگی با او صادقانه کار کردند. او رادیو صدای زندانیان را به یک ایستگاه رادیویی رقابتی تبدیل کرد. صدای او توانست به جنین و شمال دور برسد و طرفدارانش در جنوب نوار غزه تا العریش به او گوش می‌دادند. وی برای بخش اسرا، کارمندانی که خودش بر اساس شایستگی انتخاب کرده بود استخدام کرد و بر میهن‌پرستی بدون جانبداری تأکید می‌کرد، او صدای اسرا، صدای آرمان فلسطین و صدای وحدت ملی بود. متوجه نشدم که آخرین دیدارها در آن لحظات زیبا بوده است و به ذهنم خطور نکرد که اصرارش برای دیدار، آخرین خداحافظی باشد و آن قدم‌ها از در خانه تا کنار خودرو، آخرین قدم‌های او پیش از عروج به آسمان است. به امید دیدار مجدد مانند پروردگارمان.

منابع:

- قناة العالم، مراسلة العالم تسرد قصة لقاءها بالقيادي الذي استشهد في غزة، ۹ می ۲۰۲۳ م.
- فتح مدیا، الشهيد المحرر طارق عزالدین والوفاء للمعتقلين... ۱۱ می ۲۰۲۳ م.
- کد خبر: ۸۵۱۰۶۵۱۰، آخرین گفته‌های فرمانده جهاد اسلامی فلسطین به «ایرنا» پیش از شهادت در غزه، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

او را مهم‌ترین بنیانگذار آن می‌دانند.

وارد اتاقش شدم و گفتم: «ابومحمد! گفت‌وگو را شنیدی؟» پاسخ داد: «مرگ و زندگی در دست خداست، دوست من! بیماری آدم را نمی‌کشد بلکه مرگ برای هرکس نوشته شده است. هر چه می‌گویند بگویند؛ زندگی در دست خداست.» او از نظر بدنی ضعیف بود، اما به بهبودی و زندگی خود اطمینان داشت. از طرفی وقتی بعد از بهبودی در اوج قدرت بدنی خود بود، هر لحظه یاد شهادت می‌افتاد. طارق فردی خندان، سخت‌کوش و سرسخت بود که اصرار داشت هر جا که هست، موفق شود. ایستگاه رادیویی، خانه دوم او و کارمندان آن‌جا مانند خانواده‌اش بودند. او حتی محل سکونت خود را در همان برج «الجلال» که در جنگ ۲۰۲۱ میلادی رژیم موقت صهیونیستی علیه غزه ویران شد انتخاب کرد و همیشه آنجا حضور داشت. شروع کارش و ابتدای تأسیس، با آزادی او در مبارله تاریخی «وفاء الاحرار» در سال ۲۰۱۱ میلادی همراه بود. او به دلیل فضای محدود و برخی مسائل امنیتی، دفتر نداشت و زیر فشار شدید کار می‌کرد و همواره پذیرای زندانیان آزاد شده و خانواده‌های زندانیان بین دفاتر و استودیو بود.

◀ وحدت ملی، کانون تفکر فرمانده

وی شعار وحدت ملی را در رادیو، جزء تبلیغات خود قرار داد و رادیو را به‌صورت مستقل و بدون جناح‌بندی به صدای همه زندانیان تبدیل کرد. طارق دیدی فراتر از پیام





نگاهی به زندگی و زمانه فرمانده شهید «محمد ابوشحاده»

زمینه ساز ظهور

◀ جسارت در نوجوانی

شهید محمد از همان اوایل جوانی، در صفوف جنبش فتح بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ به اتهام داشتن اسلحه دستگیر شد و در ۱۷ سالگی به سه ماه زندان محکوم شد. ابوشحاده بعد از دستگیری، مصمم تر از قبل ظاهر شد. او زمانی که اولین اسلحه واقعی را در زندگی خود به دست آورد، به اولین سرباز صهیونیستی که در نزدیکی «باب الصحیره» دید، شلیک کرد. او چند فعالیت نظامی در بخش غربی جنبش فتح انجام داد و موفق شد یکی از سربازان را در بیت لحم به شدت مجروح کند که منجر به دستگیری او شد. بعد از آن دادگاه نظامی رژیم صهیونیستی او را به ۲۵ سال زندان محکوم کرد.

ابوشحاده دورانی را در زندان گذراند که نقطه عطف مهمی در زندگی او بود و اشتیاق بیشتری به مطالعه، اصلاح فرهنگ و نگرش جدید به دست آورد تا سرانجام در مبادله جبهه مردمی در سال ۱۹۸۵ میلادی با اشغالگران، زندان را ترک کرد.

«محمد ابوشحاده» در ۳۰ آوریل ۱۹۶۳ میلادی در بیت لحم و در آغوش خانواده‌ای متدین، به دنیا آمد. او تحصیلاتش را تا پایان دبیرستان ادامه داد و سپس به دانشگاه رفت و مدرک کارشناسی روان شناسی گرفت. وی در بیمارستان خیریه اسلامی «المقاصید» به عنوان مأمور امنیتی مشغول به کار شد.





شهید محمد ابوشحاده، همواره هم‌رزم دیرینه‌اش احمد البلبول را همراهی می‌کرد. حتی صهیونیست‌ها هم نتوانستند آن دو را از یکدیگر جدا کنند و این شهادت بود که دو رفیق قدیمی را به خدا رساند.



فرمانده احمد همیشه در نوک پیکان مبارزه با صهیونیست‌ها بود و این محمد شحاده بود که خودش را برای هر اتفاقی آماده می‌کرد. موساد چند مرتبه می‌خواست احمد را شکار کند اما این درک عمیق محمد بود که زمان را به تعویق انداخت تا در کنار هم شهید شوند.



این تصویر به آن زمانی بر می‌گردد که محمد شحاده شیعه شده بود و علاوه بر حضور فعال در فلسطین با حزب‌الله لبنان ارتباط قلبی و معنوی داشت. عده‌ای به دنبال جدایی انداختن بین او مقاومت فلسطین بودند اما موفق نشدند تا محمد به آرزویش یعنی شهادت رسید.

بازگشت به نبرد

این شهید با وقوع انتفاضه سنگ در سال ۱۹۸۷ میلادی، در فعالیت‌های آن شرکت کرد و در تحقیقاتی سخت، بیش از دو سال در بازداشت موسوم به اداری قرار گرفت. او به صفوف جنبش جهاد اسلامی پیوست و در سال ۱۹۹۲ میلادی به همراه ده‌ها تن از رهبران جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی به «مرج‌الظهور» در جنوب لبنان تبعید شد که تجربه مهمی برای بیشتر تبعیدشدگان بود.

آشنایی با حزب‌الله و مکتب اهل بیت (ع)

تبعید به لبنان، نقطه عطف شایان توجهی در زندگی شهید ابوشحاده بود و فرصتی برای او شد تا با مقاومت اسلامی در لبنان و ایدئولوژی آن آشنا شود. در آن مدت احساس مظلومیت اهل بیت (ع) در وجود او ریشه دواند و احساس کرد امام علی (ع) بسیار مظلوم واقع شده است. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شوق غلبه بر ستمگران در او شدت گرفت تا جایی که به مطالعه انقلاب و پایه‌های آن پرداخت. او به‌طورمداوم در حلقه الفکر الاسلامی که از طرف حزب‌الله در اردوگاه برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. محمد ابوشحاده پس از مطالعه گرایش‌های مختلف و تحقیق روی کتاب‌های شیعی، دریافت که مذهب شیعه برداده‌های عقلانی و تاریخی استوار است و حقانیت را اثبات می‌کند؛ از این رو با عقیده حقیقی و نه دیدگاه صرفاً سیاسی، شیعه شد و درحالی که احساس می‌کرد به چشمه زلال حقیقت دست یافته و خوشحال است، احساس اندوه وجودش را فراگرفت که خود، علت آن را دور بودن از اهداف ائمه (ع) در زندگی مردم بیان می‌کرد. محمد همراه با برادرانش در گسترش مذهب شیعه در فلسطین تلاش می‌کرد تا برای ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف زمینه‌سازی کند.

علاقه به اهل بیت (ع)

شهید ابوشحاده در گفت‌وگویی عنوان کرد که همه فعالیت‌هایش را از برکت وجود امام‌زمان (عج) می‌داند: «به ایشان می‌گویم یا مهدی ادرکنا الآن»؛ او به همه آزادمردان جهان توصیه کرد از امام حسین (ع) الگو بگیرند و قیام ایشان را سرلوحه زندگی‌شان قرار دهند و در برابر ظلم آمریکا و اسرائیل، این غده سرطانی، ساکت ننشینند.

بازگشت به میهن

پس از بازگشت از «مرج‌الظهور»، او کار مقاومت را در همه اشکال آن ترکیب کرد: سیاسی، نظامی و اجتماعی و مردم برای کمک به حل مشکلات‌شان به او مراجعه می‌کردند.

با وقوع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰ میلادی، آزار و اذیت این شهید پس از مسؤول دانستن او در فرماندهی یک عملیات نظامی در سال ۲۰۰۱ میلادی که منجر به هلاکت دختر یک عضو کنست شد، تشدید شد.

او در این جریان‌ات نیز هدف سوءقصد‌های بسیاری از سوی نیروهای اشغالگر قرار گرفت.

لیونی طبق ادعای «رونی دنیل» خبرنگار نظامی کانال ۲ عبری، او را مسئول انفجار چهار خودرو بمب‌گذاری شده می‌دانست که ده‌ها شهرک‌نشین را مجروح کرد.

روحیات شهید ابوشحاده

او به جوانمردی، مردانگی، ترجیح دیگران بر خود، دلسوزی نسبت به مردم و پاکدامنی شهرت داشت و جسارت کم‌نظیرش نیز شایان توجه بود. شهید ابوشحاده در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی اشکال کار مقاومت را متنوع می‌کرد و به امور و احوال مردم علاقه داشت و علاوه بر اشتیاق به وحدت ملی، به کمک هم می‌پرداخت.

تبعید به لبنان،
نقطه عطف شایان
توجهی در زندگی
شهید ابوشحاده
بود و فرصتی برای
او شد تا با مقاومت
اسلامی در لبنان و
ایدئولوژی آن آشنا
شود. در آن مدت
احساس مظلومیت
اهل بیت (ع) در
وجود او ریشه دواند
و احساس کرد امام
علی (ع) بسیار
مظلوم واقع شده
است



◀ شهید راه بیت المقدس

شهید محمد ابوشحاده یکی از برجسته‌ترین افراد تحت تعقیب در بیت‌لحم واقع در جنوب کرانه باختری اشغالی بود. محمد، مردی که جنجال بزرگی را در میان محبوب‌ترین شخصیت‌های فلسطینی در کرانه باختری به راه انداخت؛ زیرا باعث شکست اسرائیل شد و به گفته آنان: «بیش از ۱۰ سال طول کشید تا او را زنده یا مرده بگیرند.» در ۶ مارس ۲۰۰۸ میلادی، نیروهای اشغالگر در پی عملیات مقاومت فلسطین در غرب شهر اشغالی بیت‌المقدس، منزل شهید ابوشحاده را تخریب کردند. عصر روز چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۰۸، یگانی از مأموران مخفی رژیم صهیونیستی، خودروی را که شهید ابوشحاده به همراه سه تن دیگر از همراهانش در آن در حال تردد بود، توقیف کردند و این توقف، پس از چند دقیقه، منجر به شهادت او به همراه «صالح عماد کامل»، «عیسی زواره» و «احمد البلبول» شد.

در حالی که «یهود باراک» وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی، با افتخار از موفقیت نیروهایش در رسیدن به شهید سردار «محمد ابو شحاده» می‌گفت، این حادثه، برای مردم فلسطین، بسیار دردناک و ضایعه بزرگی برای مقاومت بود. شهدا روز بعد، پنجشنبه، در یکی از بزرگ‌ترین تشییع‌هایی که در سرزمین‌های فلسطین برگزار شد، به آخرین آرامگاه خود منتقل شدند.

◀ افتخار فرزندان

فرزندان شهید محمد به‌خاطر معاشرت با اقشار مختلف شهروندان، توجه به علایق، عشق شدید به وطن و ایمان مطلق او به عدالت، شجاعت و جسارت و به چالش کشیدن رژیم صهیونیستی، همواره به پدرشان افتخار می‌کنند.

◀ آخرین خداحافظی با همسر

همسر شهید، ام‌شحاده، آن دقایق زودگذر ۱۲ مارس را با سختی و درد به یاد می‌آورد و می‌گوید: «با دلی بغض‌کرده داشتم نماز می‌خواندم که صدای تیراندازی را از نزدیک خانه شنیدم.» ام‌شحاده طبق معمول با بچه‌هایش بیرون رفتند. با دست روی قلبش...

او می‌افزاید: «ما نام "محمد" را بر سر زبان مردم شنیدیم و من و فرزندانم نمی‌دانستیم چه کنیم و به کجا برویم. وقتی وارد بیمارستان شدیم، او را دیدیم که روی تخت بیمارستان دراز کشیده و در کنار همکارانش شهید شده بود. من تعجب نکردم، زیرا ابوشحاده همیشه منتظر شهادت بود.»

◀ تشییع با پرچم حزب‌الله

پیکر ابوشحاده در مراسم تشییع با سه هم‌رزم شهیدش در پرچم زرد حزب‌الله لبنان پیچیده شد که راه را برای گفتن از داستان قدیمی عشقش به سید حسن نصرالله و اعتقادش به پیروزی باز کرد. همسر محمد می‌گوید: «ابوشحاده دل‌وجانش با حزب‌الله بود و به‌شدت به سید حسن نصرالله علاقه داشت. او بسیار تحت تأثیر تجربه مقاومت در جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ میلادی قرار گرفت و مصیبت مولایمان امام حسین (ع) را سخت‌ترین مصیبت می‌دانست.» همچنین پسر ۱۹ ساله این شهید بیان کرد: «پدر من شیعه بود و مانند امام حسین (ع) تسلیم نشد و جنگید و شهادت را برگزید. او عضو حزب‌الله نبود؛ اما هویت خود را وابسته به حزب‌الله می‌دانست.»

منابع:

- وکاله شمس نیوز، الذکری الرابعة عشرة لاستشهاد القائد محمد شحادة التعمري «أبو شحادة»، ۱۲ مارس ۲۰۲۲ م.
- موقع العهد الاخباری، عاشق حزب‌الله و «السید حسن»: الشهید «محمد ابوشحادة»... رجل المقاومة والوحدة ونصير المظلومين والأهثاء، ۲۸ مارس ۲۰۰۸ م.
- شبكة فلسطين الاخباریه، عائلة الشهيد محمد شحادة فی مواجهة الاحتلال علی مدى عقود ماضية بصمود وأمل علی غیغ من حتمية الفرج ولو بعد حین، ۱۹ می ۲۰۲۰ م.
- نوید شاهد، مظلومیت علی (ع) شیعه‌ام کرد، ۲۰ مرداد ۱۳۹۱
- شناسه مطلب: ۳۱۰۴، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، فرزند فرمانده شهید فلسطینی: پدرم شیعه شده بود، ۱۱ دی ۱۳۸۸

✓ شهید محمد ابوشحاده یکی از برجسته‌ترین افراد تحت تعقیب در بیت‌لحم واقع در جنوب کرانه باختری اشغالی بود. محمد، مردی که جنجال بزرگی را در میان محبوب‌ترین شخصیت‌های فلسطینی در کرانه باختری به راه انداخت؛ زیرا باعث شکست اسرائیل شد و به گفته آنان: «بیش از ۱۰ سال طول کشید تا او را زنده یا مرده بگیرند.»

فرماندهی که عاشق مکتب اهل بیت (ع) شد

دور از تعصب

آن چه می خوانید بخشی از مصاحبه مجله «المنبر» با شهید محمد ابوشحاده است که به کوشش محمدسعید مهدیان ترجمه و منتشر شده است.

”

◀ کجا بودید استاد محمد؟ کم کم داشتیم از آمدن تان مایوس می شدیم! فکر نمی کردم که يك مجله شیعی برای مصاحبه با من این قدر اشتیاق داشته باشد. گمان می کردم مجلات دیگری مانند «المجله» این قضیه را پیگیری کنند؛ به همین دلیل هم از مصاحبه با مطبوعات خودداری می کردم. در حال خداوند را شاکرم که فرصتی در اختیار من قرار داد تا با آزادی درباره این قضیه، با مجله شما صحبت کنم.

◀ از حسن نظر شما متشکریم. در ابتدا درباره گرویدن به مذهب اهل بیت (ع) توضیح بدهید. اولاً باید بگویم که من قبلاً از اهل بیت (ع) بسیار بی اطلاع بودم و به علت مذهبیم درباره آن شخصیت های بزرگوار چیزی نمی دانستم؛ از کودکی به اهل بیت (ع) علاقه داشتم. فقط می دانستم که امام علی (ع) خلیفه چهارم است و حسن و حسین (ع) دو کودکی بودند که پیامبر (ص) به آن ها علاقه بسیاری داشت و فاطمه (س) دختر رسول خدا بود. این، همه چیز بود که من از این خاندان می دانستم. با این حال از مظلومیت اهل بیت (ع) بسیار شنیدم و کم کم احساس کردم که علی بن ابی طالب (ع) واقعاً مظلوم بود. هر چه اشغال سرزمین مان سخت تر می شد، این احساس بیشتر در من ریشه می دواند و رشد می کرد. می توانم بگویم که «بی اطلاعی من از تشیع» باعث شده بود که تا کنون شنی بمانم و امیدوارم دیگر این گونه نباشم.

◀ از ظلم و مظلومیت گفتید. چگونه این احساس مظلومیت در شما شدت یافت؟ من از ۱۶ سالگی یکی از مبارزان «جنبش فتح» فلسطین بودم. در دهه ۸۰ اسیر و به ۲۵ سال زندان محکوم شدم که البته هنگام تبادل اسرا در سال ۱۹۸۵ میلادی، آزاد شدم. بعد از آن دوباره به دست صهیونیست ها افتادم و بدون محاکمه و فقط به اتهام گرایش به «جهاد اسلامی»، چند سال در زندان بودم. بعد از خروج از زندان رسماً به جنبش جهاد اسلامی پیوستم که باز هم نیروهای دشمن در خلال انتفاضة ۱۹۹۲ میلادی به مدت يك سال مرا به «مرج الزهور» در جنوب لبنان تبعید کردند. در این مدت احساس مظلومیت، بیشتر در من ریشه دواند. از سوی دیگر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شوق قیام و غلبه بر ظالمان در من شدت گرفت؛ تاجایی که به مطالعه این انقلاب و پایه های فکری آن که از پیروی آل محمد نشأت می گرفت، پرداختم. این مطالعات تا پایان تبعید در مرج الزهور ادامه داشت. همچنین در این مدت به طور مداوم در حلقه «الفکر الاسلامی» که از طرف حزب الله در اردوگاه برگزار می شد، شرکت می کردم و بر اطلاعاتم می افزودم.



▼
اولاً باید بگویم که من قبلاً از اهل بیت (ع) بسیار بی اطلاع بودم و به علت مذهبیم درباره آن شخصیت های بزرگوار چیزی نمی دانستم؛ از کودکی به اهل بیت (ع) علاقه داشتم. فقط می دانستم که امام علی (ع) خلیفه چهارم است و حسن و حسین (ع) دو کودکی بودند که پیامبر (ص) به آن ها علاقه بسیاری داشت و فاطمه (س) دختر رسول خدا بود



ارتباط قلبی محمد ابوشحاده با امام خمینی (ره) وقتی شروع شد که با بچه‌های حزب‌الله و جهاد اسلامی ارتباط پیدا کرد. بعدها در مصاحبه‌ای گفت که آشنایی با زندگی امام علی (ع) او را شیعه کرده است.



محمد شحاده یکی از برجسته‌ترین افراد تحت تعقیب در بیت‌لحم واقع در جنوب کرانه باختری بود. این تصویر را زمانی از خود به جای گذاشت که دستگاه ترور صهیونیست‌ها سایه به سایه او را تعقیب می‌کردند اما نمی‌توانستند او را پیدا کنند.



شیعیان در جنوب لبنان سرچشمه می‌گیرد. آیا این حرف صحیح است؟

این مجله راه به خطا می‌پیماید! دلیل بر این مطلب آنکه در مقدمه مقاله‌اش در این رابطه، امت را از خطری به نام «دگرگونی به سوی شیعه» برحذر داشته و به علمای امت درباره این خطر هشدار داده است! من تعجب می‌کنم که چگونه آن‌ها در این برهه زمانی که مقاومت پیروز شده و انتفاضه گسترش یافته است، به این مسائل دامن می‌زنند. اگر من از قبل، نیت مسئولان این مجله را می‌دانستم، پیش از آنکه به تصریح چیزی بیان کنم، بیشتر فکر می‌کردم. آنان کلام مرا تحریف نکردند، ولی با تحلیل و مصاحبه‌هایی که در کنار این موضوع قرار دادند، تشیع مرا «نوعی احساس شکست» وانمود کردند؛ درحالی‌که چنین نبود. البته می‌دانید که این مجله یک مجله سعودی و در نتیجه تابع نظام سلفی و وهابی است. من با اطمینان می‌گویم که آنچه درباره تشیع من نوشته‌اند، به‌طور کامل غلط است و من از روی عقیده شیعه شدم، نه به‌خاطر سیاسی‌کاری. شایسته بود آنان اول به خوانندگان و سپس به کسی که با او مصاحبه کرده‌اند، احترام می‌گذاشتند. دوباره تأکید می‌کنم که هجرت من به سوی تشیع، هیچ ارتباطی به شرایط سیاسی ندارد؛ البته بدیهی است که مانند همه مسلمانان از پیروزی‌های مقاومت در جنوب لبنان که در درجه اول «حزب‌الله» آن را محقق کرد، احساس افتخار می‌کنم؛ ولی این به‌معنای آن نیست که این پیروزی‌ها انگیزه من برای شیعه شدن بود، زیرا چنان که گفتم، گرایش من به مذهب تشیع، نتیجه اقناع کامل درونی من بود و هیچ‌یک از این تأثیرات در آن نقشی نداشت، زیرا تحقیقات من قبل از پیروزی‌های مقاومت بود. تشیع، راه حق و حقیقت است که من آن را برگزیدم و ان‌شاءالله به آن متمسک می‌مانم.

وقتی مصاحبه آن مجله را دیدی، از اینکه شیعه شدنت را لکه‌دار کرده‌اند، نگران نشدی؟

وقتی پیشنهاد مصاحبه با آن‌ها را پذیرفتم، این کار را با رضایت انجام دادم؛ گرچه برخی دوستان توصیه کردند که این مصاحبه را نپذیرم، چراکه ممکن است زیر سایه فضای سنی و افزون

از احساسات بگو هنگامی که مظلومیت و حقیقت این مذهب برایت روشن شد.

احساس لب‌تشنه‌ای را داشتم که به زلال حقیقت رسیده است. از یک طرف، شادی وجودم را فرا گرفته بود؛ چرا که مستقیم و بی‌واسطه به سیره رسول اعظم (ص) مرتبط شده بودم و از طرف دیگر مالا مال از اندوه بودم که چرا اهداف ائمه (ع) در زندگی ما هیچ نقشی ندارد. البته حادثه عاشورا که نماد این مظلومیت است نیز به شدت مرا تحت تأثیر قرار داد.

چه موقعی تصمیم به پذیرش مذهب تشیع گرفتی؟

پس از چند سال که درباره تشیع مطالعه و تحقیق کردم و با آگاهی کامل از گرایش‌های فکری مختلف، چه گرایش‌های موافق و چه گرایش‌های مخالف، سرانجام تصمیم گرفتم که تاج تشیع را بر سر بنهم.

چه کتاب‌هایی در این راه کمک‌تان کرد؟

کتاب‌های بسیار زیادی را مطالعه کردم. با مقایسه کتب شیعه و سنی متوجه شدم که کتب اهل سنت در برابر منطق و حقایق علمی و تاریخی استوار نیستند و برعکس کتب علمای شیعه به عقل نزدیک‌ترند؛ بنابراین مدام این سؤال برایم مطرح می‌شد که تا کی باید مقولاتی را بپذیریم که حاصل شرایط خاصی بوده‌اند و از زاویه خاصی به تاریخ و فقه می‌نگریستند؟ چند کتاب شیعه را که مرا به خود جذب کرد، برمی‌شمارم: «شیعه در تاریخ»، «شیعه و حاکمان»، «امام صادق (ع) و مذاهب چهارگانه»، «الکافی»، کتاب‌های «دکتر صالح الوردانی» که خود از مستبصران و شیعه‌شدگان مصری است، کتاب‌های «نیجانی» مستبصر معروف تونسسی و «نهج شهادة الامام حسین (ع)». این‌ها فقط نام برخی از این کتاب‌ها بود. افزون بر این، ده‌ها کتاب درباره اهل بیت (ع) و در کنار آن ده‌ها کتاب از منابع سنی خواندم که کمک شایانی در یافتن حقیقت به من کرد.

مجله «المجله» چنین وانمود کرد که شیعه شدن شما به‌نوعی یک تشیع سیاسی است، نه تشیعی از روی عقیده و از احساس شکست و ناامیدی از جامعه سنی و پیروزی‌های



با مقایسه کتب شیعه و سنی متوجه شدم که کتب اهل سنت در برابر منطق و حقایق علمی و تاریخی استوار نیستند و برعکس کتب علمای شیعه به عقل نزدیک‌ترند؛ بنابراین مدام این سؤال برایم مطرح می‌شد که تا کی باید مقولاتی را بپذیریم که حاصل شرایط خاصی بوده‌اند و از زاویه خاصی به تاریخ و فقه می‌نگریستند؟



لحظاتی پس از شهادت محمد شحاده و فرمانده احمد الببول



فلسطینی‌ها پیکر شهید جهاد اسلامی ابو شحاده را در بیت لحم حمل می‌کنند. محمد شحاده در هنگام تشییع در پرچم حزب الله پیچیده شده بود.

می‌خواهم که روشن تر صحبت کنند. ایشان در ابتدا از رابطه برادری بین سنی و شیعه سخن راندند، ولی در پایان کلام تصریح کردند که تشیع ساخته دست یهود است! این سخنی نیست که عقل آن را بپذیرد و این دوگانگی قابل جمع نیست. چگونه می‌شود که شیعه برادر سنی و درعین حال ساخته دست یهود باشد؟! درباره عبدالله بن سبا هم باید بگویم پس از بحث و تحقیق فراوان دریافتیم که این شخصیت، يك شخصیت خیالی است که فقط در «تاریخ طبری» و منابع ضعیف دیگر ذکری از آن رفته است.

◀ **نظر شما درباره رئیس جبهه علمای الازهر و حمله شدیدی که به شما و مذهب امامیه کرده است، چیست؟**
من می‌گویم: «اللهم اهد قومی فإتّهم لا یعلمون». درواقع من از آنچه او مطرح کرده، تعجب می‌کنم. بیشتر از آن، از این تعجب می‌کنم که ایشان رئیس جبهه علمای الازهر هستند و با آرامش تمام، مسئولیت تکفیر میلیون‌ها مسلمان را به گردن می‌گیرند! همچنین این سخن ایشان را که «جهل ابوشحاده نسبت به تشیع، باعث شده است که وی شیعه شود و به آن ملتزم بماند»، به شدت رد و تأکید می‌کنم: «جهل از تشیع باعث شده بود که سنی باقی بمانم» تا اینکه این جهل به پایان رسید و اعلام تشیع کردم.

◀ آیا آینده فلسطین، از آن تشیع است؟

مذهب اهل بیت (ع) همانند گذشته در فلسطین باقی می‌ماند. من و برادران دیگر هم ان شاء الله در گسترش آن تلاش می‌کنیم و امید داریم که خداوند تعالی این مذهب را گسترش دهد تا راه برای قدوم «مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف» هموار شود.

◀ چه سخنی با امام زمانت داری؟

همه برکات فعالیت‌های ما از وجود ایشان است. از ایشان می‌خواهم فعالیت‌های ما را در راستای نصرت و آماده‌سازی جهان برای فرجش قرار دهد، ان شاء الله. به ایشان می‌گویم: «یا مهدی آدرکنا الان.»

بر آن، حساسیت شرایط کنونی، مطلب را لوث کنند؛ ولی من عقیده داشتم که این «يك حق» است و باید پس از سال‌ها کتمان به گوش مردم برسد و همه باید از تعصب دست بکشند و يك همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

◀ آیا با ایران یا حزب الله ارتباط سازمانی هم داری؟

نه، هرگز. هیچ ارتباط سازمانی یا اداری با ایران یا نهادهای اطلاعاتی آن و حتی با حزب الله لبنان ندارم؛ البته يك هم‌فکری و ارتباط فرهنگی بین ما هست و این طبیعی است؛ زیرا این مسائل، امتداد افکار و عقاید من است، ولی این به معنای هیچ‌گونه ارتباط سازمانی نیست. از طرف دیگر، گرایش‌های سنی بسیاری را می‌بینیم که مشابه همین هم‌فکری و ارتباط فرهنگی ما با ایران و حزب الله را دارند. این، نتیجه شرایطی است که امت اسلام در آن به سر می‌برد.

◀ **جواب «شیخ طنطاوی» شیخ الازهر را که معتقد است سرچشمه تشیع، عبدالله بن سبا یهودی است، چه می‌دهید؟**
در ابتدا صمیمانه‌ترین سلام‌ها را به ایشان تقدیم می‌کنم و از خداوند می‌خواهم که همه ما را هدایت کند تا همگی از خادمان اسلام باشیم. درباره این مسئله هم از شیخ الازهر



مذهب اهل بیت (ع)
همانند گذشته در
فلسطین باقی می‌ماند.
من و برادران دیگر هم
ان شاء الله در گسترش
آن تلاش می‌کنیم و امید
داریم که خداوند تعالی
این مذهب را گسترش
دهد تا راه برای قدوم
«مهدی آل محمد عجل الله
تعالی فرجه الشریف»
هموار شود



محمد شحاده پس از آسمانی شدن در آغوش مادر. مادرش می‌گفت: پسر من به آرزویش که همان شهادت در راه خدا بود رسید و امیدوارم خداوند این قربانی راه حق را از ما قبول کند.



فرمانده محمد به روایت خانواده و نزدیکان

مرد غیبت‌های طولانی

ام‌شحاده عشق به مردی را که ساعت‌ها بین غیبت‌های طولانی دیده بود، در درون خود ذخیره کرده بود و به یاد می‌آورد: «ابو شحاده در دنیا زاهد بود و با وجود پیشنهادهای فراوان، هرگز به پول و مقام و امور مادی دنیوی اهمیت نمی‌داد و از بی‌عدالتی و ذلت بیزار بود و هر وقت کارها سخت و دشوار می‌شد، همیشه با خود می‌اندیشید: این بی‌عدالتی تا کی ادامه دارد؟»

شهادت ابو شحاده فقط ۶ روز پس از تخریب خانه‌اش رخ داد که بلافاصله پس از عملیات تخریب مدرسه دینی در بیت المقدس توسط نیروهای اسرائیلی، بمباران شد با این تصور که سرانجام توانستند محل ابو شحاده را پیدا کنند و او را از بین ببرند اما مانند بسیاری از اوقات، بارها شکست خوردند و فقط آجرها ویران شدند؛ درحالی‌که مرد با غرور خود باقی ماند. ام‌شحاده می‌گوید که بعد از تخریب خانه با همسرش ملاقات کرده و توانسته است برای آخرین بار با او صحبت کند: «بعد از دیدن او، فاجعه تخریب خانه‌مان را فراموش کردیم. او آمد که به ما روحیه بدهد، درباره جهاد و صبر صحبت کند و به من گفت: «غصه نخور ام‌شحاده! فدای تو و بچه‌هایت بشوم!» سپس به نماز و درس فرزندان‌ش توصیه اکید کرد و رفت.»

با وجود هزاران شهیدی که از آغاز انتفاضه الاقصی جان خود را از دست داده‌اند، داستان غیبت «مرد بیت لحم» برای بسیاری دردناک‌ترین داستان بود؛ چنان‌که همسرش می‌گوید: «ابو شحاده برای همه مردم زندگی کرد. مسلمان و مسیحی برای فقرا و نیازمندان و خانواده‌های اسیران و شهدا و این شعار او بود.»

ام‌شحاده که هیچ‌گاه صدایش از غرور خالی نیست، زندگی‌نامه همسرش را ادامه می‌دهد که در جریان دستگیری‌های مکرر و سال‌ها از آغاز آزار و اذیت صهیونیست‌ها، همسرش هفت بار او را ترک کرد. او از سال ۱۹۹۸ میلادی، آغاز غیبت او در خانه، یاد می‌کند و می‌گوید: «آزار و اذیت ابو شحاده در سال ۱۹۹۸ به دلیل شرکت در فعالیت‌های مقاومت در برابر اشغالگری آغاز شد اما پس از سال ۲۰۰۲ میلادی به ویژه عملیات سپر دفاعی، به شدت تحت تعقیب قرار گرفت و بارها ارتباط با او قطع شد و از حضور او در خانه محروم شدیم.»

او می‌افزاید: «با اینکه خانه ما مورد حمله مکرر ارتش اشغالگر قرار گرفت و غیبت مکرر شوهرم، دیدارهای کوتاه او برای من و بچه‌ها کافی بود و ماهیت کار او را درک کردیم. او عشق به وطن، دین و مبارزه را در وجود همه ما القا کرد.»

✓
ام‌شحاده: «آزار و اذیت ابو شحاده در سال ۱۹۹۸ به دلیل شرکت در فعالیت‌های مقاومت در برابر اشغالگری آغاز شد اما پس از سال ۲۰۰۲ میلادی به ویژه عملیات سپر دفاعی، به شدت تحت تعقیب قرار گرفت و بارها ارتباط ما با او قطع شد و از حضور او در خانه محروم شدیم.»

داستان نوجوان فلسطینی
که با عملیات‌های مسلحانه
صهیونیست‌ها را گمراه کرد

اولین شلیک

وقتی پسری به نام محمد شحاده اولین اسلحه واقعی زندگی خود را به دست آورد، با آن بازی نکرد، بلکه از دیوار اورشلیم بالا رفت و به اولین سرباز اسرائیلی در نزدیکی باب الصحیره، (یکی از دروازه‌های مهم دیوار مشرف به شمال شهر) شلیک کرد. هم‌رزمش عاطف الکامل در گفتگویی گفته بود: «ما با شحاده در اتاق‌های زیرزمینی زندگی می‌کردیم. یک بار از خواب بیدار شدم و دیدم او روی من و یک نفر دیگر را با پتو پوشانده در حالی که خود داخل پیراهنش می‌دمید تا کمی گرم شود.» تعقیب طولانی مدت وی باعث شرمساری سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل شد و بارها تیم‌های مخفی را پس از انجام عملیات‌های برنامه‌ریزی شده مورد آزمایش قرار داد، اما نتوانستند او را دستگیر یا ترور کنند.

وفاداری به خون شهدا

شحاده در مورد محبوبیت خود در میان این گروه‌ها در آن زمان در گفتگویی گفت: «آنها فرزندان خود را در من می‌بینند و من را به عنوان یک شهید نگاه می‌کنند». وی افزود: «من به مظلومان از گروه‌ها و فرقه‌های مختلف که از ظلم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند، تعصب دارم. من با هر کسی که از طریق قدرت یا دزدی پول مردم به دنبال جایگاه باشد می‌جنگم و به وفاداری به خون شهدا پایبند می‌مانم.» شحاده درصد بالایی از آرای رای دهندگان را به خود اختصاص داد اما اجازه ورود به مجلس قانون‌گذاری را به وی ندادند. از آن طرف اسرائیلی‌ها تعقیب او را تشدید کردند تا این که که نیروهای ویژه اسرائیل عاطف الکامل دست راست او را که برای معالجه به کلینیک رفته بود دستگیر کردند.

در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، شحاده طی جلسه‌ای به گفت که توانسته نقض امنیتی مربوط به دستگیری الکامل را شناسایی کند. اما چند روز بعد سرویس اشغالگر محمد عیسی عبدا (۳۰ ساله) که سال‌ها تحت تعقیب نیروهای اسرائیلی و بازوی چپ شحاده بود را دستگیر کرد.

حلقه‌ها در اطراف شحاده فشرده‌تر شد و به نظر می‌رسید که سرویس‌های امنیتی اسرائیل وقتی خانه‌اش را در ۶ مارس ۲۰۰۸ محاصره کردند، به او دست یافته‌اند، زیرا تصور کرده بودند که او داخل خانه‌ای است. خانه او را تخریب کردند اما شحاده موفق شد اطلاعات اسرائیل را گمراه کند و این آخرین اطلاعات غلط بود که او به صهیونیست‌ها منتقل کرد. یک هفته بعد در ۱۲ مارس یک یگان آموزش دیده، خودرویی را که وی به همراه سه تن دیگر از همراهانش در آن تردد می‌کرد، در عرض چهار دقیقه توقیف کردند که به شهادت ابوشحاده و سه تن از یاران ختم شد.

منبع:

• ایلاف، محمد شحاده القائد الأسطوری الذی تفاخر باراک بقتله، ۱۵ مارس ۲۰۰۸

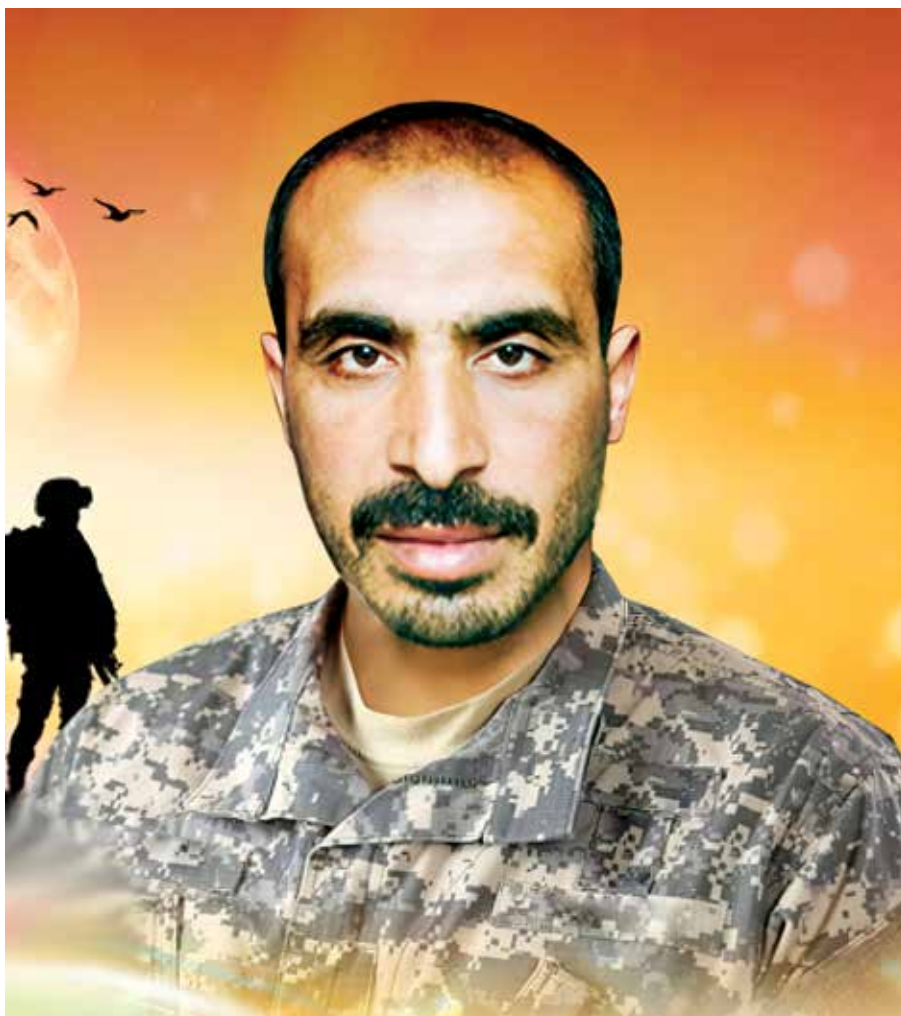
حامی خانواده شهدا

او در مارس ۲۰۰۶ در انتخابات پارلمانی فلسطین شرکت کرد که به دلیل شرایط آزار و اذیتی که تجربه می‌کرد، عجیب‌ترین مبارزات انتخاباتی یک نامزد در آن انتخابات محسوب می‌شد. شحاده تنها نامزدی بود که در مبارزات انتخاباتی خود به کمک‌های مردمی متکی بود. مردم مرفه و فقیر برای ابراز همدردی با شهید، اعتماد به اعتبار او و رؤیاهای او برای تغییر، کمک‌هایی را به شهید تقدیم می‌کردند. شحاده در بسیاری از اجتماعات با حضور خود به همراه افراد مسلح محافظش، مردم را غافلگیری کرد تا برنامه انتخاباتی خود را در مدت کوتاهی ارائه دهد و به دلایل امنیتی محل را ترک می‌کرد. در آن روزها هوادارانش برای او ستاد انتخاباتی باز کردند، اما او در آنجا حضور نداشت و در دوره‌های بسیار کوتاه از آن بازدید می‌کرد و هوادارانش نوارهای ویدئویی پخش می‌کردند که او در آن صحبت می‌کرد. شحاده در آن انتخابات که توسط جنبش جهاد اسلامی بایکوت شد، نماینده جنبش، حزب و حتی جریان خاصی نبود اما مکرر می‌گفت که دنبال تشکیل یک حزب و گرهمایی آزاد که شامل همه افراد آزاده، صرف نظر از عقاید و عقایدشان می‌شود است. او از حمایت سایرین با گرایش‌های مختلف سیاسی و همدردی مادران زندانیان، مجروحان و شهدا برخوردار شد.

شحاده درصد بالایی
از آرای رای دهندگان
را به خود اختصاص
داد اما اجازه
ورود به مجلس
قانون‌گذاری را به
وی ندادند. از آن
طرف اسرائیلی‌ها
تعقیب او را تشدید
کردند تا این که
نیروهای ویژه
اسرائیل عاطف
الکامل دست راست
او را که برای معالجه
به کلینیک رفته بود
دستگیر کردند



محمد شحاده
و زندانی محمد عبدا



زندگینامه محمد ابومرشد؛ فرمانده فنی هسته‌های جهادی

مهندس گردان‌های القدس

◀ دوران تحصیل

شهید قبل از گذراندن دوره متوسطه در مدرسه خالد بن الولید در اردوگاه نصیرات، تحصیلات اولیه خود را در مدارس آنروا در اردوگاه آوارگان بریج گذراند. وی از شاگردان ممتاز بود و چند سال پس از ورود به دانشگاه اسلامی فلسطین، مدرک کارشناسی خود را از دانشکده بازرگانی در رشته اقتصاد گرفت و در سال ۱۹۸۶ با درجه ممتاز، دانش‌آموخته شد. او متأهل و دارای هشت پسر و دختر بود.

«محمد ابوعبدالله ابومرشد» در اردوگاه آوارگان بریج در وسط نوار غزه، روز یازدهم فوریه ۱۹۶۴ میلادی در خانواده‌ای صبور، متواضع و مبارز که تجاوز نیروهای منفور صهیونیست را تحمل کرده بودند، متولد شد.





از ویژگی‌هایی
که برای فرمانده
ابومرشد ثبت شده
است، فروتنی
شدید، محبت به
همه و مهربانی با
فرزندان، مهربان
با بزرگان و جوانان
بود. او بخشنده
و دلسوز بود و به
همه نیازمندان
دست یاری می‌داد.
شهید در سطح کار
جهادی، از نظم
و انضباط ممتاز
برخوردار بود و
مشتاق بود فرزندان
خود را در تیپ‌های
قدس بر اساس
نظم و انضباط کامل
تربیت کند



شهید ابومرشد در کنار شهید «ابوعرفات الخطیب»
که با یکدیگر سال ۲۰۰۷ عملیات صیف‌الساخن در
معبور کیسوفیم را فرماندهی کردند. این عملیات
مشترک بین گردان‌های قدس، شاخه نظامی
جنبش جهاد اسلامی و گردان‌های شهدای الاقصی،
«گروه‌های شهید ایمن جوده» در گذرگاه نظامی
«کیسوفیم» در شرق دیرالبلخ رخ داد.

و دو سال را به اتهام تشکیل سازمان نظامی جهاد اسلامی در
زندان گذراند و سپس با عزم و اراده قوی‌تر برای ادامه راه جهاد
و مقاومت از زندان بیرون آمد.

تأسیس گروه‌های مجاهد

او با همراهی سرداران شهید «هانی عابد»، «محمود الخواجه»،
«عمار الاعرج»، «مقلد حمید» و «بشیر الدبش»، اولین هسته
نظامی جهاد اسلامی را تحت عنوان «لشکر نیروهای مجاهد
اسلامی» تشکیل داد.

آن‌ها عملیات‌های قهرمانانه زیادی را طراحی کردند از جمله
عملیات معروف بیت‌لید که توسط رزمندگان شهید «انور سکر»
و «صلاح شاکر» انجام شد و عملیات چهارراه شهدا که توسط
شهید قهرمان «هشام حمد» انجام شد و عملیات کفارداروم
که توسط شهید «خالد الخطیب» انجام شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی،
مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین تأسیس شد و شروع به
گردهمایی محققان برجسته از جمله رهبر شهید
ابومرشد کرد و او هم در زمینه تحقیق و انتشار مجموعه کتاب‌ها
فعال شد. سردار شهید چند دوره فنی و الکترونیکی را گذراند
که نقش برجسته‌ای در توسعه نظام فنی و مهندسی نظامی
جهاد اسلامی داشت.

خصوصیات و اخلاق او

شهید محمد ابوعبدالله در دامان خانواده‌ای محافظه کار و
مذهبی پرورش یافت. او از همان دوران کودکی با اخلاق لطیف
و دین‌داری شدید و آداب منحصر به فردش متمایز و مورد علاقه
همه کسانی بود که او را می‌شناختند. شاید تربیتش در خانواده
ای مذهبی و حضور در سفره‌های قرآن و سنت او را واجد این
صفات قرار داده بود.

تیزبین و دقیق در امور

ام‌مرشد، همسر شهید ابومرشد می‌گوید: «بر تیزبینی و هوش
بسیار شهید و دیگرویزی‌های او، جدیت را در تمام جنبه‌های
زندگی و پنهان‌کاری کامل را نیز اضافه کنید؛ زیرا او بسیار رازدار
و محتاط بود. ابومرشد، شیخ زاهدی بود. دنیا و زینت‌های آن
را رها کرد و جان خود را در راه خدمت به این دین بزرگ وقف
کرد.» از ویژگی‌هایی که برای فرمانده ابومرشد ثبت شده است،
فروتنی شدید، محبت به همه و مهربانی با فرزندان، مهربان
با بزرگان و جوانان بود. او بخشنده و دلسوز بود و به همه
نیازمندان دست یاری می‌داد.

شهید در سطح کار جهادی، از نظم و انضباط ممتاز برخوردار
بود و مشتاق بود فرزندان خود را در تیپ‌های قدس بر اساس
نظم و انضباط کامل تربیت کند.

ابو مرشد ورزشکار بود و در شنا و فوتبال تبحر داشت و
حتی در زمینه برگزاری دوره‌های شنا برای گروه‌های رزمندگان
گردان‌های القدس فعالیت می‌کرد.

سفرهای جهادی

ابومرشد از همان دوران کودکی با اسلام جهادی آشنا شد.
این شهید در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی در دانشگاه اسلامی غزه
فعالیتش را در چارچوب دانشجویی جهاد اسلامی، «بلوک
مستقلین» سابق آغاز کرد.

سردار ابو مرشد از اولین رهبرانی بود که سابقه‌ای طولانی
در تأسیس نهضت جهاد اسلامی در منطقه مرکزی داشت.
وی از دوران دانشجویی به نظریه‌پردازی درباره جهاد اسلامی و
اندیشه‌های آن پرداخت و جلسات متعدد فکری با شهید دکتر
«ابراهیم معمر» داشت و در بسیاری از سخنرانی‌های سیاسی
دکتر «رمضان عبدالله شلح» دبیرکل فقید جنبش جهاد اسلامی
فلسطین شرکت می‌کرد.

او که از پیشگامان فعالیت‌های انقلابی و اسلامی در غزه
بود، شاهد گفت‌وگوهای بسیاری بود که در تأسیس سازمان
در منطقه مرکزی نوار غزه نقش داشت و همچنین اندیشه
شهید فتحی الشقاقی و عالم شهید سید قطب را به مردم اردوگاه
آموزش داد.

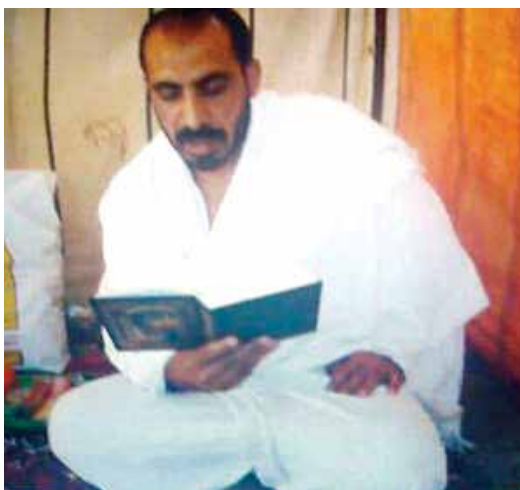
شهید به کار جهادی پرداخت و اصول و اندیشه‌های جهاد
اسلامی را در منطقه مرکزی به‌طور عام و اردوگاه نصیرات
به‌طور خاص گسترش داد.

بنیان‌گذاری «سیف‌الاسلام»

با شعله‌ور شدن اولین انتفاضه در سال ۱۹۸۷ و پس از شهادت
هم‌زمانش در جنگ الشجاعیه، شهید شروع به تشکیل
اولین گروه‌های نظامی جنبش جهاد اسلامی تحت عنوان
«سیف‌الاسلام» کرد که عملیات‌های نظامی زیادی را علیه
نیروهای اشغالگر صهیونیستی در نوار غزه به‌ویژه در منطقه
مرکزی انجام داد.

اولین دستگیری

در سال ۱۹۸۹ شیخ مجاهد توسط نیروهای اشغالگر دستگیر شد



**سردار شهید
ابومرشد، مسئول
سامانه فنی مدرن
گردان‌های القدس و
رئیس مجلس عالی
شورای گردان‌های
القدس بود. او
مربی و متفکر توسعه
موشک‌های القدس
هم به‌شمار می‌رفت**

◀ تأسیس شاخه نظامی

با شعله‌ور شدن انتفاضه الاقصی، ابومرشد و جمعی از یارانش، رهبران نهضت نظامی به ریاست «ابوالولید الدحودح»، «محمد آل‌شیخ خلیل»، «مجید الحرازین» و «ابو عرفات الخطیب»، شروع به تأسیس شاخه نظامی مظفر، یعنی گردان‌های القدس کردند. ابومرشد شخصاً بر سازمان‌دهی صفوف گردان‌های القدس در سطح سازمانی، مهندسی و ساخت‌وساز و تسلیحات نظارت داشت. او شروع به تشکیل دوره‌های آموزشی نظامی کرد و صدها قهرمان از گردان‌های القدس زیر دست او دانش‌آموخته شدند. شهید به فکر تشکیل ارتش عمومی برای جوانان جنبش تحت عنوان گردان‌های القدس با هدف حفظ مرزهای داخلی وطن و رهبری نظامی نهضت بود. این ارتش تحت دوره‌های نظامی تحت نظارت شخص فرمانده ابومرشد قرار گرفت که بسیاری از قهرمانانی که هسته گردان‌های القدس بودند، از آن دانش‌آموخته شدند.

◀ عملیات‌های نظامی

شهید تکاور ابوعبدالله، این افتخار را داشت که چندین عملیات کیفی قهرمانانه را طراحی کند که باعث درد و رنج رژیم صهیونیستی شد. مهم‌ترین آن‌ها عملیات «الصیف الساخن» (تابستان داغ) در معبر کیسوفیم و عامل آن شهید «محمد الجباری» و عملیات «زلزله الحسون» بود که در آن مجاهد «محمود سلامه» به شهادت رسید. سردار شهید ابومرشد، مسئول سامانه فنی مدرن گردان‌های القدس و رئیس مجلس عالی شورای گردان‌های القدس بود. او مربی و متفکر توسعه موشک‌های القدس هم به‌شمار می‌رفت. او به‌ویژه در دوره اخیر در زمینه توسعه موشک‌ها و دستگاه‌های تندر، صاعقه، توسعه گلوله‌های خمپاره کالیبر سنگین و توسعه نارنجک‌های دستی کار کرده بود.

◀ آخرین صحنه

نام شهید سردار ابومرشد در صدر فهرست تروریستی صهیونیست‌ها قرار داشت، زیرا وی مغز فنی سامانه موشکی گردان‌های القدس به‌شمار می‌رفت. نیروهای اشغالگر برای دستگیری زنده یا مرده یا ترورش، توانایی‌ها و اطلاعات خود را وقف او کردند؛ همچنین او بارها هدف سوء قصد قرار گرفت، اما به لطف خدا از آن‌ها دور شد و نتوانستند عزم او را بشکنند.

◀ روایت شهادت

در بیست‌وهفتم دسامبر ۲۰۰۷، زمانی که فرمانده ابوعبدالله برای آماده‌شدن و پاسخ به ترور اعضای گردان‌ها توسط نیروهای اشغالگر از غزه بیرون رفت، به محض خروج، جنگنده ارتش اشغالگر اسرائیل، موشکی شلیک کرد و یاران شهید از جمله «محمد فوزی ابوحسنین» را هدف قرار داد و به شهادت رساند. ابومرشد برای نجات آن‌ها به سمت منطقه بمباران شتافت اما موشک دوم او و هم‌رزمش شهید «ابراهیم اللوح» را هدف قرار داد. او آسیبی ندید و آن‌ها را از محل حمله به عقب منتقل کرد اما اشغالگران با موشک سوم او را هدف قرار دادند که منجر به شهادتش شد و پس از او، برادرش، مسؤولیت فرماندهی تیپ مرکزی را بر عهده گرفت. شهید ابوعبدالله خون خود را بر جویبارهای فلسطین جاری کرد تا آغاز مرحله جدیدی از مبارزه با رژیم اشغالگر قدس را اعلام کند.

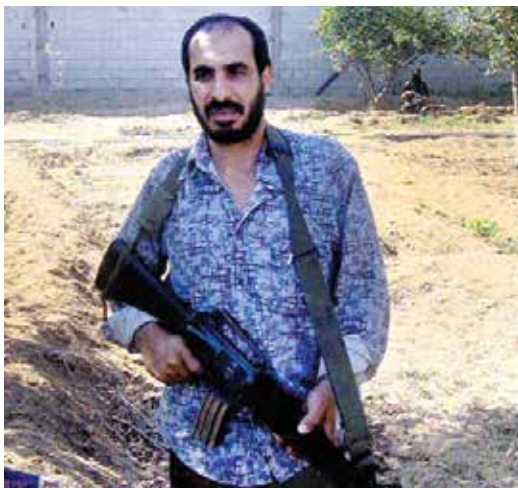
منابع:

- سرایا القدس، الشهيد القائد «محمد مرشد أبوعبدالله»؛ وعی عمیق، ایمان راسخ، ثورة متقدمة
- الخنادق، الشهيد محمد أبوعبدالله: العقل التقني في سرايا القدس، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱ م



تشییع پیکر شهید ابومرشد روی دستان مردم. کسی که با او مدتی در زندان بوده است، نقل می‌کند: خداوند به من توفیق داد تا در سال ۱۹۸۹ میلادی در قعر زندان انصار غزه با شهید سردار محمد ابوعبدالله ابومرشد ملاقات کنم. در ایشان عزم پنهان، ایمان و رفتار درست ظاهری و خصوصیات شخصی نزدیکی که صاحب را واجد شرایط رهبری می‌کند، تشخیص دادم.

یادواره سردار شهید «محمد ابوعبدالله ابومرشد» در منطقه مرکزی. شهید ابومرشد همیشه از عزم و اراده بالایی برخوردار بود و دو سال قبل از شهادت، به توسعه توانمندی موشکی گردان‌های القدس از نظر برد موشک‌ها پرداخت و آزمایش‌های موشکی زیادی به امید رسیدن به آن هدف انجام داد.



مردی با همت بلند

محمد حمید ابوالحسن
هم‌بند شهید ابوعبدالله ابومرشد

خدا توفیق آشنایی با فرمانده شهید محمد ابوعبدالله ابو مرشد را نصیب من کرد؛ آن‌هم در اعماق زندان انصار در غزه در سال ۱۹۸۹ میلادی، جایی که مدت کوتاهی در آن‌جا مهمان بودیم و پس از آن به زندان انصار ۳ (نقاب. کتساوت) نقل مکان کردیم. در آنجا عزم پنهانی، ایمان، رفتار درست ظاهری و شخصی شهید ابومرشد را از نزدیک متوجه شدم. ویژگی‌هایی که صاحب آن را واجد رهبری، شاهد بودن و شهید بودن می‌کرد. شهید ابومرشد را می‌دیدم که شرایط سخت اسارت و اردوگاه، عزم او برای آماده‌شدن و تهذیب شخصیتش، ضمن حرفه‌ای بودن و توانمندی‌هایش در جهاد را دچار خدشه نکرده بود. به‌خاطر همین اراده قوی و هدفمندی بود که توانست از دانشکده اقتصاد دانشگاه اسلامی غزه مدرک عالی بگیرد.

شهید سردار ابومرشد پس از آزادی از اسارت، نقشی اساسی در ایجاد دستگاه امنیتی نهضت جهاد اسلامی ایفا کرد و چند سال در آن فعالیت کرد. همچنین در استفاده از رایانه و استفاده از فناوری، استعداد بالایی داشت.

این شهید علاوه بر کارهای نظامی و امنیتی، در زمینه کارهای جهادی خود از فناوری‌های نوین استفاده می‌کرد و در جریان حمایت از جنبش، علاوه بر محل سکونت خود، در استانداری مرکزی القدس هم شروع به کار کرد و در نهایت به تصدی سمت‌های سازمانی رسید.

شهید ابو مرشد با کار شبانه‌روزی، اهتمام ویژه‌ای بر کادرسازی و تربیت نیروهای متخصص در گردان‌های القدس و نیروهای امنیتی گردان‌ها داشت تا جایی که از پا نمی‌نشست و حاضر به کنار گذاشتن فعالیت‌ها نبود. او پیش از اینکه نیروهایش را به عرصه بفرستد، ابتدا خودش پیش‌قدم می‌شد و بقیه افراد پشت‌سرش حرکت می‌کردند. ابوعبدالله شخصیت ویژه‌ای داشت؛ حتی

شهادت برادرش هم خم به ابرویش نیاورد. تمام وقتش را صرف توسعه توانمندی‌های گردان القدس می‌کرد. به روایتی بهتر است بگوییم دو سال آخر عمر این شهید وقف تقویت زیرساخت‌های موشکی جهاد اسلامی شد؛ تا آنجا که با ساخت موشک‌های «بدر» توانست اقدام اثرگذاری در توانمندسازی نیروهای مقاومت داشته باشد. درحقیقت، این اراده شهیدی همچون ابومرشد بود که موشک‌های جهاد اسلامی را از بردهای کوتاه به بردهای بلند و از آسمان، به خاک فلسطین اشغالی برساند و صهیونیست‌ها را مات‌ومبهور کند.

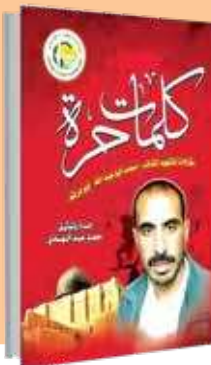
منبع:

محمد حمید ابوالحسن، فلسطین‌الیوم، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱ م



«واژگان آزادی»

کتاب «کلمه حره» نوشته دکتر «تقی‌الدین الهلالی» است که در سال ۲۰۱۳ میلادی و از سوی نشر مهجه القدس و در شهر غزه فلسطین چاپ و منتشر شده است. این کتاب به‌صورت مفصل به بررسی مقالات و آرای محمد ابوعبدالله ابومرشد پرداخته است. نویسنده این کتاب در بخش ابتدایی این نگاره مستند، زحمات خود را به شهدای طریق مقاومت و اسرای محصور در زندان‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی اهدا کرده است. این کتاب در بخش محتوایی، دربرگیرنده اندیشه سیاسی و فقه مبارزاتی دین، تفکر جهادی شهید ابومرشد و همچنین مشی دفاعی آن‌ها در مقابله با تجاوز و دست‌اندازی رژیم صهیونیستی است.



شناخت ظلم و ظالم برای شناساندن آن به همگان را می‌توان مهم‌ترین زمینه برای تلاش یک سرباز جبهه مقاومت و یک هنرمند متعهد دانست. به طور مثال، بهره‌گیری از نمادها، تشبیه‌ها، رمزنگاری و اشارت‌ها برای توصیف خوی حقیقی صهیونیست‌ها در آثار «علی یوسف احمد فوده»، شاعر شهید فلسطینی متولد ۱۹۴۶ میلادی در روستای قنیر از توابع حیفّا، مشهود است.

«أنا مَ عَلَى الرَّصِيفِ بَدُونِ أَنْ أَرْتَابَ / فَأَحْلُمُ أَنْ يَسْرِبَ ذَبَابٌ / سَيَوْقُظُنِي... / سَيَوْقُظُنِي عَوَاءُ كِلَابٍ / فَأَنْهَضُ مَرَّةً أُخْرَى...»

(ترجمه: بدون آن‌که به چیزی شک کنم، در پیاده‌رو می‌خوابم / خواب می‌بینم که دسته مگس‌ها / مرا بیدار خواهند کرد / پارس سگ‌ها مرا بیدار خواهد کرد / پس دوباره برمی‌خیزم!)

«أشْهَقُ أَلْمًا / حِينَ أَرَى كَلْبًا يَنْهَشُ جُثَّةَ غَزَّةَ / سَيْنَا / الْقُدْسُ / الْجَوْلَانُ...» (ترجمه: از شدت درد، جیغ می‌کشم / هرگاه که می‌بینم سگی، پیکر غزه / سینا / قدس / جولان را می‌درد...)

تشبیه اشغالگران به جانوران درنده را شاعر برای این منظور استفاده کرده که بگوید دشمن ما هیچ بویی از انسانیت نبرده و شهوت خونریزی و درندگی را دلش دارد.

«علی فوده» طبع شاعرانه خود را با حضور در سنگرها و صف رزمندگان، پرورش داد و از همه مهم‌تر با فروتنی، اهمیتی به شناخته‌شدن خویش نمی‌داد.

از میان ویژگی‌های انسانی شاعر، آنچه بیشتر نظر انسان را جلب می‌کند و در تکوین شخصیت او بیشتر مؤثر بوده، کرامت نفس اوست و این ویژگی است که اراده او را استوار ساخته است. علی فوده وقتی مشاهده کرد که بر اثر هجوم تجاوزگران، همه چیز از جمله انسانیت انسان به خطر افتاده، با حفظ کرامت نفس خود ساخته و ابزار شعر و هنر، در سنگرها حضور یافت و تا آخرین لحظه زندگی از کرامت و عزت نفس خویشتن و هم‌وطنان و عقاید مقدس خویش دفاع کرد.

◀ شهادت در بین رزمندگان

صبح روز دهم ماه تموز سال ۱۹۸۲ میلادی، علی فوده داشت مجله «الرصیف» را در سنگرها بین رزمندگان پخش می‌کرد. در این هنگام، ارتش رژیم تروریست صهیونیستی، بیروت را گلوله‌باران کرد و خمپاره‌ای نزدیک او منفجر شد و ترکشی از آن به گردنش اصابت کرد که در میان دوستانش، شایع شد که علی شهید شده است.

«یاسر عرفات» رئیس وقت تشکیلات خودگردان فلسطین دستور داد خیمه‌ای برای عزادارای‌اش برپا کنند اما او به هوش آمد. گرچه که پس از چند روز بر اثر جراحات همان ترکش‌ها در هفتم آگوست سال ۱۹۸۲ میلادی به درجه شهادت رسید.

«الیاس خوری» نویسنده معروف، داستان شهادت «علی فوده» را در رمان «باب الشمس» از زبان قهرمان آن، که در محل شهادت علی فوده حاضر بوده، روایت کرده تا به اختلاف نظرهای درباره چگونگی شهادت این شاعر پایان دهد. (ابراهیم خلیل، ۲۰۰۵: ۷۶-۸۱)



آن‌گاه که واژگان به طوفان

تهدید صهیونیسم برای سرزمین فلسطین، از حدود ۱۸۳۹ میلادی به بعد، شکل علنی به خود گرفت. در آن سال، «عبد الحمید» فرمانروای حکومت عثمانی پذیرفت که یک رهبر منتخب برای جامعه خاخام‌های یهود، به‌طور رسمی انتخاب شود. به دنبال آن بود که تعدادی از یهودیان جایگاه حاکمیتی پیدا کردند. در سال ۱۸۵۵ میلادی، یک یهودی به نام «سرموس مونته‌فیوری» از یک خانواده قدیمی ایتالیایی به فلسطین آمد و ملکی نزدیک بندر یافا خرید. شاید بتوان این اقدام را اولین گام در استعمار فلسطین و اشغال سرزمین قدس



«تمیم برغوثی» شاعر قدس

«تمیم برغوثی» ادیب و سیاستمدار متولد ۱۹۷۷ میلادی است. پدرش «مرید برغوثی» شاعر فلسطینی و مادرش «رضوی عاشور»؛ رمان نویس مشهور مصری است. او در سال ۲۰۰۴ میلادی موفق به گرفتن مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه واشنگتن آمریکا شد و به سرعت وارد فعالیت‌های سیاسی شد. وی هم‌اکنون استاد دانشگاه جرج تاون واشنگتن است. او با هوشیاری سیاسی و مطالعات عمیق بین‌المللی، ذوق هنری خود را برای دفاع از هویت فلسطین و مقابله با تاخت و تاز اشغالگران رشد داده است. او علاوه بر تالیف دو کتاب سیاسی، دو دیوان شعر به زبان عربی فصیح و چهار کتاب دیگر به زبان عامیانه فلسطینی و مصری دارد.

تمیم در یکی از قصیده‌های دردناکش، به توصیفی دقیق از جزئیات قساوت تجاوزگران به فلسطین داشته است. در پایان این قصیده، او افتخار صهیونیست‌ها به قتل عام کودکان بی‌گناه و انسان‌های آزاده را دستمایه سرایش پایان قصیده‌اش قرار داده تا مخاطب دلیل انزجار اشغالگران را با جان‌ش حس کند:

«و یرفع شاره للنصر مبتسماً إلى العدسات / منسحباً سعيداً أن طفلاً من أولئك لم یقم من تحت أنقاض المبانی / کی یکذره»
(ترجمه: و نشان پیروزی را با لبخند در مقابل دوربین‌ها بالا می‌برد / خوشحال بازمی‌گردد از این‌که حتی یک کودک هم از زیر آوار برنخاست / تا او را دلگیر کند.)

او مانند دیگر شعرای مقاومت، شکست و تسلیم را طرد می‌کند و تأکید دارد باید تا جایی که توان در بدن هست، مبارزان در برابر توطئه دشمن پایدار و مقاوم باشند و با ظلم و تجاوز جنایتکاران صهیونیست هیچ‌گونه سازشی نکنند:
«نقاتلهم علی عَظش و جُوع / و خذلان الأَقصى والأَدانی / نقاتلهم و ظُلم بني أبینا / نُعَانِیه کأنَّنا لا نُعَانِی / نُقاتِلهم کأنَّ الیَومَ یَومٌ / وحید ما لهُ فی الدهر ثانی»
(ترجمه: ما با دشمنان می‌جنگیم، با وجود تشنگی و گرسنگی و دست‌کشیدن نزدیکیان و غریبه‌ها از یاری‌مان / ما با این‌که از ستم پدزادگان‌مان رنج می‌بریم؛ اما چنان می‌جنگیم که گویی از این امر رنجیده‌خاطر نیستیم / با آنان طوری می‌جنگیم که گویا امروز، یگانه‌روزی است که روز دومی مانند آن در روزگار وجود ندارد.)

تمیم برغوثی با ظرافت هر چه‌تمام در یک قصیده دیگرش، دل کودکان فلسطینی را سرشار از بی‌باکی و شجاعت معرفی کرده و دانش‌آموزان مبارز امروز را فاتحان صبح پیروزی قلمداد کرده است. او همراهی نسل جدید با پدران مبارز خود در مسیر آزادی قدس شریف را این‌گونه توصیف می‌کند:

«تری الطفل من تحت الجدار منادیًا / أبی لا تخف! والموث یهطل وأبله / و والدُه رُعباً یُشیِر بکَفه / و تعجز عن ردّ الرصاص أنامله»
(ترجمه: کودک را در زیر دیوار می‌بینی که فریاد می‌زند: پدرجان نترس! درحالی که رگبار مرگ بر سر آنان فرود می‌آید / و پدرش ترسان با دست، اشاره می‌کند؛ در حالی که انگشتانش توان جلوگیری از اصابت گلوله‌ها را ندارد.)



انتفاضه برمی‌خیزند الاسماء

دانست. دیری نگذشت که در سال ۱۸۶۱ میلادی، «انجمن اسرائیلی لندن برای مهاجرت به سرزمین مقدس» پا گرفت. از این زمان به بعد، سرعت تحولات و اقداماتی از جنس اشغال و تهدید سرزمینی مردمان فلسطینی به دست یهودیان صهیونیست زیاد شد. این رویدادها را «خالد سلیمان» در فصل اول کتاب خود با نام «فلسطین و شعر معاصر عرب» مورد بررسی قرار داده است. در ادامه، با تلاش‌های «علی فوده»، «تمیم برغوثی» آشنا می‌شویم که حرکت خود در مسیر مبارزه را از این نقطه آغاز کردند و نام‌شان به عنوان یک مجاهد در یاد و خاطر همگان جاودان شده است.

به نام «المفخرة» دارد که باز هم داستان یوسف و برادرانش را تداعی می‌کند. او در قصیده‌اش، مخاطبی ناشناس که احتمالاً یک آواره فلسطینی است خطاب قرار می‌دهد که تلاش کند با وجود همه مشکلات و تاریکی‌ها، راهش را ادامه دهد. راهی که نه تنها از همراهی کسی برخوردار نیست، بلکه تمامی کسانی که می‌توانستند او را یاری دهند، اکنون از مخالفان و یا دشمنان او هستند و قصد دارند به هر نحوی جلوی پیشرفت او را بگیرند: «تو می‌دانی / که آنها شبانه تو را گرفتند / تا هنگام روز به تنهایی بازگردند / آیا تو به من می‌گویی / مرا ببخش / سخت دلفریب است / آن‌ها بمباران رادیویی را در پیش گرفته‌اند / هوشیار باش / تو موشک واقعی داری / دشمنان موشک گفت‌وگو با افکار را / و به من می‌گویی: / برادران دشمن‌وار، رؤیای تو را یک بار دیگر می‌درند.»

در واقع، این قصیده به شکلی بسیار لطیف و زیبا به داستان یوسف اشاره می‌کند که برادرانش او را با خود به صحرا بردند و بدون در نظر گرفتن عاطفه برادری و تنها به خاطر حسادت نسبت به علاقه زیاد پدرشان به یوسف، او را در چاه انداختند و بعد نیز به کاروانیان فروختند.

جالب است که این فراخوانی هدفمند احسن القصص، علاوه بر آثار سمیح القاسم، در تعداد زیادی از آثار «محمود درویش» دیگر شاعر نامدار ادبیات مقاومت فلسطین هم مشاهده می‌شود. سال ۲۰۱۴ میلادی بود که او با تقدیم میراثی عظیم به گفتمان مقاومت و پایداری فلسطینیان در هفت مجموعه آثار، چشم از جهان فرو بست. مجموعه آثاری که بسیاری از آنان به زبان‌های دیگر از جمله فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی ترجمه شده است.



منابع:

- <https://www.sid.ir/paper/۱۸۶۷۴۶/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۱۷۷۲۷۶/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۵۱۶۹۹۷/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۵۱۵۶۵۹/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۱۷۷۱۹۲/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۳۷۳۴۱۲/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۱۷۷۲۰۰/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۱۱۸۷۰۸/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۹۰۸۴۲/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۲۱۱۴۳۶/fa>
- <https://www.sid.ir/paper/۱۰۵۹۴۴۲/fa>
- <https://rasekhoon.net/article/show/۷۱۲۰۰۷>
- <http://fna.ir/۳fvgip>

«سمیح القاسم» شاعر پرآوازه ادبیات پایداری فلسطین به سال ۱۹۳۹ میلادی در نزدیکی شهر عکا متولد شد. او در دوران تحصیل، به فراگیری فلسفه و اقتصاد پرداخت و مدتی نیز رئیس انجمن نویسندگان عرب در فلسطین شد. در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۱ میلادی توسط رژیم موقت صهیونیستی زندانی شد و هر بار پس از آزادی، محکوم به حبس خانگی می‌شد. شهرت «سمیح القاسم» را می‌توان در انتخاب بستری که برای سرودن مضامین شاعرانه دارد جست. سمیح به قرآن به عنوان احسن القصص تکیه کرده است. او با تکیه بر بیان قرآن کریم از زندگانی یوسف پیامبر علیه‌السلام اشعارش را سروده است تا به اعراب کنایه بزند که چطور برادر خود یعنی فلسطین را به کمترین بها فروختند و کمترین مهری نسبت به اوضاع نابسامان برادرشان ندارند. قهرمان قصه او، انسانی است از یک قوم سرسخت، مقاوم و امیدوار که در هیچ شرایطی تسلیم نمی‌شود و برای هر مشکل و رنجی در طول تاریخ بشریت، پاسخی سرشار از ایستادگی و امید به فردای بهتر دارد و این تمثیل، معادلی جز فلسطین ندارد.

او در قصیده طولانی «کفر قاسم الی دهر الذهرین» به معنای «کفر قاسم تا ابد» به ماجرای کشته شدن شهدای روستایی به نام کفر قاسم به دست اشغالگران صهیونیست اشاره دارد. در واقع این قصیده او، بخشی از آیات ۴۳ و ۴۶ سوره یوسف را با وقایع سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ میلادی فلسطین تطبیق داده که

بدبختی، فقر و مصائب فراوانی برای ملت مظلوم فلسطین رقم خورد. قصیده «أمّ الجلیل» سمیح القاسم نیز داستان شهر الجلیل و گفت‌وگوی شاعر با این شهر درباره رنج‌ها و مصیبت‌هایی است که بر سر او آمده و با این حال، برادرانش یعنی کشورهای عربی سکوت کرده‌اند. در ادامه، ترجمه بخشی از این قصیده را می‌خوانیم:

«آنان چون گردان‌هایی از سربازان پر از بیماری و کینه و بدبختی بر تو وارد شدند / در حالی که تا بن دندان مسلح به خفت و خواری خود بودند و گروهی از جیره‌خواران پشت سرشان بودند، بر تو وارد شدند / مرد نمایانی از جنس آنان که یهودا (برادر بزرگ یوسف) را با مکر و فریب خود، روانه نمودند (برای برادر فروشی) / آنانی که (با فروش یوسف) آبرو و عهد خود را به پول سیاه برده فروشی و جرعه‌ای آب، فروختند / همان گمراهان و غافلانی که با خواری خود، کسانی را که به ما ضربه زدند و خون ما را لیسیدند، یاری کردند.»

سمیح القاسم یک قصیده ۳۰ صفحه‌ای دیگر

صدا، دوربین، مقاومت

نگاه مستندسازان به مجاهدت مردم فلسطین

شاید کمتر درباره اعتراض بسیاری مستندسازان نسبت به تمایز خبرنگار از مستندساز در پوشش حقوق بین الملل و تضمین امنیت جانی شنیده باشید. اگر بخواهید برای ورود به مناطق اشغالی فلسطین و یا حداقل مناطقی مثل نوار غزه و کرانه باختری اقدام کنید، می‌توانید خبرنگاری باشید که رسماً معرفی شده و از حقوق حداقلی برخوردار است تا میکروفون به دست، لحظه به لحظه تحولات را برای مخاطب خود مخابره کنید. اما نمی‌توانید یک مستندساز دوربین به دست باشید که تلاش دارد فریم به فریم از آن موقعیت را مستندسازی نماید. با این همه، با همت و تلاش شایسته تقدیر افرادی شجاع و جسور، تصاویر بسیاری از مناطق اشغالی در طول دهه‌های اخیر ثبت و انتشار یافته که دستمایه مستندسازان شده تا با کمترین موجودی، بهترین روایت‌های مستند را برای مخاطب تشنه حقیقت مسأله فلسطین خلق کنند.

روای بازگشت

روای بازگشت، محصول خانه مستند برای اولین بار دوازدهم مهر ماه ۱۳۹۵ در دفتر جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران با حضور ناصر ابوشریف؛ نماینده این جنبش در ایران، رونمایی شد و اولین پخش سراسری آن ۴ روز بعد در شبکه یک سیما بود که بازخورد بالایی داشت.

یکی از مباحث اصلی این مستند، انتفاضه سوم فلسطین است که در اکتبر ۲۰۱۵ آغاز شد و به انتفاضه قدس مشهور شد. کارگردانی این مستند را سیمه احمدی بر عهده داشته که در ۴۸ دقیقه بنا دارد نقشه‌های رژیم صهیونیستی برای یهودی‌سازی قدس را بیشتر باز کند تا ابعاد دقیق‌تری از انتفاضه سوم برای مخاطبان مطرح شود. در واقع این انتفاضه که با میدان آمدن خودجوش جوانانی اغلب کمتر از ۲۵ ساله و بدون هماهنگی گسترده در سطح مقامات ارشد گروه‌های



فلسطینی به وقوع پیوست، شرایط جدیدی در صحنه مقاومت فلسطین رقم زد. این مستند با انتخاب موضوع انتفاضه قدس تلاش کرده اشغالگری صهیونیست‌ها و ادعای واهی آنان درباره مالکیت این سرزمین را بررسی کرده و پاسخ متقن به آن بدهد.

در این مستند کارشناسانی، چون محمد سلیمان ابونصیره مدیر شبکه فلسطین الیوم در ایران، ناصر ابوشریف نماینده جهاد اسلامی در ایران، زینت عمرو مدرس حلقه‌های علمی مسجد الاقصی، منتهی ابو سنینه مدرس حلقه‌های علمی مسجد الاقصی، هنادی حلوانی استاد مکاتب علمی در مسجد الاقصی، خالد زبارقه وکیل مدافع زنان ممنوع الورد به الاقصی در رابطه با مباحث فلسطین به گفتگو می‌پردازند.

آن ۲۵۰ نفر غیرنظامی

شاید بخواهید بدانید چرا همیشه صحبت از آن است که در ذات رفتار صهیونیست‌های اشغالگر سرزمین قدس، وحشی‌گری وجود دارد. یکی از عجیب‌ترین سوزها برای یافتن پاسخ این سوال کلیدی، نام روستایی است در ساحل مدیترانه، «طنطوره» نام روستایی ساحلی در کنار مدیترانه است که بقایای شهر باستانی فنیقی‌ها یعنی تل البرج را در خود جای داده است. البته میراث دیگری هم در تاریخ این روستا ثبت شده و آن جنایت تروریست‌های جوخه‌هاگانا است.

یک مستندساز یهودی به نام آلون شوارز به سراغ تحقیقات تئودور کاتز رفته که در سال ۱۹۹۰ و پس از چهار دهه از آن واقعه هولناک، برای پروژه پایان دوره کارشناسی ارشد، اعتراف‌های کهنه سربازان صهیونیست و برخی شاهدان بومی را طی ۱۳۰ مصاحبه جمع‌آوری کرده تا ثابت شود چگونه ۲۵۰ غیرنظامی ساکن این روستا به چه شکل قتل عام شدند.

جالب است بدانید طی روزهای

پس از آغاز طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، کاربران فضای مجازی انتشار گسترده کلیپی را رقم زدند که یک نظامی سابق ارتش اسرائیل جلوی دوربین نشسته و با خنده درباره قتل عام غیرنظامیانی که پرچم سفید در دست داشتند توضیح می‌دهد. او در پاسخ به این سوال که چند نفر را کشته می‌گوید نمی‌داند! من فقط یک مسلسل داشتم با ۲۵۰ گلوله. این کلیپ که در سرتاسر جهان دیده شد، بخشی از مستند طنطوره بود که در نهایت سال ۲۰۲۲ میلادی منتشر شد تا زاویه نگاه هم‌کیشان یهودی آن اشغالگران - آلون شوارز کارگردان و تئودور کاتز محقق - کشتار وحشیانه مالکان حقیقی طنطوره را به تصویر بکشد. آلیس اشپری، ستون‌نویس مجله اینترسپت درباره این مستند گفته: «طنطوره دروغی که در بطن افسانه تأسیس اسرائیل جای گرفته را برملا می‌کند.»



شرحی بر الفبای اشغال

در سال ۲۰۰۶ میلادی مستندی تأمل برانگیز به کارگردانی صوفیان آمیش و عبدا... آمیش منتشر شد که راوی آن یک خانم آمریکایی به نام آلیسون ویر است. خانم ویر کنشگر و نویسنده آمریکایی است که مسئله فلسطین را انتخاب کرده تا سازمانی غیرانتفاعی

و مردم‌نهاد با عنوان «اگر آمریکایی‌ها می‌دانستند» یا If American Knows تأسیس نماید و از این طریق به شکل رسمی و ساختارمند به انتقاد از حمایت همه‌جانبه دولتمردان آمریکایی و دست‌های پشت پرده قدرت و ثروت در این کشور از دولت جعلی اشغالگران صهیونیست پرداخته است. آلیسون ویر پانزده سال و با آغاز انتفاضه دوم فلسطین؛ مشهور به انتفاضه الاقصی، در حالی که سردبیر یک هفته‌نامه



محلی در ساوثسالیو ایالت کالیفرنیا بود، متوجه گزارش‌هایی با موضوع اسرائیل روی خروجی خبرگزاری‌های آمریکایی شد. راوی مستند از پوشش رسانه‌ای خاصی که در آمریکا پیرامون واژه اسرائیل می‌دید، شگفت زده شد. در نهایت، این مستند تلاش کرده درباره سیاست اسرائیل در فلسطین به خصوص در منطقه غزه و کرانه باختری، از زبان دانشمندان، رهبران مذهبی، فعالان حقوق بشر و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد که همگی یهودی هستند، شرح بی‌عدالتی‌ها و قصاصات‌های رخ داده در روزگار اشغال فلسطین را بازگو کند. بعلاوه، مستند Occupation ۱۰۱ یا الفبای اشغال توانسته جایزه بهترین تدوین جشنواره بورلی هیلز سال ۲۰۰۷ را نیز از آن خود کند.

هاکریا ۲۰۴۰

هاکریا واژه‌ای عبری به معنای منطقه یا محدوده است و در قلب تل‌آویو نیز منطقه‌ای به همین نام وجود دارد که نهادها و ساختارهای امنیتی، اطلاعاتی و نظامی رژیم اشغالگر قدس آنجا مستقر هستند. هاکریا ۲۰۴۰ اثری به تهیه‌کنندگی و سردبیری سیدهاشم موسوی است که در

۱۳ قسمت تلاش دارد روایتی از ساختار نهادهای اسرائیلی ارائه بدهد تا ابعاد پنهان حاکمیت جعلی اسرائیل را بر جامعه خود، فلسطینیان در حال مقاومت علیه اشغالگری و نیز دیگر کشورهای حساس برای پیشبرد اهداف‌شان -از جمله ایران که پیش از وقوع انقلاب اسلامی بیشتر در دسترس آنان بود- برای مخاطب شفاف کند. این مستند با ایده‌ای ناب تلاش کرده شناختی دقیق و درست از رژیمی ارائه دهد که حضرت امام خمینی (ره) در گفتمان انقلابی خود



آترا غده سرطانی معرفی کرد. این اثر در سال ۱۳۹۶ به مخاطبان ارائه شد و توانست خلاء پرداخت به اتفاقات و تحولات داخل جامعه صهیونیستی طوری بپردازد که به دور از هیاهوهای متداول، وضعیت و ماهیت آن را برای مردم ایران موشکافی کند که سخت به دنبال مبارزه با اشغالگری و ظلم آنان و مشتاق رسیدن لحظه نابودی این رژیم جعلی هستند. هاکریا ۲۰۴۰ به دنبال آگاهی بخشی درباره ماهیت، ساختار و برنامه‌های حکومت جعلی اسرائیل است و برای این مقصود در هر قسمت، یک گفت‌وگوی اصلی، یک معرفی فیلم از سینمای رژیم صهیونیستی مرتبط با موضوع آن قسمت و نیز سه گزارش مستند تصویری تدارک دیده است. میلیتاریسم، اتحاد پیرامونی، موساد، هرم قدرت، شکاف‌های اجتماعی، انتخابات کنست، سیستم‌های امنیتی، سیاست و دیانت، مجتمع‌های نظامی و در نهایت روابط آمریکا و اسرائیل از جمله عناوینی است که در کنار ۳ عنوان دیگر، مجموعه هاکریا ۲۰۴۰ را تشکیل می‌دهد.

ماجرای گاوهای تحت تعقیب!

است که دیده‌ام». این مستند در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو رونمایی شد و توانست ۳ جایزه بهترین مستند را در جشنواره ابوظبی ۲۰۱۴، جشنواره مستند الجزیره ۲۰۱۵ و جشنواره فیلم تراورس آمریکا از آن خود کند. سوژه‌ای که کارگردان فلسطینی انتخاب کرده، نشان دادن فضای شدید خفقان در جامعه و نقش نهادهای خرد مردم‌نهاد برای حل معضلات اجتماعی بزرگ است. مستند ۱۸ تحت تعقیب یا Wanted ۱۸ روایتی تلخ اما طنازانه دارد تا نشان دهد چگونه اسرائیلی‌های غاصب هرگونه مقاومت مسالمت‌آمیز را تبدیل به دستمایه ظلم و ستم می‌کنند. این اثر متفاوت ۷۰ دقیقه‌ای که ساخت آن ۵ سال طول کشیده را ببینید تا بدانید چطور اشغالگران اسرائیلی، چهل روز تقلا می‌کنند به علت اقدام علیه امنیت ملی اسرائیل! این ۱۸ گاو را مصادره کنند که امنیت غذایی و نیز امنیت اقتصادی مردم بیت ساحور مخدوش شده و آنان همواره نیازمند محصولات اسرائیلی باشند.



قصه به سال ۱۹۸۸ باز می‌گردد. دوره‌ای که همزمان با اولین انتفاضه فلسطینیان، اهالی روستای «بیت ساحور» در شرق بیت لحم، برای تأمین نیاز ساکنان منطقه به شیر و لبنیات، تصمیم می‌گیرند ۱۸ رأس گاو خریداری کنند و آن را در منطقه‌ای که پرورش گاو رایج نبوده، آغاز کنند. تولید شیر و محصولات آن زیر پرچم تعاونی با عنوان «شیر انتفاضه»، باعث می‌شود مردم مسیحی این منطقه با بی‌نیازی از محصول اسرائیلی مشابه، روی به تحریم آن بیاورند. عامر الشوملی؛ فیلمساز جوان فلسطینی نشان داده چطور اهالی یک روستا با محوریت ملیت و استقلال، یکصد و یکدل شده و بدون هیچگونه جهت‌گیری سیاسی یا مذهبی، سربلندی و عزت فلسطین را می‌خواهند. گرچه پایان این دوره از مبارزات آنان به «مذاکرات اسلو» ختم می‌شود و پایانی تلخ دارد. این مستند در سال ۲۰۱۴ منتشر شده و مایکل مور؛ کارگردان آمریکایی برنده نخل طلایی کن درباره آن می‌گوید: «این مستند یکی از بهترین آثاری

در جست‌وجوی وطن شرقی

اگر می‌خواهید درباره یک مسیحی فلسطینی بشنوید که در پی آغاز اشغالگری در ۱۹۴۸ برای تشکیل رژیم جعلی اسرائیل با خانواده خود از وطنش اخراج شد و در نهایت از آمریکا سر در آورده و خیلی زود به عنوان استاد دانشگاه بر حوزه‌های مختلف اندیشه از فلسفه

و ادبیات تا علوم اجتماعی تسلط پیدا می‌کند، می‌توانید «در جست‌وجوی وطن شرقی» را ببینید. اثری که در ۸۰ دقیقه مخاطب را با زندگانی «ادوارد سعید» به عنوان یکی از چهره‌های برجسته قرن بیستم آشنا می‌کند. عموم متفکران و اندیشه‌ورزان در ایران، جهان عرب و دنیای غرب که آثار او را مطالعه کردند، اذعان دارند تأثیر فکری عمیق او بر عرصه‌های مختلف اندیشه تا ده‌ها سال دیگر هم پررنگ است. به



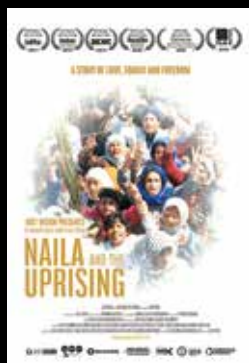
خصوص در حوزه انسان‌شناسی که مجموعه آثارش از جمله کتاب معروف او «شرق‌شناسی» نگرش و بینش مترقی ادوارد سعید را به مخاطب یادآور می‌شود. او با انتخاب رویکردی تأثیرگذار بر علوم انسانی، توانسته مطالعات شرق‌شناسی و مطالعات پسااستعماری را متحول سازد.

علیرضا خوشنویس به عنوان کارگردان این اثر به خوبی توانسته یک متفکر و استاد دانشگاه مسیحی ساکن آمریکا اما با اصالت فلسطینی را به تصویر بکشد که همواره تلاش داشته نگاه غرب را به مسائل منطقه غرب آسیا و به خصوص اشغال فلسطین اصلاح نماید. ممارست ادوارد سعید برای زنده نگه داشتن حق فلسطینی‌ها در افکار عمومی جهانیان تا حدی بوده که یک بار بعد از مناظره‌اش با یهودیان حامی اسرائیل، به محل کارش حمله شده و آنرا به آتش کشیدند.

داستان حماسه زنان در انتفاضه اول

وقتی قیام گسترده انتفاضه ۱۹۸۷ آغاز شد، زنی اهل غزه از میان عشق، خانواده و آزادی مجبور به انتخاب شد: البته نائله بی‌واهمه و در کمال غیرت هر سه را به دست می‌آورد. جولیا باشا، کارگردان مستند Naila and the Uprising با «نائله و انتفاضه» است و در

۷۷ دقیقه سعی دارد تلاش‌های زنی به نام نائله عایش را همراه با جمعی از زنان مبارز فلسطینی نشان دهد که جهان را مجبور کرد برای اولین بار اعتراف کنند ساکنان فلسطین و مالکان زمین‌ها بر سرزمین خود حق اختیار دارند. جالب است که حاشیه‌نگاری‌های مختلفی در رسانه‌های آمریکایی پیرامون این مستند وجود دارد. هالیوود ریپورتر درباره این اثر نوشته است: «جهت‌گیری هوشمندانه و کار تکنیکی



این مستند، فلش مستقیمی به پروتاگونیست (همان قهرمان داستان) را مشخص و معین کرده است». همچنین هافینگتون پست این مضمون را چاپ کرده است: «فیلم جولیا باشا با ترکیبی از آرشیوهای تکان‌دهنده با مصاحبه‌های بافکر و ملاحظه، تلاش کرده ادای احترامی عظیم به زنانی کند که هنوز هم در حال مبارزه دموکراتیک برای یک کشور فلسطینی هستند؛ مکانی که جایگاه واقعی آنان است». این مستند پرکشش و جذاب، منتخب ۸ جشنواره فیلم و مستند به میزبانی دبی، نیویورک، ژنو، سان فرانسیسکو، سیاتل و دیگر نقاط جهان است. سما عویضه یکی از سوژه‌های این اثر متفاوت، می‌گوید: «ما به عنوان زن، نمی‌توانیم آزاد باشیم مگر اینکه در کشوری آزاد قرار داشته باشیم. حتی اگر از این اشغالگری رها شویم، ما تا وقتی در جامعه‌ای مقهور، مطیع و فرمانبردار هستیم، آزادی و آزادی را درک نخواهیم کرد».

منابع

<https://snn.ir/۰۰۴ej۳>
<https://khanemostanad.ir/۳۶۸/>
<https://ammaryar.ir/m/hi۱ba>
<https://www.iribnews.ir/۰۰Gp۹t>
<https://snn.ir/۰۰۴cu۷>
<https://tv۴.ir/Content/۴۰۳۲۵۳>
<https://rooznamehsaba.ir/۱۲۸۰۰/>
<https://www.tiwall.com/p/occupation۲>
<https://madaresharghi.ir/?p=۲۷۱۸۳>
<https://www.nasim.news/fa/tiny/news۲۳۲۹۶۵۴->
<https://resagoft.com/%D۸۵%D۸B%۳D%۸A>

%D۸۶%D۸AF%-۱۸-D۸AA%D۸AD%D۸AA-
 %D۸AA%D۸B%D۸۲%D۸B%۳D%۸A
 %D۸A%۸C-%D۸AA%D۸۴%D۸AE%D۹
 %۸۶%D۸AF%DBA%۳D-%D۸AF%D۸B%۱D-
 %۸B%۳D%۸A%۲D%۸۵%D۸۸%D۸B%-۲D%۸A/
<https://khanemostanad.ir/۱۹۰۱/>
<https://ammaryar.ir/m/nydhi>
<https://ammaryar.ir/m/bijiq>
<http://fna.ir/۳gh۳q۴>
<http://iscanews.ir/xb۸HK>
<https://www.taskovskifilms.com/film/naila-and-the-uprising/>
<https://ff.hrw.org/film/naila-and-uprising>

از راکت «بدر» تا موشک نقطه زن «قاسم»



راکت گراد ۴۰

برد مفید: ۴۰ کیلومتر



موشک کوتاه برد براق ۷۰

برد مفید: ۷۰ کیلومتر



موشک کوتاه برد براق ۱۰۰

برد مفید: ۱۰۰ کیلومتر



موشک کوتاه برد براق ۱۲۰

برد مفید: ۱۲۰ کیلومتر



موشک بدر ۳

موشک قوی و نقطه زن گردان های القدس که هنوز اطلاعات دقیقی از آن منتشر نشده است.



موشک کوتاه برد «قاسم» با ۴۰۰ کیلو «تی ان تی»

بسیار مخرب و قوی که تازه رونمایی شده است.

گردان های «القدس» از سال ۲۰۰۱ میلادی تا کنون در حوزه توان موشکی خود، پیشرفت های بسیاری داشته اند که همین پیشرفت ها در کنار توان موشکی گردان های شهید «عزالدين القسام» شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، سبب درهم شکستن توان گنبد آهنین رژیم صهیونیستی شده است.

گردان های القدس، یک سال بعد از جنگ ۲۲ روزه یعنی سال ۲۰۰۹ میلادی، حضور فعالی در شلیک موشک به سمت اراضی اشغالی ایفا کرد. با این حال در سال ۲۰۱۲ میلادی در جنگ ۸ روزه، توسعه موشکی خود را به نمایش گذاشت و بیش از ۹۰۰ موشک به سمت شهرک های صهیونیستی پرتاب کرد. آن ها در این سال، تل آویو را نیز با موشک «فجر ۵» هدف قرار دادند. القدس، به موشک های «گراد» که ساخت داخل

فلسطین نیست و بُردی ۴۰ کیلومتری دارد نیز دسترسی دارد اما موشک های ساخت خود این گردان ها، موشک های بدر هستند که قوی ترین آن ها «بدر ۳» با برد ۱۶۰ کیلومتر است. موشک های «بُراق» نیز که دارای بردهای ۷۰، ۱۰۰ و ۱۲۰ کیلومتر است، قادر به حمل کلاهک های انفجاری ۳۰۰ کیلوگرمی هستند. «براق ۱۲۰» که برد ۱۲۰ کیلومتری دارد،

هرچند نمی تواند دورترین نقاط شمالی و جنوبی را هدف قرار دهد اما از شمال، قابلیت هدف قرار دادن بندر راهبردی حیفا را دارد. القدس در زمینه تولید پهپاد نیز پرقدرت ظاهر شده و سال پیش، از پهپاد خود با عنوان «جنین» رونمایی کرد که از قدرت تهاجمی برخوردار است.

موشک ها و راکت های در اختیار گردان های القدس، شاخه نظامی جهاد اسلامی



راکت بدر ۸

برد مفید: ۸ کیلومتر



راکت ۱۰۷ میلیمتری (مینی کاتیوشا)

برد مفید: ۸ کیلومتر



راکت ۱۲۲ میلیمتری (کاتیوشا)

برد مفید: ۴۰ کیلومتر



راکت فجر ۳

برد مفید: ۴۳ کیلومتر



راکت فجر ۵

برد مفید: ۷۵ کیلومتر

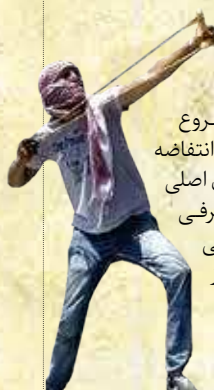


راکت گراد ۲۰

برد مفید: ۲۰ کیلومتر



انتفاضه ۱۹۸۷ م. فلسطین:

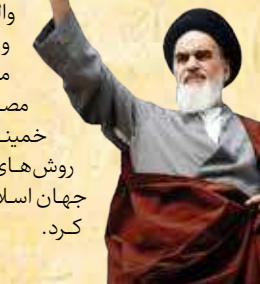


جنبش جهاد اسلامی در انتفاضه اول فلسطین (۱۹۸۷ م.) نقش مؤثری داشته است. سخنرانی‌های عبدالعزیز عوده در مسجد عزالدین القسام، از عوامل مهم شروع این انتفاضه به شمار رفته است. اسرائیل در انتفاضه دوم (۲۰۰۰ م.)، رمضان عبدالله شلح را مسؤول اصلی بسیاری از علمیات‌های ضد اسرائیلی معرفی کرد. مشارکت نیروهای نظامی جهاد اسلامی در این انتفاضه، علت ترور تعدادی از فرماندهان شاخه نظامی این جنبش توسط رژیم موقت اسرائیل عنوان شده است.



تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران

فتحی شقاقی، پیش از تأسیس این جنبش، کتابی با عنوان «الخمینی؛ الحل الإسلامي والبدیل» (خمینی؛ راه حل اسلامی و جایگزین) را منتشر کرد که منجر به بازداشت او توسط دولت مصر شد. وی اندیشه و انقلاب امام خمینی (ره) را بهترین جایگزین برای روش‌های دیگر برای رسیدن به اهداف جهان اسلام خصوصاً آزادی فلسطین اعلام کرد.



اهداف اعتقادات:

آزادی کامل فلسطین - نابودی کامل رژیم صهیونیستی - برقراری حکومت اسلامی



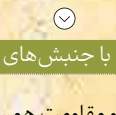
عملیات‌ها:

بیت لید، دیزنگوف، گفر داروم، نینساریم، شرق جبالی، مَرَج



مرام جنبش:

۱. ملی‌گرایی فلسطینی
۲. افکار و اندیشه‌های شخصیت‌هایی مانند حسن البنا، سید قطب و عزالدین القسام
۳. آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران



مناسبات با جنبش‌های همسو:

۱. حماس: تعامل سازنده و مقاومت همسو
۲. ساف: روابط سیاسی آمیخته با احتیاط به دلیل فاصله گرفتن سازمان آزادی‌بخش فلسطین از انگیزه‌های حقیقی مقاومت فلسطین.



شاخه نظامی:



گردان‌های القدس، تاریخ تأسیس: نیمه دوم دهه هشتاد قرن بیستم میلادی (گردان‌های القدس، بزرگترین نیروی نظامی غزه بعد از گردان‌های شهید عزالدین القسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) به شمار می‌رود).



مشارکت در عملیات طوفان الاقصی

به گفته برخی رسانه‌های اروپایی، جنبش جهاد اسلامی در عملیات طوفان الاقصی که منجر به هلاکت ۱۴۰۰ اشغالگر و به اسارت درآمدن چند صد صهیونیست متجاوز شد، مشارکت داشته است. این جنبش اعلام کرده است بیش از ۳۰ اسیر صهیونیست را در اختیار دارد که تنها از راه مبادله، آنها را تحویل خواهد داد.



اقتدار مقاومت در کرانه باختری کلید اصلی به زانو درآوردن صهیونیسم

امروزه و به شهادت اسناد، قدرت و اعتبار گروه‌های مقاومت فلسطینی و جهاد اسلامی روز افزون شده و شکست اخیر رژیم صهیونیستی در جنگ ۵ روزه مؤید همین موضوع است. جهاد اسلامی فلسطین در نبرد اخیر غزه، امتحان خوبی داد و اکنون شرایط برای رژیم صهیونیستی نسبت به هفتاد سال قبل تغییر کرده و سران صهیونیستی حق دارند که نگران ندیدن هشتادسالگی این رژیم باشند. جنبش جهاد اسلامی و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی، کلید اصلی مبارزه با رژیم صهیونیستی را یافته‌اند و اقتدار روزافزون گروه‌های مقاومت در کرانه باختری کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است که این مسیر باید ادامه یابد.



بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیأت همراه

۲۴ خرداد ۱۴۰۲

